

توفان و کنفدراسیون جهانی

دفتر اسناد

ضمیمه فصل شانزدهم

مندرج در دفتر اول جلد هفتم

توفان و کنفدراسیون جهانی

دفتر اسناد

سازمان مارکسیستی – لنینیستی توفان

و کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی
(اتحادیه ملی)

۱ فروردین ۱۴۰۴ مطابق ۲۱ مارس ۲۰۲۵

حزب کار ایران (توفان)

سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان و کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی (اتحادیه ملی)

انتشارات: از انتشارات حزب کار ایران (توفان)

عنوان کتاب: توفان و کنفدراسیون جهانی

مندرجات: یک بررسی تاریخی از دیدگاه‌ها و مبارزه سیاسی در درون کنفدراسیون جهانی

ایمیل: toufan@toufan.org

تارنما: www.toufan.org و www.toufan.de

آدرس: Postfach 1138, 64526 moerfeld-waldorf



PLI (Toufan)

فهرست

دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم	۱
سند شماره ۱ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم	۲
پیمان ۸ ارگان دفاعی کنفدراسیون جهانی در زندان‌های شاه	۲
سند شماره ۲ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم	۵
اطلاعیه هیات دبیران کنفدراسیون در باره پیمان شماره ۴۹	۵
سند شماره ۳ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم	۹
مبارزه علیه دشمنان مردم را گسترش دهیم	۹
(در باره ماهنامه مردم و رادیو پیک ایران)	۹
سند شماره ۴ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم	۱۷
پوستری را که دبیران موقت کنفدراسیون در دفاع از فرزندان خلق با تصویر پرویز حکمت‌جو	۱۷
سند شماره ۵ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم	۱۹
سازمان دانشجویان ایرانی در شمال کالیفرنیا عضو کنفدراسیون جهانی	۱۹
سند شماره ۶ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم	۳۷
اطلاعیه هیئت دبیران کنفدراسیون جهانی	۳۷
سند شماره ۷ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم	۴۱
سازمان مونیخ در تاریخ ۱۹/۰۸/۱۹۷۴ مقدمه‌ای بر یک سند	۴۱
سند شماره ۸ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم	۴۱
رفقای هئیت دبیران کنفدراسیون مونیخ ۱۹/۸/۷۴	۴۲
سند شماره ۹ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم	۴۴
موضع انجمن مونیخ در مورد اطلاعیه ۱۱ آگوست ۱۹۷۴ هیئت دبیران موقت کنفدراسیون و پیشنهاد برای حرکت به سوی حل و رفع مشکلات موجود	۴۴
سند شماره ۱۰ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم	۵۰
سازمان دانشجویان ایرانی شهر فرانکفورت	۵۰
قطعه‌نامه	۵۰
سند شماره ۱۱ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم	۵۲
مونیخ ۷۴/۹/۹ رفقای هئیت دبیران کنفدراسیون جهانی	۵۲
سند شماره ۱۲ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم	۵۴
سازمان دانشجویان ایرانی در شمال کالیفرنیا عضو کنفدراسیون جهانی	۵۴
سند شماره ۱۳ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم	۶۴
اعلامیه هیئت دبیران فدراسیون آلمان در باره اختلافات درون جنبش و ضرورت تشدید مبارزات دفاعی	۶۴

- سند شماره ۱۴ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم ۷۰
(نامه هیئت دبیران موقت کنفدراسیون جهانی به هیئت کارداران انجمن مونیخ) فرانکفورت ۲۲ اکتبر ۷۴ ۷۰
- سند شماره ۱۵ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم ۷۲
۴ نوامبر ۷۴ مونیخ رفقای هیئت دبیران کنفدراسیون جهانی ۷۲
- سند شماره ۱۶ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم ۷۴
فرانکفورت ۷ نوامبر ۷۴ "برای قرائت در جلسه عمومی" هیئت کارداران انجمن مونیخ ۷۴
- سند شماره ۱۷ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم ۷۶
۱۱/۱۱/۷۴ مونیخ رفقای هیئت دبیران ۷۶
- سند شماره ۱۸ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم ۷۹
(نامه هیئت دبیران موقت کنفدراسیون جهانی به هیئت کارداران انجمن مونیخ) فرانکفورت ۱۴ نوامبر ۷۴ ۷۹
- سند شماره ۱۹ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم ۸۲
اظهار نظر انجمن مونیخ در مورد معلق کردن عضویت این واحد توسط هیئت دبیران موقت کنفدراسیون ۸۲
- سند شماره ۲۰ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم ۹۲
موضع دبیران کنفدراسیون در مورد انجمن مونیخ پس از شرکت در جلسه عمومی ۷ و ۸ دسامبر ۱۹۷۴ ۹۲
- سند شماره ۲۱ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم ۹۷
بخشنامه به همه واحدها برای بحث در جلسه ۱۵ دسامبر ۱۹۷۴ ۹۷
- سند شماره ۲۲ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم ۱۰۳
مونیخ به تاریخ ۷۴/۱۲/۲۰ رفقای هیات دبیران فدراسیون آلمان ۱۰۳
- سند شماره ۲۳ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم ۱۰۵
آخرین تلاش‌های رسوای گردانندگان انشعاب را به طور نهائی درهم شکنیم ۱۰۵
- سند شماره ۲۴ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم ۱۱۳
سمینار اردوی کنفدراسیون جهانی - ۱۹۷۴ جمع‌بندی شماره ۱ ۱۱۳
نظریه خط میانه ۱۱۳
- سند شماره ۲۵ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم ۱۱۷
سمینار اردوی کنفدراسیون جهانی - ۱۹۷۴ جمع‌بندی شماره ۲ ۱۱۷
"نظریه گروه "کادر" ها ۱۱۷
- سند شماره ۲۶ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم ۱۲۲
سمینار اردوی کنفدراسیون جهانی - ۱۹۷۴ جمع‌بندی شماره ۳ ۱۲۲
- سند شماره ۲۷ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم ۱۲۶
جمع‌بندی سمینار کنفدراسیون در اردوی تابستانی ۱۹۷۴ ۱۲۶
- سند شماره ۲۸ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم ۱۳۰
اظهار نظر مونیخ در مورد اقدامات کنونی انشعابگران ۱۳۰

توفان و کنفدراسیون جهانی

دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم

مندرج در دفتر نخست جلد هفتم

مندرج در بخش: (اسنادی در دفاع یک پارچه از حقوق دموکراتیک کلیه زندانیان سیاسی از جمله زندانیان توده‌ای)

با اوقات کونکر اسکات ملا کھدایونم با بھر بھر ستر بنامہ دفاع اتر دھید!

ارگان دلسی کف راسون جہاں

۱- کلانتری	* ۲۷	* صنعتی تهران
۲- شهسوار		* دکتر اروم ساز
۳- نگهدار	* ۲۴	* غنی - دانشجو
۴- سوهی	* ۲۶	* دانشجو
۵- انتشار		* دانشجو

[illegible]

ترجمه‌ی الهام نراند، راسل از بولتن شماره ۶ لندن

در هفته های اخیر اخبار و شایعاتی در مورد او را بسیار به ایران از جانب خبرنگاران اروپا و شرقی و غربی و شایع شده و همچنین از جانب برخی ایرانیان از داخل کشورشان تا روز سه شنبه در روزهای چهارم پخش گشتند. بیشتر این شایعات مربوط به جن جدیدی از اقیانوس آند که در آنجا پدید آمده است و او را گرفته اند. حوضه که در نزدیکی پل درونجی پل تشکیل گرفته است چنانچه خبری در ۲۲ تاریخ ۱۳۴۲ توسط پستین-الکندر انتشار اعلامیه جهانی خبری در تهران حاکم بود و زنده آن معروف بود. هر قدر وارد کرد که زنده آنجا میسر آن را می بینید. در حقیقت این بود که به عنوان خبری خاص میسر به شد از سایرین و آن تهران به تریخ بود. به دلیل مزبور این امر انتشار نگذرد.

ایرانیان باقی از او پس از اسفندگان اعلامیه جهانی حقوق بشر است اما سالیانست که جلوتیون از فعالیت احزاب سیاسی حسن افرام بدی محکمه یا با محاکمه های نمایشی فرمایشی و تاسوس بر جرایم در ایران حکم فرمایشی به حقوق اولیه مانند آزادی عقیده و اجتماع و تشکیل جماع یا روشهای خاصی از بین برده ندهد است

[illegible]

در تاریخ ششم سپتامبر ۱۸ زمین طوفانی عظیمی ایران و گیلان در حال در
یک حاصبه طوفانی وسیع را در اختیار داشت خوار «حاکم دزفیران» یک
سلسله اتفاقات نامرتب را در اختیار و طاقی چند دستگاه تله‌گراف
ایران را در اختیار طوفانی خارجی گرفت.
با اطلاع خود، که این نکته در بیان مطالب این اخبار را با اطلاع همه
ایرانیان و بیرون افسان و اعدای هر دو را پسور می‌باشم.
۱۸ سپتامبر ۱۸۰۰ در ایران روزها در طوفانی آفرینش اخباری پیش
می‌آید که در ایران «حاکم صغی» علیه «دشمنان» درمی‌تابد.
«حاکم صغی» در ایران است.

[illegible]

در این زمینه گزارش آقای آندرو سوسا نماینده انجمن بین المللی حقوق انان
در موکرات که در تاریخ ۱۲ دسامبر ۶۸ پس از مراجعت از ایران در نامه است
نشان می‌دهد که تاجه انداز مقامات دولتی ایران جریان این محاکمه را شفافی
نگاهدشته اند .

[illegible]

صوفی‌ها از اینکه در نشریات کفر راسخون همه حا صحت از دستگیری ۱۷ نفرد انجیر و یوشنکر می‌باشد نسبتاً توجه آقای رابین و دیگر کسان که نادرند و یا خود را به نادانی می‌زنند به اطلاعیه زیر جلب می‌نمایم تا معلوم گردد که آیا از این عده * فقط یک نفر در دستگاه ثبت نام کرده است و آیا به تحصیل خود ادامه نداده است ؟

- | | | |
|---------------|---------|-----------------------|
| ۱- احسان جزئی | ۲۹ ساله | در دانشگاه و در بهیات |
| ۲- شهاب‌الخری | " | " |
| ۳- سورکی | ۳۰ | در بهیات |
| ۴- مجید اسمن | ۲۷ | " |
| ۵- کهن‌زار | " | در بهیات |

[illegible][illegible]

در روز فتنه‌های از یک‌ناحیه که پانزدهم ۱۳ دسامبر ۱۹۷۷ از طرفی گیتی از زندانیان سیاسی شماره ۴ زندان قصر تهران نوشته شده آورده میشود .
 "در آموان زندانیان سیاسی از نظر هیات‌ها که از نوع انسان خارج و از حیوان نیستند . در ابتدا با معنویات تعلیمات دینی در زندان از طریق امامیه و بی‌زندان
 موقت شهریان و زجر و شکنجه می‌بینند و سلاخی فیزیکی و سیاسی را از دست
 می‌دهند

بعد از جمعیت یزدان مرکزی قصر تهران خلق و سالها با دادم مرند باید
در آنجا بسر برند. در آنجا در اثر کوششهای اعتراضیه سو... وقایع با زندانی
یزدانیهای دیر دست و مخافت فرسا مانند بندر میایان برازیان و ایرانشهر تبعید
میشوند. در زندان شماره ۴ قصر تهران زندان ما در حدود صد زندانی سیاسی
سر میروند. شرح چند نکته از وضع زندانی در اینجا شاید اوضاع این زندان
را بهتر بزرگان بیشتر سازد ...

[illegible]

توجه می‌دهیم که این سند به عنوان سند رسمی و معتبر صادر شده و به موجب آن، کلیه حقوق و تعهدات طرفین در این خصوص مشخص شده است. این سند در دو نسخه صادر شده و هر یک از طرفین یک نسخه را دریافت می‌کنند. این سند در تاریخ ۱۳۹۸/۰۵/۰۱ صادر شده و اعتبار آن تا ۱۳۹۹/۰۵/۰۱ می‌باشد.

در دفاع از میهن پرستان زندانی نیروهای هرچه وسیعتری را برای
مبارزه ای طولانی بسیج کنیم!

پیمان

تاریخ: ۱۳۹۷/۰۵/۲۵

... چند با ...

اساسي طور اختيار اعلام ۾ ڊيم ڪر رهس ٿا. پناهه ڏيڻ کان پوءِ به ايران ۾ ڪيترن ئي ڊيم ڪري رهيا آهن. انهن ڊيمن جي ڪري ايران ۾ ڪيترن ئي علائقن ۾ ڪيترن ئي ماڻهن جي زندگين جو نقصان ٿي رهيو آهي. انهن ڊيمن جي ڪري ايران ۾ ڪيترن ئي علائقن ۾ ڪيترن ئي ماڻهن جي زندگين جو نقصان ٿي رهيو آهي. انهن ڊيمن جي ڪري ايران ۾ ڪيترن ئي علائقن ۾ ڪيترن ئي ماڻهن جي زندگين جو نقصان ٿي رهيو آهي.

زند انعامی شاه
شاه از اقطاعی صریح معذورم زیرا شاید شما هم راضی نباشید از جهت

— تاسریا آستای درونشگاه و توضیح حوادث اخیر در ایران، شرکت در جلسه سنای درونشگاه که در آن قطعنامه‌ای علیه امامات فاشیستی حکومت ایران تصویب رسید.

— ترجمه و تکثیر اخبار پنهان در دانشگاه
برگزاری يك دهنستراسيون وسيع با شركت دانشجويان مرفي آلباني

در دفاع از میهن بوستان زندانی نیروهای هرچه وسیعتری را برای مبارزه ای طولانی بسیج کنیم!

در دفاع از میهن بوستان زندانی نیروهای هرچه وسیعتری را برای مبارزه ای طولانی بسیج کنیم!

سند شماره ۱ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم

مندرج در بخش: (اسنادی در دفاع یک پارچه از حقوق دموکراتیک کلیه زندانیان سیاسی از جمله زندانیان توده‌ای)

"در زندان‌های شاه"

...

در سال ۱۹۶۵ یکسری از محاکمات آغازگردید که با انتقاد شدید روزنامه های خارجی روبرو شد. اغلب قربانیان این محاکمات دانشجویان و روشنفکران بودند که بزندانهای ولایات منتقل شدند. در میان این عده پرویز نیکخواه و احمد منصوری می‌باشند که به ترتیب به ده سال و حبس ابد محکوم شدند. همچنین قربانیان محاکمه سوم حکمت‌جو و خاوری نیز مخفیانه از زندان سیاسی قصر تهران به زندان‌های ولایات فرستاده شدند. اصل ۷۶ قانون اساسی که حضور هیات منصفه را در محاکمات سیاسی لازم می‌داند مدت ۱۵ سال است که از میان رفته است. مخالفین رژیم در دادگاه‌های نظامی محاکمه می‌شوند. مجازات‌هایی که به گروهی از استادان دانشگاه در سال ۱۹۶۳ و سال بعد به دانشجویان دانشگاه تهران تحمیل شد همه در دادگاه‌های سری سرهم بندی شد. در سال ۱۹۶۴ و ۱۹۶۵ وکلای مدافع قانونی استادان دانشگاه مورد [ناخوانا] تعقیب شدید پلیس مخفی قرار گرفتند و بدین ترتیب حق انتخاب چنین وکلای مدافعی هم موقوف گشت. در سال ۱۹۶۵ دانشجویان و روشنفکران بازداشت شده مورد شکنجه قرار گرفتند.

در دفاع از میهن پرستان زندانی نیروهای هرچه وسیع‌تری را برای مبارزه‌ای طولانی بسیج کنیم!

"...

سند شماره ۲ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم

مندرج در بخش: (سیاست "حزم و احتیاط" جبهه ملی ایران و "کادر" های چریک شده از سوئی و حساسیت توده دانشجوی در کنفدراسیون جهانی در امر دفاع بی قید و شرط از حقوق دموکراتیک زندانیان سیاسی از سوی دیگر)

اطلاعیه هیات دبیران کنفدراسیون در باره پیمان شماره ۴۹

اجلایه هیات دبیران کنفدراسیون در باره پیمان شماره ۴۹

پس از انتشار پیمان بحثی که ابتدا در چند واحد کنفدراسیون آغاز گردیده بود، مجموعه کنفدراسیون را در بر گرفت، هیأت دبیران کنفدراسیون وظیفه خود میداند که برای روشن شدن بحث در کلیه واحدها موضع خود را یکبار دیگر از این طریق اعلام دارد تا به غنای بحثها و انعکاس درست نکات مثبت و اساسی آن در پانزدهمین کنگره کنفدراسیون کمک مؤثر کرده باشد.

بحثی که در سازمانها انجام گرفته بنظر ما بدو گونه و برپایه دو کیفیت مختلف در محتوی صورت پذیرفت در یک مورد برای تعمیق امور دفاعی کنفدراسیون، و در مورد دیگر عدم توجه به تمام تجربیات گذشته و دستاوردهای مبارزه جویانه کنفدراسیون بوده است.

هیأت دبیران ضروری میداند با توجه به بحثهای ترع اول و لزوم حفظ نکات اساسی و مثبت آن و اصل برخورد متقابل و سازنده به چند مسئله مشخص در مورد پیمان و آگسیون دفاعی اشاره نماید.

۱- تصمیم هیأت دبیران مبنی بر عدم برگزاری آگسیون پایهای و در عین حال دفاع مشخص از این مبارزین به وجه به اطلاعی که درست داشته و تجربیات گذشته، درست بوده و این امر مورد پشتیبانی اکثریت قاطع اعضای کنفدراسیون قرار گرفته است.

۲- پیمان و سایر ارگانهای کنفدراسیون وظیفه برخورد و یا حمله بمبارزین را ندارند و سرمقاله پیمان شماره ۴۹ نیز با توجه به این اصل تنظیم گردیده است، عدم توضیح کافی در باره دادگاه و گروه هفت نفر از مبارزین که بتواند اصل فوق را روشن کند از طرفی، و عدم موضع گیری مشخص در باره این مبارزین از طرف دیگر باعث بوجود آمدن این برداشت در بین برخی اعضای کنفدراسیون شد، که سرمقاله قصد حمله باین مبارزین را دارد.

۳- وکیل اعزامی کنفدراسیون کوشیده است تا از دیدگاه خود علنی بودن دادگاه نظامی را ثابت نماید و با مقایسه ظواهر این "دادگاه" با "دادگاههای" قبلی سیاست و توطئه رژیم را برملا سازد ولی عمل نتوانسته از عهده این کار برآید، از این نظر دارای ضعف میباشد. برای از بین بردن این ضعف میبایست یا بخشی از گزارش چاپ میشد و یا اینکه پیمان با توضیحات مطالب ناروین، گزارش وکیل را دقیق مینمود.

۴- پیمان بمنظور تبلیغ دستاوردهای دفاعی کنفدراسیون، افشای سیاست جدید رژیم در قبال مبارزین و تعمیق مشی مبارزه جویانه کنفدراسیون در بین توده های دانشجویی تهیه گردیده است. گرچه پیمان توانسته است بحث در باره این مسائل را شروع کند ولی بدلائلی که ذکر شد کافی نبود و باید با جدیت هر چه بیشتر ادامه یابد.

علاوه بر این هیأت دبیران ضروری میداند که بخاطر جلوگیری از خدشه دار شدن مواضع مبارزه جویانه کنفدراسیون که در بسیاری موارد هدف حملات پیمان بودند به چند نکته دیگر نیز اشاره کند.

محتوی این حملات را باید در کوشش جهت تحمیل مشی و لوثاریستی و عدم توجه به تجربیات و دستاوردهای کنفدراسیون دید. آگسیون دفاعی کنفدراسیون در باره این مبارزین بدین منظور مورد حمله قرار میگردد و نفی میشود، تا پیشنهادات و یا فشاری ها روی آگسیون پایهای و مرکزی در آن شرایط منطقی

رو اصولی، جلوه گر شود -

در زمانی روی آگسیون پایه ای پافشاری میشود که جنبش تجربه منفی در قبال خائنین چون پارسا نژاد، نیکخواه و لاشائی را پشت سر گذاشته است و باید از آن بیاموزد. در زمانی روی آگسیون پایه ای و اعلام نظر قطعی کفدراسیون پافشاری میشود که سیاست کفدراسیون در مورد "دادگاهی" شبیه آن یعنی "دادگاه" قهرمان شهید مهدی رضائی، بعنوان يك دستاورد سیاست دفاعی مورد تأیید مجموعه کفدراسیون و پشتیبانی مبارزین داخل کشور و همچنین سازمان مجاهدین خلق که مهدی رضائی در صفوف آن مبارزه مینمود، قرار گرفت "این نشان میدهد که مهدی صلاحیت دادگاه را هم نپذیرفته است. قبل از روشن شدن شخصیت مهدی سکوت چه از طرف ما و چه از طرف مبارزین خارج از کشور بجا بود ولی اکنون موقع آن است که حق این انقلابی بزرگ و این نوجوان جوانمرد ادا شود و از شخصیت برجسته او تجلیل شود" (نقل از مقدمه هر دفاعیات مهدی رضائی نوشته سازمان مجاهدین خلق - تکیه از ماست) - شکل این حملات که در حقیقت انعکاس اینچنین محتوی است، نمی‌انست بهتر از آنچه انجام گرفت، بیان گردد. این حملات با بیان اینکه "پیمان معتقد است که این گروه خیانت کرده" شروع شد و با جملاتی نظیر "پیمان کیهان است"، "هیأت دبیران از این گروه دفاع نکرده"، "هیأت دبیران در تواتر رژیم افتاده"، "گزارش را رژیم به وکیل داده"، و "پیمان چهره رژیم را نقاشی میکند"، "تزئین" یافت و بالاخره کار اتهام زنی بآنجا رسید که مدعی شوند "هیأت دبیران کفدراسیون خط سازمان امنیت را پیاده کرده است".

ولی هیأت دبیران کفدراسیون علیرغم تمام این اتهامات و حملاتی که متوجه او شده، بوظایف خود در قبال جنبش آگاهانه عمل میکند و هرگونه حمله به دستاوردها، به خط مبارزه جوانان کفدراسیون و نفی آموزش از تجربیات گذشته را در سطح وسیع برای توده های دانشجویی روشن کرده و پیگیرانه در جهت تعمیق مشی دفاعی کفدراسیون میکوشد.

این حملات نتوانستند ما را به آن جهتی سوق دهند که کمبودهای فعالیت خود را تشخیص نداده و با اعضای کفدراسیون در میان نگذاریم و یا در قبال نظریات ^{نستند} رست و انحرافی سر تعظیم فرود آوریم.

بادرود های فراوان -

هیأت دبیران کفدراسیون جهانی

سند شماره ۲ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم

مندرج در بخش: "سیاست" حزم و احتیاط" جبهه ملی ایران و "کادر"های چریک شده از سوئی و حساسیت توده دانشجوی در کنفدراسیون جهانی در امر دفاع بی قید و شرط از حقوق دموکراتیک زندانیان سیاسی از سوی دیگر)

"اطلاعیه هیات دبیران کنفدراسیون در باره پیمان شماره ۴۹"

پس از انتشار پیمان بحثی که ابتدا در چند واحد کنفدراسیون آغاز گردیده بود، مجموعه کنفدراسیون را در بر گرفت، هیات دبیران کنفدراسیون وظیفه خود می‌داند که برای روشن شدن بحث در کلیه واحدها موضع خود را یکبار دیگر از این طریق اعلام دارد تا به غنای بحث‌ها و انعکاس درست نکات مثبت و اساسی آن در پانزدهمین کنگره کنفدراسیون کمک موثر کرده باشد. بحثی که در سازمان‌ها انجام گرفته به نظر ما بدو گونه و بر پایه دو کیفیت مختلف در محتوی صورت پذیرفت. در یک مورد برای تعیین دست آوردهای امور دفاعی کنفدراسیون، و در مورد دیگر عدم توجه به تمام تجربیات گذشته و دستاوردهای مبارزه‌جویانه کنفدراسیون بوده است.

هیات دبیران ضروری می‌داند با توجه به بحث‌های نوع اول و لزوم حفظ نکات اساسی و مثبت آن و اصل برخورد متقابل و سازنده به چند مسئله مشخص در مورد پیمان و آکسیون دفاعی اشاره نماید.

۱ - تصمیم هیات دبیران مبنی بر عدم برگزاری آکسیون پایه‌ای و در عین حال دفاع مشخص از این مبارزین با توجه به اطلاعی که در دست داشته و تجربیات گذشته، درست بوده و این امر مورد پشتیبانی اکثریت قاطع اعضای کنفدراسیون قرار گرفته است.

۲ - پیمان و سایر ارگان‌های کنفدراسیون وظیفه برخورد و یا حمله به مبارزین را ندارند و سرمقاله پیمان شماره ۴۹ نیز با توجه به این اصل تنظیم گردیده است، عدم توضیح کافی در باره دادگاه و گروه هفت نفر از مبارزین که بتواند اصل فوق را روشن کند از طرفی، و عدم موضع‌گیری مشخص در باره این مبارزین از طرف دیگر باعث بوجود آمدن این برداشت در بین برخی اعضای کنفدراسیون شد، که سرمقاله قصد حمله باین مبارزین را دارد.

۳ - وکیل اعزامی کنفدراسیون کوشیده است تا از دیدگاه خود علنی بودن دادگاه نظامی را ثابت نماید و با مقایسه ظواهر این "دادگاه" با "دادگاه‌های" قبلی سیاست و توطئه رژیم را بر ملا سازد ولی عملاً نتوانسته از عهده این کار بر آید، از این نظر دارای ضعف می‌باشد. برای از بین بردن این ضعف می‌بایست یا بخشی از گزارش چاپ می‌شد و یا اینکه پیمان با توضیحات مطالب ناروشن، گزارش وکیل را دقیق می‌نمود.

۴ - پیمان به منظور تبلیغ دستاوردهای دفاعی کنفدراسیون، افشای سیاست جدید رژیم در قبال مبارزین و تعمیق مشی مبارزه‌جویانه کنفدراسیون در بین توده‌های دانشجویی تهیه گردیده است. گرچه پیمان نتوانسته است بحث در باره این مسائل را شروع کند ولی بدلائلی که ذکر شد کافی نبود و باید با جدیت هر چه بیش‌تر ادامه یابد.

علاوه بر این هیات دبیران ضروری می‌داند که بخاطر جلوگیری از خدشه دار شدن مواضع مبارزه‌جویانه کنفدراسیون که در بسیاری موارد هدف حملات به پیمان بودند به چند نکته دیگر نیز اشاره کند.

محتوی این حملات را باید در کوشش جهت تحمیل مشی ولونتاریستی و عدم توجه به تجربیات و دستاوردهای کنفدراسیون دید. آکسیون دفاعی کنفدراسیون در باره این مبارزین بدین منظور مورد حمله قرار می‌گیرد و نفی می‌شود، تا پیشنهادات و پافشاری‌ها روی آکسیون پایه‌ای و مرکزی در آن شرایط منطقی و اصولی، جلوه‌گر شود.

در زمانی روی آکسیون پایه‌ای پافشاری می‌شود که جنبش تجربه منفی در قبال خائنین چون پارسائزاد، نیکخواه و لاشائی را پشت سر گذاشته است و باید از آن بیاموزد. در زمانی روی آکسیون پایه‌ای و اعلام نظر قطعی کنفدراسیون پافشاری می‌شود که سیاست کنفدراسیون در مورد "دادگاهی" شبیه آن یعنی "دادگاه" قهرمان شهید مهدی رضائی، به عنوان یک دست‌آورد سیاست دفاعی مورد تأیید مجموعه کنفدراسیون و پشتیبانی مبارزین داخل کشور و همچنین سازمان مجاهدین خلق که مهدی رضائی در صفوف آن مبارزه می‌نمود، قرار گرفت. این نشان می‌دهد که مهدی صلاحیت دادگاه را هم نپذیرفته است... قبل از روشن شدن شخصیت مهدی سکوت چه از طرف ما و چه از طرف مبارزین خارج از کشور بجا بود ولی اکنون موقع آن است که حق این انقلابی بزرگ و این نوجوان جوانمرد ادا شود و از شخصیت او تجلیل شود". (نقل از مقدمه بر دفاعیات مهدی رضائی)

نوشته سازمان مجاهدین خلق - تکیه از ماست) - شکل این حملات که در حقیقت انعکاس این چنین محتوی است، نمی‌توانست بهتر از آنچه انجام گرفت بیان گردد. این حملات با بیان اینکه "پیمان معتقد است که این گروه خیانت کرده" شروع شد و با جملائی نظیر "پیمان کیهان است"، "هیات دبیران از این گروه دفاع نکرده"، "هیات دبیران در توطئه رژیم افتاده"، "گزارش را رژیم به وکیل داده" و "پیمان چهره رژیم را نقاشی می‌کند"، "تزئین" یافت و بالاخره کار اتهام زنی به آنجا رسید که مدعی شوند "هیات دبیران کنفدراسیون خط سازمان امنیت را پیاده کرده است".

ولی هیات دبیران کنفدراسیون علی‌رغم تمام این اتهامات و حملاتی که متوجه‌اش بوده، به وظائف خود در قبال جنبش آگاهانه عمل می‌کند و هر گونه حمله به دستاوردها، به خط مبارزه‌جویانه کنفدراسیون و نفی آموزش از تجربه گذشته را در سطح وسیع برای توده‌های دانشجویی رد کرده و پی‌گیرانه در جهت تعمیق مشی دفاعی کنفدراسیون می‌کوشد.

این حملات نتوانستند ما را به آن جهتی سوق دهند که کمبودهای فعالیت خود را تشخیص نداده و با اعضای کنفدراسیون در میان نگذاریم و یا در قبال نظریات نادرست و انحرافی سر تعظیم فرود آوریم.

با دروهای فراوان

هیات دبیران کنفدراسیون جهانی"

سند شماره ۳ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم

مندرج در بخش: (پاره‌ای از مواضع کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی بر اساس مصوبات کنگره‌های آن در برخورد به سیاست ضدخلقی اتحاد جماهیر شوروی و "کمیته مرکزی" ضدخلقی حزب توده ایران)

مبارزه علیه دشمنان مردم را گسترش دهیم

(در باره ماهنامه مردم و رادیو پیک ایران)

فدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی در آلمان فدرال و برلن غربی

مبارزه علیه دشمنان مردم را کمتر نردیم.

(در باره ماهنامه مردم و رادیو پیک ایران)

رشد مبارزات مردم ایران و نیروهای دموکراتیک و متحد امپریالیست در سراسر جهان، پیروزی‌های بی‌سابقه روفازون کلیه طبقات و اقشار خود ارتجاع در مقیاس جهانی، تجاوزات وحشیانه امپریالیست‌ها و ارتجاعیون به حقوق مردم و تلاش‌های مبارزانه آنها برای جلوگیری از سیر تاریخی پیشرفت بشریت، شل کردن و انحراف سیاست تقسیم جهان توسط دنیویز و جهانی و - کوشش آنها برای تسلط بر بیشتر در سراسر کیتی، شرایط نوینی در سطح جهانی و در سطح ملی بوجود آورده است. - این تغییرات فزاینده صورت‌بندی‌های نوینی گردیده که مبارزات میهن پرستانه و متحد امپریالیستی و خود ارتجاعی مردم ما هم از آن - متأثر شده است. این تغییرات عینی در محیط، چه در سطح جهانی و چه در سطح ملی سازمان ما در جریان پراتیک و مبارزه خود تأثیر شده است. رشد کند، و درک خود را از واقعیات عمیق‌تر سازد.

پراتیک و رشد مبارزه یک سازمان، و قیاس این سازمان با جلو، بسوی کمال و بسوی روشن کردن هرچه بیشتر مواضع خود حرکت می‌کند. مسائل جدید و صفت‌بندی‌های جدید بوجود می‌آورد و بهمان نسبت که در مبارزه خود مصمم تر، یکپارچه تر و گسترده تر میشود. دشمنان آشکار تر، کینه توز تر و حارتره بر برابر آن مقاومت می‌پردازند. رشد کنفدراسیون نیز از این قانون کلی مستثنی نیست. بهمان نسبت که اعضای و نیروهای تشکیل دهنده کنفدراسیون به آگاهی شناخت بالاتری از مضمون مبارزه و وظایف خود دست یافته و در نتیجه مبارزه آن ماهنامه و مکتب‌های پراکنده، صراحت و قاطعیت بیشتری یافته، بهمان نسبت هم براساس رژیم و

سایر دشمنان افزایش یافته. تلاش آنها برای مقابله و مقاومت، از طریق توسل به شیوه‌های ناگوارتر و ناگوارتر شده است. همان‌طور که رژیم ایران با تهیه بر بوروکراسی نظامی و اداری ضمن استاده از حربه تطمیع و عوام‌فریبی باور عمده به ترور و اختناق متوسل می‌شود سایر دشمنان نیز از ابزار و امکانات ناشی از وضعیت و شرایط خود بمقابله در برابر توده مردم برمی‌خیزند. این مقابله گاهی آشکار و با موضع روشن و صریح حمایت از رژیم و گاهی پنهانی و با عوام‌فریبی و از طریق توسل بدروغ، اخترا، تحریف و طلب حقایق ناممکن می‌گیرد. مقابله نوع اول از طرف فعال و نهادهای شناخت شده رژیم و مقابله نوع دوم از طرف عوامل نا - شناخته و یا افراد و سازمانی است که به عللی و از آن‌ها بی‌اطلاع و بی‌خبر در حفظ موجودیت خود و جلوگیری رسوایی و انفراد کامل صورت می‌گیرد. از این گروه اند گردانندگان ماهنامه "مردم" و "رادیو پیک ایران". گردانندگان ماهنامه "مردم" و - رادیو پیک ایران "تبعیت می‌زنند که گویا ما از راه صحیح منحرف شده ایم. به نظر ما این ما نیستیم که از راه صحیح منحرف شده ایم. کنفدراسیون، آماکان با پیگیری به پیروزی از دنیویز و امپریالیستی جنبش دانشجویی ایران. دانشجویان ایرانی را هرچه بیشتر متشکل ساخته در میان دانشجویان دست‌به‌آشتی در باره ما سیاست رژیم ایران زده و همیشه - تلاش‌ها نه تجاوزات رژیم و پشتیبانان آنرا به مردم ایران محکوم کرده هر روز هم در محنت و هم در شگفتی قرار داده. کارنامه کنفدراسیون دانشجویی ایران از کشور گویا اولین واقعیت است. در واقع این گردانندگان ماهنامه "مردم" و رادیو پیک ایران "اند که از راه صحیح منحرف شده اند. و عملاً به برداری از سیاست عمومی رژیم پرداخته اند.

یکی از ارکان مهم سیاست با صلاح ملی مستقل رژیم را همکاری سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی با شوروی تشکیل می‌دهد. آیا آنها بدون دم و گاست از آن پشتیبانی نمی‌کنند؟

کنفدراسیون جهانی در ریان مبارزه خود جنبش افشارخانه پر دامنه ای علیه رژیم و کلیه حامیان آن سازمان داده است. جنبشی که بحالت ضرورت، درستی و حقایق آن اکثریت قاطع دانشجویان را در برداشته و از طریق شرکت فعال آنان هر روز گسترده تر می‌شود. یکی از نتایج این جنبش تسریع پروسه و شکستکی و انزاد گردانندگان ماهنامه "مردم" و رادیو پیک ایران است که موجودیت آنها در گرو پیروزی دفاع ناگزیر از سیاست عمومی بران شوروی و دشمنی با جنبش دانشجویی ایران است. زیرا جنبش دانشجویی ما این سیاست را در ایران بنا بر کمک به تحمیل میانی بدخلقی رژیم بر ملا و محاکم می‌سازد. براساس این - دشمنی گردانندگان "مردم" و "پیک ایران" برنامه این نظام و سلب شده ابراهام علیه کنفدراسیون و پاتین آوردن - اعتبار آن تدارک دیدند. فعالیت آنها در ایران اولین برنامه با مقاله ماهنامه "مردم" استند ماه ۱۳۴۵ به این خود رسید. ولی این موضع آشکار شد کنفدراسیونی به حریف موج - بی سابقه ای از جنبش و انتشار در میان دانشجویان ایران برانگیخت. علاوه بر عکس العمل تمام رادیو ها. در کنگره های فدراسیون ها و کنفدراسیون فعالیت ضد دانشجویی. ضد ملی گردانندگان ماهنامه "مردم"

ویک "ایران" با تئاتر آراء و یا با اکثریت قاطع محکوم شد. این موج عظیم خشم و تنفر برسوای مقتضیخانه گردانندگان ماهنامه "مردم" منتهی گشته و آنرا بطور موقت وادار به عقب نشینی ساخت. از آن پس با شیوه های دیگر و یا دوگانگی خاصی بکار خود ادامه دادند کسبه "زوه" مسا و کفدراسیون " (که باید بموقع خود مورد بررسی قرار گرفته و افشا گردد) نوعی ادامه این مبارزه بر علیه کفدراسیون می باشد. از آنجا تیکه اخیراً آنها کوشش جدیدی ظاهراً بخاطر دلسوزی برای میهن پرستان در بند برای تخطئه کردن مبارزات دانشجویان خارج از کشور تحت هدایت کفدراسیون آغاز کرده اند، ما وظیفه خود میدانیم برای افشای سیاست ضد کفدراسیونی آنها بطور مشخص تهمت ها و یاوه گریهای آنها را برملا سازیم و در مقابل، سیاست کفدراسیون را برای فاع از میهن پرستان تشریح نمائیم، تا از یک طرف حساسیت مبارزه ما علیه گردانندگان ماهنامه "مردم" و یک "ایران" ثابت گردد و از سوی دیگر کوشش وارونه جلوه دادن حقایق از طرف آنها خنثی شود. این مبارزه ما در ضدیت مستقیم - دفاع از میهن پرستان است. بدون شک برخورد همه جانبه جنس ما را با مسائل دفاعی نشان میدهد، با افشای منافقین است که ما قادریم قسمت درست جنبش را ظهور روشن تر سازیم و قدم به قدم مبارزه را به جلو سوق دهیم.

ماهنامه "مردم" در شماره ۱۳۴۷ همراه خود می نویسد:

((متأسفانه با وجود حبس و تبعید ها چندی که از طرف رژیم صورت گرفته در یکسال اخیر جسد العمل لازم و کافی از طرف نیروهای شرقی نشان داده نشده و فقط به اعتراضات کنگاشی و پراکنده اشنا شده وظیفه همه دانشجویان آزاد و دوست و همه سازمانهای دانشجویی است که بجای پرداختن به بحث های بی سرانجام (تکیه از ماست) متحداً در راه مبارزه عطفی و موثر برای نجات هم میهنان در بند خود گام گذارند.))

ما ابتدا از نویسندگان "مردم" سؤال می کنیم که برائین امر با توجه به امکانات خود آنها، روزنامه، مجله و رادیو کدام کارزار تبلیغاتی را سازمان داده اند؟ از سازمانها و ارگانهای عظیم تبلیغاتی همالکان خود در کشورهای اروپای شرقی و اروپای غربی کدام استفاده را کرده اند؟ البته طرح این سؤال بمضای این نیست که ما گردانندگان ماهنامه "مردم" را نیروی شرقی میدانیم مجموعه فعالیت و از آنجمله موضع شد کفدراسیون آنها بهترین محرفی آنهاست؟

مذاور از طرح این سؤال افشای بیشتر موضعگیری فرغانه آنها نسبت به کفدراسیون و نیروهای شرقی است، فعالیت خلاق و پر شور سازمانهای دانشجویی را "بحثهای سرانجام" نامیدن چیزی جز آگاهانه درگون دادن واقعیات، بمنظور کاهش اعتبار سازمانهای نیست. فعالیت کفدراسیون جهانی و واحد ها آن به گواه مبارزات درخشانشان بطور عمده عبارتست از: -

بالا بردن آگاهی دانشجویان، همراهی با نبرد عمومی مردم ما، استفاده از همه امکانات برای افشای رژیم، خدکاری، پی گیری و تاطصیت در مبارزه با هیات ها که و سایر خائنین.

وحشت رژیم ایران و سامیان آن از مبارزه متشکل دانشجویان ایرانی، اعتبار و حیثیت کفدراسیون در میان میهن پرستان ایرانی و سازمانهای شرقی دانشجویی و غیر دانشجویی جهان و در میان شخصیت های شرقی و دولات نیز نتیجه منافی این فعالیت - موضوع آن می باشد. در زمانیکه کفدراسیون در کار سازمان دادن جنبش دفاعی دانش در اری برای دفاع از زندانیان سیاسی است ماهنامه "مردم" سازمانها را به پرداختن به "بحث های بی سرانجام" متهم می کند.

هیات دبیران کفدراسیون در اوت ۱۹۶۸ طی بخشنامه ای سازمانها می خواهد که جهت تبدیل هفته "شانزده آذر" - (۱ تا ۷ سپتامبر) به هفته دفاع از زندانیان سیاسی بگویند و بدین ترتیب برای اثر بخشی و نتایج بهتر از سه ماه قبل از هفته تعیین شده واحد ها را برای حرکت هر چه فعالیت را با شکوه در برگزار کنند هفته تجهیز می کنند. هنگامی که از اخبار پراکنده و نادقیقی در مورد حوادث اخیر ایران مطلع می شوند، در جهت جمع آوری بیشتر خبر و دقیق کردن آن بطور جدی اقدام می نمایند و با انتشار بخشنامه ای در ۱۵ مهرماه ۱۳۴۷ در جهت اجرای یک برنامه دفاعی وسیع نام بر می دارد.

در ۱۵ مهرماه به ترتیب از چاپ و پخش ماهنامه "مردم" این بخشنامه برای قرائت در مجمع عمومی به الیه و اشد ها ارسال میگردد. در این بخشنامه ضمن تشریح حوادث اخیر ایران - کشتار میهن پرستان در کردستان - دستگیری شش تنه دانشجویان و روشنفکران - اعزام دانشویان و فرهنگیان به سربازخانه ها از جمله گفته میشود:

((باید بر اعتراض به موج جدید ترور و اختناق در ایران، برای اعتراض به کشتار و جنایات تازه، برای بازگرداندن دانشجویان میهن پرستان دانشگاه تبریز و آزاد کلیه دانشجویان زندانی جنبش وسیعی را تدارک دهیم. از کلیه واحد ها تقاضا میشود جلسات عمومی فوق العاده تشکیل دهند و مسائل فوق را به بحث گذارند. به مطبوعات محلی مراجعه کنند و به افشاگری بپردازند، واحد ها باید دانشجویان ایرانی و دانشجویان شرقی خارج را برای انجام فعالیتها وسیع که در پیش خواهیم داشت تجهیز و آماده کنند.

برنامه: مسخ‌کار کنفدراسیون در این مورد بزرگ‌ترین جلسه فوق‌العاده هیأت دبیران به همین منظور تشکیل می‌دهند به اطلاع واحد بنا خواهد رسید. یکبار دیگر تاکید میشود که واحد بنا باید از هم‌اکنون نیروهای خود را آماده کرده با سازمانها و دانشجویان خارجی تماس گرفته، حوادث اخیر ایران را با توجه به جنایات رژیم در گذشته، در مطبوعات منعکس کنند. ()

بدنبال این اقدام ای به‌شماره شماره (۱۴-د-ت) روز ۲۵ اکتبر به عنوان " روز اعتراضات " اعلام می‌گردد. در این روز از طرف کنفدراسیونهای آلمان و آمریکا عازمهای عظیمی ترتیب داده میشود. کنفدراسیون ایتالیا برنامه اشغال سفارت را تنظیم می‌کند و در نتیجه سفارت ایران به وسیله دانشجویان ایرانی اشغال میگردد، واحد ها دیگر کنفدراسیون نیز به حسب شرایط و امکانات محلی، با خواست پایان دادن به گفتار در کردستان و آزادبندی ایران به فعالیت می‌پردازند. همزمان با این مبارزه، کوشش برای نصب اطلاعات بیشتر درباره حوادث اخیر ایران و دستگیری دانشجویان و روشنفکران و تحقیق کردن این اطلاعات با موفقیت انجام می‌گیرد و بلافاصله پس از آن برنامه نظام، سیاستیک و همه‌جانبه‌ای برای رهائی دانشجویان و روشنفکران تهیه و مورد اجرا قرار داده میشود.

در سر مسئله پیمان شماره ۳ و اطلاعیه هیأت دبیران کنفدراسیون، درونگی برنامه، بیشتر دفاعی جدید و واداریدار است. مراحل مختلف این جنبش، و کار مقدّماتی برای عملکردهای ممکن و وسیع‌آمده توضیح داده میشود. جنبش دفاعی جدید با سرعت سراسر اروپا و آمریکا را فراگرفت، و در نتیجه فعالیت‌های مداوم و شبانه‌روزی کنفدراسیون، مسئولین کادرها و اعضای آن حوادث اخیر ایران و اقدامات کنفدراسیون جهانی به‌ناظر تشکیل دادگاه‌های و نهادهای بین‌المللی در پرتیو ترین و مهمترین مطبوعات جهان منعکس شد، روزنامه‌های مسکو، گاردین، نیوز، اکونومیست لندن، سفیر، لوموند، هوماتیک، تلتر، اسپیکر، و سایر روزنامه‌ها و مجلات معروف، رادیو و تلویزیونها جهان، جنبش دفاعی جدید را منعکس کردند. سازمانها و شخصیت‌های شرقی به حمایت از جنبش دفاعی کنفدراسیون و رایج‌نجات جهان می‌پردازند. ارسال نامه و تلگراف بایران، نوشتن اعلامیه و سایر وسائل اعتراضی دست زدند. سازمانهای دانشجویی و سراسر جهان در هفته‌های اخیر موفق شدند رژیم ایران را بیش از پیش رسوا و در جهت تحقق خواست خود از حمایت و پشتیبانی وسیع افکار عمومی برخوردار کردند. از آنجا که تا اکنون بخشی از این فعالیت‌ها و پرموقعیت در چهار شماره پیمسان (شماره ۴ تا ۷)، ما از اشاره بیشتر به آن خودداری کنیم.

رژیم ایران در نتیجه گسترش این جنبش‌ها توان ناچار شد توطئه سکوت را بشکند و اخبار مربوط به دستگیری دانشجویان و روشن‌فکران را که ماههاست در شرایط سخت در زندان بسر می‌برند تایید کند. در نتیجه کوشش برای جلوگیری از انحصار این اخبار که به‌هرگزی بصورت یک سیستم از چند سال قبل به‌طور مضمحل در مورد دستگیرشدگان اخیر از چند ماه قبل انجام می‌شد، به‌تدریج مضمحل‌ها تا حدی شکست. این پیروزی در زندان جنبش دانشجویی از فعالیت‌های مبارزه و خواستهای بسیار از نیروی مشکل‌نوده دانشجویان پایه‌تودم‌ای و پرتوان کنفدراسیون و از اعتبار آن در میان سازمانها شخصیت‌ها و نیروهای قدرتی و دموکرات جهان ناشی میشود. دشمنی گردانندگان ماهنامه "مردم" و رادیوی بی‌ایران " با کنفدراسیون بخدی است که وقتی بنا به ملاقاتی ثانوی عیشوند به نوشتن افشاگرانه و موقرین یا آن واحد کنفدراسیون اشاره کنند، می‌رزات یک پارچه و وسیع سازمان‌های دانشجویی را نه به‌صورت فعالیت سازمان دانشجویان ایرانی، بلکه بنام فعالیت دانشجویان ایرانی، رفران شهر می‌کنند. نمایند. آیا برای گردانندگان بی‌ایران روشن نیست این یا آن سازمان برای تاج از دستگیرشدگان اخیر فعالیت پراکنده و منفرد دانشجویان یک شهر و منطقه سازمان دانشجویان ایرانی در یک شهر نیست؟ آیا برای گردانندگان " یک ایران " با همه جدائی از مردم و از آن حلقه توده‌دانا و مبارزات آن روشن نیست که آنرا از در دفاع از دانشجویان و روشنفکران میهن پرست ایرانی در خارج از کشور انجام می‌گیرد، برنامه‌های منظم، هماهنگ و سازمان یافته تحت رهبری کنفدراسیون جهانی است؟ آیا گردانندگان ماهنامه "مردم" از اخبار خبر که از آنها، گفتار رادیو و نوشتن مطبوعات معروف و پرتیو جهان در گذشته‌های دورند؟ آیا از بی‌ایران چند هزار اعلامیه‌های مختلف که تنها از طرف واحد کنفدراسیون آلمان انتشار یافته حتی یک اعلامیه بدستشان نرسیده است؟ واقعیت آنست که موضعگیری یک " ایران " در برابر مبارزات پیروزمند کنفدراسیون در سکوت در قبال این مبارزات، و یا انکار مبارزات مشکل و یکبارچه دانشجویان بصورت فعالیت پراکنده از طرفه‌های دانشجویان ایرانی، از موضع آگاهانه و از خصم و کینه آنان نسبت به جنبش دانشجویان ایران و کنفدراسیون ناشی میشود.

گردانندگان "مردم" و "یک ایران" خود به بی‌ایران می‌گویند که این موضعگیری در صفحه ۳ جزوه "ما و کنفدراسیون" درج شده است. بنا برآنچه در این جزوه آمده آنها معتقدند که یک ایران، بهترین نشر را در آگاه ساختن مردم ایران از مبارزات دانشجویی در خارج از کشور ایفا می‌کند.

و بنا براین برای اینکه مردم ایران از مبارزات دانشجویان و نقش کنفدراسیون از این مبارزات آگاه نشوند، لازم است که نه تنها از اندکساین مبارزات و آوردن نام کنفدراسیون خود داری شود، بلکه حتی اگر بدلائلی لازم آید اشهار فعالیت یکی از واحد ها پذیر کرد این اخبار باید بعنوان فعالیت پراکنده دانشجویان ایرانی و نه بعنوان فعالیت متشکل سازمان دانشجویان اندکساین باید. ولی این گردانندگان "مردم" و پیک "ایران" اند که به علت نداشتن تکیه گاهی در میان مردم تنها راه نفوذ در توده ها را روزنامه و رادیو می دانند، آنها به عیث تعان دارند که با خود دارند اندکساین فعالیت متشکل دانشجویان ایرانی و خود دارند بیان اینکه این مبارزه به صورت یکپارچه و تحت رهبری یک نفر را میسر نمی گیرند. خواهند توانست از اندکساین مبارزات کنفدراسیون در داخل کشور جلوگیری کرده و از این امر یقین مانع شوند که کنفدراسیون در میان میهن پرستان و مبارزین ایرانی اعتبار و احترام را شایسته آنست بدست آورد. کنفدراسیون به خاطر متوجه مولکراتیک و ضد امپریالیستی آن و بخاطر مراحمی صمیمانه با مبارزه مردم به بخاطر تکیه بر توده دانشجوی و آگاهان و نهایت خود و بخاطر موضع گیری های درست و آشکار خود علیه رژیم نیزند و تلاشها متنوع همه دشمنان جای خود را بیشتر از پیش در میان روزندگان میهن پرست ایرانی باز کرده و با الهام از مبارزه آنان به به نبود سخت و پیروزمندشان یاری می رسانند.

هیات دبیران

کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی در آلمان فدرال و برلین غربی

۱۸ دسامبر ۶۸

سند شماره ۳ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم

مندرج در بخش: (پاره‌ای از مواضع کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی بر اساس مصوبات کنگره‌های آن در برخورد به سیاست ضدخلقی اتحاد جماهیر شوروی و "کمیته مرکزی" ضدخلقی حزب توده ایران)

"فدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی در آلمان فدرال و برلن غربی"

مبارزه علیه دشمنان مردم را گسترش دهیم

(در باره ماهنامه مردم و رادیو پیک ایران)

رشد مبارزات مردم ایران و نیروهای دموکراتیک و ضدامپریالیست در سراسر جهان، پیروزی‌های هر چه روزافزون کلیه طبقات و اقشار ضد ارتجاع در مقیاس جهانی، تجاوزات وحشیانه امپریالیست‌ها و ارتجاعیون به حقوق مردم و تلاش مذبحخانه آنها برای جلوگیری از سیر تاریخی پیشرفت بشریت، شکل گرفتن و اجرای سیاست تقسیم جهان توسط دو نیروی بزرگ جهانی و کوشش آنها برای تسلط هر چه بیش‌تر در سراسر گیتی، شرایط نوینی در سطح جهانی و در سطح ملی بوجود آورده است. این تغییرات منجر به صورت بندی‌های نوینی گردیده که مبارزات میهن پرستانه و ضدامپریالیستی و ضدارتجاعی مردم ما هم از آن متأثر شده است. این تغییرات عینی در محیط، چه در سطح جهانی و چه در سطح ملی سازمان ما در جریان پراتیک و مبارزه خود قادر شده است رشد کند، و درک خود را از واقعیات عمیق‌تر سازد.

پراتیک و رشد مبارزه یک سازمان، وقتی که این سازمان بجلو، و به سوی کمال و به سوی روشن کردن هر چه بیش‌تر مواضع خود حرکت می‌کند مسائل جدید و صف بندی‌های جدیدی وجود می‌آورد و به همان نسبت که در مبارزه خود مصمم‌تر، یک‌پارچه‌تر و گسترده‌تر می‌شود. دشمنان آشکارتر، کینه توزتر و هارتر در برابر آن به مقاومت می‌پردازند. رشد کنفدراسیون نیز از این قانون کمی مستثنی نیست. به همان اندازه که اعضاء و نیروهای تشکیل دهنده کنفدراسیون به آگاهی و شناخت بالاتری از مضمون مبارزه و وظائف خود دست یافته و در نتیجه مبارزه آن همه جانبه و موضع گیری‌های آن برندگی، صراحت و قاطعیت بیش‌تری یافته، به همان نسبت هم هراس رژیم و سایر دشمنان افزایش یافته. تلاش آنها برای مقابله و مقاومت، از طریق توسل به شیوه‌های گوناگون بیش‌تر شده است.

همانطوری که رژیم ایران با تکیه بر بوروکراسی نظامی و اداری ضمن استفاده از حربه تطمیع و عوام‌فریبی بطور عمده به ترور و اختناق متوسل می‌شود سایر دشمنان نیز از ابزار و امکانات ناشی از وضعیت و شرایط خود به مقابله در برابر توده مردم برمی‌خیزند. این مقابله گاهی آشکار و با موضع روشن و صریح حمایت از رژیم و گاهی زیرکانه و با عوام‌فریبی و از طریق توسل بدروغ، افتراء، تحریف و قلب حقایق انجام می‌گیرد. مقابله نوع اول از طرف عمال و گماشته شدگان شناخت شده رژیم و مقابله نوع دوم از طرف عوامل ناشناخته و یا افراد و سازمانی است که به عللی و از آنجمله بخاطر کوشش در حفظ موجودیت خود و جلوگیری از رسوائی و انفراد کامل صورت می‌گیرد. از این گروه‌اند گردانندگان ماهنامه "مردم" و "رادیو پیک ایران". گردانندگان ماهنامه "مردم" و رادیوی "پیک ایران" تهمت می‌زنند که گویا ما از راه صحیح منحرف شده‌ایم. به نظر ما این ما نیستیم که از راه صحیح منحرف شده‌ایم: کنفدراسیون کماکان با پیگیری به پیروی از هدف دموکراتیک و ضد امپریالیستی جنبش دانشجویی ایران، دانشجویان ایرانی را هر چه بیش‌تر متشکل ساخته در میان دانشجویان دست به افشاگری وسیعی در باره ماهیت رژیم ایران زده و همیشه قاطعانه تجاوزات رژیم و پشتیبانان آنرا به مردم ایران محکوم کرده هر روز هم در محتوی و هم در شکل قوی شده. کارنامه جنبش خارج از کشور گویای این واقعیت است. در واقع این گردانندگان ماهنامه "مردم" و "رادیو پیک ایران" اند که از راه صحیح منحرف شده‌اند. و عملاً به طرفداری از سیاست عمومی رژیم پرداخته اند.

یکی از ارکان مهم سیاست به اصطلاح ملی مستقل رژیم را همکاری سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی با شوروی تشکیل می‌دهد. آیا آنها بدون کم و کاست از آن پشتیبانی نمی‌کنند؟

کنفدراسیون جهانی در جریان مبارزه خود، جنبش افشاگرانه پردامنه‌ای علیه رژیم و کلیه حامیان آن سازمان داده است. جنبشی که بعلت ضرورت، درستی و حقانیت آن اکثریت قاطع دانشجویان را در بر داشته و از طریق شرکت فعال آنان هر روز گسترده‌تر می‌شود. یکی از نتایج این جنبش تسریع پروسه ورشکستگی و انفراد گردانندگان ماهنامه "مردم" و "رادیو پیک" ایران است که موجودیت آنها در گروی پیروی و دفاع ناگزیر از سیاست عمومی رهبران شوروی و دشمنی با جنبش دانشجویی

ایرانست. زیرا جنبش دانشجویی ما این سیاست را در ایران به خاطر کمک به تحکیم مبانی ضدخلقی رژیم بر ملا و محکوم می‌سازد. بر اساس این دشمنی گردانندگان "مردم" و پیک "ایران" برنامه‌ای منظم و حساب‌شده‌ای برای تضعیف کنفدراسیون و پائین آوردن اعتبار آن تدارک دیدند. فعالیت آنها در اجرای این برنامه با مقاله ماهنامه "مردم" اسفند ماه ۱۳۴۵ به اوج خود رسید. ولی این موضع آشکار ضد کنفدراسیونی به حق موج بی سابقه‌ای از خشم و تنفر در میان دانشجویان ایران برانگیخت. علاوه بر عکس العمل تمام واحدها، در کنگره‌های فدراسیون و کنفدراسیون فعالیت ضد دانشجویی، ضد ملی گردانندگان ماهنامه "مردم" و پیک "ایران" به اتفاق آراء و یا با اکثریت قاطع محکوم شد. این موج عظیم خشم و تنفر به رسوائی مفتضحانه گردانندگان ماهنامه "مردم" منتهی گشته و آنانرا بطور موقت وادار به عقب‌نشینی ساخت. از آن پس با شیوه‌های دیگر و با دوگانگی خاصی بکار خود ادامه دادند که جزوه "ما و کنفدراسیون" (که باید به موقع خود مورد بررسی قرار گرفته و افشا گردد) نوعی ادامه این مبارزه بر علیه کنفدراسیون می‌باشد. از آنجائی که اخیراً آنها کوشش جدیدی ظاهراً به خاطر دلسوزی برای میهن‌پرستان در بند برای تخطئه کردن مبارزات دانشجویان خارج از کشور تحت هدایت کنفدراسیون آغاز کرده‌اند. ما وظیفه خود می‌دانیم برای افشای سیاست ضدکنفدراسیونی آنها بطور مشخص تهمت‌ها و یاوه‌گوئی‌های آنها را بر ملا سازیم و در مقابل، سیاست کنفدراسیون را برای دفاع از میهن‌پرستان تشریح نمائیم، تا از یکطرف حقانیت مبارزه ما علیه گردانندگان ماهنامه "مردم" و پیک "ایران" ثابت گردد و از سوی دیگر کوشش وارونه جلوه دادن حقایق از طرف آنها خنثی شود. این مبارزه ما در ضدیت مستقیم - دفاع از میهن‌پرستان است. بدون شک برخورد همه‌جانبه جنبش ما را با مسائل دفاعی نشان می‌دهد، با افشای منافقین است که ما قادریم قسمت درست جنبش دفاعی را روشن‌تر سازیم و قدم به قدم مبارزه را به جلو سوق دهیم.

ماهنامه "مردم" در شمارهٔ مهرماه ۱۳۴۷ خود می‌نویسد:

"متأسفانه با وجود حبس و تبعیدهای جدیدی که از طرف رژیم صورت گرفته در یک‌سال اخیر عکس‌العمل لازم و کافی از طرف نیروهای مترقی نشان داده نشده و فقط به اعتراضات گهگاهی و پراکنده اکتفا شده... وظیفه همهٔ دانشجویان آزادی‌دوست و همهٔ سازمان‌های دانشجویی است که به جای پرداختن به بحث‌های بی‌سرانجام (تکیه از ماست) متحداً در راه مبارزهٔ عملی و موثر برای نجات هم میهنان در بند خود گام گذارند."

ما ابتدا از نویسندگان "مردم" سؤال می‌کنیم که برای این امر با توجه به امکانات خود آنها، روزنامه، مجله و رادیو کدام کارزار تبلیغاتی را سازمان داده‌اند؟ از سازمان‌ها و ارگان‌های عظیم تبلیغاتی هم‌پالگان خود در کشورهای اروپای شرقی و اروپای غربی کدام استفاده را کرده‌اند؟ البته طرح این سؤال به معنای این نیست که ما گردانندگان ماهنامه "مردم" را نیروی مترقی می‌دانیم چه مجموعهٔ فعالیت و از آنجمله موضع ضد کنفدراسیونی آنها بهترین معرفی آنهاست؟ منظور از طرح این سؤال افشای بیش‌تر موضع‌گیری مغرضانهٔ آنها نسبت به کنفدراسیون و نیروهای مترقی است. فعالیت خلاق و پرثمر سازمان‌های دانشجویی را "بحث‌های بی‌سرانجام" نامیدن چیزی جز آگاهانه دگرگون جلوه دادن واقعیات، به منظور کاهش اعتبارسازمان‌های ما نیست. فعالیت کنفدراسیون جهانی و واحدهای آن به گواه مبارزات درخشان‌شان بطور عمده عبارتست از: - بالا بردن آگاهی دانشجویان، همراهی با نبرد عمومی مردم ما، استفاده از همهٔ امکانات برای افشای رژیم، فداکاری، پی‌گیر و قاطعیت در مبارزه با هیأت حاکمه و سایر خائنین.

وحشت رژیم و حامیان آن از مبارزه متشکل دانشجویان ایرانی، اعتبار و حیثیت کنفدراسیون در میان میهن‌پرستان ایرانی و سازمان‌های مترقی دانشجویی و غیردانشجویی جهان و در میان شخصیت‌های مترقی و دموکرات نیز نتیجهٔ منطقی این فعالیت و مضمون آن می‌باشد. در زمانی که کنفدراسیون در کار سازمان دادن جنبش دفاعی دامنه داری برای دفاع از زندانیان سیاسی است ماهنامه "مردم" سازمان‌های ما را به پرداختن به "بحث‌های بی‌سرانجام" متهم می‌کند.

هیأت دبیران کنفدراسیون در اوت ۱۹۶۸ طی بخشنامه‌ای از سازمان‌ها می‌خواهد که جهت تبدیل هفتهٔ "شانزدهم آذر" (۱ تا ۷ سپتامبر) به هفتهٔ دفاع از زندانیان سیاسی بکوشند و بدین ترتیب برای اثربخشی و نتایج بهتر. از سه ماه قبل از هفتهٔ تعیین شده واحدها را براساس شرکت هر چه فعال‌تر و با شکوه در برگزاری این هفته تجهیز می‌کند. هنگامی که از اخبار پراکنده و نا دقیقی در مورد حوادث اخیر ایران مطلع می‌شود، در جهت جمع‌آوری بیش‌تر خبر و دقیق کردن آن بطور جدی اقدام می‌نماید و با انتشار بخشنامه‌ای در ۱۵ مهرماه ۱۳۴۷ در جهت اجرای یک برنامهٔ دفاعی وسیع گام برمی‌دارد.

در ۱۵ مهر ماه یعنی قبل از چاپ و پخش ماهنامه "مردم" این بخشنامه برای قرائت در مجمع عمومی به کلیه واحدها ارسال می‌گردد. در این بخشنامه ضمن تشریح حوادث اخیر ایران - کشتار میهن‌پرستان در کردستان - دستگیری، شکنجه دانشجویان و روشن‌فکران - اعزام دانشجویان و فرهنگیان به سربازخانه‌ها از جمله گفته می‌شود:

"باید برای اعتراض به موج جدید ترور و اختناق در ایران، برای اعتراض به کشتار و جنایات تازه، برای بازگرداندن دانشجویان مبارز دانشگاه تبریز و آزادی کلیه دانشجویان زندانی جنبش وسیعی را تدارک جوئیم... از کلیه واحدها تقاضا می‌شود جلسات عمومی فوق العاده تشکیل دهند و مسائل فوق را به بحث گذارند. به مطبوعات محلی مراجعه کنند و به افشاگری بپردازند، واحدها باید دانشجویان ایرانی و دانشجویان مترقی خارجی را برای انجام فعالیت‌های وسیع که در پیش خواهیم داشت تجهیز و آماده کنند. برنامه مشخص کار کنفدراسیون در این مورد بزودی پس از جلسه فوق العاده هیات دبیران به همین منظور تشکیل می‌دهند به اطلاع واحدها خواهد رسید. یکبار دیگر تاکید می‌شود که واحدها باید از هم اکنون نیروهای خود را آماده کرده با سازمان‌ها و دانشجویان خارجی تماس گرفته، حوادث اخیر ایران را با توجه به جنایات رژیم در گذشته، در مطبوعات منعکس کنند".

بدنبال این اقدام طی بخشنامه شماره (۱۴ اوت) روز ۲۵ اکتبر به عنوان "روز اعتراض" اعلام می‌گردد. در این روز از طرف فدراسیون‌های آلمان و آمریکا مارش‌های عظیمی ترتیب داده می‌شود. فدراسیون ایتالیا برنامه اشغال سفارت را تنظیم می‌کند و در نتیجه سفارت ایران بوسیله دانشجویان ایرانی اشغال می‌گردد، واحدهای دیگر کنفدراسیون نیز بر حسب شرایط و امکانات محلی، با خواست پایان دادن به کشتار در کردستان و آزادی دانشجویان ایرانی به فعالیت می‌پردازند. همزمان با این مبارزه، کوشش برای کسب اطلاعات بیشتر در باره حوادث اخیر ایران و دستگیری دانشجویان و روشن‌فکران و دقیق کردن این اطلاعات با موفقیت انجام می‌گیرد و بلافاصله پس از آن برنامه منظم، سیستماتیک و همه‌جانبه‌ای برای رهائی دانشجویان و روشن‌فکران تهیه و به مورد اجرا گذارده می‌شود.

در سرمقاله پیمان شماره ۳ و اطلاعیه هیات دبیران کنفدراسیون، چگونگی برنامه جنبش دفاعی جدید و وظائف واحدها، مراحل مختلف این جنبش و کار مقدماتی برای عملکردهای همگانی و وسیع آینده توضیح داده می‌شود.

جنبش دفاعی جدید با سرعت سرتاسر اروپا و آمریکا را فرا گرفت، و در نتیجه فعالیت‌های مداوم و شبانه روزی کنفدراسیون، مسئولین کادرها و اعضای آن حوادث اخیر ایران و اقدامات کنفدراسیون جهانی به خاطر تشکیل دادگاه علنی و نجات میهن‌پرستان در پرتیراژترین و مهم‌ترین مطبوعات جهان منعکس شد، روزنامه اسپرور، گاردین، تایمز، اکونومیست لندن، ساندی تایمز، لوموند، هومانیته، کنکرت، اشیگل و سایر روزنامه‌ها و مجلات معروف، رادیوها و تلویزیون‌ها جریان جنبش دفاعی جدید را منعکس کردند. سازمان‌ها و شخصیت‌های مترقی به حمایت از جنبش دفاعی کنفدراسیون و برای نجات جان میهن‌پرستان به ارسال نامه و تلگراف به ایران، نوشتن اعلامیه و سایر وسائل اعتراضی دست زدند. سازمان‌های دانشجویی ما در سراسر جهان در هفته‌های اخیر موفق شدند رژیم ایران را بیش از پیش رسوا و در جهت تحقق خواست خود از حمایت و پشتیبانی وسیع افکار عمومی برخوردار گردند. از آنجا که تاکنون بخشی از این فعالیت درخشان و پر موفقیت در چهار شماره پیمان است (شماره ۴ تا ۷) ما از اشاره بیش‌تر به آن خودداری می‌کنیم.

رژیم ایران در نتیجه گسترش این جنبش پرتوان ناچار شد توطئه سکوت را بشکند و اخبار مربوط به دستگیری دانشجویان و روشن‌فکران را که ماه‌هاست در شرایط سخت در زندان بسر می‌برند تأیید کند و در نتیجه کوشش برای جلوگیری از انعکاس این اخبار که بطور کلی بصورت یک سیستم از چند سال قبل و بطور مشخص در مورد دستگیر شدگان اخیر از چند ماه قبل انجام می‌شد بوضع مفتضحانه‌ای در هم شکست. این پیروزی درخشان جنبش دانشجویی از حقانیت مبارزه و خواست‌های ما از نیروی متشکل توده دانشجویان از پایه توده‌ای و پر توان کنفدراسیون و از اعتبار آن در میان سازمان‌ها، شخصیت‌ها و نیروهای مترقی و دمکرات جهان ناشی می‌شود. دشمنی گردانندگان ماهنامه "مردم" و "رادیو پیک ایران" با کنفدراسیون به حدی است که وقتی بنا به ملاحظاتی ناچار می‌شوند به کوشش افشاگرانه و موفق این یا آن واحد کنفدراسیون اشاره کنند، مبارزات یک پارچه و وسیع سازمان‌های دانشجویی را نه بصورت فعالیت سازمان دانشجویان ایرانی، بلکه بنام فعالیت دانشجویان ایرانی در فلان شهر انعکاس می‌نمایند. آیا برای گردانندگان پیک ایران روشن نیست این یا آن سازمان برای دفاع از دستگیر شدگان اخیر فعالیت

پراکنده و منفرد دانشجویان یک شهر و حتی تنها یک سازمان دانشجویان ایرانی در یک شهر نیست؟ آیا برای گردانندگان "پیک ایران" با همه جدائی از مردم و از آن جمله توده دانشجو و مبارزات آن روشن نیست که آنچه از در دفاع از دانشجویان و روشن فکران میهن پرست ایرانی در خارج از کشور انجام می گیرد، برنامه ای عظیم، هم آهنگ و سازمان یافته تحت رهبری کنفدراسیون جهانی است؟ آیا گردانندگان ماهنامه "مردم" از اخبار خبرگزاری ها، گفتار رادیوها و نوشته مطبوعات معروف و پرتیراژ جهان هیچ گونه اطلاعی ندارند؟ آیا از بیش از پانصد هزار اعلامیه های مختلف که تنها از طرف واحدهای فدراسیون آلمان انتشار یافته حتی یک اعلامیه به دستشان نرسیده است؟ واقعیت آنست که موضع گیری پیک "ایران" در برابر مبارزات پیرومند کنفدراسیون در سکوت در قبال این مبارزات، و یا انعکاس مبارزات متشکل و یکپارچه دانشجویان بصورت فعالیتی پراکنده از طرف عده ای از دانشجویان ایرانی، از موضعی آگاهانه و از خشم و کینه آنان نسبت به جنبش دانشجویان ایران و کنفدراسیون ناشی می شود.

گردانندگان "مردم" و پیک "ایران" خود به یکی از علل مهم این موضع گیری در صفحه ۳ جزوه "ما و کنفدراسیون" جواب می دهند بنا بر آنچه در این جزوه آمده آنها معتقدند که پیک "ایران" مهم ترین نقش را در آگاه ساختن مردم ایران از مبارزات دانشجویی در خارج از کشور ایفا می کند.

و بنابراین برای اینکه مردم ایران از مبارزات دانشجویان و نقش کنفدراسیون از این مبارزات آگاه نشوند، لازم است که نه تنها از انعکاس این مبارزات و آوردن نام کنفدراسیون خودداری شود، بلکه حتی اگر بدلائلی لازم آید اخبار فعالیت یکی از واحدها پخش گردد این اخبار باید به عنوان فعالیت پراکنده دانشجویان ایرانی و نه به عنوان فعالیت متشکل سازمان دانشجویان انعکاس یابد. ولی این گردانندگان "مردم" و پیک "ایران" اند که به علت نداشتن تکیه گاهی در میان مردم تنها راه نفوذ در توده ها را روزنامه و رادیو می داند، آنها به عبث گمان دارند که با خودداری از انعکاس فعالیت متشکل دانشجویان ایرانی و خودداری از بیان اینکه این مبارزات بصورت یک پارچه و تحت رهبری کنفدراسیون انجام می گیرد خواهند توانست از انعکاس مبارزات کنفدراسیون در داخل کشور جلوگیری کرده و از این طریق مانع شوند که کنفدراسیون در میان میهن پرستان و مبارزین ایرانی اعتبار و احترامی را که شایسته آنست بدست آورد. کنفدراسیون به خاطر محتوی دموکراتیک و ضدامپریالیستی آن و بخاطر همراهی صمیمانه با مبارزه مردم و بخاطر تکیه بر توده دانشجو و آگاهی به وظائف خود و بخاطر موضع گیری های درست و آشکار خود علی رغم نیرنگ و تلاش های متنوع همه دشمنان جای خود را بیش از پیش در میان رزمندگان میهن پرست ایرانی باز کرده و با الهام از مبارزه آنان به نبرد سخت و پیروزمندشان یاری می رساند.

هیات دبیران

فدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی در آلمان فدرال و برلن غربی

۱۸ دسامبر ۶۸"

سند شماره ۴ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم

مندرج در بخش: (انتشار پوستر پرویز حکمت‌جو اقامی تحریک‌آمیز برای برهم زدن وحدت کنفدراسیون جهانی

پوستری را که دبیران موقت کنفدراسیون در دفاع از فرزندان خلق با تصویر پرویز حکمت‌جو



سند منتشره شده از جانب سازمان مونیخ در زیر ارائه شده است.

هر چند صیقل و گل صمد بر باد رفته اند مرکز گمان مدار که از یاد رفته اند
در راه پی کفکاری کاغذ جهان نو بر جا به جا و پایه و بنیاد رفته اند



کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی

CONFEDERATION OF IRANIAN STUDENTS (NATIONAL UNION)
Confédération des Etudiants Nationaux Confédération des Etudiants Nationaux

سند شماره ۵ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم

مندرج در بخش: (نقش منفی خط میانه در برخورد به مسئله عطاء لقب "فرزند خلق" به پرویز حکمت‌جو و در حمایت بی‌قید و شرط آنها از تلاش جبهه ملی ایران و "کادر"ها برای تطهیر حزب توده ایران)

سازمان دانشجویان ایرانی در شمال کالیفرنیا عضو کنفدراسیون جهانی

سازمان دانشجویان ایرانی در شمال کالیفرنیا
عضو کنفدراسیون جهانی

تا مرگ دیکتاتورما - مثل سرگونی رژیم سلطنتی - تا پیروزی کامل زحمتکشان مبارزه ادامه دارد

اعضاء و هواداران کنفدراسیون جهانی در شمال کالیفرنیا -

می‌گفت‌گوست که اکنون مدتی است که بحران سیاسی عمیق و همه‌جانبه ای صفوف جنبش دانشجویی خارج و سازمان رزمنده این کنفدراسیون جهانی دربر گرفته و تمامی دانشجویان مسئول و ایرانیان میهن - پرست از آن آگاهند. بحران سیاسی فوق‌نابسا مانعهای فراوانی بپا آورده که از جمله میتوان چند بارگی تشکیلات کنفدراسیون جهانی، تضعیف توان مبارزه ضد رژیم و سیاسی کنفدراسیون و تشنگی عمیق حاکم بر آن را نام برد. امروز وظیفه بیرون کشیدن کنفدراسیون جهانی و صفوف نهضت دانشجویی خارج از بحران و نابسا مانعهای کنونی میباشد که در صدر ویلای وظایف کلیسیه دانشجویان مسئول و مبارز قرار گیرد و همت همگان در این راه بکار افتد. آنان که تمامی فعالیت‌های خود را به گرد تحکیم و حرکت صفوف جنبش دانشجویی خارج بر پاره ستان و دمای انقلابی نهضت استقلال طلبانه و دمکراتیک خلق قهرمان ایران و وظایف رزمندگان دانشجویان بکار و نیاز دارند، بجز خانه خالی نمودن از زیر بار مسئولیت‌پذیری که اکنون بر دوش ماست کاری انجام نداده‌اند.

دانشجویان متفکر در سازمان شمال کالیفرنیا آگاهند که پس از کنگره ۲۳ سازمان آمریکا و بیهوده پس از شورای فوق‌العاده سازمان آمریکا بحران درونی سازمان شمال تشدید یافته و با خروج عده‌ای از اعضا سازمان شمال از کنفرانس حوزه (۱۶۵۰) در منه‌تشت و جدائی و انشعاب به مینت‌درجه خویش رسیده است. در عین حال بر همگان آشکار است که بحران درونی سازمان ماکه بدین انشعاب انجامیده است نه پدیده‌ای مجزا بلکه مرتبط به وضع کنفدراسیون جهانی و بحران سیاسی موجود در جنبش دانشجویی خارج. منتج از آن میباشد پس برای پی بردن به دلایل آنچه که در سازمان ما اتفاق افتاده است میباشد در درجه اول به بحران سیاسی کنفدراسیون جهانی پرداخت و از خلال آن مسائل درونی سازمان شمال کالیفرنیا را باز یافت.

کنفدراسیون دانشجویان و محصلین ایرانی (اتحادیه ملی) بر مبنی یک ضرورت تاریخی در شرایطی که بنحی حکومت ترور و خفقان محمدرضا شاهی حلقوم خلق را میفشردا زگرد هم‌آئی دانشجویان آزادخواه و استقلال طلب در خارج از کشور بوجود آمده همروال با رشد جنبش خلق در داخل کشور و تکامل مبارزه درونی جنبش دانشجویان خارج کنفدراسیون از یک سازمان صرفاً ضد دیکتاتوری به سازمانی ضد امپریالیست و دمکراتیک بدل گشت و بدیناورد وظایف خطیر جنبش دانشجویی خارج همت گماشت. در این مختصر بیان مفصل روند تکامل کنفدراسیون جهانی ممکن نبوده و ما تنها به ذکر آن مسائل عمده‌ای که بگرد آنان خط مشی این سازمان پرورده گشته و اساس مبارزه درونی میان جریان‌های مختلف بر سر آنان بوده است بپردازیم زیرا زمانیکه مبارزه‌ای همه‌جانبه و گسترده در جریان است پس از گفت‌وادی یک یا چند نکته اساسی مبارزه ظاهر میگردند که سرنوشت و جهت مبارزه بستگی به حل آنان خواهد داشت. در نهضت دانشجویی خارج این مسائل و نکات درعالمترین شکل خویش در چگونگی برخورد و مبارزه با رژیم منقور محمدرضا شاهی و امپریالیسم و در چگونگی بسیج و آموزش توده‌های دانشجویی این مبارزه متبلور گشته و با مباد مبارزه درونی را تعیین نموده است. بهترین تیلور این حقیقت را می‌توان از کنگره ۱۲ کنفدراسیون جهانی دنبال نمود. در سال ۱۹۷۰ رژیم شاه در تشدید یورش خویش بر

نهضت دانشجویی خارجاً اقدام به "غیرقانونی" نمودن کنفدراسیون جهانی کرده و عضویت در آنرا مشمول قانون سیاه ۱۳۱۰ نمود. در شرایطی چنین که یورش ددمنشا نه حکومت پاسخی شایسته و قاطع میطلابت و توده دانشجویان استوار و خویشت را در مبارزه قاطع با رژیم در عمل با ثبات رسانیده بود و جریانات موجود در جنبش دانشجویی خارجاً درجه دوپاسخ متضاد به این یورش رژیم دادند. از این دوپاسخ یکی پاسخ راست - روان موجود در کنفدراسیون بود. اینان تزلزل در مبارزه قاطع ضد رژیمی را با سرافروند و ردن عقب - نشینی در مقابل این یورش پاسخ گفته و منشوری به کنفدراسیون عرضه نمودند که در آن فعالیت و مبارزه کنفدراسیون در "جهارچوب قانون اساسی و اعلامیه حقوق بشر محدود" گفته بود. در توجیه عقب ماندگی و تزلزل خویش، در توجیه پائین کشیدن سطح کنفدراسیون تا سطح کار در جهارچوب قانونی که رسمیت سلطنت محمدرضا شاهی را تأیید مینماید اینان "حقانیت مبارزه" خواست وسیع ترین توده - ها "عقب نشینی منظم و فعال" "عدم رشد کافی نیروهای مولده" و توجیهات بسیار دیگری را به جنبش دانشجویی ما عرضه نمودند. در این "عقب نشینی فعال" نیروها و جریانات گوناگونی شرکت داشتند که گرچه توجیهات گوناگونی را نیز محمل خویش ساخته بودند. اما در غالب نمودن مشی رفرمیستی و راست روانه برجایش دانشجویی ما متحداً لقول بودند که در منشور کذا یی پیشنهادی به کنگره ۱۲ کنفدراسیون متبلور گشته بود. منشور فوق که بنام "منشور کمیسیون هیئت دبیران" مشهور است در سلبی کاملاً با منشوری بود که طرفداران کمیته مرکزی حزب توده ایران از سازمان گراتس بدین کنگره آورده بودند و از این لحاظ برنامه تمامی جریانات فوق در پاسخ به یورش رژیم یگانه و همگون بود.

پاسخ دیگر در مقابل این "عقب نشینی فعال" مبارزه قاطع بر علیه رژیم پهلوی و امپریالیسم بر مبنی خواست سرنگونی رژیم و قطع نفوذ امپریالیسم از ایران به پیش گزیده و مبارزه درونی - سرخوش این جنبش بگردان اساسی ترین، مسائل نهضت استقلال طلبانه و دمکراتیک خلق ایران بعدی نوین یافت. منشور کذا یی رفرمیستی آنچنان افشاشد که آورندگانش مجبور به تغییر آن گشتند و منشور دیگر به تصویب رسید که بقول خودشان "روح" منشور نخستین را بدون الفاظ "کار در جهارچوب قانون اساسی" حفظ نموده بود. بدنبال کنگره ۱۲ کنفدراسیون اساسی ترین صف بندی درون جنبش دانش - خویی میان دو مشی ادامه یافت. آیندو پاسخ بیان دودیدگاه دو برنامه و دومشی نسبت به وظایف نهضت دانشجویی خارجاً و مبارزه بر علیه رژیم پهلوی و امپریالیسم بود و هست و امروز پس از گذشت بیش از ۵ سال از آن تاریخ همچنان به قوت خویش بر جای مانده و همانا تکامل مبارزه درونی میان این دومشی است که سرانجام به تکوین تشکیلات مجزا که در واقع عالی ترین سطح تجلی این دومشی میباشد انجامیده است. پس برای آنکه به مضمون و محتوی تشکیلاتهای چندگانه ای که اینک در جنبش دانشجویی خارجاً ظاهر گشته اند پی برده شود برای آنکه علت چندپارگی کنفدراسیون روشن گردد، میبایست روند تکاملی مبارزه ایران که در عالیترین شکل خود به این جدایی تشکیلاتی انجامیده است مورد بررسی قرار داد.

همانگونه که ذکر گردید در میان کسانی که عقیده مانندی و راست روی خویش را کرنش در مقابل حمله رژیم پاسخ گفته اند جریانات مختلفی موجود بودند. جمعی از اینان عملکرد خویش را این چنین تشریح نمودند که از آنجا که شرایط انقلابی در جامعه ایران موجود نبوده و تکامل تضادهای طبقاتی

شد کافی ننموده است در نتیجه در شرایط کنونی وظیفه اساسی جنبش مردم ایران مبارزه برای
 آنچنان "توانین دمکراتیکی" که در چهار چوب آنان نیروهای مولده جامعه بتوانند بدرجه رشد
 کافی برسند و در نتیجه میبایست که در چهار چوب قانون اساسی ایران به فعالیت و مبارزه پرداخت
 و در انتها و شرایط مناسب نشست. طرفداران و دنباله روان آن روزی این نظریه همان مایند که
 امروز نیز تحت هدایت و رهبری نویسندگان و مانده سازشکارنشریه "سپهر" یا تکیه به همان
 تئوریها به انشعاب خویش از کنفدراسیون جهانی جامعه عمل پوشانیده و از آن خارج گردیدند.
 جریانات دیگر موجود در این صف بندی یا تکیه به مشی راست روانه ایکه جنبشهای توده ای را در سطح
 خواستهای مطالباتی و "قانونی" محدود مینماید بدینجا رسیدند که "حقانیت مبارزه" خواست
 وسیع ترین توده ها "توده ای نمودن کنفدراسیون" در این شرایط بحرانی حکم مینماید که با
 یک عقب نشینی فعال "کنفدراسیون" از گرد حملات رژیم به اصلاح مصون بماند و توده های
 دانشجو از اطراف آن پراکنده نگردند. حمله رژیم در واقع آن فرصت مناسبی بود که اینان واقفیت
 مشی راست روانه خویش را بروز داده و در زمینه جنبش دانشجویی به عمل گذارند. دوازدهمین کنگره
 کنفدراسیون از بسیاری جهات نقشی ویژه در تاریخ جنبش دانشجویی ایران ایفا مینماید. شرایط
 بحرانی همواره تمامی جریانات و نظرات سیاسی را و میدارده که با مشی و برنامه ای مطابق با واقعیت
 سیاست واقعی خویش یا یبمیدان گذارند و کنگره ۱۲ کنفدراسیون از این لحاظ این چنین نقشی را
 ایفا نمود. در جریان مسائل این کنگره بود که دومی دوبرنادر مقام بل یکدیگر قد علم نمودند و
 آینده کنفدراسیون در گرو سرانجام مبارزه میان این دومی قرار گرفت. کنفدراسیون جهانی و
 نهضت دانشجویی ایران در چه کدام راه را باید دریغ گیرد؟ راهی که سرانجامش تبدیل کنفدراسیون به
 یک سازمان صنفی و مطالباتی در عقب مانده ترین سطح آن و در چهار چوبی رفرمیستی است و یا راهی که
 در میان آن اساسی ترین خواست نهضت انقلابی و استقلال طلبانه و دمکراتیک خلق ایران در راه سرنگونی
 بساط این رژیم و قطع نفوذ امپریالیسم قرار دارد؟ دو پاسخ متضاد داده شده در شرایط بحرانی
 کنگره ۱۲ کنفدراسیون جهانی در واقع و در نهایت ایندوره را در مقام بل جنبش دانشجویی ایران در
 قرار میداد.

بسیاری از راست روان کنونی بر آنند که بحث پیرامون خط مشی کنفدراسیون جهانی بحثی تحمیلی
 بوده و هست و خاطره شان از اینگونه مباحث آزرده میباید و حتی برای آنان که با تکیه به عقب -
 افتاده ترین خواستهای موجود در میان دانشجویان ایران در چه گام بر میداشتند و میدانند اساسی ترین
 وظیفه انقلابی ایران و تربیت توده دانشجو بگردان میباید هم میبایست تحمیلی بشمار آید.
 جنبش دانشجویی ایران در خارج از کشور بمثابه بخشی لا ینفک از نهضت استقلال طلبانه و دمکراتیک
 خلق ایران وظیفه مند است که با درس آموزی از گذشته نهضت و با تکیه بر دستاوردهای ارزشمند آن در
 آن راهی گام بردارد که خلق قهرمانان ایران آنرا برای رهایی از یوغ برده گی امپریالیسم و ارتجاع
 یومی در راه رسیدن به جامعه ای مستقل و دمکراتیک ترسیم نموده است. جنبش دانشجویی ایران در
 خارج از کشور وظیفه مند است تا سمت و محتوی و مضمون برنامه ها و مبارزات خویش را بگرد آن خواستی
 ترسیم نماید که جنبش انقلابی ایران ترسیم نموده است. آنان که راهی جز این در مقام بل جنبش
 دانشجویی ایران در خارج از کشور قرار داده و میهند در واقع خواهان آنند که عقب مانده گی خویش
 را برای جنبش تحمیل نمایند.

بهر رو درباره روند و چگونگی حرکت و تکامل بخشی از صف بندی راست روان کنگره ۱۲ که دنباله
 نویسندگان نشریه "سپهر" از کنفدراسیون انشعاب نمودند به تفصیل در مباحث پیرامون کنگره ۳۳
 سازمان آمریکا سخن رانده شده و در این مختصر نیازی به تکرار آنان نمیابیم و رفتا را به مطالعه
 درم شماره ۱ و اظهاریه شیکاگو رجوع مینمایم.

بخش دیگر موجود در این صف بندی راست که تحمیل عقب ماندگی خویش را به جنبش دانشجویی در سر
 پرورانده است پس از کنگره ۱۲ کنفدراسیون جهانی مسیر حرکت قهرانی و سیستماتیزه شدن را به
 سرعت دنبال نموده در این مختصر باز فرصت کافی برای جواب این تکامل قهرانی موجود

نیست و ما به ذکر اساسی ترین تبلورات آن بسنده نمی نماییم. در طول این چند ساله از این راست روان اسناد جامع در توضیح خط سیاستان برجای مانده است که برای نمونه میتوان به "رساله مایورگ"، "رساله گیس"، "بحث آزاددا نشجو"، "رساله مونیخ" اشاره نمود. در درون این اسناد و در خلال مباحث پیرامون خط مشی جنبش دانشجویی است که خط مشی سیستم تیزه شده راست اینان تکامل یافته و ظاهر میگردد. تیزه و فرموله شده توسط اینان در این دوران به اختصار شرح زیر است: نخست آنکه جنبش های توده ای و سازمان های توده ای توان مبارزه در راه خواست های ریشه ای موجود در جامعه را نداشته و می باید خواست های خویش را بگرد مسائل مطالبات صنفی محدود نمایند، با طرح خواست سرنگونی رژیم و قطع نفوذ امپریالیسم در کنفدراسیون و خلعش آن کنفدراسیون خصلت توده ای خویش را از دست داده و به سازمان "آوانگارد" و "حزبی" تبدیل میگردد، در نتیجه برای "حفظ و گسترش" کنفدراسیون میباید که این سازمان بمثابه سازمانی صنفی - میهنی که در برخی موارد فعالیت های سیاسی نیز انجام میدهد عمل نماید و در غیر این صورت و با طرح شما سرنگونی رژیم توده ها از اطراف آن خواهند رمسید.

دیدگاه فوق که جز محدود نمودن دامنه و محتوی مبارزه توده ای دانشجویان و دیگر اقل روایات خلقی نتیجه ای ندارد، در شرایط کنونی جامعه ایران و انقلاب دمکراتیک و ملی طراز نوین آن نه بر دمکراتیسم انقلابی بلکه بر لیبرالیسم بورژوازی منطبق بوده و تئوریزه امیال و خواسته های اقشار خورده بورژوازی مرفه و راست خا رجه میباشد. گذشت بیش از چهار سال از مبارزه درونی بکرد خط مشی کنفدراسیون در عمل نشان داده است که راست روی این بخش از کنفدراسیون نه ناشی از این یا آن اشتباه زودگذر کناری بلکه ناشی از یک سیستم فکری و دیدگاه سیستم تیزه شده راست و عقب مانده و محدود میباشد که تبلور عملی اش را در چگونگی پاسخگویی به اساسی ترین مسایل مقابل پای نهضت دمکراتیک و استقلال طلبانه خلق ایران و جنبش دانشجویی خا رجه باز یافته است. کسانیکه در طول

این چند ساله در حرف و در عمل به مخالفت با انعکاس سیاست های انقلابی در درون کنفدراسیون برخاسته و در مقابل به صنفی گری مبتذل و سیاست زدایی و بسیج توده بگرد مسایل عقب افتاده کوشیده اند کسانیکه در مقابل فعالیت های رزمنده دفاعی کنفدراسیون تبلیغ بگرد مسایل دانشگاهی دانشجویان خا رجه را علم کرده اند کسانیکه با درک نادرست و انحرافشان از خطرا بر قدرت شوروی و عمل فارسی زبان آن کمیته مرکزی حزب توده "مبارزه" بر علیه اینان را در حرف و در عمل بر مبارزه ضد رژیم - اشان مقدم ساخته اند. کسانیکه برای جنبش کارگری ایران اکونومیسم و برای جنبش دانشجویی خا رجه راست روی و صنفی گری را ترویج نموده اند. این چنین کسانی نه حاملین و مبلغین یک مشی انقلابی و قاطع بلکه حاملین و مبلغین یک مشی اکونومیستی و راست روانه میباشند و در عمل نیز جز این نکرده اند پس از گذر ۱۲ کنگره کنفدراسیون جهانی تحت تاثیر رشد مبارزات درونی کنفدراسیون تغییراتی صفوف متحدین کنگره ۱۳ پدیدار گشت. از یکسو تا کنگره ۱۴ کنفدراسیون اینان دست در دست یکدیگر گام برمیداشتند و تئوریهایشان را نیز از انبان کهنه نویسندگان کنونی سپهر و اندیشه های "علمی" راست روان دیگر بدست میاوردند. اما این دوران با رشد مبارزه مسلحانه گروهها و سازمانهای انقلابی داخل کشور و تحت تاثیر این مبارزه بخشی از این صفوف بندی را دیکار تیزه گشت و از آن جدا شد. راست روانی که در طول این دوران با این بخش از صفوف بندی کنگره ۱۴ همراه بوده و در عین حال در مقابل حملات ضد کمونیستی اینان کوشش مینمودند، پس از این جدایی از یکسو به تقویت سیاسی سردمداران کنونی سپهر پرداختند و از سوی دیگر "مشی چریکی" شهری بمثابه عمده ترین خطر مقابل نهضت انقلابی ایران ارزیابی نموده و برای نمونه "۱۱ فرمان" مشهور خویش را در سمینار جنوب کالیفرنیا عرضه نمودند. اکنون که دیگر میان متحدین کنگره ۱۲ شکر آب شده بود اینان به ناگاه به یاد دفاع از جمهوری توده ای چین مبارزه با شوروی و پیشبرد مبارزه ایدئولوژیک درونی

کنفدراسیون افتادند. اما آنچه میکوبیدند نه انحرافات "ملیون" بلکه حرکت رزمنده موجود در میان آنان بود. نمونه این مسئله به روشنی در مخالفت اینان با نمکاس نقل قولهای مبارزین داخل کشور مبتنی برخواست آنان به سرنگونی رژیم وانمکاس شمار "سرنگون با درژیم منفور پهلوی" در ارگانهای کنفدراسیون جهانی متبلور گردیده. پس از این گذرگاه در طول سالهای گذرگاه ۱۶ و ۱۵ کنفدراسیون جهانی خط راست کنونی حرکت قهقراپی و راست روانه خویش را ادامه و تعمیق بخشید و فقط بعضی از آنان کوشیدند تا راست روی خویش را از زاویه "چپ" توجیه نمایند. "دمکراسی نوین" "شوروی" و امثالهم نمونه توجیهاتی است که اینان در شرایط حاد مبارزه درونی و افشا هرچه بیشترشان در سلاح جنبش عمومی خلق برای حفظ خود در مقابل مشی انقلابی علم نمودند. اما مبارزه ماسکها را میدرید و این ظاهر چپ نیز بویژه امروز دیگر قادر به پنهان نمودن ماهیت راست اینان نمیشد.

مبارزه درونی چندساله گذشته گرچه بگرد این مسئله اساس جریان بوده است اما تزلزل بر سر این جریان در نتیجه موجبات انحرافات دیگری نیز گشته است. از جمله این مسائل که بویژه در شرایط کنونی با توجه به اوضاع جهانی اهمیت فراوانی کسب مینماید. یکی مسئله "کمیتة مرکزی حزب توده" و "ابر قدرت شوروی و دیگری مسئله سازمانهای چون "اوملئته روژ" و "اکتبرلیگ" میباشد. "کمیتة مرکزی حزب توده" امروز بمثابة ستون پنجم ابر قدرت شوروی و بنگاه جاسوسی فارسی زبان آن در راه برآورده امیال سیطره جویانه ابر قدرت شوروی عمل مینماید. تکامل منطقی خط مشی رفترئستی رهبری حزب توده در جریانات انضباط جنبش بین المللی کمونیستی در سالهای ۱۹۶۰ بدانجا انجامید که اینان در این مبارزه نه درست انقلابی کشورهایی چون چین و آلبانی بلکه در صفوف مرتدان غروشیفی قرار گیرند و برترهای سازشکارانه خویش پشتیبانی بین المللی را نیز عموماً سازند. ابر قدرت شوروی جهت نفوذ در ایران و کسب سیطره در این منطقه از طرق گوناگون اقدامی - نظامی - سیاسی میکوشد و عملکرد کمیتة مرکزی نیز چیزی نیست مگر تا بمی از امیال ابر قدرت شوروی. این سیاست امروز عمده ترین روند خویش را در کوشش جهت نفوذ بی در نهضت استقلال طلبانه و دمکراتیک خلق و وجهه معامله قرار دادن آن در مقابل رژیم شاه و امپریالیسم آمریکا مینماید. در برخورد کمیتة مرکزی به رژیم شاه و جنبش دانشجویی خارجه پس از گرویدن به کمپ میدان غروشیفی و دودوران یکسان اما ظاهراً میتوان نام برد که خود تا بمی از چگونگی مناسبات دوا بر قدرت آمریکا و شوروی است. تا آنجا که شوروی میکوشید با آمریکا از در سازش درآید رژیم منفور محمدرضا شاهی رژیمی مرفعی بود که از طریق مناسبات با شوروی جا داده انقلاب ایران را هموار میساخت و از آن زمان که تضادهای میان دوا بر قدرت آمریکا و شوروی تشدید گردید، حکومت محمد رضا شاهی حکومتی شد که سدره ترقی ایران است. در هر حالت چه دست بوسی آستان پهلوی وجه فحاشی بدان و هر دو برای دارودسته کمیتة مرکزی حزب توده مفهوم و سیاستی یکسان دارد که اهداف نفوذیابی در ایران و سازش با حکومت طبقات ارتجاعی و کسب سیطره ابر قدرت شوروی میباشد. هر آنچه که اینان در میان نهضت انجام میدهند هدفی جز آنچه که ذکر گردید ندارند.

تزمانی کمیتة مرکزی برای جنبش دانشجویی مادر دوران نخستین و کار در چهار چوب قانون اساسی، کوشش جهت قانونی کردن کنفدراسیون در عرصه ایران و ارتباط نزدیک با ابر قدرت شوروی و امثالهم بود. از دیدگاه اینان کنفدراسیون بمثابة سازمانی توده ای یا بدینصورت مسائل صنفی و قشری و مطالبات آنها را در دودوران این حد فعالیت نماید. خلاصه گفته باشیم تزمانی اینان در رابطه با قانونمندیهای جنبش دانشجویی در تالاب بقا مل بوده است و از همین روست که اینان پس از گذرگاه دوازده از کمیتة مرکزی خواستند تا حسن نیت نشان داده و اکنون که "چپ رو" ها (یعنی طرفداران جای دادن سرنگونی در مشی کنفدراسیون) ایزوله گشته اند از در دوستی با کنفدراسیون درآیند. و تعجب آور نیست که در این دوران راست روان جنبش دانشجویی ما در مبارزه شان با کمیتة مرکزی تنها وابستگی این دارودسته را به شوروی و سیاستهای متعج زاین وابستگی را مورد حمله قرار میدادند و کلمه ای در افشا خط مشی کمیتة مرکزی برای جنبش دانشجویی از آنان یافت نمیکرد.

تزمانی کمیتة مرکزی برای جنبش دانشجویی ما و مبارزه یا رژیم در دوران دوم در واقع همان اهداف سابق را در پوشش "سرنگونی رژیم کنونی" دنبال نمود و در اینجا نیز راست روان جنبش دانشجویی ما نیز

به جای افشا ماهیت سیاستهای کمیتہ مرکزی آتش حمله خویشتن را بروی "پیرو" و "گذاشت و جملاتی از
 "نیل" منشور شما در واقع همان خواست کمیتہ مرکزی است و "سرنگونی شما همان سرنگونی کمیتہ
 مرکزی است" و در میان نشان گردید *

و اقصیت آنست که اینان بسبب مشی راست روانه و تزلزلشان در مبارزه قاطع علیه حکومت تا زمانیکه
 بر این مشی باقی بمانند توان مبارزه قاطع و حقیقی را بر علیه داروستانه کمیتہ مرکزی نداشته و
 نمیتوانند داشته باشند. ستون اساسی برنامه کمیتہ مرکزی بسازی کسانند جنبش ما با دشمنان طبقه
 تیشان میباشد و تنها با پیروی از یک مشی قاطع و انقلابی است که میتوان توطئه های کمیتہ مرکزی و
 ابر قدرت شوروی را عقیم گذاشت و نه صرفا با سروصدای راه نفاق ملی و خطر کودتای شوروی. راست -
 روان جنبش دانشجویی خارج با درک غلط از خطر ابر قدرت شوروی و خلاصه نمودن آن در امکان کودتای
 روسی در ایران که خود ناشی از درک غلط اینان از شرایط ایران و پایداری نفوذ ابر قدرت شوروی
 است به تبلیغات در جنبش دست زدند که نتیجه ای جز منحرف نمودن آنها از مبارزه با تضادهای عمده
 جامعه محصولی ببار نیاورده است. بهترین تبلور این انحراف به هنگام شهید شدن حکمت جویدست جلد
 محمد رضا شاهی ظاهر گشت که خط راست بجای گذاشتن لبه تیز تیغ حمله بروی رژیم و اعتراض به این
 جلادی و شکنجه با بهره گیری از انحراف برخی دیگر آتش حمله خویشتن را بروی کسانیکه گشود که در مقابل
 رژیم قاشیستی شاه با اعتراض برخاسته بودند. از دیگر مسائل مهم مقابله با ی کنفدراسیون جهانی و
 نهایتا دانشجویی خارج مسئله چگونگی برخورد به ترما و نظرات ارتجاعی سازمانهای از قبیل
 "اوما نیته روز" و "اکتبر لیک" میباشد. امروز در سطح جهانی ما شاهد تخییرات شگرفی میباشیم از
 یکسو بخیران عمومی سرما پهلوانی جهانی امروز عمقی نوین یافته و در نتیجه تضادهای میان امپریا -
 لیستهای گوناگون و در درون آنها ابر قدرت به منتهی درجه تعدید یافته است و از سوی دیگر انقلاب
 در سرتاسر جهان گسترش یافته و صفوف خلقها و ملل مستعبد شده جهان کشورها و انقلابی و از بند رسته و کار
 گران و زحمتکشان کشورهای سرما پهلوانی در مقابل امپریا لیستها و سگان زنجیری شان صف بندی کرده و
 در سرتاسر جهان نبرد سیمگین در جریان است. در شرایطی این چنین سازمانهای چون "اکتبر لیک" و
 "اوما نیته روز" به تبلیغ سیاستهای اقدام ورزیده اند که سازش میان خلق و ضد خلق و مخدوش نمودن
 صفوف انقلاب و دفاع از نیروهای ارتجاعی را به پیش میگذارند و اینان در حرف و در عمل به دفاع از
 حکومت جلد مفسد شاه و امپریا لیسم برخاسته و جنبش مردم ایران را بسازی با این دشمنان ترغیب نموده
 با تداوم ترومای شاهانه از دیدگاه اینان مبارزه با امپریا لیسم و کشتار خلق دلاورمان از نظر اینان
 جلوگیری از نفوذ ابر قدرت شوروی و به پیش گذاردن خواست سرنگونی این رژیم بدیده اینان ترسکیستی
 و پهلوانی میباشد و در دایره ترانکه مداحی رژیمهای چون شاه و قاجار را اینان بنام کشوری چون
 جمهوری توده ای چین انجام میدهند. این کار لجن پاشی بروی پرچم سرخ جمهوری توده ای چین و
 آلودنهای کبیرا انقلابی آنست. راست روان جنبش دانشجویی خارج در زمانیکه این سازمانها
 در زمین و مداخله خلقهای ایران و عمان را لگدمال کرده و مردم را با اتحاد با شاه و قاجار میخواندند
 در زمانیکه اینگونه سازمانهای بجای بر آه انداختن تظاهراتهای اعتراضی در مقابل شاه به مقابله
 با مبارزات دفاعی کنفدراسیون بر میخواستند و بجای مبارزه قاطع با این نظرات و طرد آنان در عمل این
 گونه سازمانها را بمثابه متحدین بیوفای ملی خویشتن تلقی کرده و بیزبالی و برخورد خفاظت نمودند.
 تزلزل اینان در مقابل نظرات ارتجاعی اکتبر لیک و مثالهم محصول تزلزل آنان در مبارزه قاطع ضد
 رژیم و ضد امپریا لیستی و دیدگاه محدود و عقب مانده شان بوده و میباشند. از نظر اینان پاسداری از
 مصالح خلقهای قهرمان عمان و ایران در مقابل حملات ارتجاعی اکتبر لیک و مثالهم "کارگزاری
 استراتژی رویو تیسم بین المللی" و "ندکمونستی" است. افرادی از این قماش باید در درجه اول قبل
 از رسیدن زنیهای این چنین برخورد و نظرات خودنگاه کنند تا روشن شود که چه کسانی کارگرانند -
 کداهین سلیمت و برنامه اند.

خلاصه کنیم، راست روان جنبش دانشجویی ما پس از گذر ۱۲ و در جریان مبارزه درونی جنبش دانشجویی
 خارج با اشتاب ترقی بیشتر حرکت قهرمانی و شایسته تیزه بدن مشی راست روانه شان را پیچوده و

امروزه با این چنین خطای در جنبش دانشجویی خا رجه مبدل گردیده اند و ویژه گی این خطا مشی در آنست که بتمام مسائل اساسی مقابل پای نهضت از زاوید و دیدگاهی راست روانه پاسخ گفته و در تشروری سیاست و عمل راست روی خویش را سیستماتیزه کرده است.

کنگره ۱۶ کنفدراسیون جهانی در جریان بحران عمیق حاکم بر نهضت دانشجویی خا رجه تشکیل شد. این کنگره گرچه توانست از لحاظ مصوبات و قلمنا مه های در زمینه های مختلف و از جمله تصویب منشور کنونی کنفدراسیون دست آوردهای گرانمای برای جنبش دانشجویی خا رجه بیاورد اما نتوانست بر بحران سیاسی حاکم بر کنفدراسیون پایا ن بخشید و از بسیاری جهات بیان تعدید این بحران بود. بدنبال کنگره ۱۶ کنفدراسیون بحران تصمیق یافت و بخشی از کنفدراسیون بسرمداری نویسندگان سازشکار نشریه "سپهر" از کنفدراسیون جهانی انشعاب نمودند مضمون این انشعاب، تزلزل در مقابل امپریالیسم آمریکا و ابر قدرت شوروی و رژیم شاه کوشش جهت یافتن متهمین در میان ابلتات - ارتجاعی حاکمه و در هم سوئی با برنام و امیال کمیتد مرکزی حزب توده ایران بود. عالیتدین تبلور این انشعاب را در کنگره ۲۳ سازمان آمریکا شاهد بودیم لیکن پس از این انشعاب بحران درونی کنفدراسیون پایا ن نپذیرفت و ادامه یافت. امتداد این بحران از آن جهت بود که پایدهای مادی بحران سیاسی موجود در نهضت دانشجویی خا رجه یعنی دیدگاه محدود و عقب مانده و راست همچنان برجای مانده و در مقابل دستاوردهای انقلابی نهضت مقاومت میوزید.

بدنبال کنگره ۲۳ سازمان آمریکا و با توجه به ضرورت پایا ن بخشیدن به نایبها مانیهای موجود در کنفدراسیون شورای سازمان آمریکا در ۲۷ اکتبر نشست فوق العاده خود را تشکیل داد. تشکیل این شورا از دو جهت ضروری بود. نخست آنکه در جریانات پس از کنگره ۲۳ سازمان آمریکا حرکت انشعاب خط راست به سردمداری دبیر فرهنگی سازمان آمریکا بویژه در جنوب کالیفرنیا تصمیق یافته و این سازمان را به جدایی و تفرقه کشانیده بود و از سوی دیگر با توجه به اینکه کنفدراسیون ارگان رهبری کننده نمیداشت لازم میبود تا پیشنهاد جامعیتی جهت تشکیل شورای عالی کنفدراسیون سپس کنگره ۱۷ کنفدراسیون تدوین گردد.

این شورا در میان موجی از مقاومت و اعتراضهای بی پایا ن راست روان تشکیل گردید و پس از یک روز بحث با تاکید به روی ضرورت اتحاد همگان در کنفدراسیون بگرد مشی رزمنده و دستاوردهای آن نکات زیر بمثل به مضمون محتوی فعالیتها ی کنفدراسیون بتصویب رسانید:

۱- اکنون جنبش آگاهانه و انقلابی ایران بروشنی اعلام داشته است که ایجاد جامعه ای مستقل و دمکراتیک برویرانه های جامعه کنونی ایران بجز از طریق سرنگونی قهری رژیم خودکام و مللقه شاه بمثل به دولت ابلتات حاکمه و تاراندن امپریالیسم به هر رنگ و لباس از میهن ما به دست پرتوان توده های رنجبران ایران ممکن نیست. از این جهت خواست آگاهانه جنبش دانشجویی ایران و کنفدراسیون بمثل به تشکیلات رهبری کننده بخش خا رجه از کشور آن مبنی بر سرنگونی رژیم ارتجاعی شاه و تاراندن امپریالیستها از میهن ما که در منشور کنگره ۱۶ نیز درج گردیده است معین کننده مضمون و محتوی کلیه فعالیتها ی کنفدراسیون جهانی است.

۲- رژیم خودکام و ارتجاعی شاه نماینده و مجری منافع مجموعه ابلتات حاکمه و وابستگی کامل و قلمی به سرمایه داری جهانی و خواسته امپریالیسم آمریکا ارباب مستقیم و جهت دهنده رژیم شاه بوده و به همین علت نیروی عمده امپریالیستی حاکم بر میهن ما محسوب میگردد. از این رو پیکان مبارزه مردم ایران در راه جامعه ای مستقل و دمکراتیک بدلور عمده متوجه رژیم محمدرضا شاه و ارباب مستقیم امپریالیسم آمریکا ست. کنفدراسیون جهانی نیز در زمینه مبارزه بر علیه مجموعه ارتجاع و امپریالیسم پیکان عمده مبارزه خود را متوجه این دشمنان عمده مردم ایران مینماید.

۳- مبارزه کنفدراسیون بر علیه رژیم شاه و امپریالیسم آمریکا از مبارزه مرزبندی قلمی و پیکار بر علیه دشمنان خلق و خاصه ابر قدرت دیگر دولت ضد خلقی و ضد انقلابی اتحاد شوروی و نوکر

ان فارسی زبان آن‌ها روسته کمیته مرکزی جدا نمیشد. اتحاد شوروی در رقابت با عمومی خویش با امپریالیسم آمریکا برای کسب سیادت جهانی و بطور ویژه استیلای بر خاور میانه میکوشد تا از طریق اعمال خویش در جنبش دمکراتیک و ضد امپریالیستی مردم ایران نفوذ کرده و این جنبش را تا به رقابت خویش با امپریالیسم آمریکا و اهداف استعماری رگرا نه خویش نموده و بدین وسیله با حفظ مناسبات طبقاتی موجود در جامعه و طبقات حاکمه در قدرت تنها قرارگاه رژیم را به نفع خویش تنبیر دهد. کنفدراسیون در مبارزه بر علیه تلاشهای و اهداف ضد انقلابی و ارتجاعی اتحاد شوروی بمثابه یکی از دوا بر قدرت جهانی و کمیته مرکزی بمثابه عامل فارسی زبان این ابر قدرت پیکار کرده و مرز بندی خویش را بر علیه آن قاطع تر مینماید.

۴- نیروی اصلی براندازی رژیم شاه و تاراندن امپریالیستها را از میهن ما توده های زحمتکشان ایران تشکیل میدهند. از این رومبارزه کنفدراسیون بر علیه رژیم شاه و امپریالیسم در همسویی و وحدت منافع قطعی با توده های زحمتکش قرار دارد. جهت مبارزه جنبش دانشجویی ها اتحادیونند آنها یکی آن با جنبش طبقات زحمتکش جامعه بوده و بدون چنین امری جنبش دانشجویی موفق به انجام پیگیرانه وظایف خویش نبوده و مسیر انقلابی نخواهد یافت.

۵- اکنون سراسر جهان جنبش های انقلابی و کارگری در اتحادیه های آنها آزاد شده از یوغ امپریالیسم و ارتجاع مبارزه بی امان را بر علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی و خاصه دنیوی اصلی این اردوگاه دوا بر قدرت آمریکا و شوروی سازمان میدهند. این مبارزات انقلابی یگانه نیروی محرکه عصر حاضر و تعیین کننده مسیر اتی عصر ما ست. کنفدراسیون در مبارزه بر علیه رژیم شاه و امپریالیسم بر حسب وظایف ملی و بین المللی خویش در همسویی و وحدت منافع کامل با این مبارزات انقلابی قرار داشته و نیروی متحد خویش را تنها و تنها جنبش های انقلابی و آزادی بخش خلق های جهان و نهضت انقلابی طبقه کارگر جهان سازماندهی پیشقراول آن کشورها و انقلابی از بند رسته و آزاد جهان دانسته و از مبارزات مردم جهان بر علیه اردوگاه ازم گسته امپریالیسم و ارتجاع قاطعانه و بدون قید و شرط دفاع مینماید. یکی از تجلیات فوری این اتحاد را کنفدراسیون اکنون در مبارزه قاطع خویش برای درهم شکستن و بیرون راندن ارتش تجار و زرگرم شاه و دفاع از خلق قهرمان عمان برهبری جنبه توده ای برای رای بی عمان " در راه استقلال و دمکراسی عمان و سرنگونی قابوس و همه مرتجعین و تجار و زگران نشان میدهند.

۶- کنفدراسیون در مبارزه خویش بر علیه ارتجاع و امپریالیسم بر علیه کلیه تمایلات ارتجاعی که بجای دل بستن بقدرت توده ای مردم و مبارزه قلمی در راه سرنگونی رژیم شاه و تاراندن امپریالیستها از میهن ما در جهت تابع نمودن مبارزه مردم با رقابت های درون امپریالیستی و ارتجاعی و خاصه رقابت دوا بر قدرت تلاش مینماید و از این رو بجای اتحاد با طبقات زحمتکش جامعه در میان محافل و گروههای ارتجاعی و دولتهای امپریالیستی متحد خویش را میجوید و از این طریق راه جدایی قلمی جنبش دانشجویی و دمکراتیک را برگزیده اند و قاطعانه مبارزه میکند.

علاوه بر این کنفدراسیون با هرگونه نظرات ارتجاعی از قبیل نظرات گروههای بی چون ومانیه "روز" و "اکتبرلیک" که بخشی از ارتجاع ایران خاصه محمد رضا شاه را متحد جنبش ما و در موضع موقتی جلوه میدهند قویا مبارزه کرده و از رخنه چنین نظراتی بدرون جنبش دانشجویی خارج جلوه گیری نموده و این امر را از مجموعه مبارزه خود بر علیه رژیم شاه و امپریالیسم جدا نمیدانند.

در مقابل مسایل و پیشنهادهای اینچنین که در واقع بیان فشرده استواردهای جنبش دانشجویی خارج مینمایند، راست روان چه کردند؟ از یکسو با توسل به بهانه های بی پایه تشکیلاتی از شرکت در شورا خوداری کرده از سوی دیگر به سرعت بتدارک انشعاب پرداختند. انشعابی که با خروج اینان از کنفرانس ۶ ساله مبارسن حوزه و عدم شرکتشان در برنامه های مرکزی سازمان آمریکا و نشی مکرر رهنمودها مرکزیت سازمان آمریکا و برگزاری جلسات جداگانه از سازمان شمال کالیفرنیا بالآخره صورت تحقق به خویش گرفت. آنچه که اینان کردند در واقع اعلام جدایی از آن مضمون و

محتوی است که نکات بالا ذکرگشته است. امروز شاید بتوان در میان سروصداهای فراوان و بیابیه و با
توسل به جریه‌های نادرست تشکیلاتی مضمون اساسی انشعاب کنونی را بصورت "عدم احترام به حقوق دمکر
اتیک" و "مژمونی طلایی چپ‌روها" تعریف کرد و برای مدتی نیز به زندگی سیاسی خویش برای این مبنی ادا
ما دو جمعی نیز برای این پایه‌ها با استفاده از محیط گروه گرایانه خارج از کشور بدنبال خویش کاشانید.
امروز شاید بتوان به توده گفت که این انشعاب بدان خاطر صورت پذیرفت که در فلان کنفرانس بر سر آنکه
کدامین دبیر ریاست سمینا را برعهده گیرد اختلاف موجود بود و در نتیجه به انشعاب کاشانیده شد. آری
شاید امروز بتوان با این چنین مسائلی چندپارگی این یگانگی تشکیلات جنبش دانشجویی خارج از کشور این
سنگری را که جنبش انقلابی داخل کشوری به داشتنش میباید و میباید در آن توجیه نمود. شاید امروز بتوان
بر همه چیز مهر "کمیت مرکزی حزب توده" را کوید و با اصلاح سیاست و سیاستی نیز فراهم کرد. اما نهضت
انقلابی مردم با اینگونه توجیهات سروکار نیست. کیست که نداند که انشعاب راست‌روان نتیجه منفعلی و
ادامه سیاستی است که اینان در چند سال گذشته بدنبال نموده و تعمیق داده اند. کیست که نداند که این انشعاب
بدان خاطر صورت نپذیرفت که راست‌روان خواهان مبارزه به گردن ستان و نهضت دانشجویی خارج و
جنبش انقلابی مردم ایران نبوده و راه جدایی کامل از مضمون انقلابی نهضت را آغاز نموده اند. آنچه که
اینان کردند پشت پا زدن به تمامی دستاوردها و اصول جنبش دانشجویی خارج و کنفدراسیون جهانی بود
نه هیچ چیز دیگر.

مبارزه‌ای که پس از کنگره ۱۲ کنفدراسیون جهانی بگردن خط مشی و برنامه مبارزاتی کنفدراسیون آغاز
گردیده بود اکنون عالیت‌ترین تبلور خویش را بصورت تشکیلاتی چندگانه در نهضت دانشجویی خارج از کشور
ظاهر نموده است. هر یک از این تشکیلات در واقع همان مضمون و محتوی سیاسی را بدنبال میکنند که در
کنگره ۱۲ کنفدراسیون به پیش گذاشته بودند. دوسایست دوشی در عالیت‌ترین حد تکامل خویش به دو
تشکیلات انجامیده است.

خواست ما در این مختصر آن نبوده که به ذکر و تالیع این یا آن جلسه. این موضع و یا آن برجسب
پردازیم. زیرا معتقدیم که اینگونه مسائل تنها تبلوراتی از آن مبارزه است که در درون نهضت
دانشجویی در جریان بوده است. اما چنانچه که لازم آید در آینده به این کار نیز اقدام خواهیم ورزید
و از طرف دیگر خواهیم کوشید تا در اسرع وقت تاریخ تکاملی مبارزه درونی کنفدراسیون و بویژه خط راست
را در سلسله جایی در اختیار همگان قرار دهیم.

رفیقان

امروز در شرایطی که بحران همه جانبه و فزاینده‌ای اقتصادی حاکم بر جامعه فلالکت زده ما از یک
حکومت ترور و خفقان محمدرضاها می‌ازسوی دیگر برگرد خلع ستم‌دیده ایران شلاق میکشند. در شرایطی
که رژیم ژاندارم منشی پهلوی بحکم اربابان آمریکائیش بکشتار خلق قهرمان عمان پرداخته است.
در شرایطی که رژیم دلاورانه خلق قهرمان ایران از کارگران و دهقانان تا دانشجویان و روحانیان مبارز
و با لایحه سازمانها و گروههای انقلابی و مسلح اوجی نوین یافته است. در شرایطی که حکومت پهلوی
سعی برنامه‌های تبلیغاتی رنگارنگ و ناشیسم رستاخیز را در خارج از کشور نیز جریان داده است،
وظایف خلیفای بردوش ما سنگینی میکنند و وظایفی که از همه سو و با تمام نیرو باید به برآورد
آنان همت گماریم.

باید که بگردن ستان و ردهای نهضت دانشجویی خارج و جنبش انقلابی خلق متحد شده و بی‌مثال به گردانی
مبارزات جنبش انقلابی خلق ایران وسیع‌ترین مبارزات را در تمامی زمینه‌ها بر علیه حکومت منفور
پهلوی و اربابان امپریالیستش برپا سازیم. از دیگر سو از آنجا که کماکان زمینه عینی اتحاد بگرد
یک سیاست و برنامه قاطع ضد رژیم از میان نرفته است باید برای اتحاد مجدد مجموعه جنبش
دانشجویی خارج از کشور بگرد این چنین سیاستی و برنامه‌ای کوشا باشیم.

رژیم محمدرضاها می‌از بحران و نابسا ما نیهای کنونی نهضت دانشجویی خارج شادمان است.

اما مبارزه قاطع و گسترده در راه آرمانهای والای خلق دلاور ایران و کوشش جهت اتحاد مجدد
مجموعه جنبش دانشجویی خارج بگرد اینچنین آرمانهایی شادمانی ویرا به عزای بی مبدل خواهد
ساخت. در این راه بکوشیم.

پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی و دمکراتیک خلق قهرمان
ایران
سرنگون باد رژیم منفور پهلوی. کوتاه باد دست امپریالیستها
از ایران
مرگ بر دو ابر قدرت امریکا و شوروی
جای دادن باد خاطره شهدای خلق
اتحاد - مبارزه - پیروزی

سازمان دانشجویان ایرانی در شمال کالیفرنیا

لوند - سوئد ۱۷ - ۱ - ۷۶

تکثیر و پخش از سازمان دانشجویان ایرانی
در لوند - سوئد (عضو کنفدراسیون جهانی)

سرنگون باد رژیم ارتجاعی و وابسته با امپریالیسم پهلوی

IRANSKA STUDENTERNAS FÖRENING
I LUND (ISFL)
Fack 2133 LUND 2 SWEDEN

سند شماره ۵ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم

مندرج در بخش: (نقش منفی خط میانه در برخورد به مسئله عطاء لقب "فرزند خلق" به پرویز حکمت‌جو و در حمایت بی‌قید و شرط آنها از تلاش جبهه ملی ایران و "کادر"ها برای تطهیر حزب توده ایران)

سازمان دانشجویان ایرانی در شمال کالیفرنیا

عضو کنفدراسیون جهانی

تا مرگ دیکتاتورها، تا سرنگونی رژیم سلطنتی، تا پیروزی کامل زحمتکشان، مبارزه ادامه دارد.

اعضاء و هواداران کنفدراسیون جهانی در شمال کالیفرنیا

بی‌گفت‌گوست که اکنون مدتی است که بحران سیاسی عمیق و همه‌جانبه‌ای صفوف جنبش دانشجویی خارج و سازمان رزمدهانش کنفدراسیون جهانی در بر گرفته و تمامی دانشجویان مسئول و ایرانیان میهن‌پرست از آن آگاهند. بحران سیاسی فوق نابسامانی‌های فراوانی ببار آورده که از جمله می‌توان چند پارگی تشکیلات کنفدراسیون جهانی، تضعیف توان مبارزه ضد رژیمی و سیاسی کنفدراسیون و تشتت عمیق حاکم بر آن را نام برد. امروز وظیفه بیرون کشاندن کنفدراسیون جهانی و صفوف نهضت دانشجویی خارج از بحران و نابسامانی‌های کنونی می‌باید که در صدر و بالای وظایف کلیه دانشجویان مسئول و مبارز قرار گیرد و همت همگان در این راه بکار افتد. آنان که تمامی فعالیت خویش را به گرد تحکیم و حرکت صفوف جنبش دانشجویی خارج بر پاره دستاوردهای انقلابی نهضت استقلال‌طلبانه و دمکراتیک خلق قهرمان ایران و وظایف ارزشمند جنبش دانشجویان بکار نیندازند، جز شانه خالی نمودن از زیر بار مسئولیت خطیری که اکنون بر دوش ماست کاری انجام نداده‌اند.

دانشجویان متشکل در سازمان شمال کالیفرنیا آگاهند که پس از کنگره ۲۳ سازمان آمریکا و بویژه پس از شورای فوق العاده سازمان آمریکا بحران درونی شمال تشدید یافته و با خروج عده‌ای از اعضای سازمان شمال از کنفرانس سن حوزه (۶ دسامبر) دامنه تشتت و جدائی و انشعاب به انتها درجه خویش رسیده است. در عین حال بر همگان آشکار است که بحران درونی سازمان ما که بدین انشعاب انجامیده است نه پدیده‌ای مجزا، بلکه مرتبط به اوضاع کنفدراسیون جهانی و بحران سیاسی موجود در جنبش دانشجویی خارج منتج از آن می‌باشد. پس برای پی بردن به دلایل آنچه که در سازمان ما اتفاق افتاده است می‌بایست در درجه اول به بحران سیاسی کنفدراسیون جهانی پرداخت و از خلال آن مسائل درونی سازمان شمال کالیفرنیا را باز یافت.

کنفدراسیون دانشجویان و محصلین ایرانی (اتحادیه ملی) بر مبنی یک ضرورت تاریخی در شرایطی که پنجه حکومت ترور و خفقان محمد رضاشاهی حلقوم خلق را می‌فشرد از گردهم آئی دانشجویان آزادیخواه و استقلال‌طلب در خارج از کشور بوجود آمد. هم‌روال با رشد جنبش خلق در داخل کشور و تکامل مبارزه درونی جنبش دانشجویان خارج کنفدراسیون از یک سازمان صرفاً ضد یتکاتوری به سازمانی ضد امپریالیست و دمکراتیک بدل گشت و به برآورد وظایف خطیر جنبش دانشجویی خارج همت گماشت. در این مختصر بیان مفصل روند تکامل کنفدراسیون جهانی ممکن نبوده و ما تنها به ذکر آن مسائل عمده‌ای که به گرد آنان خط مشی این سازمان پرورده گشته و اساس مبارزه درونی میان جریانات مختلف بر سر آنان بوده است بسنده می‌نمائیم، زیرا زمانی که مبارزه‌ای همه‌جانبه و گسترده در جریان است پس از گذشت مدتی یک یا چند نکته اساسی مبارزه ظاهر می‌گردند که سرنوشت و جهت مبارزه بستگی به حل آنان خواهد داشت. در نهضت دانشجویی خارج این مسائل و نکات در عالی‌ترین شکل خویش در چگونگی برخورد و مبارزه با رژیم منفور رضاشاهی و امپریالیسم و در چگونگی بسیج و آموزش توده دانشجو به گرد این مبارزه متبلور گشته و ابعاد مبارزه درونی را تعیین نموده است. بهترین تبلور این حقیقت را می‌توان از کنگره ۱۲ کنفدراسیون جهانی دنبال نمود. در سال ۱۹۷۰ رژیم شاه در تشدید یورش خویش بر نهضت دانشجویی خارج اقدام به "غیرقانونی" نمودن کنفدراسیون جهانی کرده و عضویت در آنرا مشمول قانون سیاه ۱۳۱۰ نمود. در شرایطی این چنین که یورش ددمنشانه حکومت پاسخی شایسته و قاطع می‌طلبید و توده دانشجو استواری خویش را در مبارزه قاطع با رژیم درعمل باثبات رسانیده بود، جریانات موجود در جنبش دانشجویی خارج دو پاسخ متضاد به این یورش رژیم دادند. از این دو پاسخ یکی پاسخ راست روان موجود درون بود. اینان تزلزل در مبارزه قاطع ضد رژیمی را با سر فرود آوردن عقب نشینی در مقابل این یورش پاسخ گفته و منشوری به کنفدراسیون عرضه نمودند که در آن فعالیت و مبارزه کنفدراسیون در "چهارچوب قانون اساسی و اعلامیه حقوق بشر محدود" گشته بود. در توجیه عقب ماندگی و تزلزل خویش، در توجیه پائین کشاندن سطح کنفدراسیون تا

سطح کار در چهارچوب قانونی که رسمیت سلطنت محمد رضاشاهی را تأیید می‌نماید اینان "حقانیت مبارزه"، "خواست وسیع ترین توده"، "عقب نشینی منظم و فعال"، "عدم رشد کافی نیروهای مولده"، "و توجیهات بسیار دیگری را به جنبش دانشجویی ما عرضه نمودند. در این "عقب نشینی فعال" نیروها و جریانات گوناگونی شرکت داشتند که گرچه توجیهات گوناگونی را نیز محمل خویش ساخته بودند. اما در غالب نمودن مشی رفرمیستی و راست روانه بر جنبش دانشجویی ما متحد القول بودند که در منشور کذائی پیشنهادی به کنگره ۱۲ کنفدراسیون متبلور گشته بود. منشور فوق که بنام "منشور کمیسیون هئیت دبیران" مشهور است در تطابق کامل با منشوری بود که طرفداران کمیته مرکزی حزب توده ایران از سازمان گراتس بدین کنگره آورده بودند و از این لحاظ برنامه تمامی جریانات فوق درپاسخ به یورش رژیم یگانه و همگون بود.

پاسخ دیگر در مقابل این "عقب‌نشینی فعال" مبارزه قاطع بر علیه رژیم پهلوی و امپریالیسم بر مبنی خواست سرنگونی رژیم و قطع نفوذ امپریالیسم از ایران به پیش گذارده و مبارزه درونی بر سرنوشت این جنبش به گرد این اساسی‌ترین مسائل نهضت استقلال طلبانه و دموکراتیک خلق ایران بعدی نوین یافت. منشور کذائی رفرمیستی آنچنان افشا شد که آوردنش مجبور به تغییر آن گشتند و منشور دیگر به تصویب رسید که بقول خودشان "روح" منشور نخستین را بدون الفاظ "کار در چهارچوب قانون اساسی" حفظ نموده بود. بدنبال کنگره ۱۲ کنفدراسیون اساسی ترین صف بندی درون جنبش دانشجویی میان دو مشی ادامه یافت. ایندو پاسخ بیان دو دیدگاه، دو برنامه، و دو مشی نسبت به وظائف نهضت دانشجویی خارجه و مبارزه علیه رژیم پهلوی و امپریالیسم بود و هست و امروز پس از گذشت بیش از ۵ سال از آن تاریخ همچنان به قوت خویش بر جای مانده و همانا تکامل مبارزه درونی میان این دوشم است که سرانجام به تکوین تشکیلات مجزا که در واقع عالی ترین سطح تجلی این دوشمی می‌باشد انجامیده است. پس برای آنکه به مضمون و محتوی تشکیلات‌های چندگانه‌ای که اینک در جنبش دانشجویی خارجه ظاهر گشته اند پی برده شود برای آنکه علت چند پاره‌گی کنفدراسیون روشن گردد می‌بایست روند تکاملی مبارزه ای را که در عالی‌ترین شکل خود به این جدائی تشکیلاتی انجامیده است مورد بررسی قرار داد.

همانگونه که ذکر گردید در میان کسانی که عقب ماندگی و راست‌روی خویش را کرنش در مقابل حمله رژیم پاسخ گفته‌اند جریانات مختلفی موجود بودند. جمعی از اینان عملکرد خویش را این چنین تئوریزه نمودند که از آنجا که شرایط انقلابی در جامعه ایران موجود نبوده و تکامل تضادهای طبقاتی رشد کافی ننموده است در نتیجه در شرایط کنونی وظیفه اساسی جنبش مردم ایران مبارزه برای آنچنان "قوانین دموکراتیکی" که در چهارچوب آنان نیروهای مولده جامعه بتوانند بدرجه رشد کافی برسند و در نتیجه می‌بایست که در چهارچوب قانون اساسی ایران به فعالیت و مبارزه پرداخت و در انتظار شرایط مناسب نشست. طرفداران و دنباله‌روان آن روزی این نظریه، همان‌ها بودند که امروز نیز تحت هدایت و رهبری نویسندگان وامانده و سازشکار "سپهر" با تکیه به همان تئوری‌ها به انشعاب خویش از کنفدراسیون جهانی جامه عمل پوشانیده و از آن خارج گردیدند.

جریانات دیگر موجود در این صف بندی با تکیه به مشی راست‌روانه‌ای که جنبش‌های توده‌ای را در سطح خواست‌های مطالباتی و "قانونی" محدود می‌نماید بدینجا رسیدند که "حقانیت مبارزه"، "خواست وسیع‌ترین توده‌ها"، "توده‌ای نمودن کنفدراسیون" در این شرایط بحرانی حکم می‌نماید که با "یک عقب نشینی فعال" کنفدراسیون از گزند حملات رژیم به اصطلاح مصون بماند و توده‌های دانشجویی از اطراف آن پراکنده نگردند. حمله رژیم در واقع آن فرصت مناسبی بود که اینان واقعیت مشی راست‌روانه خویش را بروز داده و در زمینه جنبش دانشجویی به عمل گذارند. دوازدهمین کنگره کنفدراسیون از بسیاری جهات نقشی ویژه در تاریخ جنبش دانشجویی خارجه ایفا می‌نماید. شرایط بحرانی همواره تمامی جریانات و نظرات سیاسی را وامی‌دارد که با مشی و برنامه‌ای مطابق با ماهیت و سیاست واقعی خویش پای به میدان گذارند و کنگره ۱۲ کنفدراسیون از این لحاظ این چنین نقشی را ایفا نمود. در جریان مسائل این کنگره بود که این دو مشی دو برنامه در مقابل یکدیگر قد علم نمودند و آینده کنفدراسیون در گرو سرانجام مبارزه میان این دو مشی قرار گرفت. کنفدراسیون جهانی و نهضت دانشجویی خارجه کدام راه را باید در پیش گیرد؟ راهی که سرانجامش تبدیل کنفدراسیون به یک سازمان صنفی و مطالباتی در عقب‌مانده ترین سطح آن و در چهارچوبی رفرمیستی است و یا راهی که در صدر آن اساسی‌ترین خواست نهضت انقلابی و استقلال طلبانه و دموکراتیک خلق ایران در راه سرنگونی بساط این رژیم و قطع نفوذ امپریالیسم قرار دارد؟ دو پاسخ متضاد داده شده در شرایط بحرانی کنگره ۱۲ کنفدراسیون جهانی در واقع و در نهایت این دو راه را در مقابل جنبش دانشجویی خارجه قرار می‌داد.

بسیاری از راست‌روان کنونی بر آنند که بحث پیرامون خط مشی کنفدراسیون جهانی بحثی تحمیلی بوده و هست و خاطره‌شان از اینگونه مباحث آزرده می‌باشد و حقی برای آنان که با تکیه به عقب‌افتاده‌ترین خواست‌های موجود در میان دانشجویان خارجه گام بر می‌داشتند و می‌دارند اساسی‌ترین وظیفه انقلاب ایران و تربیت توده دانشجوی به گرد آن می‌باید هم مبحثی تحمیلی بشمار آید.

جنبش دانشجویی ایران در خارج از کشور به مثابه بخشی لاینفک از نهضت استقلال‌طلبانه و دموکراتیک خلق ایران وظیفه‌مند است که با درس آموزی از گذشته نهضت و با تکیه بر دستاوردهای ارزشمند آن در آن راهی گام بردارد که خلق قهرمان ایران آنرا برای رهائی از یوغ برده‌گی امپریالیسم و ارتجاع بومی در راه رسیدن به جامعه‌ای مستقل و دموکراتیک ترسیم نموده است. جنبش دانشجویی ایران در خارج از کشور وظیفه‌مند است تا سمت و محتوی و مضمون برنامه‌ها و مبارزات خویش را به گرد آن خواستی ترسیم نماید که جنبش انقلابی ایران ترسیم نموده است. آنان که راهی جز این در مقابل جنبش دانشجویی ایران در خارج از کشور قرار داده و می‌دهند در واقع خواهان آنند که عقب‌مانده‌گی خویش را برای جنبش تحمیل نمایند.

به هر رو در باره روند و چگونگی حرکت و تکامل بخشی از ص‌بندی راست‌روان کنگره ۱۲ که به دنبال نویسندگان نشریه "سپهر" از کنفدراسیون انشعاب نمودند به تفصیل در مباحث پیرامون کنگره ۲۳ سازمان آمریکا سخن رانده شده و در این مختصر نیازی به تکرار آنان نمی‌نمائیم و رفقا را به مطالعه رزم شماره ۱ و اظهاریه شیکاگو رجوع می‌دهیم.

بخش دیگر موجود در این ص‌بندی راست که تحمیل عقب‌ماندگی خویش را به جنبش دانشجویی در سر پرورانده است پس از کنگره ۱۲ کنفدراسیون جهانی مسیر حرکت قهقرائی و سیستماتیزه شدنش را به سرعت دنبال نمود. در این مختصر باز فرصت شکافتن تمامی جوانب این تکامل قهقرائی موجود نیست و ما به ذکر اساسی‌ترین تبلورات آن بسنده می‌نمائیم. در طول این چند ساله از این راست‌روان اسناد جامعی در توضیح خط‌سیاسیشان بر جای مانده است که برای نمونه می‌توان به "رساله هامبورگ"، "رساله گیسن"، "بحث آزاد دانشجوی"، "رساله مونیخ" اشاره نمود. در درون این اسناد و در خلال مباحث پیرامون خط مشی جنبش دانشجویی است که خط سیستماتیزه شده راست اینان تکامل یافته و ظاهر می‌گردد. تزه‌ای فرموله شده توسط اینان در این دوران به اختصار بشرح زیر است: نخست آنکه جنبش‌های توده‌ای و سازمان‌های توده‌ای توان مبارزه در راه خواست‌های ریشه‌ای موجود در جامعه را نداشته و می‌باید خواست‌های خویش را به گرد مسائل مطالباتی و صنفی محدود نمایند، با طرح خواست سرنگونی رژیم و قطع نفوذ امپریالیسم در کنفدراسیون و خط مشی آن کنفدراسیون خصلت توده‌ای خویش را از دست داده و به سازمان "آوانگارد" و "حزبی" تبدیل می‌گردد، در نتیجه برای "حفظ و گسترش" کنفدراسیون می‌باید که این سازمان به مثابه سازمان صنفی-میهنی که در برخی موارد فعالیت‌های سیاسی نیز انجام می‌دهد عمل نماید و در غیر اینصورت و با طرح شعار سرنگونی رژیم توده‌ها از اطراف آن خواهند رمید.

دیدگاه فوق که جز محدود نمودن دامنه و محتوی مبارزه توده‌ای دانشجویان و دیگر اقشار و طبقات خلقی نتیجه‌ای ندارد، در شرایط کنونی جامعه ایران و انقلاب دموکراتیک و ملی طراز نوین آن نه بر دموکراتیسم انقلابی بلکه بر لیبرالیسم بورژوازی منطبق بوده و تنوریزه امیال و خواسته‌های اقشار خرده بورژوازی مرفه و راست خارجه می‌باشد. گذشت بیش از چهارسال از مبارزه درونی به گرد خط مشی کنفدراسیون در عمل نشان داده است که راست‌روی این بخش از کنفدراسیون نه ناشی از این یا آن اشتباه زودگذر کناری بلکه ناشی از یک سیستم فکری و دیدگاه سیستماتیزه شده راست و عقب‌مانده و محدود می‌باشد که تبلور عملی‌اش را در چگونگی پاسخگوئی به اساسی‌ترین مسایل مقابل پای نهضت دموکراتیک و استقلال‌طلبانه خلق ایران و جنبش دانشجویی خارجه باز یافته است. کسانی که در طول این چند ساله در حرف و در عمل به مخالفت با انعکاس سیاست‌های انقلابی در درون کنفدراسیون برخاسته و در مقابل به صنفی‌گری مبتذل و سیاست‌زدائی و بسیج توده به گرد مسایل عقب‌افتاده کوشیده‌اند، کسانی که در مقابل فعالیت‌های رزمنده دفاعی کنفدراسیون تبلیغ به گرد مسایل دانشگاهی دانشجویان خارجه را علم کرده‌اند، کسانی که با درک نادرست و انحرافیشان از خطر ابرقدرت شوروی و عمال فارسی زبان آن کمیته مرکزی حزب توده، "مبارزه" بر علیه اینان را در حرف و در عمل بر مبارزه ضد رژیم‌شان مقدم ساخته‌اند، کسانی که برای جنبش کارگری ایران اکونومیسم و برای جنبش دانشجویی خارجه راست‌روی و صنفی‌گری را ترویج نموده‌اند، این چنین کسانی نه حاملین و مبلغین یک مشی انقلابی و قاطع، بلکه حاملین و مبلغین یک مشی اکونومیستی و راست روانه می‌باشند و در عمل نیز جز این نکرده‌اند.

پس از کنگره ۱۲ کنفدراسیون جهانی، تحت تاثیر رشد مبارزات درونی کنفدراسیون تغییراتی در صفوف متحدین کنگره ۱۲ پدیدار گشت. از یک سو تا کنگره ۱۴ کنفدراسیون اینان دست در دست یکدیگر گام بر می‌داشتند و تئوری‌هایشان را نیز از انبان

کهنه نویسندگان کنونی سپهر و اندیشه های "علمی" راستروان دیگر بدست می‌آوردند. اما این دوران با رشد مبارزه مسلحانه گروه‌ها و سازمان‌های انقلابی داخل کشور و تحت تاثیر این مبارزه بخشی از این صفوف بندی رادیکالیزه گشت و از آن جدا شد. راست روانی که در طول این دوران با این بخش از صف بندی کنگره ۱۲ همراه بوده و در عین حال در مقابل حملات ضد کمونیستی اینان کوشش می‌نمودند، پس از این جدائی از یک‌سو به تقویت سیاسی سردمداران کنونی سپهر پرداختند و از سوی دیگر "مشی چریکی" شهری به مثابه عمده‌ترین خطر مقابل نهضت انقلابی ایران ارزیابی نموده و برای نمونه "۱۱ فرمان" مشهور خویش را در سمینار جنوب کالیفرنیا عرضه نمودند. اکنون که دیگر میان متحدین کنگره ۱۲ شکرآب شده بود اینان به ناگاه به یاد دفاع از جمهوری توده‌ای چین مبارزه با شوروی و پیش‌برد مبارزه ایدئولوژیک درونی کنفدراسیون افتادند. اما آنچه می‌گویند نه انحرافات "ملیون" بلکه حرکت رزمنده موجود در میان آنان بود. نمونه این مسئله به روشنی در مخالفت اینان با انعکاس نقل قول‌های مبارزین داخل کشور مبتنی بر خواست آنان به سرنگونی رژیم و انعکاس شعار "سرنگون باد رژیم منفور پهلوی" در ارگان‌های کنفدراسیون جهانی متبلور گردیده پس از این کنگره در طول سال‌های کنگره ۱۵ و ۱۶ کنفدراسیون جهانی خط راست کنونی حرکت قهقرائی و راست روانه خویش را ادامه و تعمیق بخشید و فقط بخشی از آنان کوشیدند تا راست روی خویش را از زاویه "چپ" توجیه نمایند. "دمکراسی نوین"، "شوروی" و امثالهم نمونه توجیهاتی است که اینان در شرایط حاد مبارزه درونی و افشاء هرچه بیش‌ترشان در سطح جنبش عمومی خلق برای حفظ خود در مقابل مشی انقلابی علم نمودند. اما مبارزه ماسک‌ها را می‌دید و این ظاهر چپ نیز بویژه امروز دیگر قادر به پنهان نمودن ماهیت راست اینان نمی‌باشد.

مبارزه درونی چند ساله گذشته گرچه به گرد این مسئله اساسی جریان بوده است، اما تزلزل بر سر این جریان در نتیجه موجبات انحرافات دیگری نیز گشته است. از جمله این مسائل که به ویژه در شرایط کنونی با توجه به به اوضاع جهانی اهمیت فراوانی کسب می‌نماید. یکی مسئله "کمیته مرکزی حزب توده" و "ابرقدرت شوروی" و دیگری مسئله سازمان‌هایی چون "اومانیته روژ" و "اکتبرلیگ" می‌باشد. "کمیته مرکزی حزب توده" امروز به مثابه ستون پنجم ابرقدرت شوروی و بنگاه جاسوسی فارسی‌زبان آن در راه برآورد امیال سیطره‌جویانه ابرقدرت شوروی عمل می‌نماید. تکامل منطقی خط مشی رفرمیستی رهبری حزب توده در جریانات انشعاب بین‌المللی کمونیستی در سال‌های ۱۹۶۰ بدانجا انجامید که اینان در این مبارزه نه در سمت انقلابی کشورهایی چون چین و آلبانی، بلکه در صفوف مرتدان خروشچفی قرار گیرند و بر تزه‌ای سازشکارانه خویش پشتیبانی بین‌المللی را نیز هموار سازند. ابرقدرت شوروی جهت نفوذ در ایران و کسب سیطره در این منطقه از طرق گوناگون اقتصادی-نظامی-سیاسی می‌کوشد و عملکرد کمیته مرکزی نیز چیزی نیست مگر تابعی از امیال ابرقدرت شوروی. این سیاست امروز عمده‌ترین روند خویش را در کوشش جهت نفوذیابی در نهضت استقلال طلبانه و دمکراتیک خلق و وجهه‌المعامله قرار دادن آن در مقابل رژیم شاه و امپریالیسم آمریکا می‌یابد. در برخورد کمیته مرکزی به رژیم شاه و جنبش دانشجویی خارجه پس از گرویدنش به کمپ مرتدان خروشچفی، دو دوران یکسان اما ظاهراً می‌توان نام برد که خود تابعی از چگونگی مناسبات میان دو ابرقدرت آمریکا و شوروی است. تا آنجا که شوروی می‌کوشید با آمریکا از در سازش در آید رژیم منفور محمد رضاشاهی رژیمی مترقی بود که از طریق مناسباتش با شوروی جاده انقلاب ایران را هموار می‌ساخت و از آن زمان که تضادهای میان دو ابرقدرت آمریکا و شوروی تشدید گردید، حکومت محمد رضا شاهی حکومتی شد که سد راه ترقی ایران است. در هر حالت چه دست‌بوسی آستان پهلوی و چه فحاشی بدان، هر دو برای دارودسته کمیته مرکزی حزب توده مفهوم و سیاستی یکسان دارد که اهدافش نفوذیابی در ایران و سازش با حکومت طبقات ارتجاعی و کسب سیطره ابرقدرت شوروی می‌باشد. هر آنچه که اینان در میان نهضت انجام می‌دهند، هدفی جز آنچه که ذکر گردید ندارد.

تزه‌های کمیته مرکزی برای جنبش دانشجویی ما در دوران نخستین، کار در چهارچوب قانون اساسی، کوشش جهت قانونی کردن کنفدراسیون در عرصه ایران، ارتباط نزدیک با ابرقدرت شوروی و امثالهم بود. از دیدگاه اینان کنفدراسیون به مثابه سازمانی توده‌ای باید صرفاً به مسائل صنفی و قشری و مطالباتی دانشجویان پردازد و در این حد فعالیت نماید. خلاصه گفته باشیم تزه‌های اینان در رابطه با قانونمندی‌های جنبش دانشجویی در تطابق کامل بوده است و از همین روست که اینان پس از کنگره دوازده از کمیته مرکزی خواستند تا حسن نیت نشان داده و اکنون که "چپ رو"ها ایزوله گشته‌اند از در دوستی با کنفدراسیون در آیند. و تعجب آور نیست که در این دوران راستروان جنبش دانشجویی ما در مبارزه‌شان با کمیته مرکزی تنها وابستگی این دارودسته را به شوروی و سیاست‌های منتج از این وابستگی را مورد حمله قرار می‌دادند و کلمه‌ای در افشای خط مشی کمیته مرکزی برای جنبش دانشجویی از آنان یافت نمی‌گردد. تزه‌های کمیته مرکزی برای جنبش دانشجویی ما و مبارزه با

رژیم در دوران دوم در واقع همان اهداف سابق را در پوشش "سرنگونی رژیم کنونی" دنبال نموده و در اینجا نیز راست روان جنبش دانشجویی ما نیز به جای افشاء ماهیت سیاست‌های کمیته مرکزی آتش حمله را بروی "چپ‌رو" ها گذاشت و جملاتی از تبدیل "منشور شما در واقع همان خواست کمیته مرکزی است" و "سرنگونی شما همان سرنگونی کمیته مرکزی است" ورد زبانشان گردید.

واقعیت آنست که اینان به سبب مشی راست‌روانه و تزلزلشان در مبارزه قاطع علیه حکومت تا زمانی که بر این مشی باقی بمانند توان مبارزه قاطع و حقیقی را بر علیه دارودسته کمیته مرکزی نداشته و نمی‌توانند داشته باشند. ستون اساسی برنامه کمیته مرکزی به سازش کشانیدن جنبش ما با دشمنان طبقاتیشان می‌باشد و تنها با پیروی از یک مشی قاطع و انقلابی است که می‌توان توطئه‌های کمیته مرکزی و ابرقدرت شوروی را عقیم گذاشت و نه صرفاً با سر و صدا در باره انقیاد ملی و خطر کودتای شوروی، راست‌روان جنبش دانشجویی خارجه با درک غلط از خطر ابرقدرت شوروی و خلاصه نمودن آن در امکان کودتای روسی در ایران که خود ناشی از درک غلط از شرایط ایران و پایه‌های نفوذ ابرقدرت شوروی است به تبلیغاتی در جنبش دست زدند که نتیجه‌ای جز منحرف نمودن اذهان از مبارزه با تضادهای عمده جامعه محصولی بیار نیآورده است. بهترین تبلور این انحراف به هنگام شهید شدن حکمت جو بدست جلال محمد رضا شاهی ظاهر گشت که خط راست بجای گذاشتن لیه تیز حمله بروی رژیم و اعتراض به این جلادی و شکنجه با بهره‌گیری از انحراف برخی دیگر آتش حمله خویش را بروی کسانی گشود که در مقابل رژیم فاشیستی شاه به اعتراض برخاسته بودند. از دیگر مسائل مهم مقابل پای کنفدراسیون جهانی و نهضت دانشجویی خارجه مسئله چگونگی برخورد به ترها و نظرات ارتجاعی سازمان‌هایی از قبیل "اومانیته روز" و "اکتبر لیگ" می‌باشد. امروز در سطح جهانی ما شاهد تغییرات شگرفی می‌باشیم، از یکسو بحران عمومی سرمایه‌داری جهانی امروز عمقی نوین یافته و در نتیجه تضادهای میان امپریالیست‌های گوناگون و در صدر آنها دو ابرقدرت به منتهی درجه تشدید یافته است و از سوی دیگر انقلاب در سرتاسر جهان گسترش یافته و صفوف خلق و ملل ستمدیده جهان کشورهای انقلابی و از بند رسته و کارگران و زحمتکشان کشورهای سرمایه‌داری در مقابل امپریالیست‌ها و سگان زنجیری‌شان صف بندی کرده و در سرتاسر جهان نبردی سهمگین در جریان است. در شرایطی این چنین سازمان‌هایی چون "اکتبر لیگ" و "اومانیته روز" به تبلیغ سیاست‌هایی اقدام ورزیده‌اند که سازش میان خلق و ضدخلق، مخدوش نمودن صفوف انقلاب و دفاع از نیروهای ارتجاعی را به پیش می‌گذارند، اینان در حرف و در عمل به دفاع از حکومت جلادمنش شاه و امپریالیسم برخاسته و جنبش مردم ایران را به سازش با این دشمنان ترغیب نموده [ناخوانا] مانورهای شاهانه از دیدگاه اینان مبارزه با امپریالیسم و کشتار خلق دلاور عمان از نظر اینان جلوگیری از نفوذ ابرقدرت شوروی و به پیش گذاردن خواست سرنگونی این رژیم به دیده اینان ترسکیستی و چپ روانه می‌باشد و ردیالانه‌تر آنکه مداحی رژیم‌هایی چون شاه و قاپوس را اینان بنام کشوری چون جمهوری توده ای چین انجام می‌دهند. این کار لجن‌پاشی بروی پرچم سرخ جمهوری توده ای چین و آرمان‌های کبیر انقلابی آنست. راست روان جنبش دانشجویی خارجه در زمانی که این سازمان‌ها موازین و منافع خلق‌های ایران و عمان را لگد مال کرده و مردم را به اتحاد با شاه و قاپوس می‌خواندند، در زمانی که اینگونه سازمان‌ها به جای براه انداختن تظاهرات‌های اعتراضی در مقابل شاه به مقابله با مبارزات دفاعی کنفدراسیون برمی‌خاستند، بجای مبارزه قاطع با این نظرات و طرد آنان، در عمل این گونه سازمان‌ها را به مثابه متحدین بین‌المللی خویش تلقی کرده و به زیر بال و پر خویش حفاظت نمودند. تزلزل اینان در مقابل نظرات ارتجاعی اکتبر لیگ و امثالهم محصول تزلزل آنان در مبارزه قاطع ضدژیم و ضد امپریالیستی و دیدگاه محدود و عقب‌مانده‌شان بوده و می‌باشد. از نظر اینان پاسداری از منافع خلق‌های قهرمان عمان و ایران در مقابل حملات ارتجاعی اکتبر لیگ و امثالهم "کارگزاری استراتژی رویزیونیسم بین‌المللی" و "ضد کمونیستی" است. افرادی از این قماش باید در درجه اول قبل از برجسب زنی‌هایی این چنین بر خویشتن و نظرات خود نگاه کنند تا روشن شود که چه کسانی کارگزاران کدامین سیاست و برنامه‌اند.

خلاصه کنیم، راست روان جنبش دانشجویی ما پس از کنگره ۱۲ و در جریان مبارزه درونی جنبش دانشجویی خارجه با شتاب هر چه بیش‌تر حرکت قهپهرائی و سیستماتیزه شدن خط مشی راست روانه‌شان را پیموده و امروزه باین چنین خطی در جنبش دانشجویی خارجه مبدل گردیده‌اند. ویژه‌گی این خط مشی در آنست که بتمام مسائل اساسی مقابل پای نهضت از زاویه و دیدگاهی راست روانه پاسخ گفته و در تئوری سیاست و عمل راست‌روی خویش را سیستماتیزه کرده است.

کنگره ۱۶ کنفدراسیون جهانی، در جریان بحران عمیق حاکم بر نهضت دانشجویی خارج تشکیل شد. این کنگره گرچه توانست از لحاظ مصوبات و قطعنامه‌هایش در زمینه‌های مختلف و از جمله تصویب منشور کنونی کنفدراسیون دستاوردهای

گراپهائی برای جنبش دانشجویی خارجه ببار آورد، اما نتوانست بر بحران سیاسی حاکم بر کنفدراسیون پایان بخشد و از بسیاری جهات بیان تشدید این بحران بود. بدنال کنگره ۱۶ کنفدراسیون بحران تعمیق یافت و بخشی از کنفدراسیون بسردمداری نویسندگان سازشکار نشریه "سپهر" از کنفدراسیون جهانی انشعاب نمودند، مضمون این انشعاب، تزلزل در مقابل امپریالیسم آمریکا و ابرقدرت شوروی و رژیم شاه، کوشش جهت یافتن متهمین در میان طبقات ارتجاعی حاکمه و درهم سوئی با برنامه و امیال کمیته مرکزی حزب توده ایران بود. عالی ترین تبلور این انشعاب را در کنگره ۲۳ سازمان آمریکا شاهد بودیم لیکن پس از این انشعاب بحران درونی کنفدراسیون پایان نپذیرفت و ادامه یافت. امتداد این بحران از آنچه بود که پایه های مادی بحران سیاسی موجود در نهضت دانشجویی خارجه، یعنی دیدگاه محدود و عقب مانده و راست همچنان برجای مانده و در مقابل دستاوردهای انقلابی نهضت مقاومت می ورزید.

بدنال کنگره ۲۳ سازمان آمریکا و با توجه به ضرورت پایان بخشیدن به نابسامانی های موجود در کنفدراسیون شورای سازمان آمریکا در ۲۷ اکتبر نشست فوق العاده خود را تشکیل داد. تشکیل این شورا از دو جهت ضروری بود. نخست آنکه در جریانات پس از کنگره ۲۳ سازمان آمریکا حرکت انشعاب خط راست به سردمداری دبیر فرهنگی سازمان آمریکا بویژه در جنوب کالیفرنیا تعمیق یافته و این سازمان را به جدائی و تفرقه کشانیده بود و از سوی دیگر با توجه به اینکه کنفدراسیون ارگان رهبری کننده نمی داشت لازم می بود تا پیشنهاد جامعی جهت تشکیل شورای عالی کنفدراسیون و سپس کنگره ۱۷ کنفدراسیون تدوین گردد.

این شورا در میان موجی از مقاومت و اعتراض های بی پایه راست روان تشکیل گردید و پس از یک روز بحث با تاکید بر روی ضرورت اتحاد همگان در کنفدراسیون به گرد مشی رزمنده و دستاوردهای آن نکات زیر به مثابه مضمون فعالیت های کنفدراسیون بتصویب رسانید:

۱ - اکنون جنبش آگاهانه و انقلابی ایران بروشنی اعلام داشته است که ایجاد جامعه ای مستقل و دموکراتیک بر ویرانه های جامعه کنونی ایران بجای از طریق سرنگونی قهری رژیم خودکامه و مطلقه شاه به مثابه دولت طبقات حاکمه و تاراندن امپریالیسم به هر رنگ و لباسی از میهن ما به دست پرتوان توده های رنجبران ایران ممکن نیست. از این جهت خواست آگاهانه جنبش دانشجویی ایران و کنفدراسیون به مثابه تشکیلات رهبری کننده بخش خارج از کشور آن مبنی بر سرنگونی رژیم ارتجاعی شاه و تاراندن امپریالیست ها از میهن ما که در منشور کنگره ۱۶ نیز درج گردیده است معین کننده مضمون و محتوی کلیه فعالیت های کنفدراسیون جهانی است.

۲ - رژیم خود کامه و ارتجاعی شاه نماینده و مجری منافع مجموعه طبقات حاکمه و وابستگی کامل و قطعی به سرمایه داری جهانی و خواسته امپریالیسم آمریکا ارباب مستقیم و جهت دهنده رژیم شاه بوده و به همین علت نیروی عمده امپریالیستی حاکم بر میهن ما محسوب می گردد. از این رو پیکان مبارزه مردم ایران در راه جامعه ای مستقل و دموکراتیک بطور عمده متوجه رژیم محمد رضاشاه و ارباب مستقیم امپریالیسم آمریکاست. کنفدراسیون جهانی نیز در زمینه مبارزه بر علیه مجموعه ارتجاع و امپریالیسم پیکان عمده خود را متوجه این دشمنان عمده مردم ایران می نماید.

۳ - مبارزه کنفدراسیون بر علیه رژیم شاه و امپریالیسم آمریکا از مبارزه مرزبندی قطعی و پیکار بر علیه سایر دشمنان خلق و خاصه ابرقدرت دیگر، دولت ضد خلقی و ضد انقلابی اتحاد شوروی و نوکران فارسی زبان آن دارودسته کمیته مرکزی جدا نمی باشد. اتحاد شوروی در رقابت عمومی خویش با امپریالیسم آمریکا برای کسب سیادت جهانی و بطور ویژه استیلا بر خاور میانه می کوشد تا از طریق عمال خویش در جنبش دموکراتیک و ضد امپریالیستی مردم ایران نفوذ کرده و این جنبش را تابع رقابت خویش با امپریالیسم آمریکا و اهداف استعمارگرانه خویش نموده و بدین وسیله با حفظ مناسبات طبقاتی موجود در جامعه و طبقات حاکمه در قدرت تنها قرارگاه رژیم را به نفع خویش تغییر دهد. کنفدراسیون در مبارزه بر علیه تلاش ها و اهداف ضدانقلابی و ارتجاعی اتحاد شوروی به مثابه یکی از دو ابرقدرت جهانی و کمیته مرکزی به مثابه عامل فارسی زبان این ابرقدرت پیکار کرده و مرزبندی خویش را بر علیه آن قاطع تر می نماید.

۴ - نیروی اصلی براندازی رژیم شاه و تاراندن امپریالیست ها را از میهن ما توده های زحمتکش ایران تشکیل می دهند. از این رو مبارزه کنفدراسیون بر علیه رژیم شاه و امپریالیسم در همسوئی و وحدت منافع قطعی با توده های زحمتکش قرار دارد. جهت مبارزه جنبش دانشجویی، اتحاد و پیوند نهائی آن با جنبش طبقات زحمتکش جامعه بوده و بدون چنین امری جنبش دانشجویی موفق به انجام پی گیرانه وظایف خویش نبوده، مسیر انقلابی نخواهد یافت.

۵ - اکنون سراسر جهان جنبش‌های انقلابی و کارگری در اتحاد با خلق‌های آزاد شده از یوغ امپریالیسم و ارتجاع مبارزه بی‌امان را بر علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی و خاصه دو نیروی اصلی این اردوگاه دو ابرقدرت آمریکا و شوروی سازمان می‌دهد. این مبارزات انقلابی یگانه نیروی محرکه عصر حاضر و تعیین کننده مسیر آتی عصر ماست. کنفدراسیون در مبارزه بر علیه رژیم شاه و امپریالیسم برحسب وظایف ملی و بین‌المللی خویش در همسویی و وحدت منافع کامل با این مبارزات انقلابی قرار داشته و نیروی متحد خویش را تنها و تنها جنبش‌های انقلابی و آزادی‌بخش خلق‌های جهان، نهضت انقلابی طبقه کارگر جهان و سازمان‌های پیشقراول آن کشورهای انقلابی از بندرسته و آزاد جهان دانسته، از مبارزات مردم جهان بر علیه اردوگاه از هم گسسته امپریالیسم و ارتجاع قاطعانه و بدون قید و شرط دفاع می‌نماید. یکی از تجلیات فوری این اتحاد را کنفدراسیون اکنون در مبارزه قاطع خویش برای درهم شکستن و بیرون راندن ارتش تجاوزگر شاه و دفاع از خلق قهرمان عمان به رهبری "جبهه توده‌ای برای رهایی عمان" در راه استقلال و دموکراسی عمان و سرنگونی قابوس و همه مرتجعین و تجاوزگران نشان می‌دهد.

۶ - کنفدراسیون در مبارزه خویش بر علیه ارتجاع و امپریالیسم، بر علیه کلیه تمایلات ارتجاعی که بجای دل بستن بقدرت توده‌ای مردم و مبارزه قطعی در راه سرنگونی رژیم شاه و تاراندن امپریالیست‌ها از میهن ما، در جهت تابع نمودن مبارزه مردم با رقابت‌های درون امپریالیستی و ارتجاعی و خاصه رقابت دو ابرقدرت تلاش می‌نماید و از اینرو بجای اتحاد با طبقات زحمتکش جامعه در میان محافل و گروه‌های ارتجاعی و دولت‌های امپریالیستی متحد خویش را می‌جوید و از این طریق راه جدائی قطعی جنبش دانشجویی و دموکراتیک را برگزیده‌اند، قاطعانه مبارزه می‌کنند.

علاوه بر این کنفدراسیون با هرگونه نظرات ارتجاعی از قبیل نظرات گروه‌هایی چون "اومانیته روژ" و "اکتبر لیگ" که بخشی از ارتجاع ایران خاصه محمد رضا شاه را متحد جنبش ما و در موضع مترقی جلوه می‌دهد قویا مبارزه کرده و از رخنه چنین نظراتی بدرون جنبش دانشجویی خارجه جلوگیری نموده و این امر را از مجموعه مبارزه خود بر علیه رژیم شاه و امپریالیسم جدا نمی‌دانند.

در مقابل مسائل و پیشنهاداتی این چنین که در واقع بیان فشرده دستاوردهای جنبش دانشجویی خارجه می‌باشند، راست‌روان چه کردند؟ از یکسو با توسل به بهانه‌های بی‌پایه تشکیلاتی از شرکت در شورا خودداری کرده از سوی دیگر به سرعت به تدارک انشعاب پرداختند. انشعابی که با خروج اینان از کنفرانس ۶ دسامبر سن حوزه و عدم شرکتشان در برنامه‌های مرکزی سازمان آمریکا و نفی مکرر رهنمودهای مرکزیت سازمان آمریکا و برگزاری جلسات جداگانه از سازمان شمال کالیفرنیا بالاخره صورت تحقق به خویش گرفت. آنچه که اینان کردند در واقع اعلام جدائی از آن مضمون و محتوی است که نکات بالا ذکر گشته است. امروز شاید بتوان در میان سرو صداهای فراوان و بی‌پایه و با توسل به حربه‌های نادرست تشکیلاتی مضمون اساسی انشعاب کنونی را بصورت "عدم احترام به حقوق دموکراتیک" و "هژمونی طلبی چپ‌روها" تعریف کرد و برای مدتی نیز به زندگی سیاسی خویش براین مبنی ادامه داد و جمعی نیز بر این پایه‌ها با استفاده از محیط گروه گرایانه خارج از کشور بدنبال خویش کشانید. امروز شاید بتوان به توده‌ها گفت که این انشعاب بدان خاطر صورت پذیرفت که در فلان کنفرانس بر سر آنکه کدامین دبیر ریاست سمینار را بر عهده گیرد اختلاف موجود بود و در نتیجه به انشعاب کشانیده شد. آری شاید امروز بتوان با این چنین مسائلی چند پارگی این یگانه تشکیلات جنبش دانشجویی خارج از کشور این سنگری را که جنبش انقلابی داخل کشور به داشتنش می‌بالید و می‌بالد را توجیه نمود. شاید امروز بتوان بر همه چیز مهر "کمیته مرکزی حزب توده" را کوبید و باصطلاح دستاویز سیاسی نیز فراهم کرد. اما نهضت انقلابی مردم با اینگونه توجیهات سروکاری نیست، کیست که نداند که انشعاب راست روان نتیجه منطقی و ادامه سیاستی است که اینان در چند ساله گذشته دنبال نموده و تعمیق داده‌اند، کیست که نداند که این انشعاب بدان خاطر صورت نپذیرفت که راست روان خواهان مبارزه به گرد دستاوردهای نهضت دانشجویی خارجه و جنبش انقلابی مردم ایران نبوده و راه جدائی کامل از مضمون انقلابی نهضت را آغاز نموده‌اند. آنچه که اینان کردند پشت پا زدن به تمامی دستاوردها و اصول جنبش دانشجویی خارجه و کنفدراسیون جهانی بود نه هیچ چیز دیگر.

مبارزه‌ای که پس از کنگره ۱۲ کنفدراسیون جهانی به گرد خط مشی و برنامه مبارزاتی کنفدراسیون آغاز گردیده بود اکنون عالی‌ترین تبلور خویش را بصورت تشکیلات‌های چندگانه در نهضت دانشجویی خارج از کشور ظاهر نموده است. هر یک از این تشکیلات‌ها در واقع همان مضمون و محتوی سیاسی را دنبال می‌کنند که در کنگره ۱۲ کنفدراسیون به پیش گذارده بودند، دو سیاست دو مشی در عالی‌ترین حد تکامل خویش به دو تشکیلات انجامیده است.

خواست ما در این مختصر آن نبود که به ذکر وقایع این یا آن جلسه. این موضع و یا آن برجسب پردازیم. زیرا معتقدیم که اینگونه مسائل تنها تبلوراتی از آن مبارزه‌ایست که در درون نهضت دانشجویی در جریان بوده است. اما چنانچه که لازم آید در آینده به این کار نیز اقدام خواهیم ورزید و از طرف دیگر خواهیم کوشید تا در اسرع وقت تاریخ تکاملی مبارزه درونی کنفدراسیون و بویژه خط راست را در رساله جامعی در اختیار همگان قرار دهیم.

رفقا!

امروز در شرایطی که بحران همه‌جانبه و فزاینده‌ی اقتصادی حاکم بر جامعه فلاکت‌زده ما از یک سو و حکومت ترور و خفقان محمد رضاشاهی از سوی دیگر برگرده خلق ستم‌دیده ایران شلاق می‌کشد، در شرایطی که رژیم ژاندارمنش پهلوی بحکم اربابان آمریکائیش به کشتار خلق قهرمان عمان پرداخته است، در شرایطی که رزم دلاورانه خلق قهرمان ایران از کارگران و دهقانان تا دانشجویان و روحانیت مبارز و بالاخره سازمان‌ها و گروه‌های انقلابی و مسلح اوجی نوین یافته است، در شرایطی که حکومت پهلوی سیل برنامه‌های تبلیغاتی رنگارنگ و فاشیسم رستاخیزش را در خارج از کشور نیز جریان داده است، وظایف خطیری بردوش ما سنگینی می‌کنند، وظایفی که از همه سو و با تمام نیرو باید به برآورد آنان همت گماریم.

باید که به گرد دستاوردهای نهضت دانشجویی خارجه و جنبش انقلابی خلق متحد شده و به مثابه گردانی مبارز از جنبش انقلابی خلق ایران وسیع‌ترین مبارزات را در تمامی زمینه‌ها بر علیه حکومت منفور پهلوی و اربابان امپریالیستش بر پا سازیم، از دیگر سو از آنجا که کماکان زمینه عینی اتحاد به گرد یک سیاست و برنامه قاطع ضد رژیمی از میان نرفته است باید برای اتحاد مجدد مجموعه جنبش دانشجویی خارج از کشور به گرد این چنین سیاستی و برنامه‌ای کوشا باشیم.

رژیم محمد رضا شاهی از بحران و نابسامانی‌های کنونی نهضت دانشجویی خارجه شادمان است. اما مبارزه قاطع و گسترده در راه آرمان‌های والای خلق دلاور ایران و کوشش جهت اتحاد مجدد مجموعه جنبش دانشجویی خارجه به گرد این چنین آرمان‌هایی شادمانی وی را به عزایش مبدل خواهد ساخت. در این راه بکوشیم.

پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی و دمکراتیک خلق قهرمان ایران

سرنگون باد رژیم منفور پهلوی. کوتاه باد دست امپریالیست‌ها از ایران

مرگ بر دو ابرقدرت آمریکا و شوروی

جاودان باد خاطره شهدای خلق

اتحاد- مبارزه- پیروزی

سازمان دانشجویان ایرانی در شمال کالیفرنیا"

سند شماره ۶ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم

مندرج در بخش: (اختلافات و انشعاب رسمی در کنگره ۱۶ بر سر مواضع ارتجاعی "هیأت دبیران موقت")

اطلاعیه هیئت دبیران کنفدراسیون جهانی

اطلاعیه هیئت دبیران کنفدراسیون جهانی
در باره برخی نظریات ابراز شده در جلسه بحث آزاد کنگره فدراسیون آلمان

هیئت دبیران کنفدراسیون جهانی پس از غور و تفحص بسیار در باره چگونگی برگزاری کنگره فدراسیون آلمان و ویژه مسائل مطروحه از جانب دوسه نفر در جلسات بحث آزاد پس از کنگره به نتایج زیر رسیده و لازم دید موضع قطعی خود را در این مورد به صورت اطلاعیه‌ای به کلیه واحدها ابلاغ نماید.

۱- هیئت دبیران کنفدراسیون در باره آنچه بنام مسئله چگونگی مشی دفاعی کنفدراسیون جهانی در باره قربانیان رژیم محمد رضا شاهی از جانب دوسه نفر در بحثهای بعد از کنگره بیان شده است بهیچ وجه نمیتواند سکوت اختیار کند، زیرا این سکوت مساوی با تعطیل مبارزات بحق کنفدراسیون جهانی و تبدیل آن به یک سازمان دلخواه رژیم محمد رضا شاهی خواهد بود. و آن هم درست در زمانی که تمام تقای رژیم فاشیستی شاه و عوامل شناخته و ناشناخته آن در داخل و خارج از کشور در این جهت میبایست.

۲- کنفدراسیون جهانی طی پانزده سال تاریخ درخشان خود بمشابه سازمان دموکراتیک، توده‌های ضد امپریالیستی در جهت منافع خلق ایران مبارزه کرده و پیوسته از حقوق حقه دموکراتیک کلیه افراد و سازمانهای خلقی صرفنظر از چگونگی برداشتهای ایدئولوژیکیان، هنگامی که در برابر رژیم خون آشام محمد رضا شاه قرار گرفته‌اند، دفاع نموده است. و این اصل سنت اساسی وحدت دموکراتیک کلیه عناصر و یکپارچگی کلیه افراد در سازمان کنفدراسیون بوده و خواهد بود. حال عدوهای پیدا شده‌اند که میخواهند با دخل و تصرف در این اصل و عمده جلوه دادن تضاد خلق با شوروی و وارد نمودن بیش ارتجاعی خود در برنامه دفاعی کنفدراسیون در واقع مبارزات کنفدراسیون جهانی را تعطیل کنند. این دوسه تن بنا باظهارات صریحشان معتقدند: افرادی که از لحاظ ایدئولوژیکی وابسته به شوروی و حزب توده‌اند، ولو اینکه بر علیه رژیم شاه مبارزه کنند و گرفتار چنگال این رژیم خون آشام شوند نباید از آنها دفاع بعمل آید.

البته این تمام حرف آقایان نیست، آنها پارا از اینها فراتر نهاده و در بحثهای پس از کنگره فدراسیون آلمان علناً مدعی شده‌اند که این نوع افراد بدلیل وابستگی ایدئولوژیکیان "عناصر جاسوسند" و "خونشان حلال است و بمقتضای اقامه دلیل، نیز این منطق ارتجاعی را بمیان کشیدند که کنفدراسیون جهانی همانطور که از "هلمز" رئیس سابق سازمان جاسوسی "سیا" در صورت گرفتاری و قربانی بدست رژیم شاه !!! دفاع نخواهد کرد، از شهید پرویز حکمت جو نیز نباید دفاع کرد.

بدیهی است که این نظریه بهمین جا خاتمه نمیابد و نقطه بمفهوم تعطیل مبارزات دفاعی کنفدراسیون جهانی، در زمینه دفاع از قربانیان رژیم محمد رضا شاه در ایران نخواهد بود، بلکه ادامه منطقی این طرز تفکر شامل مجموعه برنامه‌های مبارزاتی و دفاعی کنفدراسیون در پشتیبانی از مبارزات سایر خلقهای ستمدیده جهان میشود. بر اساس این منطق ارتجاعی کنفدراسیون جهانی از این پس دیگر نباید به مبارزه بی قید و شرط بر علیه رژیم فاشیستی محمد رضا شاه و اربابان امپریالیستها و در رأس آن امپریالیسم امریکا پیرواز و باز هم زیاده همین منطق ارتجاعی کنفدراسیون جهانی از جنبشهای طوسی و ضد امپریالیستی تا زمانی که مواضعشان را در برابر شوروی آنطور که آقایان میخواهند روشن نکنند، نمیتواند به دفاع پشتیبانی

بر خیزد . و بالاخره نتیجه منطقی این سیاست چیست؟ همانکه رژیم محمد رضا شاه سالیان درازی است که خواش را می بیند ، یعنی تعطیل مبارزات ضد دیکتاتوری و ضد امپریالیستی کنفدراسیون و تبدیل آن به یک سازمان دلخواه رژیم فاشیستی محمد رضا شاهی .

کنفدراسیون جهانی همواره مواضع اصولی خود را در باره سیاست ضد خلقی شوروی صریحا ابراز نموده و هر ساله با شناخت عمیقتر از این سیاست ضد خلقی مواضع خود را دقیقتر کرده است . دلیل بارز این حقیقت قطعیست که پانزدهم کنفدراسیون جهانی و تحلیل ها در نشریات سازمان در باره سیاست ضد خلقی شوروی در عرصه جهان و ایران است .

در مورد دستگاه رهبری حزب توده نیز کنفدراسیون جهانی دارای موضعی تزلزل ناپذیر و روشن است و بر اساس همین موضع سازمان ما طی سالیان دراز مبارزه موفق به افشای سیاستهای سازشکارانه و ضد انقلابی کمیته مرکزی حزب توده در میان جنبش گشته است . کنفدراسیون جهانی بمانند هر سازمان مترقی اجتماعی دیگر معتقد به مبارزه سیاسی با بینش ها و سیاستهای انحرافی است و سرنوشت نهائی مشی ضد انقلابی کمیته مرکزی را در پیروزی مشی انقلابی بر آن میدانند و نه در موافقت با انهدام جسمانی افراد این حزب ، و درست بهمین علت است که کنفدراسیون جهانی در همین مبارزه آشتی ناپذیر با مشی ضد انقلابی کمیته مرکزی ، با دفاع از حقوق دموکراتیک افراد این حزب در صورت گرفتاری در چنگال رژیم فاشیستی شاه در حقیقت خط فاصل میان خود و آن نیروهای ارتجاعی میکشد که تصور میکنند با معدوم ساختن جسمانی عناصر میتوانند مشی و سیاستها را معدوم سازند .

رتقا :

ما در شرایط کنونی و وظیفه خود دانستیم بدون درهای رویوشی ، بخاطر حفظ دستاوردهای درخشان و سنتهای ارزنده کنفدراسیون جهانی ، این مواضع ارتجاعی را که بطور عینی در خدمت استراتژی رژیم بر علیه جنبش دانشجویی است بر ملا سازیم . ما در باره این مشی ارتجاعی و توطئه های که بر علیه سازمان ما در شرف تکوین است در نشریات کنفدراسیون به تفصیل سخن خواهیم گفت و از تمام اعضای ضدیق و مبارز کنفدراسیون جهانی میخواهیم هم دوش هیئت دبیران در کلیه واحدها در مبارزه بخاطر طرد این بینش ارتجاعی بیا خیزند و بار دیگر پرچم رزم دلیرانه کنفدراسیون جهانی را علیه رژیم فاشیستی شاه و امپریالیسم جهانی باهتزاز در آورند .

پیروز باد کنفدراسیون جهانی

سرنگون باد رژیم فاشیستی محمد رضا شاه

هیئت دبیران کنفدراسیون جهانی

فرانکفورت ۱۱ آگوست ۱۹۷۴

سند شماره ۶ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم

مندرج در بخش: (اختلافات و انشعاب رسمی در کنگره ۱۶ بر سر مواضع ارتجاعی "هیأت دبیران موقت")

"اطلاعیه هیئت دبیران کنفدراسیون جهانی"

درباره برخی نظریات ابراز شده در جلسه بحث آزاد کنگره فدراسیون آلمان.

هیئت دبیران کنفدراسیون جهانی پس از غور و تفحص بسیار درباره چگونگی برگزاری کنگره فدراسیون آلمان و به ویژه مسائل مطروحه از جانب دو سه نفر در جلسات بحث آزاد پس از کنگره به نتایج زیر رسیده و لازم دید موضع قطعی خود را در این مورد به صورت اطلاعیه‌ای به کلیه واحدها ابلاغ نماید.

۱ - هیئت دبیران کنفدراسیون در باره آنچه به نام مسئله چگونگی مشی دفاعی کنفدراسیون جهانی در باره قربانیان رژیم محمدرضا شاهی از جانب دو سه تن در بحث‌های بعد از کنگره بیان شده است به هیچ وجه نمی‌تواند سکوت اختیار کند، زیرا این سکوت مساوی با تعطیل مبارزات به حق کنفدراسیون جهانی و تبدیل آن به یک سازمان دلخواه رژیم محمدرضا شاهی خواهد بود. و آن هم درست در زمانی که تمام تقای رژیم فاشیستی شاه و عوامل شناخته و ناشناخته آن در داخل و خارج از کشور در این جهت می‌باشد.

۲ - کنفدراسیون جهانی طی پانزده سال تاریخ درخشان خود به مثابه سازمان دموکراتیک، توده‌ای و ضدامپریالیستی در جهت منافع خلق ایران مبارزه کرده و پیوسته از حقوق حقه دموکراتیک کلیه افراد و سازمان‌های خلقی صرفنظر از چگونگی برداشت‌های ایدئولوژیکشان، هنگامی که در برابر رژیم خون آشام محمدرضا شاه قرار گرفته‌اند، دفاع نموده است. و این اصل سنگ اساسی وحدت دموکراتیک کلیه عناصر و یکپارچگی کلیه افراد در سازمان کنفدراسیون بوده و خواهد بود. حال عده‌ای پیدا شده‌اند که می‌خواهند با دخل و تصرف در این اصل و عمده جلوه دادن تضاد خلق با شوروی و وارد نمودن بینش ارتجاعی خود در برنامه دفاعی کنفدراسیون در واقع مبارزات کنفدراسیون جهانی را تعطیل کنند. این دو سه نفر بنا به اظهارات صریحشان معتقدند "افرادی که از لحاظ ایدئولوژیکی وابسته به شوروی و حزب توده‌اند، ولو اینکه بر علیه رژیم شاه مبارزه کنند و گرفتار جنگال این رژیم خون آشام شوند نباید از آنها دفاع به عمل آید.

البته این تمام حرف آقایان نیست، آنها پا را از اینهم فراتر نهاده و در بحث‌های پس از کنگره فدراسیون آلمان علنا مدعی شده‌اند که این نوع افراد به دلیل وابستگی ایدئولوژیکشان، "عناصر جاسوسند" و خونشان حلال است و به عنوان اقامه دلیل نیز این منطق ارتجاعی را به میان کشیدند که کنفدراسیون جهانی همانطور که از "هلمز" رئیس سابق سازمان جاسوسی "سیا" در صورت گرفتاری و قربانی به دست رژیم شاه!! دفاع نخواهد کرد، از شهید پرویز حکمت‌جو نیز نباید دفاع کند.

بدیهی است که این نظریه به همین جا خاتمه نمی‌یابد و فقط به مفهوم تعطیل مبارزات دفاعی کنفدراسیون جهانی، در زمینه دفاع از قربانیان رژیم محمد رضا شاهی در ایران نخواهد بود، بلکه ادامه منطق این طرز تفکر شامل مجموعه برنامه‌های مبارزاتی و دفاعی کنفدراسیون در پشتیبانی از مبارزات خلق‌های ستمدیده جهان می‌شود. بر اساس این منطق ارتجاعی کنفدراسیون جهانی از این پس دیگر نباید به مبارزه بی قید و شرط بر علیه رژیم فاشیستی محمدرضا شاه و اربابانش امپریالیست‌ها و در راس آن امپریالیسم آمریکا بپردازد و بازهم بر پایه همین منطق ارتجاعی کنفدراسیون جهانی از جنبش‌های ملی و ضدامپریالیستی تا زمانی که مواضعشان را در برابر شوروی آنطور که آقایان می‌خواهند روشن نکنند، نمی‌تواند به دفاع و پشتیبانی برخیزد. و بالاخره نتیجه منطقی این سیاست چیست؟ همانکه رژیم محمدرضا شاه سالیان درازی است که خواش را می‌بیند، یعنی تعطیل مبارزات ضددیکتاتوری و ضدامپریالیستی کنفدراسیون و تبدیل آن به یک سازمان دلخواه رژیم فاشیستی محمدرضا شاهی!

کنفدراسیون جهانی همواره مواضع اصولی خود را در باره سیاست ضدخلق شوروی صریحا ابراز نموده و هر ساله با شناخت عمیق‌تر از این سیاست ضدخلق خود را دقیق‌تر کرده است. دلیل بارز این حقیقت قطعنامه کنگره پانزدهم کنفدراسیون جهانی و تحلیل‌ها در نشریات سازمان در باره سیاست ضدخلق شوروی در عرصه جهان و ایران است.

در مورد دستگاه رهبری حزب توده نیز کنفدراسیون جهانی دارای موضعی ترلزل ناپذیر و روشن است و بر اساس همین موضع سازمان ما طی سالیان دراز مبارزه موفق به افشای سیاست‌های سازشکارانه و ضدانقلابی کمیته مرکزی حزب توده در میان جنبش گشته است. کنفدراسیون جهانی به مانند هر سازمان مترقی اجتماعی دیگر معتقد به مبارزه سیاسی با بینش‌ها و

سیاست‌های انحرافی است و سرنوشت نهائی مشی ضدانقلابی کمیته مرکزی را در پیروزی مشی انقلابی بر آن می‌داند و نه در موافقت با انهدام جسمانی افراد این حزب، و درست به همین علت است که کنفدراسیون جهانی در عین مبارزه آشتی ناپذیر با مشی ضدانقلابی کمیته مرکزی، با دفاع از حقوق دمکراتیک افراد این حزب در صورت گرفتاری در چنگال رژیم فاشیستی شاه در حقیقت خط فاصل میان خود و آن نیروهای ارتجاعی می‌کشد که تصور می‌کنند با معدوم ساختن جسمانی عناصر می‌توانند مشی و سیاست‌ها را معدوم سازند.

رفقا:

ما در شرایط کنونی وظیفه خود دانستیم بدون ذره‌ای روپوشی، به خاطر حفظ دستاوردهای درخشان و سنت‌های ارزنده کنفدراسیون جهانی، این مواضع ارتجاعی را که بطور عینی در خدمت استراتژی رژیم بر علیه جنبش دانشجویی است بر ملا سازیم. ما در باره این مشی ارتجاعی و توطئه‌ای که بر علیه سازمان ما در شرف تکوین است در نشریات کنفدراسیون به تفصیل سخن خواهیم گفت و از تمام اعضای صدیق و مبارز کنفدراسیون جهانی می‌خواهیم همدوش هیئت دبیران در کلیه واحدها در مبارزه به خاطر طرد این بینش ارتجاعی بیاخیزند و بار دیگر پرچم رزم دلیرانه کنفدراسیون جهانی را علیه رژیم فاشیستی شاه و امپریالیسم جهانی به اهتزاز در آورند.

پیروز باد کنفدراسیون جهانی

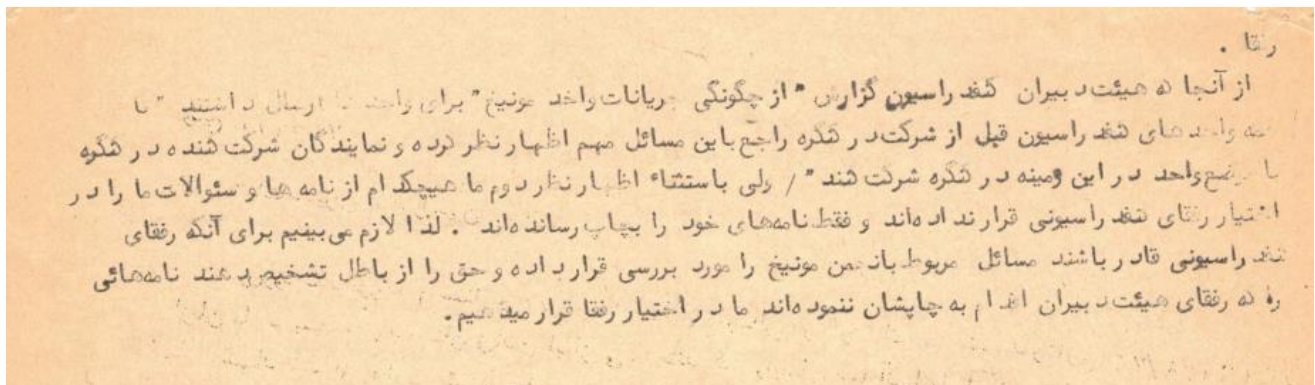
سرنگون باد رژیم فاشیستی محمد رضا شاه

فرانکفورت ۱۱ آگوست ۱۹۷۴ - هیئت دبیران کنفدراسیون جهانی "

سند شماره ۷ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم

مندرج در بخش: (اختلافات و انشعاب رسمی در کنگره ۱۶ بر سر مواضع ارتجاعی "هیأت دبیران موقت")

سازمان مونیخ در تاریخ ۱۹/۰۸/۱۹۷۴ مقدمه‌ای بر یک سند



سند شماره ۷ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم

مندرج در بخش: (اختلافات و انشعاب رسمی در کنگره ۱۶ بر سر مواضع ارتجاعی "هیأت دبیران موقت")

"رفقا

از آنجا که هیئت دبیران کنفدراسیون گزارش "از چگونگی جریانات واحد مونیخ" برای واحد ها ارسال داشتند "تا همه واحدهای کنفدراسیون قبل از شرکت در کنگره راجع به این مسائل اظهار نظر کرده و نمایندگان شرکت کننده در کنگره واحد در این زمینه در کنگره شرکت کنند" ولی به استثناء اظهار نظر دوم ما هیچ کدام از نامه و سؤالات ما را در اختیار رفقای کنفدراسیونی قرار نداده‌اند و فقط نامه‌های خود را به چاپ رسانده‌اند. لذا لازم می‌بینیم برای آنکه رفقای کنفدراسیونی قادر باشند مسائل مربوط به انجمن مونیخ را مورد بررسی قرار داده و حق را از باطل تشخیص دهند نامه‌هایی را که رفقای هیئت دبیران اقدام به چاپشان نموده‌اند ما در اختیار رفقا قرار می‌دهیم." (تکیه از توفان)

سند شماره ۸ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم

مندرج در بخش: (اختلافات و انشعاب رسمی در کنگره ۱۶ بر سر مواضع ارتجاعی "هیأت دبیران موقت")

رفقای هیئت دبیران کنفدراسیون مونیخ ۷۴/۸/۱۹

رفقای هیئت دبیران کنفدراسیون

مونیخ ۷۴/۸/۱۹

در رابطه با اطلاعیه مورخ ۱۱ آگوست ۷۴ سئوالاتی در انجمن مونیخ مطرح گردید و خواسته شده که توضیحات هیئت دبیران در مورد نکات مورد سؤال در اختیار جلسه انجمن گذاشته شود تا بتوان با دید روشنتری اطلاعیه - رفقای هیئت دبیران را مورد بحث و بررسی قرار داد. چون میبایستی جلسه مربوط به اطلاعیه هیئت دبیران را در اسرع وقت برگزار کرد لذا خواهش میشود رفقای هیئت دبیران جواب سئوالات را در چند روز آینده ارسال کنند. سئوالات مطروحه عبارت بودند از:

۱ - در چند قسمت از اطلاعیه صحبت از موضوع گیری "دو سه تن" در جایی تحت عنوان "عده‌ای" (در آن قسمت که آورده میشود "حال عده‌ای پیدا شده‌اند که میخواهند با دخل و تصرف در این اصل به عده جلوه دادن تضاد خلق با شوروی و وارد نمودن بینش ارتجاعی خود...") شده با توجه به اینکه هیئت دبیران در قسمت‌هایی از نامه بینش آن "دو سه تن" و یا آن "عده" را ارتجاعی مینامد لذا لازم است برای روشن شدن ذهن رفقای کنفدراسیون و مقابله با تمام غاصری که بینش ارتجاعی دارند نام این "دو سه تن" و یا "عده" ذکر گردد.

۲ - در بند ۲ اطلاعیه گفته میشود "حال عده‌ای پیدا میشوند که میخواهند با دخل و تصرف در این اصل و عده جلوه دادن تضاد خلق با شوروی و وارد نمودن بینش ارتجاعی خود در برنامه دفاعی کنفدراسیون در واقع مبارزات کنفدراسیون بینش آنها ارتجاعی خوانده شده و بجاست که نام آنها برای توده دانشجویی گفته شود" و برداشت رفقای هیئت دبیران از تمام اظهار نظر این عده بوده در همین رابطه

۳ - مفهوم بند ۲ چنین بوده که عده‌ای خواهان آن نیستند تا از کسانی که به مدافعه از خنای خلق بپا خواسته و برابر رژیم خون‌خوار شاه قرار میگیرند و به زندان و محاکمه میگردند دفاع کرد. لطفاً بیان شود کدام "عده" و یا کدام "دو سه تن" بوده‌اند (با ذکر نام) که چنین اظهاراتی کرده‌اند و چه جملاتی از آنها رفقای هیئت دبیران را به چنین نتیجه گیری رسانده است.

یکبار دیگر خواست میشود به این نامه پاسخ سریع دهید تا بتوانیم با توضیحات رفقای هیئت دبیران در این مورد بحثی عمیق در رابطه با اطلاعیه رفقا داشته باشیم.

با سلامهای گرم

هیئت اجرایی انجمن مونیخ

سند شماره ۸ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم

مندرج در بخش: (اختلافات و انشعاب رسمی در کنگره ۱۶ بر سر مواضع ارتجاعی "هیأت دبیران موقت")

"رفقای هئیت دبیران کنفدراسیون

مونیک ۷۴/۸/۱۹

در رابطه با اطلاعیه مورخ ۱۱ آگوست ۷۴ سئوالاتی در انجمن مونیک مطرح گردید و خواسته شده که توضیحات هئیت دبیران در مورد نکات مورد سؤال در اختیار جلسه انجمن گذاشته شود تا بتوان با دید روشن‌تری اطلاعیه رفقای هئیت دبیران را مورد بحث و بررسی قرار داد. چون می‌بایستی جلسه مربوط به اطلاعیه هئیت دبیران را در اسرع وقت برگزار کرد لذا خواهش می‌شود رفقای هئیت دبیران جواب سئوالات را در چند روز آینده ارسال کنند. سئوالات مطروحه عبارت بودند از:

۱- در چند قسمت از اطلاعیه صحبت از موضع‌گیری "دو سه تن" در جایی تحت عنوان "عده‌ای" (در آن قسمت که آورده می‌شود) "حال عده‌ای پیدا شده‌اند که می‌خواهند با دخل و تصرف در این اصل به عمده جلوه دادن تضاد خلق با شوروی و وارد نمودن بینش ارتجاعی خود..." شده با توجه به اینکه هئیت دبیران در قسمت‌هایی از نامه بینش آن "دو سه تن" و یا آن "عده" را ارتجاعی می‌نامند لذا لازم است برای روشن شدن ذهن رفقای کنفدراسیون و مقابله با تمام عناصری که بینش ارتجاعی دارند نام این "دو سه نفر" و یا "عده" ذکر گردد.

۲- در بند ۲ اطلاعیه گفته می‌شود "حال عده‌ای پیدا می‌شوند که می‌خواهند با دخل و تصرف در این اصل و عمده جلوه دادن تضاد خلق با شوروی و وارد نمودن بینش ارتجاعی خود در برنامه دفاعی کنفدراسیون در واقع مبارزات کنفدراسیون جهانی را تعطیل کنند". لطفاً توضیح داده شود که این عده چه کسانی بوده‌اند (منظور ذکر نام است چون به هر صورت بینش آنها ارتجاعی خوانده شده و به جاست که نام آنها برای توده دانشجویی گفته شود) و برداشت رفقای هئیت دبیران از اعلام اظهار نظر این عده بوده. در همین رابطه.

۳- مفهوم بند ۲ چنین بوده که عده‌ای خواهان آن نیستند تا از کسانی که به مدافعه از منافع خلق به پا خواسته و در برابر رژیم خون آشام محمدرضا شاه قرار می‌گیرند و اسیر پنجه دژخیم می‌گردند دفاع گردد. لطفاً بیان شود کدام "عده" و یا کدام "دو سه تن" بوده‌اند (یا ذکر نام) که چنین اظهاراتی کرده‌اند و چه جملاتی از آنها رفقای هئیت دبیران را به چنین نتیجه‌گیری رسانده است.

یکبار دیگر خواهش می‌شود به این نامه پاسخ سریع دهید تا بتوانیم با توضیحات رفقای هئیت دبیران در این مورد بحثی عمیق در رابطه با اطلاعیه رفقا داشته باشیم.

با سلامهای گرم

هئیت اجرائیه انجمن مونیک"

سند شماره ۹ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم

مندرج در بخش: (اختلافات و انشعاب رسمی در کنگره ۱۶ بر سر مواضع ارتجاعی "هیأت دبیران موقت")

موضع انجمن مونیخ در مورد اطلاعیه ۱۱ آگوست ۱۹۷۴ هیئت دبیران موقت کنفدراسیون و پیشنهاد برای حرکت به سوی حل و رفع مشکلات موجود.

-۱-

موضع انجمن مونیخ در مورد اطلاعیه ۱۱ آگوست ۱۹۷۴ هیئت دبیران موقت کنفدراسیون و پیشنهاد برای حرکت به سوی حل و رفع مشکلات موجود.

رفقای هیئت دبیران.

اطلاعیه شما مورخ ۱۱ آگوست ۱۹۷۴ به بحثی دامن زد که در نوع خود یکی از غیر اصولی ترین و ناسالمترین برخوردها را در برداشت. از آنجا که یکی از علل اساسی این برخوردهای غیر اصولی و مغرضانه را بایستی در اطلاعیه هیئت دبیران جستجو کرد / از این رو لازم دیدیم جمع بندی نظرات خود را بعنوان موضع انجمن مونیخ در مورد اطلاعیه هیئت دبیران ارسال داریم. از هیئت دبیران خواسته میشود با چاپ این نامه در بدنه کنفدراسیون این نظریات را در اختیار گدیه رفقای کنفدراسیون قرار دهند. بماند که از این طریق بتوان به بحثی خلاق و سالم در مورد مسائل طرحه در اطلاعیه دامن زد.

نگه ای که چشم میخورد اینست که اطلاعیه کوشیده اساس جمله خود را بر محلهای "شاید ظلیل و یا احمقان" مودنه تن" قرار دهد. به همین جهت در وادی صحبت از "مودنه تن" و در جایی اسم از "موده های" برده. مگر گویید که اصل - مطلب بر روی دفاع از مواضع کنفدراسیون در قبال سیاست ضد خلقی شوروی را یادی آنها "کمیته مرکزی حزب توده" است این موضوع نه تنها موضع دوسه نفر نیست / بلکه بخش وسیعی از کنفدراسیون را در بر میگیرد / بخش وسیعی که با همه ناعفونگی خود سیاست جهانی شوروی را ضد خلقی و ارتجاعی ارزیابی میکند / "کمیته مرکزی حزب توده ایران" را - بشابه ستون پنجم شوروی دانسته و یا آن دستگاه را ضد خلقی پنداشته. هیئت دبیران هم بخوبی میداند که مسئله برخورد به سیاست ضد خلقی شوروی و دارنده ارتجاعی کمیته مرکزی از بحث آزاد پس از گذر خد راسیون آلمان شروع نشد بلکه نقطه اوج در آنجا بود. این بحث از آنجا به میان آمد که عده ای رسمی و نیمه رسمی عدم تأیید خود را از قطعنامه علیه سیاست ضد خلقی شوروی در سطح جهانی ابراز داشتند. در طول این مدت هیئت دبیران موقت هیچگاه چه در فعالیتهای وجه در تبلیغات کنفدراسیون نه تنها در مورد عملیات ارتجاعی در دستخوار کمیته مرکزی حزب توده "ه" (حداقل به کنفدراسیون و مواضع اصولی آن) و سیاست ارتجاعی شوروی موضع نگرفته اند / هیچ گاه به تبلیغ مواضع قاطع کنفدراسیون در مورد این دارنده نپرداخته اند / بلکه عملاً با خارج از دست مرکز حکمت جو در بیطن ۵۶ و ناروشنیهای اطلاعیه تزلزل خود را در آورده بر خورد و افشای دارنده ضد خلقی کمیته مرکزی و سیاست ارتجاعی شوروی نشان داده اند. عده آگاهند بحث آزاد کنگره ۱۸ خد راسیون آلمان در مورد دفاع یا عدم دفاع عضو کمیته مرکزی حزب توده "ه" بوده است / نه مجموعه مشی دفاعی کنفدراسیون و نه اینکه گویا "عده ای" نخواهند "پیوسته از دشمنی عده دیگر اتیک کلیه افراد و سازمانهای خلقی صرف نظر از چگونگی برداشتهای ایدئولوژیک شان "دفاع نمایند. در همین رابطه اطلاعیه ادامه میدهد که "حل عده ای پیدا شده اند که میخواهند با دخل و تصرف در این اصل وعده بدیده دادن نشان خلق با شوروی "بیش ارتجاعی خود را در برنامه دفاعی کنفدراسیون وارد کنند. و "هتقدند افرادی که از لحاظ ایدئولوژیک وابسته به شوروی و حزب توده اند... نباید از آنها دفاع بعمل آید". ازکی تا بطل "حزب توده تجز" کلیه... سازمانهای خلقی "قرار گرفته و ازکی تا بطل نظر کنفدراسیون در مورد ضد خلقی / ضد انقلابی و ارتجاعی بودن "کمیته مرکزی حزب توده" تغییر کرده که هیئت دبیران وقت این دارنده ستی خائن را در اطلاعیه شان غیر مستقیم در صف خلق جای میدهند. این برخوردی است غیر مسئول. بخصوص در زمان دست و پا و نهایی نه بوجانه "کمیته مرکزی" برای نفوذ خود به جنبش. هیئت دبیران برای استدلال خود از فرغی پایه خود بد گرفته اند. اطلاعیه کسانی را که علیه سیاست ضد خلقی شوروی و سیاست ارتجاعی کمیته مرکزی موضع مشخص و روشنی دارند ضمیمه به این کرده که تا اد خلق با شوروی را عده بدیده و به این ترتیب قصد تعطیل کار کنفدراسیون را دارند.

هیئت دبیران به انگاره این فرقه بی پایه سیل انطباق را علیه ما افسین مواضع کنفدراسیون در قبال سیاست ضد خلقی شوروی سرازیر کرده اند. جای تعجب است که هیئت دبیران در قبال "کمیته مرکزی" که توسط ارگانهای خود به دستور نشریه ضد کنفدراسیونی "پیگار" عملیات بی شرطنه ای را به کنفدراسیون کرده و حتی "پیگار" شماره ۶ سال سوم / کنفدراسیون را " شبکه غیر مستقیم سازمان امنیت" داشته با وجود تذکرات متعدد موقت اختیار کردند / طی علیه کسانی که افشاگر این

-۲-

سیاست ارتجاعی و ضد کنفدراسیونی هستند برق آسا اطلاعیه صادر کرده و آنها را توطئه‌گر میدانند . اصل صحبت بر سر اینست که مبارزه خلق ایران علیه امپریالیسم امریکه و نوکران داخلین به سرکردگی رژیم مستبد پهلوی جد از مبارزه علیه سیاست ارتجاعی شوروی نیست . امپریالیسم امریکه در کلیه شئون اقتصادی / سیاسی و نظامی ایران دست اندازی کرده و بشا به امپریالیسم متفوق عمل میکند ولی وجود امپریالیسم متفوق نمیتواند ط از سایر امپریالیست‌ها و یا شوروی بشا به یک ابر قدرت که در ایران و جهان سیاستی بر چنای تباری و رقابت با ابر قدرت دیگری یعنی امپریالیسم امریکه دارد غافل شد . در قبال کمیته مرکزی هم سیاست روشن و گویا است . این دارد بسته بنظر ما شد خلقی و در واقع ایادی وانی همان گار گذاران ارتجاعی کولین هستند . از آنجا که کمیته مرکزی آگاهانه بدنبال سیاست ضد خلقی شوروی است / فعالانه در جهت پیاده کردن آن است جموعا شد خلقی و ارتجاعی ارزیابی میشد . نه تنها کمیته مرکزی بلکه هر فرد دیگری که بعنوان گار گذار و صهره این سیاست ضد خلقی بوده و آگاهانه در جهت خواستهای ارتجاعی این گروه قدم بر میدارد ضد خلقی ارزیابی میشد . مسلم است برخورد ط به سایر افرادی که بسبب کبر و معرفت تحت انقیاد انگار " کمیته مرکزی " در آمده و نا آگاهانه از این سیاست دفاع میکنند درون خلقی بوده و جهت رهایی آنها از افکار متجملانه‌ای که توسط " کمیته مرکزی " به آنها تحویل شده / صبرانه و دوستانه برخورد میگردانیم .

برخورد ط به مبارزات خلقی جهان از همان منشی شد امپریالیستی و ضد ارتجاعی ط منتج میشد . برای صفا بدون قید و شرط از کلیه این مبارزات دفاع میکنیم . همار ط برای دفاع از این مبارزات همان اصول انقلابی و منشی قرقی است که توسط این جنبشها عملا به مرحله اجرا در میاید . از آنجا که در قبال این جنبشها از خود احساس مسئولیت میکنیم صواره سیاست مدبرانه و ضد انقلابی شوروی را در قبال تمام این جنبشها از جمله مبارزات آزاد بیخبر خلقی قهوط و ستام و خلق مبارز ظفار افشا کرده و بدون در نظر گرفتن نوع برخورد خود این جنبشها به این سیاست مدبرانه بدون قید و شرط از آنها دفاع کرده و میکنیم . کاری که تا کنون در مورد خلق و ستام / خلق ظفار و سایر خلقها انجام گرفته .

هیئت دبیران در جواب نامه ما که سؤال کرده بودیم چه کسانی جهت عده شد خلق را با شوروی میدانند کلا سکوت اختیار کرده و از جواب به این سؤال که این " دوسه تن " که بنشین ارتجاعی داشته و قصد تصادیل مبارزات کنفدراسیون را دارند / نام و نشانشان چیست تفرقه رفته و جواب به آن را بنحده نمایندگان و ناظرین شگره و بحث آزاد گذاشته اند . این رسم کجا است که عده‌ای ادعای کنند و عده‌ای دیگر را طرم باثبات ادعای خود بدانند ؟ شما رفقا عده‌ای " را صاحب بنشین ارتجاعی دانسته و از طرف آنها توطئه‌ای را در شرف تشکیل میدانید . دیگر چه ابائی از بریدن نام آنها دارید ؟ چون چنین عده‌ای " با چنین اوصافی که شما از آنها بدست داده‌اید آنسوی صف خلق قرار میگیرند . در این خلالت گفتن نام و افشای آنها ضروری است . هیئت دبیران موقت بخوبی میدانند که یار بخش وسیعی از کنفدراسیون در میان است . بخش وسیعی که نه تنها آنسوی صف نیست بلکه با تمام ناهمگونی و داشتن اختلاف نظر در مورد مسائل مختلف علیه رژیم و امپریالیسم مبارزه کرده و سیاست ضد خلقی شوروی و کمیته مرکزی را افشا میکند . آیا بدست با آنها چنین برخورد نموده‌ای شود ؟ برخوردی که چهار چوب برخورد درون خلقی را حفظ نکرده و از این بخش وسیع شخصیت ارتجاعی میسازد .

ظاهرا هیئت دبیران خواسته‌اند با مقابله علیه توطئه‌ای که در شرف تشکیل است جهت همبستگی بیشتر توده دانشجویان مبارزه مشترک تمام اعضا " مدیق را دعوت به مبارزه کنند تا همگی آنها " عهد و شریعت دبیران در کلیه واحد ها در مبارزه بنظر طرد این بنشین ارتجاعی بیا بیا بزنند و بار دیگر پرچم رژیم دبیرانه کنفدراسیون جهانی را علیه رژیم فاشیستی شاه و امپریالیسم جهانی به اهتزاز در آورند . " هر کس میدانند که این اطلاعیه هرگز و هرگز به دست نبون کنفدراسیون نوت نبخشیده بلکه با آوردن استدلالاتی مبتنی بر فرضیات واهی و حمله خصمانه علیه بخش وسیعی از کنفدراسیون شوه‌ای جز نفاق و پراکندگی ندارد . چیزی که در بسگون کشیدن مبارزات مشترک و بخیرها علیه امپریالیسم و ارتجاع رلی بوش دارد .

در شواهد حاضر بطلت تشدید اختلافات / اتسفر اعداها و برخورد های درون آن بسیار بد و ناهنجار است . رفتاری که برای سیاست انقلابی چنین توده‌ای احترام عینی قائلند و با قاطعیت تمام سیاست ضد خلقی شوروی و کمیته مرکزی را افشا میکنند بکرات از طرف مخالفین خود آماج اتهاماتی از قبیل " ارتجاعی " / " صهره امپریالیستی " و یا " ملهم از میگرد سازان " اخیت در تلویزیون ایران " قرار میگیرند . در چنین چانی جاد داشت که هیئت دبیران با رهنمود ها و اقدامات مثبت خود در

-۳-

تخفیف و از بین بردن این تصدیر ناسالم و بر خوردهای غیر دوستانه میگویند. مقاصد اطلاعیه مزبور نه تنها در این جهت حاکم نکرد / بلکه بر شدت برخوردهای ناسالم افزود.

ما اطلاعیه مزبور را که بر بنای ادعای نادرست بنا شده و برخوردی ناسالم به بخش وسیعی از کنفدراسیون دارد، مثنی اندازی کرده و پایه‌ای برای نفاق و تفرقه بیشتر درون کنفدراسیون میدانیم. از هیئت دبیران موقت می‌خواهیم برای تمحیص وحدت درون کنفدراسیون و زدودن نفاق و تفرقه اطلاعیه مزبور را پس گرفته و اقدامات و رهنمودهای خود در سالم نمودن برخوردهای درون واحد ها بگویند. امید است با شیوه‌های صحیحی که از هیئت دبیران انتظار میشود / آنچنان محیط دوستانه‌ای بوجود آید که بتوان روی مسائل مهمی چون فشو / نحوه برخورد به مبارزات درون کشور و چگونگی دفاع ما از آن سیاست ضد خلقی شوروی و کمیته مرکزی بشابه ستون پنجم شوروی و یا سایر مسائل هاروجه پیشنهاد شورای عالی کنفدراسیون آلمان در گنگره ۱۸ به بحث و خلاصه و اقناعی دست زد.

پیشنهاد تکمیلی.

چون خواسته شده این پیشنهاد در بولتن چاپ شود لذا پیشنهاد بعنوان رای دهندگان ارسال گردد و از آن‌کر نام ارائه دهندگان پیشنهاد خود داری شود.

سند شماره ۹ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم

مندرج در بخش: (اختلافات و انشعاب رسمی در کنگره ۱۶ بر سر مواضع ارتجاعی "هیئت دبیران موقت")

"موضع انجمن مونیخ در مورد اطلاعیه ۱۱ آگوست ۱۹۷۴ هیئت دبیران موقت"

کنفدراسیون و پیشنهاد برای حرکت به سوی حل و رفع مشکلات موجود.

رفقای هیئت دبیران

اطلاعیه شما مورخ ۱۱ آگوست ۱۹۷۴ به بحثی دامن زد که در نوع خود یکی از غیراصولی‌ترین و ناسالم‌ترین برخوردها را در برداشت. از آنجا که یکی از علل اساسی این برخوردهای غیراصولی و مغرضانه را بایستی در اطلاعیه هیئت دبیران جستجو کرد، از این رو لازم دیدیم جمع‌بندی نظرات خود را به عنوان موضع انجمن مونیخ در مورد اطلاعیه هیئت دبیران ارسال داریم. از هیئت دبیران خواسته می‌شود با چاپ این نامه در بولتن کنفدراسیون این نظریات را در اختیار کلیه رفقای کنفدراسیون قرار دهند. باشد که از این طریق بتوان به بحثی خلاق و سالم در مورد مسائل مطروحه در اطلاعیه دامن زد.

نکته اولی که به چشم می‌خورد اینست که اطلاعیه کوشیده اساس حمله خود را بر "عده‌ای" شاید قلیل و یا احیاناً "دو سه تن" قرار دهد. به همین جهت در مواردی صحبت از "دو سه تن" و در جایی اسم از "عده‌ای" برده. هر کس می‌داند که اصل مطلب بر روی دفاع از مواضع کنفدراسیون در قبال سیاست ضدخلقی شوروی و ایادی آنها "کمیته مرکزی حزب توده" است این موضوع نه تنها موضع دو سه نفر نیست، بلکه بخش وسیعی از کنفدراسیون را دربر می‌گیرد، بخش وسیعی که با همه ناهمگونی خود سیاست جهانی شوروی را ضدخلقی و ارتجاعی ارزیابی می‌کند. "کمیته مرکزی حزب توده ایران" را به مثابه ستون پنجم شوروی دانسته و یا آن دستگاه را ضدخلقی می‌شناسد. هیئت دبیران هم به خوبی می‌دانند که مسئله برخورد به سیاست ضدخلقی شوروی و دارودسته ارتجاعی کمیته مرکزی از بحث آزاد پس از کنگره فدراسیون آلمان شروع نشد، بلکه نقطه اوج در آنجا بود. این بحث از آنجا به میان آمد که عده‌ای رسمی و نیمه‌رسمی عدم تأیید خود را از قطعنامه علیه سیاست ضدخلقی شوروی در سطح جهانی ابراز داشتند. در طول این مدت هیئت دبیران موقت هیچ‌گاه چه در فعالیت‌ها و چه در تبلیغات کنفدراسیون نه تنها در مورد حملات ارتجاعی دارودسته خائن "کمیته مرکزی حزب توده" (حداقل به کنفدراسیون و مواضع اصولی آن) و سیاست ارتجاعی شوروی موضع نگرفته‌اند، هیچ کجا به تبلیغ مواضع قاطع کنفدراسیون در مورد این دارودسته نپرداخته‌اند، بلکه عملاً با طرح نادرست مرگ حکمت‌جو در پیمان ۵۶ و ناروشنی‌های اطلاعیه تزلزل خود را در مورد برخورد و افشای دارودسته خائن "کمیته مرکزی" و سیاست ارتجاعی شوروی نشان داده‌اند. همه آگاهند بحث آزاد کنگره ۱۸ فدراسیون آلمان در مورد دفاع یا عدم دفاع عضو "کمیته مرکزی حزب توده" بوده است، نه مجموعه مشی دفاعی کنفدراسیون و نه اینکه گویا "عده‌ای" نمی‌خواهند "پیوسته از حقوق حقه دمکراتیک کلیه افراد و سازمان‌های خلقی صرفنظر از چگونگی برداشت‌های ایدئولوژیکشان" دفاع نمایند. در همین رابطه اطلاعیه ادامه می‌دهد که "حال عده‌ای پیدا شده‌اند که می‌خواهند با دخل و تصرف در این اصل و عمده جلوه دادن تضاد خلق با شوروی "بینش ارتجاعی خود را در برنامه دفاعی کنفدراسیون وارد کنند. و "معتقدند افرادی که از لحاظ ایدئولوژیک وابسته به شوروی و حزب توده‌اند... نباید از آنها دفاع به عمل آید". از کی تا به حال "حزب توده" جزء کلیه ... سازمان‌های خلقی قرار گرفته و از کی تا به حال نظر کنفدراسیون در مورد ضدخلقی، ضدانقلابی و ارتجاعی بودن "کمیته مرکزی حزب توده" تغییر کرده که هیئت دبیران موقت این دارودسته خائن را در اطلاعیه‌شان غیرمستقیم در صف خلق جای می‌دهند. این برخوردی است غیرمستول. به خصوص در زمان دست و پا زدن‌های مذبوحانه "کمیته مرکزی" برای نفوذ خود به جنبش. هیئت دبیران برای استدلال خود از فرض بی‌پایه خود مدد گرفته‌اند. اطلاعیه کسانی را که علیه سیاست ضدخلقی شوروی و سیاست ارتجاعی کمیته مرکزی موضع مشخص و روشنی دارند متهم به این کرده که تضاد خلق با شوروی را عمده جلوه داده و به این ترتیب قصد تعطیل مبارزات کنفدراسیون را دارند. هیئت دبیران به اتکاء این فرض بی‌پایه سیل اتهامات را علیه مدافعین مواضع کنفدراسیون در قبال سیاست ضدخلقی شوروی سرازیر کرده‌اند. جای تعجب است که هیئت دبیران در مقابل "کمیته مرکزی" که توسط ارگان‌های خود به خصوص نشریه ضدکنفدراسیونی "پیکار" حملات بی‌شرمانه‌ای را به کنفدراسیون کرده و حتی "پیکار" شماره ۶ سال سوم، کنفدراسیون را "شبکه غیرمستقیم سازمان امنیت" دانسته با وجود

تذکرات متعدد سکوت اختیار کردند، ولی علیه کسانی که افشاگر این سیاست ارتجاعی و ضدکنفدراسیونی هستند برق آسا اطلاعیه صادر کرده و آنها را توطئه‌گر می‌دانند.

اصل صحبت برسر اینست که مبارزه خلق ایران علیه امپریالیسم آمریکا و نوکران داخلش به سرکردگی رژیم مستبد پهلوی جدا از مبارزه علیه سیاست ارتجاعی شوروی نیست. امپریالیسم آمریکا در کلیه شئون اقتصادی، سیاسی و نظامی ایران دست‌اندازی کرده و به مثابه امپریالیسم متفوق عمل می‌کند، ولی وجود امپریالیسم متفوق نمی‌تواند ما را از سایر امپریالیست‌ها و یا شوروی به مثابه ابرقدرت که در ایران و جهان سیاستی بر مبنای تباری و رقابت با ابرقدرت دیگر یعنی امپریالیسم آمریکا دارد غافل کند. در قبال کمیته مرکزی هم سیاست روشن و گویا است. این دارودسته به نظر ما ضدخلق و در واقع ایادی وطنی همان کارگزاران ارتجاعی کرملین هستند. از آنجا که کمیته مرکزی آگاهانه به دنبال سیاست ضدخلق شوروی است، فعالانه در جهت پیاده کردن آن سیاست است مجموعاً ضدخلق و ارتجاعی ارزیابی می‌شود. نه تنها کمیته مرکزی، بلکه هر فرد دیگری که به عنوان کارگذار و مهره این سیاست ضدخلق بوده و آگاهانه در جهت خواست‌های ارتجاعی این گروه قدم برمی‌دارد ضدخلق ارزیابی می‌شود. مسلم است برخورد ما به سایر افرادی که به سبب کمبود معرفت تحت انقیاد افکار "کمیته مرکزی" در آمده و ناآگاهانه از این سیاست دفاع می‌کنند درون خلقی بوده و جهت رهائی آنها از افکار مرتجعانه‌ای که توسط "کمیته مرکزی" به آنها تحمیل شده، صبورانه و دوستانه به روشنگری می‌پردازیم.

برخورد ما به مبارزات خلق‌های جهان از همان مشی ضدامپریالیستی و ضدارتجاعی ما منتج می‌شود. بر این مبنای بدون قید و شرط از کلیه این مبارزات دفاع می‌کنیم. معیار ما برای دفاع از این مبارزات همان اصول انقلابی و مشی مترقی است که توسط این جنبش‌ها عملاً به مرحله اجرا در می‌آید. از آنجا که در قبال این جنبش‌ها از خود احساس مسئولیت می‌کنیم همواره سیاست مزورانه و ضدانقلابی شوروی را در قبال تمام این جنبش‌ها از جمله مبارزات آزادی‌بخش خلق قهرمان ویتنام و خلق مبارز ظفار افشاء کرده و بدون در نظر گرفتن نوع برخورد خود این جنبش‌ها به این سیاست مزورانه، بدون قید و شرط از آنها دفاع کرده و می‌کنیم. کاری که تاکنون در مورد خلق ویتنام، خلق ظفار و سایر خلق‌ها انجام گرفته.

هیئت دبیران در جواب نامه ما که سوال کرده بودیم چه کسانی جهت عمده تضاد خلق را با شوروی می‌دانند کلاً سکوت اختیار کرده و از جواب به این سؤال که این "دو سه تن" که بیش ارتجاعی داشته و قصد تعطیل مبارزات کنفدراسیون را دارند، نام و نشان‌شان چیست، طفره رفته و جواب به آن را به عهده نمایندگان و ناظرین کنگره و بحث آزاد گذاشته‌اند. این رسم کجا است که عده‌ای ادعائی کنند و عده‌ای دیگر را ملزم به اثبات ادعای خود بدانند؟ شما رفقا "عده‌ای" را صاحب بیش ارتجاعی دانسته و از طرف آنها توطئه‌ای را در شرف تکوین می‌دانید. دیگر چه ابائی از بردن نام آنها دارید؟ چون چنین "عده‌ای" با چنین اوصافی که شما از آنها به دست داده‌اید، آنسوی صف خلق قرار می‌گیرند. در این حالت گفتن نام و افشای آنها ضروری است. هیئت دبیران موقت به خوبی می‌دانند که پای بخش وسیعی از کنفدراسیون در میان است. بخش وسیعی که نه تنها آنسوی خط نیست، بلکه با تمام ناهمگونی و داشتن اختلاف نظر در مورد مسائل مختلف علیه رژیم و امپریالیسم مبارزه کرده و سیاست ضدخلق شوروی و کمیته مرکزی را افشا می‌کند. آیا به جاست با آنها چنین برخورد خصمانه‌ای شود؟ برخوردی که چهارچوب برخورد درون خلقی را حفظ نکرده و از این بخش وسیع شخصیت ارتجاعی می‌سازد.

ظاهراً هیئت دبیران خواسته‌اند با مقابله علیه توطئه‌ای که در شرف تکوین است جهت همبستگی بیش‌تر توده دانشجوی در مبارزه مشترک تمام اعضا صديق را دعوت به مبارزه کنند تا همگی آنها "همدوش هیئت دبیران در کلیه واحدها در مبارزه به خاطر طرد این بیش ارتجاعی بیا خیزند و بار دیگر پرچم رزم دلیرانه کنفدراسیون جهانی را علیه رژیم فاشیستی شاه و امپریالیسم جهانی به اهتزاز در آورند". هر کس می‌داند که این اطلاعیه هرگز و هرگز به وحدت درون کنفدراسیون قوت نبخشیده، بلکه با آوردن استدلال‌ات مبتنی بر فرضیات واهی و حمله خصمانه علیه بخش عظیمی از کنفدراسیون ثمره‌ای جز نفاق و پراکندگی ندارد. چیزی که در به سکون کشیدن مبارزات مشترک و به حق ما علیه امپریالیسم و ارتجاع رُلی موثر دارد.

در شرایط حاضر به علت تشدید اختلافات، آتمسفر واحدها و برخوردهای درون آن بسیار بد و ناهنجار است. رفقای که برای سیاست انقلابی چین توده‌ای احترام عمیقی قائلند و با قاطعیت تمام سیاست ضدخلق شوروی و کمیته مرکزی را افشا می‌کنند به کرات از طرف مخالفین خود آماج اتهاماتی از قبیل "ارتجاعی"، "مهره امپریالیستی" و یا "ملهم از میزگرد سازمان امنیت در تلویزیون ایران" قرار می‌گیرند. در چنین زمانی جا داشت که هیئت دبیران با رهنمودها و اقدامات مثبت خود در تخفیف و از بین

بردن این آتمسفر ناسالم و برخوردهای غیر دوستانه بکوشند. متأسفانه اطلاعات مزبور نه تنها در این جهت حرکت نکرد، بلکه بر شدت برخوردهای ناسالم افزود.

ما اطلاعات مزبور را که بر مبنای ادعاهای نادرست بنا شده و برخوردی ناسالم به بخش وسیعی از کنفدراسیون دارد، منفی ارزیابی کرده و پایه‌ای برای نفاق و تفرقه بیش‌تر درون کنفدراسیون می‌دانیم. از هیئت دبیران موقت می‌خواهیم برای تعمیق وحدت درون کنفدراسیون و زدودن نفاق و تفرقه اطلاعات مزبور را پس گرفته و با اقدامات و رهنمودهای خود در سالم نمودن برخوردهای درون واحدها بکوشند. امید است با شیوه‌های صحیحی که از طرف هیئت دبیران اتخاذ می‌شود، آنچنان محیط دوستانه‌ای بوجود آید که بتوان روی مسائل مهمی چون منشور، نحوه برخورد به مبارزات درون کشور و چگونگی دفاع ما از آن سیاست ضدخلقی شوروی و کمیته مرکزی به مثابه ستون پنجم شوروی و یا سایر مسائل مطروحه پیشنهاد شورای عالی فدراسیون آلمان در کنگره ۱۸ به بحثی خلاق و اقناعی دست زد.

پیشنهاد تکمیلی:

چون خواسته شده این پیشنهاد در بولتن چاپ شود لذا پیشنهاد به عنوان رای دهندگان ارسال گردد و از ذکر نام ارائه دهندگان پیشنهاد خودداری شود."

سند شماره ۱۰ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم

مندرج در فصل شانزدهم بخش: (اختلافات و انشعاب رسمی در کنگره ۱۶ بر سر مواضع ارتجاعی "هیأت دبیران موقت")

سازمان دانشجویان ایرانی شهر فرانکفورت

قطعه نامه

سازمان دانشجویان ایرانی شهر فرانکفورت

قطعه نامه

مجمع عمومی سازمان دانشجویان شهر فرانکفورت پس از استماع گزارش هیئت نمایندگی سازمان از هجدهمین کنگره فدراسیون آلمان و بحث در پیرامون بخشنامه مورخ یازدهم اوت ۱۹۷۴ هیئت دبیران کفدراسیون جهانی در مورد وقایع و نظرات ابراز شده در جلسه بحث ازاد در کنگره مزبور به این نتیجه رسید، که موضع خود را طی قطع نامه ای به اطلاع سایر واحدهای کفدراسیون جهانی برساند.

مجمع عمومی سازمان دانشجویان شهر فرانکفورت همانند دبیرخانه کفدراسیون جهانی معتقد است که کفدراسیون طی پانزده سال تاریخ درخشان خود بمثابة سازمانی دموکراتیک، توده ای و ضد امپریالیستی در جهت منافع خلق ایران مبارزه کرده و پیوسته از حقوق حقه دموکراتیک کلیه افراد و سازمانها صرفه نظر از چگونگی برداشتهای ایدئولوژیک و هنگامیکه در مقابل رژیم خون آشام محمد رضا شاه قرار گرفته اند، دفاع نموده است و این اصل سنگ اساسی وحدت کلیه عناصر و یکپارچگی کلیه افراد در سازمان کفدراسیون بوده و خواهد بود.

بدین نظر گرفتن این اصل که کفدراسیون جهانی همواره مواضع اصولی خود را درباره سیاست شوروی صریحاً ابراز نموده است، حال عده ای پیدا شده اند که میخواهند با دخل و تصرف در این اصل و عده جلوه دادن تضاد خلق با شوروی و وارد کردن یک عنصر ایدئولوژیک خاص در برنامه دفاعی کفدراسیون مبارزات این سازمان را تعطیل کنند.

مجمع عمومی سازمان فرانکفورت معتقد است که در شرایط کنونی توطئه جدیدی از طرف رژیم محمد رضا شاه بر علیه کفدراسیون در شرف تکوین است.

توطئه قدیمی رژیم مبنی بر ضیقانی کردن کفدراسیون، تعقیب و بازداشت اعضای آن به همراه برنامه های رادیو تلویزیونی عناصر و داده و تبلیغ درباره یک درگونی سیاسی - اقتصادی و اجتماعی ایران به نتیجه مطلوب و دلخواه رژیم نرسیده و از اینرو رژیم دست به اجرای قسمت دوم توطئه خود زده است. این بار در زیر شعار "وحدت ملی" مبارزه با امپریالیسم سرخ و سیاه و "سیاست مستقل ملی" تلاش میگرد و تابه جوانان فهمانده شود که گویا ادامه به اصطلاح هیستری شاه معایب و خواستههای ملی و ضد امپریالیستی مردم ایران است و ایرانی که در راه شکوفائی و آبادانی گام میزند و پرچم سیاست مستقل و ملی را در دست دارد نیازمند وحدت ملی در برابر دست اندازیهای ارتجاع داخلی و دوا بر قدرت جهانی است، از این جهت وظیفه ایزد یسویان اشتی شاه و مبارزه در چارچوب "وحدت ملی" بر علیه ارتجاع داخلی و "امپریالیسم سرخ و سیاه" است.

نخستین ثمره تلاش رژیم انتشار ورق پاره های بنام رستاخیز و وحدت ملی در خارج از کشور است و این نمونه کوچکی از آن توطئه میباشد که میخواهد با طرح مسائل کاذب سمت حرکت جنبش دانشجویی مارا به دلخواه رژیم تغییر دهد و تضاد عده خلق ایران را که تضاد با رژیم قلد محمد رضا شاهی و امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکاست بصورت تضاد با شوروی قلد اد کند.

به نظر ما طرح و تبلیغ چنین نظریه ای از جانب دوسه تن در کنگره اخیر فدراسیون آلمان بصورت عینی درست کک و یاری بدین توطئه رژیم است و ما اعلام میکنیم که نیروی مبارز و مترقی درون کفدراسیون به هیچوجه نمیتواند با این نوع عناصر همزیستی داشته باشد و از این جهت جای این نوع افراد در میان صفوف مبارزین نیست و کفدراسیون باید هر چه زود تر بطور قطعی با این افراد خط تمایز دقیق بکشد و یا درهم کوبید این مشی ارتجاعی عاملین انرا نیز از صفوف خود طرد کند. ما در این زمینه همدوش دبیران کفدراسیون تا طرد کامل این مشی ارتجاعی به مبارزه ادامه خواهیم داد.

سازمان دانشجویان ایرانی شهر فرانکفورت
۲۹ اوت ۱۹۷۴

سند شماره ۱۰ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم

مندرج در فصل شانزدهم بخش: (اختلافات و انشعاب رسمی در کنگره ۱۶ بر سر مواضع ارتجاعی "هیأت دبیران موقت")

"سازمان دانشجویان ایرانی شهر فرانکفورت"

قطعهنامه

مجمع عمومی سازمان دانشجویان شهر فرانکفورت پس از استماع گزارش هیئت نمایندگی سازمان از هیجدهمین کنگره فدراسیون آلمان و بحث در پیرامون بخشنامه مورخ یازدهم اوت ۱۹۷۴ هیئت دبیران کنفدراسیون جهانی در مورد وقایع و نظرات ابراز شده در جلسه بحث آزاد در کنگره مزبور به این نتیجه رسید، که موضع خود را طی قطعهنامه‌ای به اطلاع سایر واحدهای کنفدراسیون جهانی برساند. (تکیه از توفان).

"مجمع عمومی سازمان فرانکفورت معتقد است که در شرایط کنونی توطئه جدیدی از طرف رژیم محمد رضا شاه بر علیه کنفدراسیون در شرف تکوین است. توطئه قدیمی رژیم مبنی بر غیرقانونی کردن کنفدراسیون، تعقیب و بازداشت اعضای آن به همراه برنامه‌های رادیو تلویزیونی عناصر واداده و تبلیغ در باره یک دگرگونی سیاسی-اقتصادی و اجتماعی ایران به نتیجه مطلوب و دلخواه رژیم نرسیده و از این رو رژیم دست به اجرای قسمت دوم توطئه خود زده است."

"این بار در زیر شعار "وحدت ملی"، "مبارزه با امپریالیسم سرخ و سیاه" و "سیاست مستقل و ملی" تلاش می‌گردد تا به جوانان فهمانده شود که گویا ادامه به اصطلاح هیستری ضد شاه مغایر با خواست‌های ملی و ضدامپریالیستی مردم ایران است و ایرانی که در راه شکوفائی و آبادانی گام می‌زند و پرچم سیاست مستقل و ملی را در دست دارد نیازمند وحدت ملی در برابر دست‌اندازی‌های ارتجاع داخلی و "دو ابرقدرت جهانی" است، از این جهت وظیفه اپوزیسیون آشتی با شاه و مبارزه در چارچوب "وحدت ملی" بر علیه ارتجاع داخلی و "امپریالیسم سرخ و سیاه" است.

نخستین ثمره تلاش رژیم انتشار ورق‌پاره‌هایی به نام رستاخیز و وحدت ملی در خارج از کشور است و این نمونه کوچکی از آن توطئه می‌باشد که می‌خواهد با طرح مسایل کادب سمت حرکت جنبش دانشجویی ما را به دلخواه رژیم تغییر دهد و تضاد عمده خلق ایران را که تضاد با رژیم قلدر محمد رضا شاهی و امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکاست به صورت تضاد با شوروی قلمداد کند."

سند شماره ۱۱ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم

مندرج در بخش (اختلافات و انشعاب رسمی در کنگره ۱۶ بر سر مواضع ارتجاعی "هیأت دبیران موقت")

مونیک ۷۴/۹/۹ رفقای هیأت دبیران کنفدراسیون جهانی

مونیک ۷۴/۹/۹
رفقای هیأت دبیران کنفدراسیون جهانی

در مورد نامه مورخه ۱ سپتامبر ۷۴ (جواب به نامه ارسالی از طرف انجمن مونیک در تاریخ ۱۹/۸/۷۴) در سازمان ما صحبت شد و دوستان زیادی ابراز می داشتند که جوابهای شما آنها را قانع نکرده است لذا پیشنهاد شد از رفقای هیأت دبیران دعوت کنیم در صورت امکان این هفته روز شنبه ۷۴/۹/۱۴ که رایج به -
از هیأت رفقای هیأت دبیران مورخه ۱۱ آگوست ۷۴ بحث میشود شرکت کرده و به سئوالات دوستان پاسخ گویند در غیر صورت رفقای هیأت دبیران خود هفتهای را تعیین کرده (روزهای شنبه) و بما اطلاع دهند.

با درودهای فراوان
هیأت دارداران انجمن مونیک

سند شماره ۱۱ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم

"مونیک ۷۴/۹/۹"

رفقای هئیت دبیران کنفدراسیون جهانی

در مورد نامه مورخه ۱۰ سپتامبر ۷۴ (جواب به نامه ارسالی از طرف انجمن مونیک در تاریخ ۱۹/۸/۷۴) در سازمان ما صحبت شد و دوستان زیادی ابراز می‌داشتند که جواب‌های شما آنها را قانع نکرده است. لذا پیشنهاد شد از رفقای هئیت دبیران دعوت کنیم در صورت امکان این هفته روز شنبه ۷۴/۹/۱۴ که راجع به اطلاعیه رفقای هئیت دبیران مورخه ۱۱ آگوست ۷۴ بحث می‌شود شرکت کرده و به سؤالات دوستان پاسخ گویند در غیر این صورت رفقای هئیت دبیران خود هفته‌ای را تعیین کرده (روزهای شنبه) و به ما اطلاع دهند

با درودهای فراوان

هئیت کارداران انجمن مونیک"

سند شماره ۱۲ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم

مندرج در بخش: (اختلافات و انشعاب رسمی در کنگره ۱۶ بر سر مواضع ارتجاعی "هیأت دبیران موقت")

سازمان دانشجویان ایرانی در شمال کالیفرنیا عضو کنفدراسیون جهانی

سازمان دانشجویان ایرانی در شمال کالیفرنیا

عضو کنفدراسیون جهانی

مجمع عمومی سازمان دانشجویان ایرانی در شمال کالیفرنیا در تاریخ ۱۵ اکتبر ۱۹۷۴ جهت بحث و ارزیابی از اطلاعیه ۱۱ اوت هیئت دبیران موقت کنفدراسیون جهانی تشکیل یافت .
 در این جلسه پس از بحث و مشورت پیرامون نظرات ابراز شده در این اطلاعیه نظر اکثریت سازمان شمال تعیین گردید . جهت پیشبرد خلاق و همه جانبه بحثها در این زمینه ، مجمع عمومی سازمان شمال کالیفرنیا با اتفاق آرا تصمیم گرفت که نظریه اقلیت را در اختیار سایر واحد های کنفدراسیون جهانی قرار دهد .

نظر اقلیت

جهان شونی دستخوش تحولات عمیقی است . دوا بر قدرت امپریالیسم آمریکا و دولت ضد خلقی شوروی در عین رقابت شدیدی بمنظور کسب مناطق نفوذ و تقسیم مجدد جهان به تئانی برای سرکوب جنبشهای آزاد پیخش پوداخته اند . در اوضاع متلاطم جهانی که ناشی از رقابت و آتیر قدرت است شاهد رشد و گسترش بیش از پیش مبارزات خلقهای جهان بویژه خلقهای جهان سوم برای آزادی از قید امپریالیسم و ارتجاع هستیم .

در مبین ما امروز در شرایطی که رفرمهای رنگارنگ رژیم شاه با شکست کامل روبرو میشود در شرایطی که رژیم شاه با مشکلات سیاسی و اقتصادی لاینحلی مواجه شده است ، در شرایطی که رژیم ضد خلقی و دست نشانده شاه این عامل مستقیم امپریالیسم متفوق آمریکا بمنظور حفظ و تائید منافع امپریالیسم بعنوان ژند ارم منطقه سعی در سرکوب و حشمانه جنبش آزاد پیخش خلق عمان می نماید ، شاهد رشد و توسعه مبارزات ضد امپریالیستی و دمکراتیک اقشار و طبقات خلق بویژه مبارزات زحمتکشان هستیم . اعتصابات وسیع و متعدد کارگری که در چند سال اخیر بی سابقه بوده است ، مبارزات مسلحانه روشنفکران انقلابی ، مبارزات اعتراضی روحانیون مرفقی ، اعتصابات وسیع دانش آموزان و دانشجویان مدارس و دانشگاههای ایران همگی نمونه زنده رشد مبارزات توده های خلقی است .

در چنین شرائط بسیار مساعد انقلابی که توده های وسیعتری از دانشجویان خارج از کشور تاثیر پذیر از رشد مبارزات مردم در داخل کشور خواست به تشک و مبارزه علیه رژیم ارتجاعی شاه و امپریالیسم دارند وظیفه ما چیست ؟ شرائط عینی حکم میکند که وحدت رزمنده درون کنفدراسیون را بیش از پیش تحکیم کرده و باستقبال خواست مبارزه جوانان هزاران نفر از توده های دانشجوی بشتابیم و با تحکیم گسترش صفوف کنفدراسیون جهانی هرچه بیشتر مبارزات خود را علیه رژیم دست نشانده شاه و امپریالیسم جلو ببریم . آیا در شرائطی که رژیم شاه ضمن گسترش تبلیغات خود در خارج از کشور هر روز توطئه ها و حملات بیشتری را علیه سازمان دانشجویی ما تدارک می بیند ، در شرائطی که همپا و همسو با تبلیغات ارتجاع ، حملات و توطئه های نار و دسته کمیته مرکزی حزب توده علیه کنفدراسیون جهانی نشدید ، در شرائطی که این خائنین برای ایجاد نفاق و دودستی در میان صفوف ما دست بتلاشهای مذبحخانه جددیدی زده اند ، راهی جز وحدت یکپارچه اعضا کنفدراسیون جهت پیشبرد مبارزه در مقابل ما قرار دارد ؟

امروز شرائط عینی بیش از پیش حکم میکند که به خواست هزاران نفر از توده های دانشجوی ، به خواست صد ها نفر از مبارزینی که در زیر سلطه تنگن رژیم پهلوی بمبارزه مرگ و زندگی دست زده اند پاسخ مثبت دهیم و با تحکیم وحدت درون کنفدراسیون مبارزه خود را علیه رژیم دست نشانده پهلوی و اربابان امپریالیستش تشدید نمائیم و در عین حال با در پیش گرفتن شیوه حل تضادهای درون خلق در محیط کرم و رفیقانه در محیطی غاری از هرگونه برجسب زنی و شایعه پراکنی به بحث و تبادل نظر پیرامون مسائل مورد اختلاف بپردازیم .

- ۲ -

وجود پاره ای اختلاف نظرها در جنبش دانشجویی امریست طبیعی که اگر با در پیش گرفتن شیوه حل تضاد های درون خلق و در محیطی گرم و رفیقانه مورد بحث و مشورت قرار گیرد بدون شک با ایجاد زبان مشترک بروی مسائل مختلف بین ما کمک کرده و باعث رشد و شکوفائی بیشتر جنبش دانشجویی ماست، ولی اگر اختلاف نظرها از سیر راستین خود منحرف شوند، اگر تضاد های درون خلقی، بروی خلقی جلوه داده شوند، آنگاه بیشک بوحشت رزمند، ما لطمه وارد خواهد آمد.

بر این اساس، ما با احساس عمیق مسئولیت در قبال جنبش دانشجویی، با ایمنان استوار باین اصل که ضامن پیشبرد مبارزه ما علیه رژیم دست نشانده پهلوی و امپریالیسم وحدت اصولی درون کنفدراسیون است، وظیفه خود میدانیم که بدفاع از مبانی و مواضعی که وحدت درون کنفدراسیون بر آن بنا نهاده شده پرداخته نظر خود را در باره اطلاعیه هیأت دبیران موقت کنفدراسیون جهانی مورخ ۱۱ اوت ۱۹۷۴ اعلام داریم:

۱- ما ضمن رد کامل دلالت هیئت دبیران موقت کنفدراسیون دایر بر آن نکته عده ای در درون کنفدراسیون تضاد عمده خلق را با شعوری میدانند از یکسو نظر مجموعه اعضاء کنفدراسیون را دایر بر اینکه در شرایط کنونی در میان امپریالیستهای مختلف تضاد عمده را در مبین ما تضاد خلق با امپریالیسم آمریکا تشکیل میدهد را یاد آور شده و از سوی دیگر معتقدیم که اطلاعیه ۱۱ اوت مواضع رزمنده کنفدراسیون جهانی را در قبال دولت ضد خلقی شوروی و کارگزار وطنی آن یعنی دارودسته ارتجاعی کمیته مرکزی مخدوش نموده است. این اطلاعیه از یکسو از طریق خلقی وانمود کردن دارودسته ارتجاعی کمیته مرکزی این چنین وانمود میسازد که گویا در صفوف رزمنده جنبش خلق جایی برای این دارودسته ضد خلقی موجود است و بدین ترتیب عملاً به خطر این دارودسته ارتجاعی ای جنبش ضد امپریالیستی و دمکراتیک مردم ایران کم بها میدهد و از سوی دیگر با حرکت از این فرض نادرست که عده ای تضاد خلق را با شوروی عده کرده اند، مبارزه علیه دولت ضد خلقی شوروی و کارگزار وطنی آن یعنی دارودسته ارتجاعی کمیته مرکزی را مغایر و متضاد با مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و رژیم دست نشانده شاه و مترادف با تعطیل مبارزات کنفدراسیون و تبدیل آن به سازمان دلخواه رژیم شاه قلمداد میکند.

کنفدراسیون جهانی طی مبارزات چندین ساله درخشان خود بدروستی ضمن افشای ماهیت ارتجاعی رژیم شاه و امپریالیسم آمریکا بعنوان امپریالیسم متفق در ایران به افشای ماهیت ضد خلقی دولت شوروی و عامل مستقیم آن در جنبش یعنی دارودسته ضد خلقی کمیته مرکزی مبارز و رزیده و با اتخاذ مواضع مبارزه جویانه با دارودسته ارتجاعی کمیته مرکزی رزمندگی نموده و آنها را از جنبش دانشجویی طرد و منفرد ساخته است. ما معتقدیم که کنفدراسیون جهانی میبایست این دستاورد های ارزنده را تحکیم و تبلیغ نموده و هر چه بیشتر در جهت تعمیق مواضع خود در این زمینه حرکت نماید، چرا که مبارزه علیه دشمنان رنکارنگ خلق وظیفه تخطی ناپذیر ماست و ما وظیفه داریم که ماهیت دشمنان خلق را در هر شکل و در هر لباس به توده دانشجویان نشانانیم. بر این اساس ما ضمن ابراز پشتیبانی مجدد از جمع بندی سوکمیسیون کفرانس پیش کنگره ۲۲ سازمان آمریکا معتقدیم که انقلاب ایران بدون سرنگونی کامل طبقات ارتجاعی بسرکردگی رژیم منفور شاه و قطع کامل نفوذ امپریالیسم، بدون مبارزه قاطع علیه نفوذ دولت ضد خلقی شوروی و بدون رزمندگی دقیق با دارودسته ضد خلقی کمیته مرکزی حزب توده نمیتواند به پیروزی کامل رسیده و منتهی به برقراری حکومت خلق در ایران گردد.

۲- کنفدراسیون جهانی در طی مبارزات درخشان خود با تکیه بر سنن مبارزه جویانه اش همواره از مبارزه و مقاومت کلیه عناصر گروهها و سازمانهای خلقی بدون قیود و شرط و صرف نظر از شسی سیاسی، ایدئولوژیکی و شکل مبارزاتی عناصر، گروهها و سازمانهای خلقی دفاع نموده و با افشای ماهیت ارتجاعی رژیم شاه در میان دانشجویان ایرانی و افکار عمومی جهان توانسته است بدستاوردهای ارزنده ای ناظر آید. درست بر همین اساس است که کنفدراسیون جهانی نمیتواند از "مبارزات" دارودسته ضد خلقی کمیته مرکزی که همواره سیاستهای خود را بر اساس تبهانی و رقابت بین دو ابر قدرت امپریالیسم آمریکا و دولت ضد خلقی شوروی بنا نهاده و آگاهانه هدفش استقرار حاکمیت دولت ضد خلقی شوروی بر سر نوشت خلق ماست دفاع نماید. در مواردیکه این دارودسته از جانب رژیم فاشیستی شاه مورد حمله و سرکوب قرار میگیرد، کنفدراسیون باید در عین افشای قاطع و همه جانبه ماهیت اجحافات و ستمگریهای ارتجاع حاکم، به افشای ماهیت سیاستهای عوام فریبانه این دارودسته نیز بپردازد.

در رابطه با کلیه عناصری که فریب این سیاست ضد خلقی را خورده و از این دارودسته پیروی میکنند در صورتیکه مورد حمله و سرکوب رژیم قرار گیرند، کنفدراسیون باید در هر مورد با ارزیابی مشخص بدفاع از مقاومت آنها در برابر رژیم پرداخته، به افشای ماهیت رژیم سفاک محمد رضا شاه و دستگاههای امریعی او و ترور و حشیانه فاشیستی اش بپردازد. به منظور جلوگیری از هر گونه سوء استفاده از جانب دارودسته ضد خلقی کمیته مرکزی باید در عین حال ماهیت ارتجاعی سیاست آنها را نیز روشن نمود.

- ۳ -

۳- هیأت دبیران موقت بدون تعمیق و با اتخاذ مواضع نادرست در پیمان ۵۶ در زمینه عدم افشاء ماهیت دار و دسته ارتجاعی کمیته مرکزی، مواضع رزمنده کنفدراسیون را در مورد این دار و دسته ضد خلقی مخدوش کرده است. در این زمینه لازم میبینیم که هیأت دبیران موقت نظر صریح خود را پیرامون موقعیت تشکیلاتی پرویز حکمت جو در حزب توده اعلام نمایند.

۴- این اطلاعیه با استفاده از شیوه مردود برجسته زنی، با برخورد برون خلقی نسبت به بخشی از اعضا کنفدراسیون، با ایجاد محیط ناسالم در واحدهای کنفدراسیون، با پخش شایعاتی نظیر اینکه "توطئه ای از طرفی بخشی از اعضا کنفدراسیون علیه کنفدراسیون در حال تکوین است نه تنها به تحکیم وحدت کنفدراسیون کمک نکرده بلکه زمینه تشدید محیط ناسالم و متشنجی را فراهم ساخته که بوجدت و یکپارچگی درون کنفدراسیون جهانی در مبارزه علیه رژیم شاه و امپریالیسم لطمه جدی وارد آورده است.

ما بر مبنای نکات فوق اعتراض خود را نسبت بمواضع مخدنه در پیمان ۵۶ و اطلاعیه ۱۱ اوت هیأت دبیران موقت بیان داشته و نظرات ابراز شده در اطلاعیه را مردود میدانیم. ما ضمن پشتیبانی از مبارزات کنفدراسیون جهانی در سال جاری خواستاریم که برای حفظ و تحکیم وحدت رزمنده و یکپارچه کنفدراسیون جهانی، هیأت دبیران اطلاعیه ۱۱ اوت را مردود شناخته و آنرا از مجموعه اسناد کنفدراسیون جهانی حذف کند.

رفقا! : در این لحظات حساس همه اعضا صدیق کنفدراسیون جهانی با احساس مسئولیت عمیق در مقابل جنبش رها بخش مردم ایران، با ابراز تائید و سفید شدن از محیط ناسالمی که در واحدهای کنفدراسیون جهانی بوجود آمده خواستار پایان یافتن این شرایط هستند وجود رژیمی قداره بنده چون رژیم محمد رضا شاهی در میهن ما حکم میکند که دست وحدت و همکاری بسوی یکدیگر دراز کنیم و چون تنی واحد مبارزه خود را علیه رژیم شاه و امپریالیسم این دشمنان قسم خورده خلق ادامه دهیم.

ما آرزو مندیم که هیئت دبیران موقت کنفدراسیون جهانی باین خواست مقدس پاسخ مثبت دهند و گامهای عظمی در راه حفظ و تحکیم وحدت رزمنده درون کنفدراسیون جهانی بردارند.

بگذار آتش حمله را علیه رژیم قدائند شاه و امپریالیسم متمرکز دهیم!
 بگذار دستهایمان را بهم گره کنیم و به شعار اتحاد مبارزه پیروزی جامه
 عمل پوشانیم!
 بگذار وحدت درون کنفدراسیون را چون مردمك چشم عزیز شعری و
 بگذار یکی شویم زیرا آنان هراسشان زیگانگی ماست!

نظرات اقلیت

رفقای هیأت دبیران کنفدراسیون جهانی: کنفدراسیون جهانی امروزه در شرائط نویی بسر میبرد. رشد تضاد میان دوا بر قدرت، امپریالیسم امریکا و دولت ضد خلقی شوروی، تعمیق یافتن بحران جهان امپریالیستی، و شدت یابی بحران اقتصادی و سیاسی که دامن گیر رژیم منقر شاه گردیده، در تحت چنین شرایطی رشد و گسترش مبارزات اقشار و طبقات خلقی، از گروههای و سازمانهای انقلابی تا زحمتکشان جامعه، همگی گواه مساعد تر شدن اوضاع برای حرکت رشد یابنده جنبش انقلابی خلق در جهت تحقق خواست بحق مردم و نیاز واقعی جامعه ما یعنی سرنگونی رژیم منقر پهلوی بمثابه نماینده طبقات ارتجاعی حاکم و قطع کامل نفوذ امپریالیسم و دست یابی به جمعهای مستقل و دموکراتیک، میباشد.

رژیم شاه این ژاندارم امپریالیسم امریکا، برای حفظ سلطه ارتجاعیترین طبقات، تلاش مذبولخته دارد تا روند رشد یابنده خلق را بهر وسیله سد کند. با تبلیغات زهر آگین و عوام فریبانه بوسیله عناصر خود فروخته ای چون نیکخواه، لاشائی، و جاسوسی سعی در منحرف نمودن جنبش مینماید و با تشدید ترور و خفقان و بکار گیری اصلی ترین منطق ارتجاعیون یعنی قهر ضد انقلابی در جهت نابودی جنبش خلق مذبولخانه میکوشد.

- ۴ -

لاکن علیرغم تمام این دسیسه ها، پانگونه که منطق تاریخ حکم میکند، رشد جنبش همچنان جریان اصلی حرکت جامعه ما را تشکیل میدهد. رشد مبارزات اقشار و طبقات خلق در سال گذشته گواه این مدعاست.

همراه با رشد مبارزات خلق در سال گذشته، کنفدراسیون جهانی تحت رهبری هیات دبیران با دفاع از مبارزات بحق کارگران و زحمتکشان جامعه ما با پشتیبانی از جنبش دانشجویان میهن و با یاری رساندن بنیادین در بحث و افشاء همه جانبه رژیم ضد دموکراتیک و ضد ملی، با عقیم کردن دسائس و توطئه های رژیم بر علیه کنفدراسیون، گامهای موثری در مبارزه بر علیه ارتجاع و امپریالیسم پیش برداشته است.

جنبش ضد امپریالیستی و دموکراتیک خلق ما و در نتیجه کنفدراسیون جهانی امروزه فقط با رژیم سرسپرده پهلوی و امپریالیسم امریکا روبرو نبوده و بلکه در راه مبارزه با این دشمنان خلق، با دشمنان دیگری نیز روبروست.

دولت ضد خلقی شوروی، این ابر قدرت نژادست که از یکسو میکوشد با گسترش روابط اقتصادی - سیاسی خود با دولت های مرتجع در درون این رژیم ها مدافعتی برای چپاول و غارت خود ایجاد کند، از سوی دیگر بویژه امروزه در تلاش است تا با نفوذ در جنبش های آزاد بیخیش توسط عاملین خود همانند داور دسته کمیته مرکزی حزب توده، مبارزات انقلابی خلق ما را منحرف ساخته و از این طریق نفوذ خود را در کشورهای چون میهن ما گسترش داده و آنانرا به منطقه نفوذ خود مبدل سازد. دولت ضد خلقی شوروی و داور دسته ضد انقلابی کمیته مرکزی دشمن دیگر جنبش انقلابی خلق مایند.

کمیته مرکزی اسن داور دسته ضد انقلابی که مللها بر مبنای استراتژی دولت ضد خلقی شوروی در منطقه خاورمیانه بطور آشکار جنبش ما را به سازش با رژیم ددمنش شاه دعوت مینماید و گستاخانه به مبارزات انقلابی خلق و از آنجمله جنبش دانشجویان حمله ور میگردد، امروزه با تشدید یافتن رقابت میان دو ابر قدرت در منطقه، قیای نوین به تن کرده و میکوشد در صفوف رزمندگان جنبش ما نفوذ نماید. قیای نوین داور دسته کمیته مرکزی بهیچ رو نمیتواند سرشت ماهیتا سازشکارانه و ارتجاعی آنان را پرمده پوشد. داور دسته کمیته مرکزی نه خواهان پایان دادن به استثمار مردم میهن ما توسط امپریالیسم است و نه خواستار از میان برداشتن سلطه طبقات ارتجاعی. آنچه کمیته مرکزی دنبال میکند گرفتن سهم بیشتر برای دولت ضد خلقی شوروی از خوان پیمانی است که از طریق چپاول خلق ما بدست میآید.

از این رو جنبش ضد امپریالیستی و دموکراتیک میهن ما برای سب پیروزی و منگون نمودن طبقات ارتجاعی حاکم و نماینده آنان رژیم ددمنش شاه، راهی جز مرز بندی تا با آخر با دولت ضد خلقی شوروی و طرد کامل داور دسته ضد انقلابی کمیته مرکزی را در پیش ندارد. خصوصا در چنین شرایطی که کمیته مرکزی، برای فریب خلق زورخانه شعار "سرنگونی رژیم" را پیش مینهد هوشیاری در برخورد باین داور دسته ضد انقلابی بخاطر حفظ قاطعیت و زرمندگی مبارزات ما اهمیت اساسی دارد.

کنفدراسیون جهانی همانند گذشته باید در راه خدمت هرچه بیشتر بانقلاب ایران حرکت کرده و توده های وسیع دانشجوی را بر این زمینه بسیج و متشکل نموده و آگاهی آنانرا ارتقاء دهد. بنظر ما تنها کنفدراسیونی قادر است این راه با با سر بلند طی کند که هر روزه مبارزه خود را بر علیه رژیم مغفور قاطعتر نماید که خواست جنبش دانشجویی ما را مبنی بر سرنگونی رژیم مغفور پهلوی بعنوان نماینده طبقات ارتجاعی حاکم و قطع کامل نفوذ امپریالیسم برای رسیدن به جامعه ای مستقل و دموکراتیک پیش نهاده و بدور این سیاست و در جهت خدمت به زحمتکشان وسیعترین توده دانشجوی را بسیج و پرورش دهد.

کنفدراسیونی قادر است این راه با با افتخار طی کند که بر علیه دولت ضد خلقی شوروی این ابر قدرت نژادست مواضع خود را هر چه دقیقتر نموده به افشاء همه جانبه کمیته مرکزی بهتایه عامل ابر قدرت شوروی پرداخته، و در راه و برای مبارزه هرچه قاطعتر با رژیم مغفور با این دشمنان مرز بندی هرچه دقیقتر نماید.

کنفدراسیونی قادر است این راه را با افتخار طی کند که وحدت درونی خود را در مقابل ارتجاع و امپریالیسم، همچون مردمك چشم گرامی داشته و در این جهت تمام شیوه های غیر اصولی مبارزه درونی را از خود طرد نماید.

کنفدراسیون جهانی در عرض پانزده سال گذشته با توجه باین امر که وجود پاره ای اختلاف نظر ها در درون کنفدراسیون امری طبیعی است، و با تکیه باین اصل که اختلافات و نقطه نظرهای گوناگون، اختلافات درون خلق و میان مبارزین است و نه مبارزین و ارتجاع با وجود نظرگاههای متفاوت در درون خود متحدانه در مقابله با ارتجاع حرکت کرده است.

امروزه که مبارزه بر سر مشی های مختلف در درون کنفدراسیون تشدید یافته است، رهبری کنفدراسیون وظیفه مند است که با تکیه هر چه بیشتر بر روی اصل فوق، و با به بحث کردن نظرات گوناگون در میان توده دانشجوی و جهت دادن بحث ها، به مجرای اصولی، کنفدراسیون را در راه یکپارچه شدن در مقابل ارتجاع رهبری کند.

- ۵ -

لاکن بنظر ما اطلاعیه ۱۱ آگوست متاسفانه در مغایرت با اصل فوق به تشدید نمودن جریان ناسالی دامن زده و به اتحاد درونی کنفدراسیون لطمه زده است. و در نتیجه طبیعتاً نمیتواند مورد پشتیبانی ما قرار گیرد، برعکس مورد اعتراض است و حفظ یکپارچگی کنفدراسیون رد آنرا میطلبد.

بدیهیست که اعتراض ما به اطلاعیه فوق بهمنای پشتیبانی از یکسری موضعگیریهای انحرافی نظیر همطراز ساختن هلمز و حکمت جو و خطاب کردن وی بعنوان جاسوس بدون ارائه هیچگونه مدرک نبوده و نیست. زیرا اینگونه موضعگیریهای انحرافی مستقل از نیت و خواست مبارزه جویانه فرد، جز توجیه جنایات رژیم نسبت به پرویز حکمت جو شمر دیگری به بار نمیآورد. اعتراض بحق کنفدراسیون به اعمال ستم و شکنجه و تا به حد مرگ حکمت جو توسط رژیم شاه و افشای آن، قویاً مورد پشتیبانی ماست.

اما در عین حال معتقدیم که بخاطر مقابله و مبارزه با سوء استفاده های کمیته مرکزی هیأت دبیران کنفدراسیون وظیفه مند بود، مشی ارتجاعی این داور دسته ضد انقلابی را در این مورد افشاء می نمود. عدم انجام این مهم کمبود و انحراف اساسی چه در پیمان و چه در اعتراض بحق کنفدراسیون به رژیم منفور پهلوی است.

بنظر ما اطلاعیه ۱۱ آگوست به هنگام برخورد به برخی نظرات ابراز شده در جلسه بحث آزاد کنگره آلمان در دو مورد اساسی بخطا رفته است.

۱- اطلاعیه با اعلام این اصل صحیح که کنفدراسیون "از حقوق حقه دموکراتیک کلیه افراد و سازمانهای خلقی صرفنظر از چگونگی برداشتهای ایدئولوژیکش" به دفاع بر میخیزد، در ادامه خویش کمیته مرکزی را در اذهان توده دانشجویان سازمانی خلقی ججلوه داده و بدین ترتیب مرتکب انحراف اساسی و تخلف از موازین رزمده کنفدراسیون در مورد داور دسته ضد خلقی و ضد انقلابی کمیته مرکزی گردیده و ایستادگی بر روی مواضع کنفدراسیون تصحیح امر فوق را میطلبد.

۲- با تشدید و تعمیق تضاد های درون کنفدراسیون پس از کنگره ۱۵، حفظ یکپارچگی وحدت رزمده کنفدراسیون از وظائف خطیر و اساسی هیأت دبیران کنفدراسیون بوده و اهمیتی هرچه بیشتر یافته است. اطلاعیه ۱۱ آگوست با عنوان این مساله نادرست که در درون صفوف رزمده کنفدراسیون عده ای "بینش و مشی ارتجاعی" داشته و خواهان آنند که کنفدراسیون به سازمانی "دلخواه رژیم فاشیستی محمد رضا شاهی" تبدیل شود و "توطئه ای در شرف تکوین" است گذشته از طرح یک رشته مسائل نادرست و انحرافی مسئولیت خطیر خویش را در مورد حفظ امر وحدت کنفدراسیون نقض نموده و به پیشبرد متحدانه مبارزات کنفدراسیون جهانی لطمه زده است. از نظر ما در درون صفوف رزمده کنفدراسیون عده ای که "بینش ارتجاعی" داشته و خواهان آن باشند که کنفدراسیون را به سازمانی "دلخواه رژیم فاشیستی شاه" تبدیل کنند و به توطئه بر علیه سازمان ما پرداخته باشند موجود نبوده و نسبت هائی این چنین ناروا از نظر ما مردودند و طرح مسائلی این چنین بجز خدشه وارد ساختن به وحدت کنفدراسیون نتیجه ای به بار نیاورده و نخواهد آورد. صرف اینکه عده ای نظری انحرافی در مورد مساله حکمت جو بیان داشته اند دال بر وجود بینش و مشی ارتجاعی نیست و هیأت دبیران بجای طرح مسائلی بدینگونه میتوانند با شکستن نظرات انحرافی آنان امکان برخورد همه جانبه توده دانشجویان را باین نظرات فراهم آورده و بحشرا در چهارچوبی اصولی به پیش رهمبری نماید.

تاریخ ۱۵ ساله مبارزه درخشان کنفدراسیون بر علیه رژیم امپریالیسم جهانی شاهد مبارزه یکپارچه و متحد کلیه توده های متشکل در آن بر علیه ارتجاع بوده است و اختلاف نظرها و تضاد های موجود در کنفدراسیون نتوانسته و نباید نتواند در این وحدت و یکپارچگی تزلزل و خدشه وارد آورد. حفظ وحدت و یکپارچگی کنفدراسیون بر علیه امپریالیسم و ارتجاع و پیشبرد مبارزه متحد ما بر علیه رژیم منفور پهلوی، هدف اطلاعیه ۱۱ آگوست را از آرشیو اسناد کنفدراسیون می طلبد. ما نیز چنین امری را خواهانیم.

سرتیون باد رژیم منفور پهلوی این سک زنجیری امپریالیسم امریکا

بر ملا باد دسیسه های کمیته مرکزی

مرک بر دو ابر قدرت امریکا و شوروی

متحد و پیروز باد کنفدراسیون جهانی

اتحاد - مبارزه - پیروزی

سند شماره ۱۲ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم

مندرج در بخش: (اختلافات و انشعاب رسمی در کنگره ۱۶ بر سر مواضع ارتجاعی "هیأت دبیران موقت")

"سازمان دانشجویان ایرانی در شمال کالیفرنیا"

عضو کنفدراسیون جهانی

مجمع عمومی سازمان دانشجویان ایرانی در شمال کالیفرنیا در تاریخ ۱۵ اکتبر ۱۹۷۴ جهت بحث و ارزیابی از اطلاعاتی اوت هیئت دبیران موقت کنفدراسیون جهانی تشکیل یافت.

در این جلسه پس از بحث و مشورت پیرامون نظرات ابراز شده در این اطلاعیه نظر اکثریت و اقلیت سازمان شمال تعیین گردید. جهت پیش برد خلاق و همه جانبه بحث‌ها در این زمینه، مجمع عمومی سازمان شمال کالیفرنیا به اتفاق آرا تصمیم گرفت که نظر اکثریت و اقلیت را در اختیار واحدهای کنفدراسیون جهانی قرار دهد.

نظر اکثریت

جهان کنونی دستخوش تحولات عمیقی است. دو ابرقدرت امپریالیسم آمریکا و دولت ضدخلقی شوروی در عین رقابت شدید به منظور کسب مناطق نفوذ و تقسیم مجدد جهان به تباری برای سرکوب جنبش‌های آزادی‌بخش پرداخته‌اند. در اوضاع متلاطم جهانی که ناشی از رقابت و تباری دوا بر قدرت است شاهد رشد و گسترش بیش از پیش مبارزات خلق‌های جهان بویژه خلق‌های جهان سوم برای آزادی از قید امپریالیسم و ارتجاع هستیم.

در میهن ما امروز در شرایطی که رفرم‌های رنگارنگ رژیم شاه با شکست کامل روبرو می‌شود، در شرایطی که رژیم شاه با مشکلات سیاسی و اقتصادی لاینحلی مواجه شده است، در شرایطی که رژیم ضدخلقی و دست‌نشانده شاه این عامل مستقیم امپریالیسم متفوق آمریکا به منظور حفظ و تامین منافع امپریالیسم به عنوان ژاندارم منطقه سعی در سرکوب وحشیانه جنبش آزادی‌بخش خلق عمان می‌نماید، شاهد رشد و توسعه مبارزات ضدامپریالیستی و دمکراتیک اقشار و طبقات خلق بویژه مبارزات زحمتکشان هستیم. اعتصابات وسیع و متعدد کارگری که در چند سال اخیر بی‌سابقه بوده است، مبارزات مسلحانه روشن‌فکران انقلابی، مبارزات اعتراضی روحانیون مترقی، اعتصابات وسیع دانش آموزان و دانشجویان مدارس و دانشگاه‌های ایران همگی نمونه زنده رشد مبارزات توده‌های خلق است.

در چنین شرایط بسیار مساعد انقلابی که توده‌های وسیع‌تری از دانشجویان خارج از کشور تاثیر پذیر از رشد مبارزات مردم در داخل کشور خواست به شکل و مبارزه علیه رژیم ارتجاعی شاه و امپریالیسم دارند وظیفه ما چیست؟ شرائط عینی حکم می‌کند که وحدت رزمنده درون کنفدراسیون را بیش از پیش تحکیم کرده و با استقبال خواست مبارزه‌جویانه هزاران نفر از توده‌های دانشجوی بشتاییم و با تحکیم و گسترش صفوف کنفدراسیون جهانی هر چه بیش‌تر مبارزات خود را علیه رژیم دست نشانده شاه و امپریالیسم جلو ببریم. آیا در شرائطی که رژیم شاه ضمن گسترش تبلیغات خود در خارج از کشور هر روز توطئه‌ها و حملات بیش‌تری را علیه سازمان دانشجویی ما تدارک می‌بیند، در شرائطی که همپا و همسو با تبلیغات ارتجاع، حملات و توطئه‌های دارودسته کمیته مرکزی حزب توده علیه کنفدراسیون جهانی تشدید گردیده، در شرائطی که این خائنین برای ایجاد نفاق و دودستگی در میان صفوف ما دست به تلاش‌های مذبوحانه جدیدی زده‌اند، راهی جز وحدت یک‌پارچه اعضا کنفدراسیون جهت پیش‌برد مبارزه در مقابل ما قرار دارد؟

امروز شرائط عینی بیش از پیش حکم می‌کند که به خواست هزاران نفر از توده‌های دانشجوی، به خواست صدها نفر از مبارزینی که در زیر سلطه ننگین رژیم پهلوی به مبارزه مرگ و زندگی دست زده‌اند پاسخ مثبت دهیم و با تحکیم وحدت درون کنفدراسیون مبارزه خود را علیه رژیم دست نشانده پهلوی و اربابان امپریالیستش تشدید نمائیم و در عین حال با در پیش گرفتن شیوه حل تضادهای درون خلق در محیط گرم و رفیقانه، در محیطی عاری از هر گونه برجسب زنی و شایعه پراکنی به بحث و تبادل نظر پیرامون مسایل مورد اختلاف بپردازیم.

وجود پاره‌ای اختلاف نظرها در جنبش دانشجویی آمریست طبیعی که اگر با در پیش گرفتن شیوه حل تضادهای درون خلق و در محیطی گرم و رفیقانه مورد بحث و مشورت قرار گیرد بدون شک به ایجاد زبان مشترک به روی مسائل مختلف بین ما کمک کرده و باعث رشد و شکوفایی بیش‌تر جنبش دانشجویی ماست. ولی اگر اختلاف نظرها از سیر راستین خود منحرف شوند، اگر تضادهای درون خلقی، برون خلقی جلوه داده شوند، آنگاه بی‌شک به وحدت رزمنده ما لطمه وارد خواهد آمد.

براین اساس، ما با احساس عمیق مسئولیت در قبال جنبش دانشجویی، با ایمان استوار به این اصل که ضامن پیش‌برد مبارزه ما علیه رژیم دست‌نشانده پهلوی و امپریالیسم وحدت‌اصولی درون کنفدراسیون است، وظیفه خود می‌دانیم که به دفاع از مبانی و مواضعی که وحدت درون کنفدراسیون بر آن بنا شده پرداخته نظر خود را در باره اعلامیه هیأت دبیران موقت کنفدراسیون جهانی مورخ ۱۱ اوت ۱۹۷۴ اعلام داریم:

۱ - ما ضمن رد کامل دلائل هیئت دبیران موقت کنفدراسیون دائر بر آنکه عده‌ای در درون کنفدراسیون تضاد عمده خلق را با شوروی می‌دانند از یکسو نظر مجموعه اعضاء کنفدراسیون را دائر بر اینکه در شرائط کنونی در میان امپریالیست‌های مختلف تضاد عمده را در میهن ما تضاد خلق با امپریالیسم آمریکا تشکیل می‌دهد را یادآور شده و از سوی دیگر معتقدیم که اطلاعی ۱۱ اوت مواضع رزمنده کنفدراسیون جهانی را در قبال دولت ضدخلق شوروی و کارگزار وطنی آن یعنی دارودسته ارتجاعی کمیته مرکزی مخدوش نموده است. این اعلامیه از یکسو از طریق خلقی وانمود کردن دارودسته ارتجاعی کمیته مرکزی این چنین وانمود می‌سازد که گویا در صفوف رزمنده جنبش خلق جایی برای این دارودسته ضد خلقی موجود است و بدین ترتیب عملاً به خطر این دارودسته ارتجاعی برای جنبش ضد امپریالیستی و دمکراتیک مردم ایران کم بها می‌دهد و از سوی دیگر با حرکت از این فرض نادرست که عده‌ای تضاد خلق را با شوروی عمده کرده‌اند، مبارزه علیه دولت ضدخلق شوروی و کارگزار وطنی آن یعنی دارودسته ارتجاعی کمیته مرکزی را مغایر و متضاد با مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و رژیم دست‌نشانده شاه و مترادف با تعطیل مبارزات کنفدراسیون و تبدیل آن به سازمان دلبخواه رژیم شاه قلمداد می‌کند.

کنفدراسیون جهانی طی مبارزات چندین ساله درخشان خود بدرستی ضمن افشاء ماهیت ارتجاعی رژیم شاه و امپریالیسم آمریکا به مثابه امپریالیسم متفوق در ایران به افشای ماهیت ضد خلقی دولت شوروی و عامل مستقیم آن در جنبش یعنی دارودسته ضدخلق کمیته مرکزی مبادرت ورزیده و با اتخاذ مواضع مبارزه‌جویانه با دارودسته ارتجاعی کمیته مرکزی مرزبندی نموده و آنها را از جنبش دانشجویی طرد و منفرد ساخته است. ما معتقدیم که کنفدراسیون جهانی می‌بایست این دستاوردهای ارزنده را تحکیم و تبلیغ نموده و هر چه بیش‌تر در جهت تعمیق مواضع خود در این زمینه حرکت نماید، چرا که مبارزه علیه دشمنان رنگارنگ خلق وظیفه تخطی‌ناپذیر ماست و ما وظیفه داریم که ماهیت دشمنان خلق را در هر شکل و در هر لباس به توده دانشجوی بشناسانیم. بر این اساس ما ضمن ابراز پشتیبانی مجدد از جمع‌بندی سوکمیسیون کنفرانس پیش‌کنگره ۲۲ سازمان آمریکا معتقدیم که انقلاب ایران بدون سرنگونی کامل طبقات ارتجاعی بسرکردگی رژیم منفور شاه و قطع کامل نفوذ امپریالیسم، بدون مبارزه قاطع علیه نفوذ دولت ضدخلق شوروی و بدون مرزبندی دقیق با دارودسته ضدخلق کمیته مرکزی حزب توده نمی‌تواند به پیروزی کامل رسیده و منتهی به برقراری حکومت خلق در ایران گردد.

۲ - کنفدراسیون جهانی در طی مبارزات درخشان خود با تکیه بر سنن مبارزه‌جویانه‌اش همواره از مبارزه و مقاومت کلیه عناصر و گروه‌ها و سازمان‌های خلقی بدون قید و شرط و صرفنظر از مشی سیاسی، ایدئولوژیکی و شکل مبارزاتی عناصر، گروه‌ها و سازمان‌های خلقی دفاع نموده و با افشای ماهیت ارتجاعی شاه در میان دانشجویان ایرانی و افکار عمومی جهان توانسته است به دستاوردهای ارزنده‌ای نائل آید. درست بر همین اساس است که کنفدراسیون جهانی نمی‌تواند از "مبارزات" دارودسته ضد خلقی کمیته مرکزی که همواره سیاست‌های خود را بر اساس تباری و رقابت بین دو ابرقدرت امپریالیسم آمریکا و دولت ضدخلق شوروی بنا نهاده و آگاهانه هدفش استقرار حاکمیت دولت ضدخلق شوروی بر سرنوشت خلق ماست دفاع نماید. در مواردی که این دارودسته از جانب رژیم فاشیستی شاه مورد حمله و سرکوب قرار می‌گیرد، کنفدراسیون باید در عین افشاء قاطع و همه‌جانبه ماهیت اجحافات و ستمگری‌های ارتجاع حاکم، به افشاء ماهیت سیاست‌های عوام‌فریبانه این دارودسته نیز بپردازد.

در رابطه با کلیه عناصری که فریب این سیاست ضدخلق را خورده و از این دارودسته پیروی می‌کنند، در صورتی که مورد حمله و سرکوب رژیم قرار گیرند، کنفدراسیون باید در هر مورد با ارزیابی مشخص بدفاع از مقاومت آنها در برابر رژیم پرداخته، به افشای ماهیت رژیم سفاک محمد رضا شاه و دستگاه‌های اهریمنی او و ترور وحشیانه فاشیستی‌اش بپردازد. به منظور جلوگیری از هرگونه سواستفاده از جانب دارودسته ضدخلق کمیته مرکزی باید در عین حال ماهیت ارتجاعی سیاست آنها را نیز روشن نمود.

۳ - هیات دبیران موقت بدون تعمق و با اتخاذ مواضع نادرست در پیمان ۵۶ در زمینه عدم افشاء ماهیت دارودسته ارتجاعی کمیته مرکزی، مواضع رزمنده کنفدراسیون را در مورد این دارودسته ضدخلقی مخدوش کرده است. در این زمینه لازم می‌بینیم که هیات دبیران موقت نظر صریح خود را پیرامون موقعیت تشکیلاتی پرویز حکمت‌جو در حزب توده اعلام نمایند.

۴ - این اطلاعیه با استفاده از شیوه مردود و برچسب‌زنی، با برخورد برون خلقی نسبت به بخشی از اعضای کنفدراسیون، با ایجاد محیط ناسالم در واحدهای کنفدراسیون، با پخش شایعاتی نظیر اینکه "توطئه‌ای" از طرف بخشی از اعضای کنفدراسیون علیه کنفدراسیون در حال تکوین است نه تنها به تحکیم وحدت کنفدراسیون کمک نکرده، بلکه زمینه تشدید محیط ناسالم و متشنجی را فراهم ساخته که بوحث و یکپارچگی درون کنفدراسیون جهانی در مبارزه علیه رژیم شاه و امپریالیسم لطمه جدی وارد آورده است.

ما بر مبنای نکات فوق اعتراض خود را نسبت به مواضع متخذه در پیمان ۵۶ و اطلاعیه ۱۱ اوت هیات دبیران موقت بیان داشته و نظرات ابراز شده در اطلاعیه را مردود می‌دانیم. ما ضمن پشتیبانی از مبارزات کنفدراسیون جهانی در سال جاری خواستاریم که برای حفظ و تحکیم وحدت رزمنده و یکپارچه کنفدراسیون جهانی، هیات دبیران اطلاعیه ۱۱ اوت را مردود شناخته و آنرا از مجموعه اسناد کنفدراسیون جهانی حذف کند.

رفقا: در این لحظات حساس همه اعضای صدیق کنفدراسیون جهانی با احساس مسئولیت عمیق در مقابل جنبش رهایی‌بخش مردم ایران، با ابراز تأسف شدید از محیط ناسالمی که در واحدهای کنفدراسیون جهانی بوجود آمده خواستار پایان یافتن این شرایط هستند. وجود رژیمی قدره بند چون رژیم محمد رضا شاهی در میهن ما حکم می‌کند که دست وحدت و همکاری به سوی یکدیگر دراز کنیم و چون تنی واحد مبارزه خود را علیه رژیم شاه و امپریالیسم، این دشمنان قسم خورده خلق ادامه دهیم.

ما آرزومندیم که هیئت دبیران موقت کنفدراسیون جهانی به این خواست مقدس پاسخ مثبت دهند و گام‌های عملی در راه حفظ و تحکیم وحدت رزمنده کنفدراسیون جهانی بردارند.

بگذار آتش حمله را علیه رژیم قدره بند شاه و امپریالیسم تمرکز دهیم!

بگذار دست‌هایمان را بهم گره کنیم و به شعار اتحاد، مبارزه، پیروزی جامه عمل پوشانیم!

بگذار وحدت درون کنفدراسیون را چون مردمک چشم عزیز شمیریم و

بگذار یکی شویم زیرا آنان هراسشان ز یگانگی ماست!"

"نظر اقلیت"

رفقای هیات دبیران کنفدراسیون جهانی:

کنفدراسیون جهانی امروزه در شرایط نوینی بسر می‌برد. رشد تضاد میان دوا بر قدرت، امپریالیسم آمریکا و دولت ضد خلقی شوروی، تعمیق یافتن بحران جهان امپریالیستی، و شدت یابی بحران اقتصادی و سیاسی که دامن‌گیر رژیم متغور شاه گردیده، و در تحت چنین شرایطی رشد و گسترش مبارزات اقشار و طبقات خلقی، از گروه‌های و سازمان‌های انقلابی تا زحمتکشان جامعه، همگی گواه مساعدتر شدن اوضاع برای حرکت رشد یابنده جنبش انقلابی خلق در جهت تحقق خواست بحق مردم و نیاز واقعی جامعه ما یعنی سرنگونی رژیم متغور پهلوی به مثابه نماینده طبقات ارتجاعی حاکم و قطع کامل نفوذ امپریالیسم و دست یابی به جامعه‌ای مستقل و دموکراتیک، می‌باشد.

رژیم شاه این ژاندارم امپریالیسم آمریکا، برای حفظ سلطه ارتجاعی‌ترین طبقات، تلاش مذبوحانه دارد تا روند رشد یابنده خلق را به هر وسیله سد کند. با تبلیغات زهرآگین و عوام‌فریبانه بوسیله عناصر خودفروخته ای چون نیکخواه، لاشائی و جاسمی سعی در منحرف نمودن جنبش می‌نماید و با تشدید ترور و خفقان و بکارگیری اصلی‌ترین منطق ارتجاعیون یعنی قهر ضدانقلابی در جهت نابودی جنبش خلق مذبوحانه می‌کوشد. لکن علی‌رغم تمام این دسیسه‌ها، باتنگونه که منطق تاریخ حکم می‌کند، رشد جنبش همچنان جریان اصلی حرکت جامعه ما را تشکیل می‌دهد. رشد مبارزات اقشار و طبقات خلق در سال گذشته گواه این مدعاست.

همراه با رشد مبارزات خلق در سال گذشته، کنفدراسیون جهانی تحت رهبری هیات دبیران با دفاع از مبارزات بحق کارگران و زحمتکشان جامعه ما با پشتیبانی از جنبش دانشجویان میهن و با یاری رساندن به مبارزین در بند و افشاء همه‌جانبه رژیم

ضددمکراتیک و ضدملی، با عقیم گذاردن دسائس و توطئه‌های رژیم بر علیه کنفدراسیون، گام‌های موثری در مبارزه بر علیه ارتجاع و امپریالیسم به پیش برداشته است.

جنبش ضدامپریالیستی و دمکراتیک خلق ما و در نتیجه کنفدراسیون جهانی امروزه فقط با رژیم سرسپرده پهلوی و امپریالیسم آمریکا روبرو نبوده بلکه در راه مبارزه با این دشمنان خلق، با دشمنان دیگری نیز روبروست.

دولت ضدخلق شوروی، این ابرقدرت نواخته که از یکسو می‌کوشد با گسترش روابط اقتصادی - سیاسی خود با دولت‌های مرتجع در درون این رژیم‌ها مدافعینی برای چپاول و غارت خود ایجاد کند، از سوی دیگر به ویژه امروزه در تلاش است تا با نفوذ در جنبش‌های آزادی‌بخش توسط عاملین خود همانند دارودسته کمیته مرکزی حزب توده، مبارزات انقلابی خلق ما را منحرف ساخته و از این طریق نفوذ خود را در کشورهایی چون میهن ما گسترش داده و آنان را به منطقه نفوذ خود مبدل سازد. دولت ضدخلق شوروی و دارودسته ضد انقلابی کمیته مرکزی دشمن دیگر جنبش انقلابی خلق مایند.

کمیته مرکزی این دارودسته ضدانقلابی که سال‌ها بر مبنای استراتژی دولت ضدخلق شوروی در منطقه خاورمیانه بطور آشکار جنبش مارا به سازش با رژیم ددمنش شاه دعوت می‌نمود و گستاخانه به مبارزات انقلابی خلق و از آنجمله جنبش دانشجویان حمله‌ور می‌گشت، امروزه با تشدید یافتن رقابت میان دو ابرقدرت در منطقه، قبابی نوین به تن کرده و می‌کوشد در صفوف رزمندگان جنبش ما نفوذ نماید. قبابی نوین دارودسته کمیته مرکزی به هیچ رو نمی‌تواند سرشت ماهیتاً سازشکارانه و ارتجاعی آنان را پرده پوشد. دارودسته کمیته مرکزی نه خواهان پایان دادن به استمرار مردم میهن ما توسط امپریالیسم و نه خواستار از میان برداشتن سلطه طبقات ارتجاعی. آنچه کمیته مرکزی دنبال می‌کند گرفتن سهم بیشتر برای دولت ضدخلق شوروی از خوان ینغمائی است که از طریق چپاول خلق ما بدست می‌آید.

از این رو جنبش ضدامپریالیستی و دمکراتیک ما برای کسب پیروزی و سرنگون نمودن طبقات ارتجاعی حاکم و نماینده آنان رژیم ددمنش شاه، راهی جز مرزبندی تا به آخر با دولت ضدخلق شوروی و طرد کامل دارودسته ضد انقلابی کمیته مرکزی را در پیش ندارد. خصوصاً در چنین شرائطی که کمیته مرکزی، برای فریب خلق مزورانه شعار "سرنگونی رژیم" را پیش می‌نهد هوشیاری در برخورد به این دارودسته ضدانقلابی بخاطر حفظ قاطعیت و رزمندگی مبارزات ما اهمیت اساسی دارد.

کنفدراسیون جهانی همانند گذشته باید در راه خدمت هر چه بیش‌تر به انقلاب ایران حرکت کرده و توده‌های وسیع دانشجویان را بر این زمینه بسیج و متشکل نموده و آگاهی آنانرا ارتقاء دهد. به نظر ما تنها کنفدراسیونی قادر است این راه را با سربلندی طی کند که هر روزه مبارزه خود را بر علیه رژیم منفور قاطع‌تر نماید که خواست جنبش دانشجویی ما را مبنی بر سرنگونی رژیم منفور پهلوی به عنوان نماینده طبقات ارتجاعی حاکم و قطع کامل نفوذ امپریالیسم برای رسیدن به جامعه‌ای مستقل و دمکراتیک پیش نهاده و بدور این سیاست و در جهت خدمت به زحمتکشان وسیع‌ترین توده دانشجو را بسیج و پرورش دهد.

کنفدراسیونی قادر است این راه را با افتخار طی کند که بر علیه دولت ضدخلق شوروی این ابرقدرت نواخته مواضع خود را هر چه دقیق‌تر نموده به افشاء همه‌جانبه کمیته مرکزی به مثابه عامل ابرقدرت شوروی پرداخته، و در راه و برای مبارزه هر چه قاطع‌تر با رژیم منفور با این دشمنان مرزبندی هر چه دقیق‌تر نماید.

کنفدراسیونی قادر است این راه را با افتخار طی کند که وحدت درونی خود را در مقابل ارتجاع و امپریالیسم، همچون مردمک چشم گرمی داشته و در این جهت تمام شیوه‌های غیراصولی مبارزه درونی را از خود طرد نماید.

کنفدراسیون جهانی در عرض پانزده سال گذشته با توجه به این امر که وجود پاره‌ای اختلاف نظرها در درون کنفدراسیون امری طبیعی است، و با تکیه به این اصل که اختلافات و نقطه نظرهای گوناگون، اختلافات درون خلق و میان مبارزین است و نه مبارزین و ارتجاع با وجود نظرگاه‌های متفاوت در درون خود متحدانه در مقابله با ارتجاع حرکت کرده است.

امروزه که مبارزه بر سر مشی‌های مختلف در درون کنفدراسیون تشدید یافته است، رهبری کنفدراسیون وظیفه‌مند است که با تکیه هر چه بیش‌تر بر روی اصل فوق، و با به بحث گذاردن نظرات گوناگون در میان توده دانشجو و جهت دادن به بحث‌ها، به مجرای اصولی، کنفدراسیون را در راه یک‌پارچه شدن در مقابل ارتجاع رهبری کند.

لاکن به نظر ما اطلاعیه ۱۱ آگوست متاسفانه در مغایرت با اصل فوق به تشدید نمودن جریان ناسالمی دامن زده و به اتحاد درونی کنفدراسیون لطمه زده است - و در نتیجه طبیعتاً نمی‌تواند مورد پشتیبانی ما قرار گیرد، برعکس مورد اعتراض است و حفظ یکپارچگی کنفدراسیون رد آنرا می‌طلبد.

بدیهی است که اعتراض ما به اطلاعاتی فوق به معنای پشتیبانی از یکسری موضع گیری‌های انحرافی نظیر همطراز ساختن هلمز و حکمت‌جو و خطاب کردن وی به عنوان جاسوس بدون ارائه هیچ گونه مدرک، نبوده و نیست. زیرا اینگونه موضع گیری‌های انحرافی مستقل از نیت و خواست مبارزه‌جویانه فرد، جز توجیه جنایات رژیم نسبت به پرویز حکمت‌جو ثمر دیگری به بار نمی‌آورد. اعتراض به حق کنفدراسیون به اعمال ستم و شکنجه، تا بحد مرگ حکمت‌جو توسط رژیم شاه و افشای آن، قویا مورد پشتیبانی ماست.

اما درعین حال معتقدیم که به خاطر مقابله و مبارزه با سوء استفاده‌های کمیته مرکزی هیات دبیران کنفدراسیون وظیفه‌مند بود، مشی ارتجاعی این دارودسته ضدانقلابی را در این مورد افشاء می‌نمود. عدم انجام این مهم کمبود و انحراف اساسی چه در پیمان و چه در اعتراض به حق کنفدراسیون به رژیم منفور پهلوی است.

بنظر ما اطلاعاتی ۱۱ آگوست به هنگام برخورد به برخی نظرات ابراز شده در جلسه بحث آزاد کنگره آلمان در دو مورد اساسی به خطا رفته است.

۱ - اطلاعاتی با اعلام این اصل صحیح که کنفدراسیون "از حقوق حقه کلیه افراد و سازمان‌های خلقی صرفنظر از چگونگی برداشت‌های ایدئولوژیکشان" به دفاع بر می‌خیزد، در ادامه خویش کمیته مرکزی را در اذهان توده دانشجویان سازمانی خلقی جلوه داده و بدین ترتیب مرتکب انحرافی اساسی و تخلف از موازین رزمنده کنفدراسیون در مورد دارودسته ضدخلق و ضدانقلابی کمیته مرکزی گردیده و ایستادگی بر روی مواضع کنفدراسیون تصحیح امر فوق را می‌طلبد.

۲ - با تشدید و تعمیق تضادهای درون کنفدراسیون پس از کنگره ۱۵، حفظ یکپارچگی وحدت رزمنده کنفدراسیون از وظائف خطیر و اساسی هیات دبیران کنفدراسیون بوده و اهمیتی هر چه بیش‌تر یافته است. اطلاعاتی ۱۱ آگوست با عنوان این مساله نادرست که در درون صفوف رزمنده کنفدراسیون عده‌ای "بینش و مشی ارتجاعی" داشته و خواهان آنند که کنفدراسیون به سازمانی "دلخواه رژیم فاشیستی محمد رضا شاهی" تبدیل شود و "توطئه‌ای در شرف تکوین" است گذشته از طرح یک رشته مسائل نادرست و انحرافی مسئولیت خطیر خویش را در مورد حفظ امر وحدت کنفدراسیون نقض نموده و به پیش‌برد متحدانه مبارزات کنفدراسیون جهانی لطمه زده است. از نظر ما در درون صفوف رزمنده کنفدراسیون عده‌ای که "بینش ارتجاعی" داشته و خواهان آن باشند که کنفدراسیون را به سازمانی "دلخواه رژیم فاشیستی شاه" تبدیل کنند و به توطئه بر علیه سازمان ما پرداخته باشند موجود نبوده و نسبت‌هایی این چنین ناروا از نظر ما مردودند و طرح مسائلی این چنین به جز خدشه وارد ساختن به وحدت کنفدراسیون نتیجه‌ای ببار نیآورده و نخواهد آورد. صرف اینکه عده‌ای نظری انحرافی در مورد مساله حکمت‌جو بیان داشته‌اند دال بر وجود بینش و مشی ارتجاعی نیست و هیات دبیران بجای طرح مسائلی بدینگونه می‌توانست با شکافتن نظرات انحرافی آنان امکان برخورد همه‌جانبه توده دانشجویان را به این نظرات فراهم آورده و بحث را در چهارچوبی اصولی به پیش رهبری نماید.

تاریخ ۱۵ ساله مبارزه درخشان کنفدراسیون بر علیه رژیم و امپریالیسم جهانی شاهد مبارزه یک‌پارچه و متحد کلیه توده‌های متشکل در آن بر علیه ارتجاع بوده است و اختلاف نظرها و تضادهای موجود در کنفدراسیون نتوانسته و نباید بتواند در این وحدت و یکپارچگی تزلزل و خدشه وارد آورد. حفظ وحدت و یکپارچگی کنفدراسیون بر علیه امپریالیسم و ارتجاع و پیش‌برد مبارزه متحد ما بر علیه رژیم منفور پهلوی، حذف اطلاعاتی ۱۱ آگوست را از آرشیو اسناد کنفدراسیون می‌طلبد. ما نیز چنین امری را خواهیم.

سرنگون باد رژیم منفور پهلوی این سگ زنجیری امپریالیسم آمریکا

بر ملا باد دسیسه‌های کمیته مرکزی

مرگ بر دو ابرقدرت آمریکا و شوروی

متحد و پیروز باد کنفدراسیون جهانی

اتحاد - مبارزه - پیروزی"

سند شماره ۱۳ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم

مندرج در فصل شانزدهم بخش: (اختلافات و انشعاب رسمی در کنگره ۱۶ بر سر مواضع ارتجاعی "هیأت دبیران موقت")

اعلامیه هیئت دبیران فدراسیون آلمان در باره اختلافات درون جنبش و ضرورت تشدید مبارزات دفاعی

اعلامیه هیئت دبیران فدراسیون آلمان در باره اختلافات
 درون جنبش و ضرورت تشدید مبارزات دفاعی
 جنبش دانشجویان شرقی ایران در غایت از کشور به رمپوری تندبا سازمان تشکلی یعنی کنفدراسیون جهانی، به تهنیت و
 زندگی مبارزاتی پر انشعاب همواره در موضع قاطع و بی گبر خلق قرار داشته و بی پروا علیه ماستفد خلق رژیم جنایتکار
 دربار پهلوی مبارزه کرده است.
 کنفدراسیون جهانی بر اثر مبارزات به حش علیه رژیم محمد خلق و فاشیستی شاه، علیه امپریالیسم و براس آن امپریالیسم
 آمریکا و همچنین علیه سیاست ضد خلق شوروی از پشتیبانی کلیه نیروهای شرقی جهان و بهرزه خلق مبارز ایران برخوردار
 می باشد.
 دفاع بیدریخ کنفدراسیون جهانی از مبارزات خلق و زند آلمان سیاسی، همبستگی با مبارزات خلق های جهان علیه -
 امپریالیسم شاخص اصلی و تعیین کننده خصیت مبارزه میانه کنفدراسیون می باشد. اما اعتبار و حیثیت کوشی کنفدراسیون
 در میان نیروهای شرقی و افکار عمومی جهان آسان بدست نیامده است. کلیه نیروهای ارتجاعی و در براس آن رژیم محمد
 رضاشاه، همواره برای خاموش کردن این صدای رسای خلق زحمتکش ایران به تلاشهای مذبحانه خود افزودند. ولی
 ایمان لایزال به توده های وسیع مردم و هم سرنوشتی دانشجویان مبارز ایرانی با مبارزات خلق، سبب در هم شکستن توغته
 های مرتجعین بوده و خواهند بود. ایمان به خلق تنها نیروی محرکه جنبش دانشجویی مادر مبارزه علیه سیستم های -
 مختلف ساواک با آنهمه امکانات، پولیس - در مقابل با عناصر زبون و خائنی چون نیکخواه - لاشائی - نوادی و پس
 مانده بی مایه آنها محمد جاسمی در مقابل با سیستم ای مزورانه در بدست گرفته می شود. مبارزات خود به پندگی مبارزات
 خود علیه دشمنان خلق افزودند.
 همان رشد محتوی شرقی و مبارزه میانه کنفدراسیون، وجود بحث های خلاق و اصولی پیرامون مسائل مورد اختلاف
 و تضاد های درون جنبش می باشد. وجود اختلافات درون کنفدراسیون هر چند هم که شدید باشد، خود بیانگر زندگی بودن،
 اندیشیدن و چاره جویی کردن بخاطر پیشبرد بهتر مبارزه علیه رژیم سرسپرده محمد رضاشاه، امری کاملاً طبیعی و ضروری
 می باشد. کلیه عناصر و نیروهای تشکلی در کنفدراسیون جهانی و عواد اران جنبش دانشجویی، بنا بر نظریات و عملکردها
 همگی در مبارزه علیه رژیم شاه، در مبارزه علیه دشمنان داخلی و خارجی زحمتکش ایران - اشتراک نظر دارند و این خود
 اساس اتحاد همه اعضا و عواد اران کنفدراسیون را تشکیل میدهد.
 کلیه اختلافات و تضاد های درون جنبش بر محور اتحاد در مبارزه علیه دشمنان خلق و از راه مبارزه درونی طرفین
 و حل و فصل میگردد.
 اما رژیم ضد خلقی ایران همواره کوشیده است تا در کنار حملات علنی خود نسبت به کنفدراسیون، از اختلافات درون
 جنبش که خطای درون خلقی دارند، سوء استفاده کرده و به اصطلاح به گارزار ایدئولوژیکی علیه جنبش دست زند.
 بر اساس این سازمانهای زرد دانشجویی - انتشاراتی پاره ها، ساواک - تبلیغات دروغین "سیاست مستقل فلسفی"
 "ضرورت شرکت در ساختمان جامعه" و یخس نظرات سازش کارانه از طرف مشقی عناصر خود فروخته و توزیع وسیع این نظرات
 از طرف سفارت و زرد بران ساواک - برای انباشتن "بحثها، بیگزرد" و وارونه جلوه دادن اختلافات درون جنبش به سنگام
 برگزاری گردها و سمینارها، از جمله تشبیهات رژیم می باشد. کلیه این دشمنان همواره با مقابله یک پاریزه و متحد اعضا و

مواد او ان گند راسیون روزمره و در رزم شکستنازد .

براین بیان دارود ستم‌دخلفی کمیته مرکزی حزب توده نیز با شیوه‌های پاسی به حملات خود علیه گند راسیون انزود داشت. این خائنان پسرانکه در اثر یک مبارزه اصولی و بی‌گشودن روز چهارم خد خلق و نیات خائنانه آنها در میان دانشجویان افشا گردید و اکثریت قریب به اتفاق توده‌های دانشجویی به ما پیوسته‌ای آنان پی بردند ، مبارزهای جزع‌فشیینی ظاعری نداشته و از ترس بی‌آبرویی و طرد کامل خود از جنبش ملی و ضد امپریالیستی ، با هزاران حيله و تزویر در توجیه شکست خود در مقابل نهضت دانشجویی کوشیدند . تلاشهای مزورانه " کمیته مرکزی حزب توده " در ترساندن دانشجویان مبارز و پراکندن آنان از صفوف گند راسیون نیز با شکست کامل روبرو گردید . اعلان اینکه گویا " حفظ گند راسیون فقط در خدمت ارتجاع می‌باشد " نباید علیه آن از داخل و خارج مبارزه نمود نیز گریزی از کار این مزدوران شوروی نکشود و فقط ماعت ارتجاعی آنها را پیش از پیش بره‌لا ساخت .

چند بیست که این مرتجعین به اقتضای تغییر سیاست شوروی نسبت به رژیم شاه بخاطر مفاع آرمند انهای در خاور میانه ، رنگ عوض کرده و با در پیش گرفتن سیاست به اصطلاح استفاده از اختلافات درون جنبش در تگاپوی واقعی از بین بردن دست آورد های گند راسیون جهانی می‌باشند .

" کمیته مرکزی " در دوران سازش شوروی با شاه که طبیعتا سازش خود آنها نیز با شاه به همراه داشت ، به گند راسیون حمله نمود و امروز اختلاف شاه و شوروی یعنی سیاست دلسوزی ظاعری به جنبش دانشجویی است . شاید این خائنین با گذشت زمان فراموش کرده‌اند که گند راسیون جهانی سالهاست که خط قاطع خلق و ضد خلق را بین خود و آنها کشیده است و امروز نیز توده‌های دانشجویی قاطعانه از دست آورد های جنبش دفاع کرده و با در رزم شکستن توطئه‌های جدید به مبارزات خود علیه رژیم خائن محمد رضا شاه خواهند افزود .

رفقای عزیز ! اختلافات درون گند راسیون باقی خود رسیده است . در جریان حل این اختلافات امکان مؤ استفاده رژیم و دشمنان جنبش برای خرد زدن به گند راسیون موجود می‌باشد . باید همشپاری خود را بالا برده و بی آن از مبارزه علیه رژیم شاه غافل نگردیم و حد فاصل بین حل اختلافات درونی جنبش و تضاد آشتی ناپذیر خود با رژیم را حفظ کنیم . متاسفانه در بعضی موارد این اصل نادیده رفته میشود و باعث گندی مبارزات دفاعی میگردد . بیعت دبیران گند راسیون معتقد است که طبیعتا نمیتوان شیوه اصولی حل اختلافات را با بخشنامه و اعلامیه بانشین شیوه‌های نادرست نمود .

دبیران گند راسیون بنا بر مصوبه شورای عالی گند راسیون بخاطر اهمیت مبارزات دفاعی در ماه نوامبر و دسامبر از یک طرف و حل مسائل مورد اختلاف از طرف دیگر ، از همه رفقا دعوت میکند که محتوی این بخشنامه را به بحث گذاشته و با برخوردی مسئول و با در نظر گرفتن موازین دموکراتیک گند راسیون و بنا بر شرایط محلی و سطح اختلافات موجود در هر واحد ، چاره اندیشی کرده و نتایج حاصله را بوسیله بولتن گند راسیون آلمان در اختیار سایر واحدها قرار دهند .

هیئت دبیران گند راسیون پیشنهاد میکند که واحدها با تشکیل بیشتر جلسات دفاعی و برنامه ریزی آن بر اساس بخش نامه‌های دفاعی گند راسیون و گند راسیون زبویه مبارزاتی علیه رژیم را در توده‌های دانشجویی تقویت کنند و در این جلسات به بحث در مورد مسائل مورد اختلاف نپردازند . در عوض تاهرگزاری گند راسیون سپهرهای محلی با وقت کافی تشکیل داده و بطور عمده مسائل مورد اختلاف را مطرح کرده و از بحثها جمع‌بندی نموده و بوسیله بولتن گند راسیون با اطلاع همه واحدهای گند راسیون برسانند .

علاوه بر این یک شماره بولتن گند راسیون اختصاص به طرح نظرات و اختلافات موجود داده شده است . از همه رفقا و مواد اران

گفتند راسیون دعوت می‌کنیم که نظرات خود را درباره مسائل موجود برآه حل پیشنهادی آنها را نوشته و جهت درج در اولین نشر راسیون ارسال دارند. تجربه نشان داده است که هنگام نوشتن بیشتر احساس مسئولیت میشود.

در این مورد نکات زیر را تذکر می‌شویم.

۱- اظهار نظرها حتما نباید راجع به کلیه مسائل و بصورت رسالتی طولانی باشد. هرچیزی میتواند مثلا فقط راجع یکی از مسائل اظهار نظر کند و یا حتی بیک نکته از کل یک مسئله برخورد نماید.

۲- مسئولین واحد ها موظفند کلیه رفتارها بخصوص دوستانی را که در جلسات عمومی کثیر اظهار نظر میکنند به امور نوشتن نظرات خود تشویق کنند.

۳- اساسا بهتر است در مورد ۲ مسئله مطروحه از طرف شوراهای راسیون بررسی و اظهار نظر شود، ولی در صورت تمایل هر دوستی میتواند موارد دیگری را که مورد علاقه اش میباشد، طرح کند.

۴- آدرس دبیرخانه دفاعی را در اختیار همه اعضا و عوامل اران قرار دهید (مثلا بوسیله دعوت نامه های محلی) تا خبر دوستی بتواند خود مستقلا نظرات انتقادی خود را ارسال دارد. ذکر نام انتقاد کننده ضروری نیست.

حیث دبیران نشر راسیون می‌کشند که فقط از نظر انشائی نظرات ارسالی را تصحیح کند و محتوی نوشته دوستان را عینا ضمیمه نماید.

رفتای عزیز! بکوشیم که با شرکت خود در این اصولی اختلالات درون جنبش و مشکلات موجود، موفقیت کثرت آینده خد نشر راسیون آلمان را تضمین کرد و بر برندی عیارزات کنند راسیون جهانی علیه رژیم ضد خلقی محفل رضاشاه پیش ازین بیفرائیم.

با درودهای فراوان

حیث دبیران نشر راسیون آلمان

۱۴ اکتبر ۱۹۷۴

سند شماره ۱۳ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم

مندرج در فصل شانزدهم بخش: (اختلافات و انشعاب رسمی در کنگره ۱۶ بر سر مواضع ارتجاعی "هیأت دبیران موقت")

"اعلامیه هیئت دبیران فدراسیون آلمان در باره اختلافات

درون جنبش و ضرورت تشدید مبارزات دفاعی

برای قرائت در مجمع عمومی

جنبش دانشجویان مرفقی ایران در خارج از کشور به رهبری تنها سازمان متشکله یعنی کنفدراسیون جهانی، به شهادت زندگی مبارزاتی پر افتخارش همواره در موضع قاطع و پیگیر خلق قرار داشته و بی‌پروا علیه ماهیت ضد خلقی رژیم جنایتکار دربار پهلوی مبارزه کرده است.

کنفدراسیون جهانی بر اثر مبارزات به حقش علیه رژیم ضد خلقی و فاشیستی شاه، علیه امپریالیسم و در راس آن امپریالیسم آمریکا و هم چنین سیاست ضد خلقی شوروی از پشتیبانی کلیه نیروهای مرفقی جهان و بویژه خلق مبارز ایران برخوردار می‌باشد. دفاع بی‌دریغ کنفدراسیون جهانی از مبارزات خلق و زندانیان سیاسی، همبستگی با مبارزات خلق‌های جهان علیه امپریالیسم شاخص اصلی و تعیین کننده خصلت مبارزه‌جویانه کنفدراسیون می‌باشد. اما اعتبار و حیثیت کنونی کنفدراسیون در میان نیروهای مرفقی و افکار عمومی جهان آسان بدست نیامده است. کلیه نیروهای ارتجاعی و در راس آن رژیم محمد رضا شاه، همواره برای خاموش کردن این صدای رسای خلق زحمتکش ایران به تلاش‌های مذبوحانه خود افزوده‌اند. ولی ایمان لایزال به توده‌های وسیع مردم و هم سرنوشتی دانشجویان مبارز ایرانی با مبارزات خلق، سبب درهم شکستن توطئه‌های مرتجعین بوده و خواهد بود. ایمان به خلق تنها نیروی محرکه جنبش دانشجویی ما در مبارزه علیه دسیسه‌های مختلف ساواک با آنهمه امکانات عریض و طولیش، در مقابله با عناصر زبون و خائنی چون نیکخواه- لاشائی- فولادی و پس مانده بی‌مایه آنها محمد جاسمی، در مقابله با دسیسه‌های مزورانه دارودسته کمیته مرکزی بوده است.

کنفدراسیون جهانی در جریان مبارزات خود، به دستاوردها و تجربه‌های گرانبهائی دست یافته و به بُرندگی مبارزات خود علیه دشمنان خلق افزوده است.

ضامن رشد محتوی مرفقی و مبارزه‌جویانه کنفدراسیون، وجود بحث‌های خلاق و اصولی پیرامون مسائل مورد اختلاف و تضادهای درون جنبش می‌باشد. وجود اختلافات درون کنفدراسیون هرچند هم که شدید باشد، خود بیانگر زنده بودن، اندیشیدن و چاره‌جویی کردن به خاطر پیش‌برد بهتر مبارزه علیه رژیم سر سپرده محمد رضا شاه، امری کاملاً طبیعی و ضروری می‌باشد. کلیه عناصر و نیروهای متشکل در کنفدراسیون جهانی و هواداران جنبش دانشجویی، بنا بر نظریات و عملکردهایشان همگی در مبارزه علیه رژیم شاه، در مبارزه علیه دشمنان داخلی و خارجی زحمتکشان ایران، اشتراک نظر دارند و این خود اساس اتحاد همه اعضاء و هواداران کنفدراسیون را تشکیل می‌دهد.

کلیه اختلافات و تضادهای درون جنبش بر حول محور اتحاد در مبارزه علیه دشمنان خلق و از راه مبارزه درونی طرح بحث و حل و فصل می‌رود.

اما رژیم ضد خلقی ایران همواره کوشیده است تا در کنار حملات علنی خود نسبت به کنفدراسیون، از اختلافات درون جنبش که خصلتی درون خلقی دارند، سوء استفاده کرده و به اصطلاح به کارزار ایدئولوژیکی علیه جنبش دست زند. برپا ساختن سازمان‌های زرد دانشجویی - انتشار ورق پاره‌های ساواک - تبلیغات دروغین "سیاست مستقل ملی"، "ضرورت شرکت در ساختمان جامعه" و پخش نظرات سازش‌کارانه از طرف مشتی عناصر خودفروخته و توزیع وسیع این نظرات از طرف سفارت و مزدوران ساواک - براه انداختن "بحث‌های میزگرد" و وارونه جلوه دادن اختلافات درون جنبش به هنگام برگزاری کنگره‌ها و سمینارها، از جمله تشبیهات رژیم می‌باشد. کلیه این دسائس همواره با مقابله یک پارچه و متحد اعضاء و هواداران کنفدراسیون روبرو شده و درهم شکسته‌اند.

در این میان دارودسته ضد خلقی کمیته مرکزی حزب توده نیز پا به پای رژیم با شیوه‌های پلیسی به حملات خود علیه کنفدراسیون افزوده است. این خائنان پس از آنکه در اثر یک مبارزه اصولی و پیگیر روز بروز چهره ضد خلقی و نیت خائنه آنها در میان دانشجویان افشاء گردید و اکثریت قریب به اتفاق توده‌های دانشجویی به ماهیت ضد ملی آنان پی بردند، چاره‌ای جز

عقب‌نشینی ظاهری نداشته و از ترس بی‌آبرویی و طرد کامل خود از جنبش ملی و ضدامپریالیستی، با هزاران حيله و تزویر در توجیه شکست خود در مقابل نهضت دانشجویی کوشیدند. تلاش‌های مزورانه کمیته مرکزی حزب توده در ترساندن دانشجویان مبارز و پراکندن آنان از صفوف کنفدراسیون نیز با شکست کامل روبرو گردید. اعلان اینکه گویا "حفظ کنفدراسیون فقط در خدمت ارتجاع می‌باشد" و باید علیه آن از داخل و خارج مبارزه نمود نیز گرهی از کار این مزدوران شوروی نگشود و فقط ماهیت ارتجاعی آنها را بیش از پیش بر ملا ساخت.

چندیست که این مرتجعین به اقتضای تغییر سیاست شوروی نسبت به رژیم شاه به خاطر منافع آزمندانه‌اش در خاورمیانه، رنگ عوض کرده و با در پیش گرفتن سیاست به اصطلاح استفاده از اختلافات درون جنبش در تکاپوی واهی از بین بردن دست آوردهای کنفدراسیون جهانی می‌باشند.

"کمیته مرکزی" در دوران سازش شوروی با شاه که طبیعتاً سازش خود آنها نیز با شاه به همراه داشت، به کنفدراسیون حمله نمود و امروز اختلاف شاه و شوروی مبنی سیاست دلسوزی ظاهری به جنبش دانشجویی است. شاید این خائنین با گذشت زمان فراموش کرده‌اند که کنفدراسیون جهانی سال‌هاست که خط قاطع خلق و ضدخلق را بین خود و آنها کشیده است و امروز نیز توده‌های دانشجویی قاطعانه از دست آوردهای جنبش دفاع کرده و با درهم شکستن توطئه‌های جدید به مبارزات خود علیه رژیم خائن محمد رضا شاه خواهند افزود.

رفقای عزیز! اختلافات درون کنفدراسیون به اوج خود رسیده است. در جریان حل این اختلافات امکان سوء استفاده رژیم و دشمنان جنبش برای ضربه‌زدن به کنفدراسیون موجود می‌باشد. باید هوشیاری خود را بالا برده و یک آن از مبارزه علیه رژیم غافل نگردیم و حد فاصل بین حل اختلافات درونی جنبش و تضاد آشتی ناپذیر خود با رژیم را حفظ کنیم. متأسفانه در بعضی موارد این اصل نادیده گرفته می‌شود و باعث کندی مبارزات دفاعی می‌گردد. هیئت دبیران فدراسیون معتقد است که طبیعتاً نمی‌توان شیوه اصولی حل اختلافات را با بخشنامه و اعلامیه جانشین شیوه‌های نادرست نمود.

دبیران فدراسیون بنا بر مصوبه شورای عالی فدراسیون بخاطر اهمیت مبارزات دفاعی در ماه نوامبر و دسامبر از یک طرف و حل مسائل مورد اختلاف از طرف دیگر، از همه رفقا دعوت می‌کند که محتوی این بخشنامه را به بحث گذاشته و با برخوردی مسئول و با در نظر گرفتن موازین دمکراتیک کنفدراسیون و بنا بر شرائط محلی و سطح اختلافات موجود در هر واحد، چاره اندیشی کرده و نتایج حاصله را بوسیله بولتن فدراسیون آلمان در اختیار سایر واحدها قرار دهند.

هیئت دبیران فدراسیون پیشنهاد می‌کنند که واحدها با تشکیل بیش‌تر جلسات دفاعی و برنامه ریزی آن بر اساس بخشنامه‌های دفاعی کنفدراسیون و فدراسیون روحیه مبارزاتی علیه رژیم را در توده‌های دانشجویی تقویت کنند و در این جلسات به بحث در مورد مسائل مورد اختلاف بپردازند. در عوض تا برگزاری کنگره فدراسیون سمینارهای محلی با وقت کافی تشکیل داده و بطور عمده مسائل مورد اختلاف را طرح کرده و از بحث‌ها جمع‌بندی نموده و بوسیله بولتن فدراسیون به اطلاع همه واحدهای فدراسیون برسانند.

علاوه بر این یک شماره بولتن فدراسیون اختصاص به طرح نظرات و اختلافات موجود داده شده است. از همه رفقا و هواداران کنفدراسیون دعوت می‌کنیم که نظریات خود را در باره مسائل موجود و راه حل پیشنهادی آنها را نوشته و جهت درج در بولتن فدراسیون ارسال دارند. تجربه نشان داده است که هنگام نوشتن بیش‌تر احساس مسئولیت می‌شود.

در این مورد نکات زیر را متذکر می‌شویم:

۱ - اظهار نظرهای حتماً نباید راجع به کلیه مسائل و به صورت رساله‌ای طولانی باشد. هر رفیقی می‌تواند مثلاً فقط راجع به یکی از مسائل اظهار نظر کند و یا حتی به یک نکته از کل یک مسئله برخورد نماید.

۲ - مسئولین واحدها موظفند کلیه رفقا را به خصوص دوستانی را که در جلسات عمومی کم‌تر اظهار نظر می‌کنند به امر نوشتن نظرات خود تشویق کنند.

۳ - اساساً بهتر است در مورد ۷ مسئله مطروحه از طرف شورایی فدراسیون بررسی و اظهار نظر شود، ولی در صورت تمایل هر دوستی می‌تواند موارد دیگری را که مورد علاقه اش می‌باشد، طرح کند.

۴ - آدرس دبیرخانه دفاعی را در اختیار همه اعضاء و هواداران قرار دهید (مثلاً بوسیله دعوت نامه‌های محلی) تا هر دوستی بتواند خود مستقلاً نظرات انتقادی خود را ارسال دارد. ذکر نام انتقاد کننده ضروری نیست.

هیئت دبیران فدراسیون می‌کوشد که فقط از نظر انشائی نظرات ارسالی را تصحیح کند و محتوی نوشته دوستان را عیناً منعکس نماید.

رفقای عزیز! بکوشیم که با شرکت خود در طرح اصولی اختلافات درون جنبش و مشکلات موجود، موفقیت‌کنگره آینده فدراسیون آلمان را تضمین کرده و بر بُرندگی مبارزات کنفدراسیون جهانی علیه رژیم ضدخلقی محمد رضا شاه بیش از پیش بیفزائیم

با درودهای فراوان

هیئت دبیران فدراسیون آلمان

۱۴ اکتبر ۱۹۷۴"

سند شماره ۱۴ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم

مندرج در فصل شانزدهم بخش: (اختلافات و انشعاب رسمی در کنگره ۱۶ بر سر مواضع ارتجاعی "هیأت دبیران موقت")

(نامه هیئت دبیران موقت کنفدراسیون جهانی به هیئت کارداران انجمن مونیخ) فرانکفورت ۲۲ اکتبر ۷۴

(نامه هیئت دبیران موقت کنفدراسیون جهانی

به هیئت کارداران انجمن مونیخ)

فرانکفورت ۲۲ اکتبر ۷۴

"برای قرائت در جلسه عمومی"

هیئت کارداران انجمن مونیخ

نامه‌ای با امضاء عده‌ای از اعضای انجمن مونیخ بدست ما رسید. در این نامه ادعا شده است که روابط غیردمکراتیکی در واحد مونیخ حکم فرماست. رسیدگی باین گونه مسائل و تعیین صحت و سقم آن احتیاج به سرکشی دبیران کنفدراسیون از واحد مونیخ دارد. لیکن چیزی که ما را وادار کرد فوراً به نوشتن این نامه مبادرت کنیم مطالبی خاص از گفتار گویندگان در جلسات عمومی واحد مونیخ بادعای نویسندگان نامه فوق است. بعنوان مثال نویسندگان نامه ذکر میکنند که افرادی در جلسه عمومی سازمان مونیخ در مورد اطلاعیه دبیران کنفدراسیون این گونه اظهارنظر کرده‌اند: "دبیران سیستم پلیسی را دنبال میکنند"، "این اطلاعیه نیز شیادنامه است"، "دبیران در ارتجاع مطلق فرو رفته‌اند"، "سیاست دبیران با سیاست کمیته مرکزی یکی است"، "حرف کمیته مرکزی از حلقوم دبیران بیرون می‌آید" و ... و پس از اعتراض چند نفر از اعضا، هیئت کارداران مسئولیت جلسه‌ای را که این مطالب در آن ابراز شده است بعهده گرفته است. اگر نکاتی را که نویسندگان نامه ذکر کرده‌اند صحیح باشد در نتیجه این اولین بار در تاریخ کنفدراسیون جهانی است که کسانی آگاهانه و با سوءنظر و وقاحتی بی نظیر بخود اجازه میدهند این چنین فحاشی کثیفی را نسبت به رهبری کنفدراسیون جهانی اعمال کنند و هیئت کارداران واحدی بیک چنین بیشرمی سبک مغزانه‌ای بی توجه مانده که نتیجه آن از نظر ما روشن است. لازم میدانیم که شما فوراً صورت جلسه این جلسات را به همراه نظر کتبی هیئت کارداران در مورد نکات فوق برای ما ارسال دارید. می‌خواهیم که ارسال این مدارک تا اول نوامبر ۷۴ انجام پذیرد. چه رسیدگی و تصمیم فوری در مورد واحدی که چنین ابرازاتی در آن رواج پیدا کرده است ضرورت کامل دارد.

منتظر جواب فوری شما

هیئت دبیران موقت کنفدراسیون جهانی

سند شماره ۱۴ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم

مندرج در فصل شانزدهم بخش: (اختلافات و انشعاب رسمی در کنگره ۱۶ بر سر مواضع ارتجاعی "هیأت دبیران موقت")

"(نامه هیئت دبیران موقت کنفدراسیون جهانی

به هیئت کارداران انجمن مونیخ)

فرانکفورت ۲۲ اکتبر ۷۴

"برای قرائت در جلسه عمومی"

هیئت کارداران انجمن مونیخ

نامه‌ای با امضا عده‌ای از اعضای انجمن مونیخ بدست ما رسید. در این نامه ادعا شده است که روابط غیردمکراتیکی در واحد مونیخ حکم فرماست. رسیدگی به این گونه مسائل و تعیین صحت و سقم آن احتیاج به سرکشی دبیران کنفدراسیون از واحد مونیخ دارد. لیکن چیزی که ما را وادار کرد فوراً به نوشتن این نامه مبادرت کنیم مطالبی خاص از گفتار گویندگان در جلسات عمومی واحد مونیخ به ادعای نویسندگان نامه فوق است. به عنوان مثال نویسندگان نامه ذکر می‌کنند که افرادی در جلسه عمومی سازمان مونیخ در مورد اطلاعیه دبیران کنفدراسیون این گونه اظهار نظر کرده‌اند:

"دبیران سیستم پلیسی را دنبال می‌کنند"، "این اطلاعیه نیز شیادنامه است"، "دبیران در ارتجاع مطلق فرو رفته‌اند"، "سیاست دبیران با سیاست کمیته مرکزی یکی است"، "حرف کمیته مرکزی از حلقوم دبیران بیرون می‌آید" و... و پس از اعتراض چند نفر از اعضا، هیئت کارداران مسئولیت جلسه‌ای را که این مطالب در آن ابراز شده است به عهده گرفته است. اگر نکاتی را که نویسندگان نامه ذکر کرده‌اند صحیح باشد در نتیجه این اولین بار در تاریخ کنفدراسیون جهانی است که کسانی آگاهانه و با سوء نظر و وقاحتی بی‌نظیر به خود اجازه می‌دهند این چنین فحاشی کثیفی را نسبت به رهبری کنفدراسیون جهانی اعمال کنند و هویت کارداران واحدی به یک چنین بی‌شرمی سبک مغزانه‌ای بی توجه مانده که نتیجه آن از نظر ما روشن است. لازم می‌دانیم که شما فوراً صورت جلسه این جلسات را به همراه نظر کتبی هیئت کارداران در مورد نکات فوق برای ما ارسال دارید. می‌خواهیم که ارسال این مدارک تا اول نوامبر ۷۴ انجام پذیرد. چه رسیدگی و تصمیم فوری در مورد واحدی که چنین ابرازاتی در آن رواج پیدا کرده است ضرورت کامل دارد.

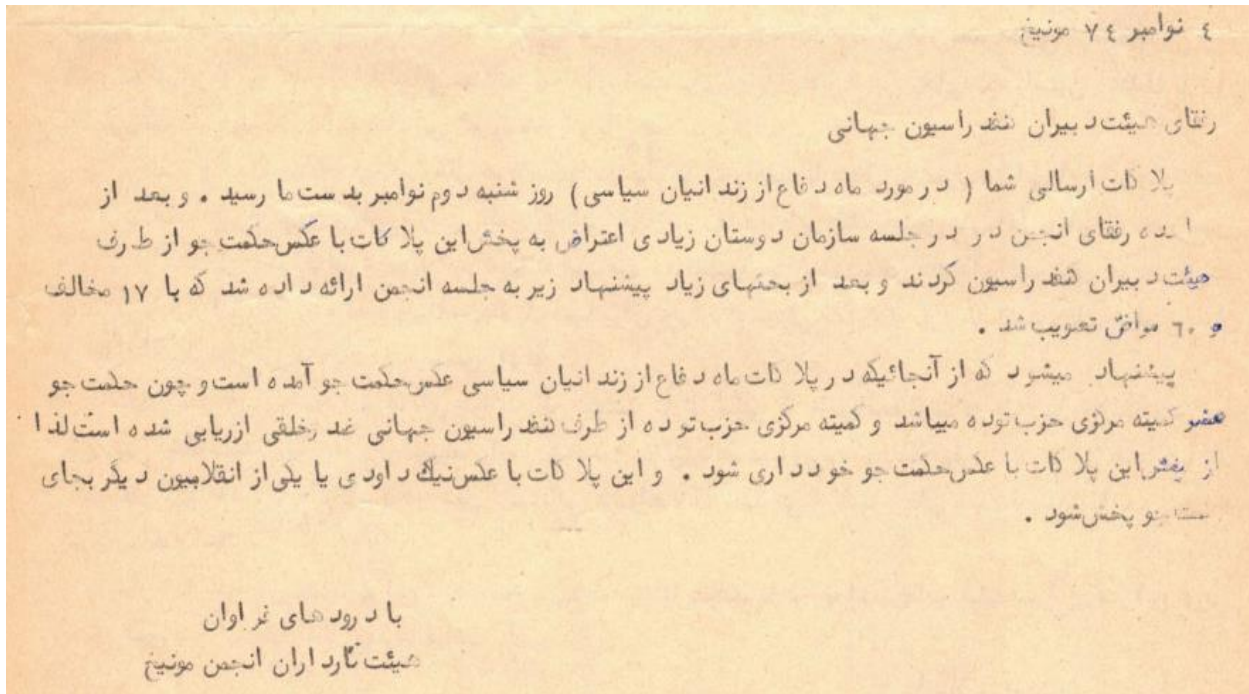
منتظر جواب فوری شما

هیئت دبیران موقت کنفدراسیون جهانی"

سند شماره ۱۵ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم

مندرج در فصل شانزدهم بخش: (اختلافات و انشعاب رسمی در کنگره ۱۶ بر سر مواضع ارتجاعی "هیأت دبیران موقت")

۴ نوامبر ۷۴ مونیخ رفقای هیأت دبیران کنفدراسیون جهانی



سند شماره ۱۵ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم

مندرج در فصل شانزدهم بخش: (اختلافات و انشعاب رسمی در کنگره ۱۶ بر سر مواضع ارتجاعی "هیأت دبیران موقت")

"۴ نوامبر ۷۴ مونیخ

رفقای هئیت دبیران کنفدراسیون جهانی

پلاکات ارسالی شما (درمورد ماه دفاع از زندانیان سیاسی) روز شنبه دوم نوامبر به دست ما رسید. و بعد از مشاهده رفقای انجمن در جلسه سازمان، دوستان زیادی اعتراض به بخش این پلاکات با عکس حکمت‌جو از طرف هئیت دبیران کنفدراسیون کردند و بعد از بحث‌های زیاد پیشنهاد زیر به جلسه انجمن ارائه داده شد که با ۱۷ مخالف و ۶۰ موافق تصویب شد. پیشنهاد می‌شود که از آنجائی که در پلاکات ماه دفاع از زندانیان سیاسی عکس حکمت‌جو آمده است و چون حکمت‌جو عضو کمیته مرکزی حزب توده می‌باشد و کمیته مرکزی حزب توده از طرف کنفدراسیون جهانی ضدخلقی ارزیابی شده است لذا از بخش این پلاکات با عکس حکمت‌جو خودداری شود. و این پلاکات با عکس نیک داودی یا یکی از انقلابیون دیگر به جای حکمت‌جو بخش شود.

با درودهای فراوان

هئیت کارداران انجمن مونیخ"

سند شماره ۱۶ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم

مندرج در فصل شانزدهم بخش: (اختلافات و انشعاب رسمی در کنگره ۱۶ بر سر مواضع ارتجاعی "هیأت دبیران موقت")

فرانکفورت ۷ نوامبر ۷۴ "برای قرائت در جلسه عمومی" هیئت کارداران انجمن مونیخ

فرانکفورت ۷ نوامبر ۷۴

"برای قرائت در جلسه عمومی"

هیئت کارداران انجمن مونیخ

نامه مورخ ۴ نوامبر ۷۴ شما را دریافت داشتیم. برای ما تصعب آور است که هیئت کارداران یک واحد قضایی کنفدراسیون جهانی هنوز به ابتدائی ترین اصول تشکیلاتی و اساسنامه کنفدراسیون جهانی آشنائی ندارد و پیشنهادی را که پلان نامه صریح اساسنامه کنفدراسیون جهانی است قابل طرح مجمع عمومی دانسته و حتی از این هم فراتر رفته و تصمیم ضد تشکیلات اکثریتی را بموقع اجراء درآورده است. مضافاً اینکه در تماس تلفنی دبیران کنفدراسیون نظر و رای صریح خود را به هیئت کارداران انجمن ابلاغ کرده اند. برای اطلاع شما یک بار دیگر ماده صریح اساسنامه کنفدراسیون جهانی و نظر خود را ذکر میکنیم و از شما میخواهیم فوراً بدان عمل کنید.

در بخش ب- حقوق اجتماعی و سازمانی ماده ۱۰ چنین آمده است "روابط درون سازمانی کنفدراسیون جهانی بر اساس مرکزیت دمکراتیک استوار است و لذا تمام تصمیمات هیئت دبیران برای همه واحد های عضو لازم الاجراء است. در عین حال هر واحد عضو کنفدراسیون از این حق دمکراتیک برخوردار است که در عین اجرای تصمیمات هیئت دبیران میتواند اعتراضات و انتقادات خود را نسبت باین تصمیمات از طریق مراتب سازمانی مطرح سازد".

نکاتی را که بر روی آن تکیه کرده ایم روشن است. واحد شما مانند همه واحد های عضو میبایست تصمیم ابلاغ شده از طرف دبیران را اجراء کند و در عین اجرای تصمیمات هیئت دبیران، اعتراضات و انتقادات خود را نسبت باین تصمیمات از طریق مراتب سازمانی مطرح سازد. نه اینکه با پیشنهاد ضد اساسنامه ای تصمیمات سرخودی گرفته و آنرا با اجراء در آورید و در نتیجه مستقیماً خود را خارج روایت و موازین تشکیلاتی کنفدراسیون قرار دهید. پلاکات تهیه شده از طرف ما بهمان شکل اصلی و با عکس پروریز حکمت جو باید پخش شود. اعتراضات و انتقادات خود را میتوانید برای ما ارسال دارید. ما مستقیماً باین انتقادات و اعتراضات رسیدگی کرده و در صورت لزوم آنرا به شورای عالی کنفدراسیون جهانی واگذار خواهیم کرد.

وظیفه دارید فوراً بمجرد دریافت نامه پلاکاتهای خود ساخته را جمع آوری کرده و پلاکاتهای اصلی کنفدراسیون را پخش نمائید. اگر قرار باشد عدم توافق هر واحد با نشریات کنفدراسیون جهانی به تفسیر این یا آن نکته و این یا آن عکس منجر گردد و اگر قرار باشد دستورات دبیران باین ترتیب ضد اساسنامه ای از طرف واحد ها لغو شود در آن صورت واحد مذکور خود را عیاناً در خارج از حیطه تشکیلاتی کنفدراسیون جهانی قرار داده و ادامه رهبری و کار کنفدراسیون در صورت تکرار اینگونه تخطی های غیر تشکیلاتی بسیار مشکل میگردد. ما در اینجا نمیخواهیم ابراز کنیم که عمل واحد مونیخ برای انجام نکته فوق بوده و آنرا حمل بر عدم اطلاع هیئت کارداران و اعضای واحد مونیخ از اساسنامه و ابتدائی ترین اصول تشکیلاتی کنفدراسیون جهانی میکنیم.

دبیران موقت کنفدراسیون جهانی

سند شماره ۱۶ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم

مندرج در فصل شانزدهم بخش: (اختلافات و انشعاب رسمی در کنگره ۱۶ بر سر مواضع ارتجاعی "هیات دبیران موقت")

"فرانکفورت ۷ نوامبر ۷۴"

"برای قرائت در جلسه عمومی"

هئیت‌کارداران انجمن مونیخ

نامه مورخ ۴ نوامبر ۷۴ شما را دریافت داشتیم. برای ما تعجب‌آور است که هئیت‌کارداران یک واحد قدیمی کنفدراسیون جهانی هنوز به ابتدائی‌ترین اصول تشکیلاتی و اساسنامه کنفدراسیون جهانی آشنائی ندارد و پیشنهادی را که خلاف ماده صریح اساسنامه کنفدراسیون جهانی است قابل طرح مجمع عمومی دانسته و حتی از این هم فراتر رفته و تصمیم ضدتشکیلاتی اکثریتی را به موقع اجراء در آورده است. مضافاً اینکه در تماس تلفنی دبیران کنفدراسیون نظر و رای صریح خود را به هئیت‌کارداران انجمن ابلاغ کرده‌اند. برای اطلاع شما یک بار دیگر ماده صریح اساسنامه کنفدراسیون جهانی و نظر خود را ذکر می‌کنیم و از شما می‌خواهیم فوراً بدان عمل کنید.

در بخش ب- حقوق اجتماعی و سازمانی ماده ۱۰ چنین آمده است: "روابط درون سازمانی کنفدراسیون جهانی بر اساس مرکزیت دمکراتیک استوار است و لذا تمام تصمیمات هئیت دبیران برای همه واحد‌های عضو لازم‌الاجراء است. در عین حال هر واحد عضو کنفدراسیون از این حق دمکراتیک برخوردار است که در عین اجرای تصمیمات هئیت دبیران می‌تواند اعتراضات و انتقادات خود را نسبت به این تصمیمات از طریق مراتب سازمانی مطرح سازد."

نکاتی را که بر روی آن تکیه کرده‌ایم روشن است. واحد شما مانند همه واحدهای عضو می‌بایست تصمیم ابلاغ شده از طرف دبیران را اجراء کند و در عین اجرای تصمیمات هئیت دبیران و اعتراضات و انتقادات خود را نسبت به این تصمیمات از طریق مراتب سازمانی مطرح سازد. نه اینکه با پیشنهاد ضد اساسنامه‌ای تصمیمات سرخودی گرفته و آنرا به اجراء در آورید و در نتیجه مستقیماً خود را خارج روابط و موازین تشکیلاتی کنفدراسیون قرار دهید. پلاکات تهیه شده از طرف ما به همان شکل اصلی و با عکس پرویز حکمت‌جو باید پخش شود. اعتراضات و انتقادات خود را می‌توانید برای ما ارسال دارید. ما مستقیماً به این انتقادات و اعتراضات رسیدگی کرده و در صورت لزوم آنرا به شورای عالی کنفدراسیون جهانی واگذار خواهیم کرد.

وظیفه دارید فوراً به مجرد دریافت نامه پلاکات‌های خود ساخته را جمع‌آوری کرده و پلاکات‌های اصلی کنفدراسیون را پخش نمایید. اگر قرار باشد عدم توافق هر واحد با نشریات کنفدراسیون جهانی به تغییر این یا آن نکته و این یا آن عکس منجر گردد و اگر قرار باشد دستورات دبیران به این ترتیب ضد اساسنامه‌ای از طرف واحدها لغو شود در آن صورت واحد مذکور خود را عیاناً در خارج از حیطه تشکیلاتی کنفدراسیون جهانی قرار داده و ادامه رهبری و کار کنفدراسیون در صورت تکرار این گونه تخطی‌ها غیرتشکیلاتی بسیار مشکل می‌گردد. ما در اینجا نمی‌خواهیم ابراز کنیم که عمل واحد مونیخ برای انجام نکته فوق بوده و آنرا حمل بر عدم اطلاع هئیت‌کارداران و اعضای واحد مونیخ از اساسنامه و ابتدائی‌ترین اصول تشکیلاتی کنفدراسیون جهانی می‌کنیم.

هئیت دبیران موقت کنفدراسیون جهانی"

سند شماره ۱۷ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم

مندرج در فصل شانزدهم بخش: (اختلافات و انشعاب رسمی در کنگره ۱۶ بر سر مواضع ارتجاعی "هیأت دبیران موقت")

۱۱/۱۱/۷۴ مونیخ رفقای هیئت دبیران

۱۱ / ۱۱ / ۷۴ مونیخ
رفقای هیئت دبیران

نامه ای از شنبه تاریخ ۲۴ اکتبر ۷۴ رسید که میبایستی بر طبق آن هیئت ارداران اعلان موضع کرده و آنرا برای هیئت دبیران ارسال دارند. معنا هیئت دبیران خواسته بودند تا این نامه در جلسه عمومی آنان قرائت گردد. اتفاق ما به شرط درست تر همین است. هیئت دبیران بر پایه یک نامه مضررانه نامه ای با انجمن مونیخ ارسال میدارند و بدون آنکه از وضعیت و سقم نامه عده ای که مالدی را یا غرض روزی به دبیران نوشته اند اطلاع پیدا داشته باشند انجمن را متوجه به رواج شیوه های ناسالم کرده و بدنیال آن بدویر میانی هیئت کارداران را بی توجه به "بی شوقی سیک جزائیه و فطشی کشیف" قطع میگرداند و بالاخره هم صادر کرده و اعلام میکنند "نتیجه از نظر ما روشن است. از دو حال خارج نیست یا برای هیئت دبیران نامه ای که بدستشان رسیده میتواند پایه قضاوت باشد که در آن صورت ارسال نامه از جانب ما و اعلان موضع ما موردی ندارد چون دبیران مالک برایشان مسلم است و نظر خود را نسبت به انجمن داده اند یا آنکه دبیران برای تحقیق و روشن شدن امر به ما رجوع کرده اند که دیگر قرائت نامه در انجمن چه لزومی دارد. انجمن را خود را درباره اعلامیه هیئت دبیران پیش از دو ماه است ارسال داشته و حتی تقاضای جلب آنرا در پلتن کرده. مورد خطاب هیئت دبیران قرار گیرد پایه و ملاک قضاوت نامه ای بود که از طرف انجمن قطعاً ارسال شده و اگر طر واقع اگر میخواست انجمن صورت خطاب بودیم هیئت دبیران میتوانند مستقیماً با ما تماس بگیرند. هیئت دبیران بسیاری از موارد با ما در ارتباط بخصوص ارتباط تلفنی بوده اند و از این طریق ط را در جریان مسائلی که بط مربوط شده میکنند. اما بطور شد که اینبار با وجودی که بین نامه ای که این عده نوشته اند و تا شمال به انجمن نامه بنویسید شکافی وقت بوده که وکترین تطبی با ما نگرفته اید و بر پایه یک نامه بی اساس به قضاوت پرداخته اید. یک نامه نوا آمد و یا گاه و گاه نویسندگان نامه ابراز میکنند ارتباطی چند به ما و کل انجمن بسته اند بطوریکه ما را متهم کنند این نامه اند که ما در جلسه ای اعلان کرده ایم هر کسی حق دارد هر جمله و عبارتی را علیه دبیران ایراد دارد و ما مسئولیت قبول میکنیم. این اتهام بی شرمانه ایست که عده ای به ما نسبت میدهند. متأسفانه تصورات طغیان انجمن مونیخ در اثر نال و بلای عده ای که بطور مستمر بدان دامن میزنند بسیار بد است. این عده گفتن هر جمله و عبارتی را محارز میسازند. مخالفین خود را عامل "امپریالیسم انگلیسی" افراد "ملهم از میزگرید سازبان امنیت در تلویزیون ایران" "ارتجاعی" "مجازات مردم" و "دجریک" میخوانند. به بد سوختنی میگویند "شرف روزنامه کیهان از شما بیشتر است" و یا اینکه "ثابتی" امور از آن امنیت را به همین بد سوختنی ترجیح میدهد حتی این بخش وسیع انجمن را طمی رژیم شاه و امپریالیسم امریکا دانسته و چنین ادعا میکنند که "خدا آنها را لاشائی تعیین میکند". اگر از این هم بدتر شده برای بر هم زدن انصاف انان در مقابل دیگران از کلماتی مثل "خفه شو" "بتمرد" و یا "مردک مال" استفاده میکنند. متأسفانه این کلمات از دهان عده ای خارج میشود که سابق طولانی در کنفدراسیون داشته و حتی دارای مسئولیتهای بزرگی بوده اند. نگاهی که نماینده کنگره مسئله نسبت سازمان دادن به دبیر فدراسیون را شرح میداد و می گفت یکی از دلایلی که برای اقامه این دعوی ارائه شد این بود که چرا ما این مورد نظر داریم. اسب بظنر است به ناگهان یکی از افراد سابقه دار (که زبانی مسئولیت دبیر فدراسیون را محترمانه پرسید "فقط همین یک دلیل؟") هنگامی که جلسه انجمن دستفروش افشا شد و عده ای خواستار شدند تا نامبرده برای اثبات این دعوی دلایل دیگر را ارائه دهد حاضر شد. طه خود را "بطراطر شلوغ شدن انجمن"

پس بگیرد و نه بر مبنای اینکه دادن چنین نسبتی را بخصوص به یکی از دبیران نادرست تشخیص میدهد. اگر قرار باشد
بر این مبنای مورد خطاب قرار گیریم در واقع پس از هر جلسه میبایستی مورد مواخذه واقع شویم چون این عبارات از طرف
مدونهای بحث و فور نسبت به بقیه نثار میشود. متأسفانه نامه شما و بخصوص تراثت آن در انجمن آنها را در کار خود
بیشتر کرد. در اینجا بکرات انجمن و بخصوص کارداران را متهم به اعمال "شیوه فاشیستی" کرده اند یکی از دلایل
افراد بخصوص شخصی که این جمله را مکرر گفته این بود که آنرا حق اظهار نظر ندارند. بشهادت تمام حاضرین در
انجمن تک تک این افراد بخصوص شخصی که این عبارت را بدفعات گفته از هر فرد دیگر انجمن بیشتر اظهار نظر
نموده و بیشتر از سایرین بصحبت پرداخته اند. یکی دیگر از دلایلی که برای اثبات این مدعی ارائه میدهند اینست که چرا
در یکی از جلسات انجمن بجای مقاله "مبارزات مردم" مقاله "گرانی" در دستور کار جلسه انجمن بود. دلیل آن کاملاً
درست بود. پس از سره فدراسیون انجمن تصمیم گرفت پیشنهادات دبیران فدراسیون را (که در شورای عالی به تصویب رسید
در بخش به ترتیب به بحث انجمن گذارد و مقاله "مبارزات مردم" که مربوط به یکی از همین شعبه بود در سطح حضور
دارد بود. همانا در این جلسه انجمن که پس از تکرار فدراسیون بود تقریباً در تمام آنها آتم سر به بسیار ناپاطی وجود
داشت. کارداران تصمیم گرفتند برای تخفیف در اتم سایر جلسات لایق در یک جلسه تعی را مورد بررسی گذارند تا شاید
لااقل یک جلسه بدون برخورد ناپاطی این عده برگزار گردد و سپس به ترتیب تمهای پیشنهادی که "مبارزات مردم" هم یکی
از آنها بود در دستور کار قرار گیرد تا وقتیکه این توضیحات بکرات باین عده داده شد ولی متأسفانه برخلاف آرزو
و انتظار ما همین جلسه هم معلق برای اغتشاش از طرف این عده شد. ما را متهم کردند چون "مخالف مبارزات مردم"
هستیم و از روشن شدن حقایق و این مورد تبریر داریم از باین زمان به بحث در این زمینه طول بکشد. ما دوستند
بودیم که با شکیبائی و تواضع عبورانه این عده را از شیوه ناپاطی خود بازداریم بهمین دلیل انجمن برای بازگرداندن
اتمسفری دوستانه خود باین کار همت گذاشته بدون آنکه برای حل آن بنویشتن نامه های شوه آمیز به هیئت دبیران
و با هیئت ورزب وجه در غیر این صورت انجمن مجبور بود برای هر جلسه و برخوردی های غیر دوستانه عده ای نامه برای هیئت
دبیران ارسال دارد.

رفقا موضوع ما کاملاً روشن است موضوع ما همان چیزی است که بیش از دو ماه پیش از طرف انجمن برای شما ارسال
شد موضوع دیگر داشته چنانچه یکی از آن نامه آمده اعلان کردیم ما قبلاً هم چند بار بنا بر توصیه انجمن
از شما درخواستهای در یکی از جلسات ما شرکت کنید. امیدواریم اکنون که خودتان هم آمدن به موضوع را اعلان کرده اید
در یکی از جلسات آینده انجمن شرکت جوید نکته دیگری قابل تذکر است. هنگامی که یکی از دوستان اعلان کرد
نامه ای از طرف عده ای برای شما ارسال کرده فوراً اافه کرد که این نامه (در واقع همان نامه ای که شما بان استناد
ایند در یکی از مباحث فرستگي قرائت شده در صورتیکه نه انجمن و نه کارداران از این امر اطلاع نداشته ما -
راستیم اعتراض خود را در مورد عمل این عده قبلاً ب شما اعلان کنیم که چون نامه ای از شما رسید تصمیم گرفتیم که
این نامه را در همین نامه تذکر دهیم. ما اقدام این افراد را که در از نظر انجمن نامه ای برای یکی از ارگانهای انجمن
فرستاده و بدون اطلاع انجمن و کارداران شما ارسال کرده اند عطف کاملاً ضد تشکیلاتی دانسته و باین کار
تذکیر و انتقاد میکنیم.

با درود های فراوان
هیئت اجراییه

که چرا در یکی از جلسات انجمن به جای مقاله "مبارزات مردم" مقاله "گرانی" در دستور کار جلسه انجمن بود. دلیل آن کاملاً روشن بود. پس از کنگره فدراسیون انجمن تصمیم گرفت پیشنهادات دبیران فدراسیون را (که در شورای عالی به تصویب رسید) در چند بخش به ترتیب به بحث انجمن گذارد و مقاله "مبارزات مردم" که مربوط به یکی از همین تم‌ها بود در جای خود مطرح بود. ضمناً در چندین جلسه انجمن که پس از کنگره فدراسیون بود تقریباً در تمام آنها آتمسفر بسیار نابجائی وجود داشت. کارداران تصمیم گرفتند برای تخفیف در آتمسفر جلسات لااقل در یک جلسه تمی را مورد بررسی گذارند تا شاید لااقل یک جلسه بدون برخورد نابجای این عده برگزار گردد و سپس به ترتیب تم‌های پیشنهادی که "مبارزات مردم" هم یکی از آنها بود در دستور کار قرار گیرد با وجودی که این توضیحات به کرات به این عده داده شد ولی متأسفانه بر خلاف آرزو و انتظار ما همین جلسه هم محلی برای اغتشاش از طرف این عده شد. ما را متهم کردند چون "مخالف مبارزات مردم" هستیم و از روشن شدن حقایق در این مورد ترس داریم از دامن زدن به بحثی در این زمینه جلوگیری می‌کنیم. ما معتقد بودیم که با شکیبائی و تواضع صبورانه این عده را از شیوه نابجای خود بازداریم به همین دلیل انجمن برای بازگرداندن آتمسفری دوستانه خود به این کار همت گماشته بدون آنکه برای حل آن به نوشتن نامه‌های شکوه‌آمیز به هئیت دبیران مبادرت ورزد چه در غیر این صورت انجمن مجبور بود برای هر جلسه و برخوردهای غیردوستانه عده‌ای نامه برای هئیت دبیران ارسال دارد.

وفقاً موضع ما کاملاً روشن است موضع ما همان چیزی است که بیش از دو ماه پیش از طرف انجمن برای شما ارسال شد نه موضع دیگر داشته‌ایم و نه چیز دیگری جز آنچه در آن نامه آمده اعلان کرده‌ایم ما قبلاً هم چند بار بنا به توصیه انجمن از شما خواسته‌ایم در یکی از جلسات ما شرکت کنید. امیدواریم اکنون که خودتان هم آمدن به مونیخ را اعلان کرده‌اید در یکی از جلسات آینده انجمن شرکت جوئید نکته دیگری قابل ذکر است. هنگامی که یکی از دوستان اعلان کرد که نامه‌ای از طرف عده‌ای برای شما ارسال کرده فوراً اضافه کرد که این نامه (در واقع همان نامه‌ای که شما به آن استناد کرده‌اید) در یکی از مناطق فرهنگی قرائت شده در صورتی که نه انجمن و نه کارداران از این امر اطلاع نداشتند ما می‌توانستیم اعتراض خود را در مورد عمل این عده قبلاً به شما اعلان کنیم که چون نامه‌ای از شما رسید تصمیم گرفتیم که این نکته را در همین نامه تذکر دهیم. ما اقدام این افراد را که دور از نظر انجمن نامه‌ای در یکی از ارگان‌های انجمن قرائت کرده و بدون اطلاع انجمن و کارداران به شما ارسال کرده‌اند عملی کاملاً ضدتشکیلاتی دانسته و به این کار شدیداً انتقاد می‌کنیم.

با دروذهای فراوان
هئیت اجراییه مونیخ"

سند شماره ۱۸ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم

مندرج در بخش: (اختلافات و انشعاب رسمی در کنگره ۱۶ بر سر مواضع ارتجاعی "هیأت دبیران موقت")

(نامه هیئت دبیران موقت کنفدراسیون جهانی به هیئت کارداران انجمن مونیخ) فرانکفورت ۱۴ نوامبر ۷۴

(نامه هیئت دبیران موقت کنفدراسیون جهانی
به هیئت کارداران انجمن مونیخ)

فرانکفورت ۱۴ نوامبر ۷۴

هیئت کارداران سازمان مونیخ

برای قرائت در جلسه عمومی

نامه مورخ ۱۱ نوامبر هیئت کارداران سازمان شما را دریافت داشتیم در این نامه ابداء در مورد مسائل مورد سؤال ما جوابی نیامده است و بجای آن برخی مسائل دیگر در مورد کارشکنیهای عدهای مطرح شده است. ما لازم دیدیم بدلیل ادامه برخی از روشهای انجمن شما نکاتی را توضیح دهیم:

در تماس تلفنی با یکی از اعضای هیئت کارداران شما معلوم گشت که هیئت کارداران و اکثریت انجمن نامه دبیران کنفدراسیون مورخ ۷ نوامبر را وارد ندانسته و کماکان کار ضد تشکیلاتی و ضد اساسنامه ای خود را توجیه کرده اند. ما بشما خاطرنشان ساختیم که بررسی اعمال دبیران کنفدراسیون و ارزیابی حتی تخلف دبیران از مصوبات و اساسنامه کنفدراسیون جهانی وظیفه یک واحد محلی نبوده بلکه در حیطه وظائف ارگانهای بالاتر کنفدراسیون و شورای عالی و کنگره است.

واحد شما بدون توجه به موازین تشکیلاتی کنفدراسیون بیان و عمل مشخصی در جهت تضعیف رهبری و نفی مرکزیت از طریق توهین مستقیم به دبیران کنفدراسیون در جلسه عمومی و عدم اجرای دستورات مرکزیت و اجراء نظر واحد متناقض با این دستورات برآمده است.

بنابراین و پس از تذکرات پی در پی دبیران خود را آگاهانه خارج از موازین و اساسنامه کنفدراسیون قرار داده و غیر مستقیم اعلام استقلال از کنفدراسیون جهانی کرده است. و آن هم درست در زمانیکه بحث انشعاب و انشعابگری در کنفدراسیون جهانی مطرح شده است. پس از عدم قبول موازین و اصول تشکیلاتی کنفدراسیون جهانی و عدم اصلاح انحراف و سرپیچی، بعد از تذکرات پی در پی، از جانب شما دبیران کنفدراسیون باین نتیجه رسیده اند که واحد مونیخ بنحوی از انحاء کوشش دارد با نفی رهبری و اساسنامه کنفدراسیون مستقلاً عمل کند.

بنا بر آنچه که ذکر شد اعلام میداریم با هیئت کارداران و واحد مونیخ رابطه تشکیلاتی خود را قطع کرده و واحد مذکور را تا سرکشی دبیران کنفدراسیون که فقط وقت آن

باطلاع شما میرسد جزء سازمانهای پیوسته کنفدراسیون نمیدانیم و این واحد را تا تعیین تکلیف نهائی واحدی معلق اعلام میداریم، چه واحد شما با روشی که در پیش گرفته است و تکرار مرتب آن نشان داده است که مایل با اجرای دستورات مرکزیت نیست و هر تماس تشکیلاتی در نتیجه بیفایده بوده و شما بنا به نظر خود آن را اجرا و یا عکس آن را عمل خواهید کرد. یک چنین رابطه‌ای نمیتواند بعنوان رابطه جزء پیوسته با مرکزیت بحساب آید.

این تصمیم تا اعلام نتیجه سرکشی ما و یا تصمیم مراجع بالاتر کنفدراسیون جهانی شورای عالی و کنگره بقوت خود باقی است.

هیئت دبیران کنفدراسیون جهانی

رونوشت به هیئت دبیران فدراسیون آلمان

رونوشت به شورای عالی کنفدراسیون جهانی

سند شماره ۱۸ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم

"(نامه هیئت دبیران موقت کنفدراسیون جهانی

به هیئت کارداران انجمن مونیخ)

فرانکفورت ۱۴ نوامبر ۷۴

هیئت کارداران سازمان مونیخ

برای قرائت در جلسه عمومی

نامه مورخ ۱۱ نوامبر هیئت کارداران سازمان شما را دریافت داشتیم در این نامه ابدأ در مورد مسائل مورد سؤال ما جوابی نیامده است و به جای آن برخی مسائل دیگر در مورد کارشکنی‌های عده‌ای مطرح شده است. ما لازم دیدیم به دلیل ادامه برخی از روش‌های انجمن شما نکاتی را توضیح دهیم:

در تماس تلفنی با یکی از اعضای هیئت کارداران شما معلوم گشت که هیئت کارداران و اکثریت انجمن نامه دبیران کنفدراسیون مورخ ۷ نوامبر را وارد ندانسته و کماکان کار ضدتشکیلاتی و ضد اساسنامه‌ای خود را توجیه کرده‌اند. ما به شما خاطر نشان ساختیم که بررسی اعمال دبیران کنفدراسیون و ارزیابی حتی تخلف دبیران از مصوبات و اساسنامه کنفدراسیون جهانی وظیفه یک واحد محلی نبوده، بلکه در حیطه وظایف ارگان‌های بالاتر کنفدراسیون و شورای عالی و کنگره است.

واحد شما بدون توجه به موازین تشکیلاتی کنفدراسیون بیان و عمل مشخصی در جهت تضعیف رهبری و نفی مرکزیت از طریق توهین مستقیم به دبیران کنفدراسیون در جلسه عمومی و عدم اجرای دستورات مرکزیت و اجراء نظر واحد متناقض با این دستورات بر آمده است.

بنابراین و پس از تذکرات پی در پی دبیران خود را آگاهانه خارج از موازین و اساسنامه کنفدراسیون قرار داده و غیر مستقیم اعلام استقلال از کنفدراسیون جهانی کرده است و آن هم درست در زمانی که بحث انشعاب و انشعابگری در کنفدراسیون مطرح شده است. پس از عدم قبول موازین و اصول تشکیلاتی کنفدراسیون جهانی و عدم اصلاح انحراف و سر پیچی، بعد از تذکرات پی در پی، از جانب شما دبیران کنفدراسیون به این نتیجه رسیده‌اند که واحد مونیخ به نحوی از انحاء کوشش دارد با نفی رهبری و اساسنامه کنفدراسیون مستقلاً عمل کند.

بنا بر آنچه که ذکر شد اعلام می‌داریم با هیئت کارداران و واحد مونیخ رابطه تشکیلاتی خود را قطع کرده و واحد مزبور را تا سرکشی دبیران کنفدراسیون که فقط وقت آن به اطلاع شما می‌رسد جزء سازمان‌های پیوسته کنفدراسیون نمی‌دانیم و این واحد را تا تعیین تکلیف نهائی واحدی معلق اعلام می‌داریم، چه واحد شما با روشی که در پیش گرفته است و تکرار مرتب آن نشان داده است که مایل به اجرای دستورات مرکزیت نیست و هر تماس تشکیلاتی در نتیجه بی‌فایده بوده و شما بنا به نظر خود آن را اجرا و یا عکس آن را عمل خواهید کرد. یک چنین رابطه‌ای نمی‌تواند به عنوان رابطه جزء پیوسته با مرکزیت به حساب آید. این تصمیم تا اعلام نتیجه سرکشی ما و یا تصمیم مراجع بالاتر کنفدراسیون جهانی شورای عالی و کنگره به قوت خود باقی است.

هیئت دبیران کنفدراسیون جهانی

رونوشت به هیئت دبیران فدراسیون آلمان

رونوشت به شورای عالی کنفدراسیون جهانی"

سند شماره ۱۹ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم

مندرج در فصل شانزدهم بخش: (اختلافات و انشعاب رسمی در کنگره ۱۶ بر سر مواضع ارتجاعی "هیأت دبیران موقت")

اظهار نظر انجمن مونیخ در مورد معلق کردن عضویت این واحد توسط هیئت دبیران موقت کنفدراسیون.

**اظهار نظر انجمن مونیخ در مورد معلق کردن عضویت این واحد
توسط هیئت دبیران موقت کنفدراسیون.**

به شورای عالی کنفدراسیون. به شورای عالی فدراسیون آلمان. رونوشت به دبیران
کنفدراسیون. رونوشت به دبیران فدراسیون آلمان.

رفقای گرامی

در ۱۴ نوامبر ۱۹۷۴ هیئت دبیران موقت کنفدراسیون پس از یک سری برنامه‌های
مقدماتی انجمن مونیخ را معلق اعلان کرده و روابط تشکیلاتی خود را با این انجمن قطع
کردند. گرچه این اقدام از نظر ما عجیب بنظر نمیرسد ولی در میان توده دانشجویی
بخصوص در سطح فدراسیون آلمان انعکاس وسیع و سریع همراه با شگفتی داشت.

ما در این نامه ماهیت این اقدام را روشن خواهیم کرد ولی بجاست برای روشن ساختن
آن، شناخت موقعیت مونیخ و کینه نیروهای ارتجاعی نسبت باین واحد کمی به عقب
برگردیم تا بتوانیم این اقدام هیئت دبیران موقت را بخصوص در این شرائط همه جانبه‌تر
بررسی کنیم. واحد مونیخ یکی از قدیمی‌ترین واحدهای کنفدراسیون بشمار میرود.
تاریخ سنن مبارزاتی و فعالیتهای این واحد حتی از تاریخ فعالیتهای کنفدراسیون بیشتر
است. هنگامی که رژیم ایران تازه با کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد دیکتاتوری فاشیستی
خود را بر سراسر ایران مستولی کرده بود دانشجویان مبارز مونیخ با شکل و مبارزه خود

در افشای این حکومت ترور، جسارتی بی نظیر از خود نشان میدادند. با یاری همین دانشجویان مبارز مونیخ و همراهی سایر دانشجویان مبارز ایرانی در آلمان، سداما (سازمان دانشجویان ایرانی مقیم آلمان) پا بعرضه وجود نهاد. این سازمان در دفاع از منافع دانشجویان، بالابردن سطح آگاهی دانشجویان و روشن نمودن افکار عمومی نقش ارزنده‌ای داشت. واحد مونیخ یکی از پایه‌های این سازمان بود که در آن شرائط توان بی نظیری در اجرای مشی صحیح دانشجویی از خود نشان داد. با وجود اینکه چندی بعد سازمان سداما رو به پراکندگی رفت فعالیت دانشجویان مونیخ به سکون نکشید تا بالاخره آنها توانستند واحد دانشجویی مونیخ را از نو زنده کنند. پس از یک پروسه کوتاه، واحد مونیخ و واحدهای دانشجویی دیگر که در اروپا بوجود آمده بودند کنفدراسیون اروپائی را بنا نهادند که بعدها به کنفدراسیون جهانی تبدیل گردید. بدین ترتیب دیده میشود که واحد مونیخ یکی از پایه‌گذاران کنفدراسیون بوده و دارای بیش از بیست سال سنت مبارزاتی است. این واحد به شهادت تاریخ مبارزاتش در کلیه اکسیونهای کنفدراسیون بمثابة یک واحد پرتوان و پیشرو قدم به پیش گذاشته و در تمام دوران فعالیتش بی وقفه در تقویت کنفدراسیون کوشیده. بیهوده نیست که از همان ابتدا آماج کینه حیوانی کلیه عناصر و دستگاههای ارتجاعی بوده و جملگی آنها نقشه نابودی واحد مونیخ را در سر میپرورانده‌اند. نقشه‌های شومی که ارتجاع علیه واحد ما طرح ریزی کرده و میکند از شمارش خارج است. در همین یکی دو سال اخیر سازمان امنیت انواع تشبثات را شدیدتر از گذشته علیه انجمن ما بکار گرفت. دست بسرقت خانه سه تن از رفقای انجمن زد، اوباشان و چاقو کشان خود را سر راه رفقای انجمن قرار دارد، دست به تشکیل انجمن باصطلاح دانشجویی زد، انواع برنامه‌های تبلیغی را براه انداخت، از طریق گماشتگان خود رفقای انجمن را مورد تهدید قرار داد تا از شرکت آنها در فعالیتهای واحد مونیخ جلوگیری کند. در کنار آن پلیس مونیخ را برآن داشت که فشار خود را بر رفقای انجمن شدت بخشد. پلیس مونیخ هم بر مبنای همکاری خود با ساواک حمله آشکارتری را نسبت بانجمن روا داشت. کراراً لیست اسامی انجمن را خواستار شد. نام رفقای را که در اشغال کنسولگری مونیخ شرکت داشتند به ساواک سپرد که تمام آن اسامی در روزنامه‌های ایرانی درج گردید. چندی است که آنها شرائط اقامت در مونیخ را بی نهایت دشوار کرده‌اند بطوری که از تمام افراد برای دادن اقامت طلب سپرده بانکی که مبلغ آن بیش از هزار مارک است کرده و با این وجود پلیس این شهر از دادن

اقامت بعده بسیاری بدون هیچ دلیل خودداری میکند. تقریباً درهای تمام آموزشگاههای عالی مثل دانشگاه فنی، دانشگاه و پلی تکنیک را بروی ایرانیان بسته اند. "کمیته مرکزی حزب توده" هم پایای تمام مرتجعین ضربه بواحد مونیخ را هدف خود قرار داده است. این دستگاه ارتجاعی تنها با آنها همصدا و همقدم است بلکه از آنها پیشی گرفته است. عناصر خرابکار را مکرراً بواحد مونیخ میفرستد تا باغتشاش دست زنند. ورق پاره‌هایی را فقط اختصاص به مونیخ داده که تحت عناوینی مثل "در انجمن مونیخ چه میگذرد" انتشار میدهد. در آخرین پیکار (شماره ۶ سال سوم) مقاله‌ای را فقط اختصاص به مونیخ داده است. درست در یک چنین اوضاعی هیئت دبیران موقت کنفدراسیون واحد مونیخ را معلق اعلان کردند. بر کسی پوشیده نیست که دبیران موقت با این اقدام خود در واقع آرزوی دیرینه "کمیته مرکزی" را برآورده اند. ما یقین داریم که انجمن مونیخ پرتوان و مقاوم به پیش خواهد رفت و دامنه فعالیت خود را گسترده تر خواهد کرد. واحد مونیخ از کوره مبارزه سربلند بیرون آمده. این واحد بحق در میان دانشجویان ایرانی و سازمانهای مترقی و حتی لیبرال خارجی از حیثیت و اعتبار خاصی برخوردار است. این حیثیت و اعتبار در سایه فعالیتهای پیگیر کسب شده. ماهی نمیگذرد که چندین اکسیون یا تحت برنامه ریزی مستقیم این واحد یا تحت برنامه ریزی سازمانهای مترقی و همکاری ما انجام نگیرد. در شش ماه گذشته این واحد بیش از ۵۳ اکسیون برگزار کرد. هیئت دبیران موقت درست زمانی انجمن مونیخ را معلق اعلام کردند که این واحد در تدارک و اجرای اکسیون ماه زندانیان سیاسی و اکسیون افشای تبلیغات رژیم تحت عنوان "هفته ایران" بود. هیئت دبیران موقت کنفدراسیون بخوبی آگاهند بعلت فشاری که به این واحد از طرف دولت آلمان وارد میشود از نظر حقوقی و قضائی در آنچنان شرائطی نیستیم که حتی یک اعلامیه معمولی را به نام خود امضاء کرده و انتشار دهیم. هنوز از دادگاههایی که باین مناسبت برای کارداران دو دوره انجمن گذاشته اند مدت زیادی نمیگذرد. بهمین علت ما پس از این دادگاهها همیشه مجبور بودیم تمام اعلامیه های خود را با امضای CISNU انتشار دهیم. دبیران با معلق کردن مونیخ و قطع رابطه تشکیلاتی سنگ بزرگی در جلوی آکسیونهای اخیر دفاعی ما انداختند. باین ترتیب ما حتی یک اعلامیه هم نمیتوانیم منتشر کنیم چه اینکه نه میتوانیم با امضای واحد مونیخ چنین کاری کنیم و نه حق داریم با قطع رابطه تشکیلاتی که دبیران با ما کرده اند نام CISNU را در زیر اعلامیه های خود بگذاریم. وقتی این نکته از طرف یکی از کارداران به دبیران موقت تذکر داده شد آنها در

نهایت بی اعتنائی از خود سلب مسئولیت کردند. برخورد غیرمسئول هیئت دبیران موقت در واقع بیانگر بی اعتنائی و شاید هم مخالفت آنها با آکسیونهای دفاعی است که اکنون در این واحد در جریان است. برخورد اخیر هیئت دبیران موقت به واحد مونیخ در واقع حلقه ایست از آن سلسله زنجیری که آنها بدور سیاست خود کشیده اند. آنچه آنها در قبال واحد مونیخ انجام داده اند گوشه ای از مجموعه سیاست نادرست آنهاست. بر کسی پوشیده نیست که هیئت دبیران موقت لبه تیز مبارزات ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی کنفدراسیون را رو به کنده برداشته و هر روز هم بر کنده آن میافزایند. بجای آن حمله به درون را در مد نظر قرار داده اند. هیئت دبیران موقت در افشای سیاست ضد خلقی شوروی و روشن نمودن اذهان توده دانشجویی در سیاست توسعه طلبانه و غارتگرانه حکومت شوروی، کوچکترین اقدامی نکردند. در افشای سیاست ضد خلقی و حملات زهرآگین "کمیته مرکزی" نسبت به کنفدراسیون حتی یک مقاله منتشر نکردند. "پیکار" این ارگان ضد کنفدراسیونی حملات بی شرمانه ای به کنفدراسیون کرد ولی دبیران موقت صلاح ندیدند که کوچکترین پاسخی به آنها بدهند. اما همینکه خبر مرگ حکمت جو منتشر شد هیئت دبیران زمینه ای یافتند که از "کمیته مرکزی" این دستگاه ارتجاعی دفاع کنند. در حمله به مخالفین سیاست ضد خلقی "کمیته مرکزی" و حکومت شوروی بهمان شیوه ای توسل جستند که شیوه چندین ساله "کمیته مرکزی" است. در افترا نامه خود (اطلاعیه ۱۱ آگوست) بسبب "کمیته مرکزی" مخالفین خود را صاحب ینش ارتجاعی دانستند و آنها را توطئه گر خواندند. وقتی واحد ما از آنها سؤال کرد که چه کسانی تضاد خلق با شوروی را عمده کرده اند (چیزی که در اطلاعیه ۱۱ آگوست ادعا شده بود) از جواب خودداری کردند. "کمیته مرکزی" در آستانه ماه دفاع از زندانیان سیاسی پلاکاتی با عکس حکمت جو انتشار داد. هیئت دبیران هم بهمین مناسبت در پلاکات خود عکس حکمت جو را در کنار عکس شهدای خلق قرار دادند. "کمیته مرکزی" مخالفین خود را مائویستهای مرتجع، "عناصر بیگانگان" و "توجیه گران جنایات شاه" مینامند. طرفداران سیاست هیئت دبیران موقت هم در واحدها بهمین سبک و سیاق به فحاشی میپردازند. گوئی در این مورد مسابقه ای با "کمیته مرکزی" در جریان است. هیئت دبیران موقت با اقدامات خود در این زمینه در واقع صدای کمیته مرکزی را انعکاس داده اند. دبیران موقت کنفدراسیون با مسئولیت قریب به یک سال خود و با اعمال شیوه ای نابجای تشکیلاتی و تفرقه افکنانه با تعویق مبارزه ضد رژیم و ضد سازمان امنیت و با فراموش

کردن و کنار گذاشتن مبارزه بحق علیه سیاست ضد خلقی شوروی و با آرایش این سیاست و کرشمه با آن نشان داده‌اند که متأسفانه در راهی گام نهاده‌اند که ادامه آن بدون تردید راهی جدا از نهضت خلق ایران خواهد بود. واحد ما شاهد انعکاس سیاست نادرست هیئت دبیران موقت بوده. طرفداران این سیاست قبل از هر چیز اغتشاش و برهم زدن آتمسفر سالم انجمن را وظیفه خود قرار داده‌اند. به مخالفین خود انواع نسبتها را مثل "مهره امپریالیسم" "ملهم از میزگرد سازمان امنیت در تلویزیون" (منظورشان میزگردی است که چندی قبل در تلویزیون ایران تشکیل میشود و لاشائی و نیکخواه درباره ابرقدرت صحبت میکنند). "توجیه کنندگان جنایات شاه" دادند و "حتی شرف کیهان و ثابتی" "مأمور سازمان امنیت را بیش از مخالفین خود دانستند. کار جنجال را بجائی بردند که در پرخاش خود به مخالفین از کلمات بی ادبانه‌ای استفاده کردند که درخور یک مبارز ضد امپریالیست واقعی نیست. هیئت دبیران موقت بجای آنکه با وجود درخواست مکرری که کرده بودیم بواحد مونیخ بیایند و در رفع این اشکالات بکوشند و بر پایه نامه مغرضانه همین افراد نامه حمله آمیزی بواحد مونیخ نوشتند. با وجودی که این نامه برای هیئت کارداران بود خواستار قرائت آن در مجمع عمومی شدند نتیجه آن شد که این افراد در کار خود جری‌تر شدند. بطور مکرر از "دیکتاتوری فاشیستی" در واحد مونیخ صحبت کردند، انجمن مونیخ را "ارتجاعی" خواندند، مخالفین خود را مدافع "سیاست مستقل و ملی شاه" دانستند.

بالاخره آخرین کلام خود را مبنی بر اینکه مبارزه با رژیم شاه را جدا از مبارزه با مخالفین خود میدانند ابراز کردند. حتی در این مورد نام دو تن از رفقای انجمن را بر زبان آوردند تا مرز مخالفین خود را که بنابر عقیده‌شان در جریان مبارزه هم‌ردیف با رژیم شاه‌اند مشخص کنند. اینها ثمرات تلخی است که سیاست تفرقه افکنانه هیئت دبیران موقت ببار آورد که نه تنها به مونیخ خلاصه نمیشود بلکه تمام کنفدراسیون را دربر میگیرد. هیأت دبیران موقت واحد ما را از آنجهت معلق اعلام کرده‌اند که ما در پلاکارت کنفدراسیون بجای عکس حکمت جو عکس مبارزی چون خسرو روزبه را چسبانده و پخش کرده‌ایم. هیأت دبیران موقت بنابر استدلال خود این اقدام ما را ضد تشکیلاتی دانسته و با ما قطع رابطه کرده‌اند. هرکس کمی با الفبای مبارزه آشنا باشد میداند که بر اساس موازین سیاسی است که موازین تشکیلاتی تدوین میشود و نه بر عکس. هیأت دبیران موقت که با بر مصوبات کنگره که "کمیته مرکزی" را ضد خلقی ارزیابی میکند گذاشته و عکس

شخصی که عضو "کمیته مرکزی" این دستگاه ارتجاعی است در پلاکارت خود چاپ کرده‌اند. حال بجای آنکه از عمل خود انتقاد کنند واحد ما را که پایداری خود را در قبال این مصوبه نشان داد آماج حمله قرار داده‌اند. هیأت دبیران ضمناً در نامه خود اشاره به انشعاب و انشعاب‌گری کرده‌اند و خواسته‌اند گوشه‌ای بواحد مونیخ زده باشند. جای شگفتی است دبیرانی که پا بر مصوبات نهاده و بطور آشکار آب تپه‌یر بر "کمیته مرکزی" میریزند، دبیرانی که مبارزه کنفدراسیون را علیه رژیم عملاً بدست فراموشی سپرده‌اند بجای آن حمله به بخش وسیعی از کنفدراسیون را وظیفه خود قرار داده‌اند، دبیرانیکه از تدارک آکسیونهای دفاعی خودداری کرده و برای همین آکسیون ماه زندانیان سیاسی هم تمام فعالیت خود را فقط منحصر به بخش یک پلاکارت تحریک آمیز با عکس حکمت جو میکنند / دبیرانیکه مبارزه علیه سیاست ضد خلقی شوروی و "کمیته مرکزی" را به فراموشی سپرده و حتی در جهت عکس حرکت میکنند و با این اقدامات خود مصوباتی را که مبین مشی جنبش دانشجویی است زیر پا گذاشته‌اند و عملاً از نظر سیاسی با مواضع توده دانشجویی فاصله گرفته‌اند قصد دارند انشعاب‌گری را گوشه‌وار به واحد مونیخ و در واقع بکلیه کسانی که بر سر این مواضع اصولی ایستاده‌اند نسبت دهند تا زمینه حمله مدافعین سیاست خود را علیه مخالفین هر چه بیشتر فراهم سازند. ما معلق کردن واحد مونیخ را توسط دبیران موقت کنفدراسیون ضد کنفدراسیونی ارزیابی کرده و در واقع خواست نهائی "کمیته مرکزی" را در آن نهفته میدانیم. برای راه‌گشائی بسوی وحدت و زدودن تفرقه در کنفدراسیون وبالمال وسعت و رشد مبارزات ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی چاره‌ای نمیبینیم جز آنکه هیأت دبیران موقت باین اقداماتیکه شمرده میشود دست زنند:

- ۱- پس گرفتن اطلاعیه‌های اول و دوم (۱۱ اوت و ۲۴ سپتامبر) که به بخش وسیعی افترا زده و آنها را صاحب بینش ارتجاعی دانسته‌اند.
- ۲- پس گرفتن پلاکاتی که در آن عکس یک فرد ضد خلق را در کنار شهدای خلق قرار داده‌اند.
- ۳- برخورد قاطع وانتقاد از کلیه کسانی که بطور مستمر فحاشی کرده و انواع نسبت‌های زشت را به مخالفین خود داده و آنها را در ردیف رژیم شاه و ارتجاع میگذارند.
- ۴- اجراء قاطع مصوبات کنفدراسیون و دامن‌زدن به مبارزات ما علیه رژیم شاه و اربابان امپریالیستش.

- ۵- برخورد قاطع به سیاست ضد خلقی و توسعه طلبانه شوروی و افشای سیاست ضد خلقی و ضدکنفدراسیونی "کمیته مرکزی" و انتقاد از مسامحه خود در این زمینه.
- ۶- پس گرفتن تصمیم ضد کنفدراسیونی خود مبنی بر معلق کردن واحد مونیخ. این اظهار نظر در جلسه انجمن روز ۷۴/۱۱/۲۹ باتفاق آراء (بدون مخالف و ممتنع) بتصویب رسید.

سند شماره ۱۹ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم

مندرج در فصل شانزدهم بخش: (اختلافات و انشعاب رسمی در کنگره ۱۶ بر سر مواضع ارتجاعی "هیأت دبیران موقت")

"اظهار نظر انجمن مونیخ در مورد معلق کردن عضویت این واحد

توسط هیئت دبیران موقت کنفدراسیون.

به شورای عالی کنفدراسیون. به شورای عالی فدراسیون آلمان. رونوشت به دبیران کنفدراسیون. رونوشت به دبیران فدراسیون آلمان.

رفقای گرامی

در ۱۴ نوامبر ۱۹۷۴ هیئت دبیران موقت کنفدراسیون پس از یک سری برنامه‌های مقدماتی انجمن مونیخ را معلق اعلان کرده و روابط تشکیلاتی خود را با این انجمن قطع کردند. گرچه این اقدام از نظر ما عجیب به نظر نمی‌رسد ولی در میان توده دانشجویی به خصوص در سطح فدراسیون آلمان انعکاس وسیع و سریع همراه با شگفتی داشت.

ما در این نامه ماهیت این اقدام را روشن خواهیم کرد ولی به جاست برای روشن ساختن آن، شناخت موقعیت مونیخ و کینه نیروهای ارتجاعی نسبت به این واحد کمی به عقب برگردیم تا بتوانیم این اقدام هیئت دبیران موقت را بخصوص در این شرایط همه‌جانبه‌تر بررسی کنیم. واحد مونیخ یکی از قدیمی‌ترین واحدهای کنفدراسیون بشمار می‌رود. تاریخ سنن مبارزاتی و فعالیت‌های این واحد حتی از تاریخ فعالیت‌های کنفدراسیون پیش‌تر است. هنگامی که رژیم ایران تازه با کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد دیکتاتوری فاشیستی خود را بر سراسر ایران مستولی کرده بود دانشجویان مبارز مونیخ با تشکل و مبارزه خود در افشای این حکومت ترور، جسارتی بی‌نظیر از خود نشان می‌دادند. با یاری همین دانشجویان مبارز مونیخ و همراهی سایر دانشجویان مبارز ایرانی در آلمان، سداما (سازمان دانشجویان ایرانی مقیم آلمان) پا به عرصه وجود نهاد. این سازمان در دفاع از منافع دانشجویان، بالابردن سطح آگاهی دانشجویان و روشن نمودن افکار عمومی نقش ارزنده‌ای داشت. واحد مونیخ یکی از پایه‌های این سازمان بود که در آن شرایط توان بی‌نظیری در اجرای مشی صحیح دانشجویی از خود نشان داد. با وجود اینکه چندی بعد سازمان سداما رو به پراکندگی رفت فعالیت دانشجویان مونیخ به سکون نکشید تا بالاخره آنها توانستند واحد دانشجویی مونیخ را از نو زنده کنند. پس از یک پروسه کوتاه، واحد مونیخ و واحدهای دانشجویی دیگر که در اروپا بوجود آمده بودند کنفدراسیون اروپائی را بنا نهادند که بعدها به کنفدراسیون جهانی تبدیل گردید. بدین ترتیب دیده می‌شود که واحد مونیخ یکی از پایه‌گذاران کنفدراسیون بوده و دارای بیش از بیست سال سنت مبارزاتی است. این واحد به شهادت تاریخ مبارزاتش در کلیه آکسیون‌های کنفدراسیون به مثابه یک واحد پرتوان و پیشرو قدم به پیش گذاشته و در تمام دوران فعالیتش بی‌وقفه در تقویت کنفدراسیون کوشیده. بی‌هوده نیست که از همان ابتدا آماج کینه حیوانی کلیه عناصر و دستگاه‌های ارتجاعی بوده و جملگی آنها نقشه نابودی واحد مونیخ را در سر می‌پرورانده‌اند. نقشه‌های شومی که ارتجاع علیه واحد ما طرح‌ریزی کرده و می‌کند از شمارش خارج است. در همین یکی دو سال اخیر سازمان امنیت انواع تشبیهات را شدیدتر از گذشته علیه انجمن ما بکار گرفت. دست بسرقت خانه سه تن از رفقای انجمن زد، اوباشان و چاقوکشان خود را سر راه رفقای انجمن قرار داد، دست به تشکیل انجمن باصطلاح دانشجویی زد، انواع برنامه‌های تبلیغی را براه انداخت، از طریق گماشتگان خود رفقای انجمن را مورد تهدید قرار داد تا از شرکت آنها در فعالیت‌های واحد مونیخ جلوگیری کند. در کنار آن پلیس مونیخ را بر آن داشت که فشار خود را بر رفقای انجمن شدت بخشد. پلیس مونیخ هم بر مبنای همکاری خود با ساواک حمله آشکارتری را نسبت به انجمن روا داشت. کراراً لیست اسامی انجمن را خواستار شد. نام رفقای را که در اشغال کنسولگری مونیخ شرکت داشتند به ساواک سپرد که تمام آن اسامی در روزنامه‌های ایرانی درج گردید. چندی است که آنها شرایط اقامت در مونیخ را بی‌نهایت دشوار کرده‌اند بطوری که از تمام افراد برای دادن اقامت طلب سپرده بانکی که مبلغ آن بیش از هزار مارک است کرده و با این وجود پلیس این شهر از دادن اقامت به عده بسیاری بدون هیچ دلیل خودداری می‌کند. تقریباً درهای تمام آموزشگاه‌های عالی مثل دانشگاه فنی، دانشگاه و پلی تکنیک را بروی ایرانیان بسته‌اند. "کمیته مرکزی حزب توده" هم پا پهای تمام مرتجعین ضربه به واحد مونیخ را هدف خود قرار داده است. این دستگاه ارتجاعی نه تنها با آنها هم صدا و هم قدم است بلکه از آنها پیشی گرفته است. عناصر خرابکار را مکرراً به واحد مونیخ می‌فرستد تا به اغتشاش دست زنند. ورق پاره‌هایی را فقط اختصاص به مونیخ داده که تحت عنوانی مثل "در انجمن مونیخ چه می‌گذرد" انتشار می‌دهد. در آخرین پیکار (شماره ۶ سال سوم) مقاله‌ای را فقط اختصاص به مونیخ داده است. درست در یک چنین اوضاعی هیئت دبیران موقت کنفدراسیون واحد مونیخ را معلق اعلان کردند. بر کسی پوشیده نیست که دبیران

موقت با این اقدام خود در واقع آرزوی دیرینه "کمیته مرکزی" را بر آورده‌اند. ما یقین داریم که انجمن مونیخ پرتوان و مقاوم به پیش خواهد رفت و دامنه فعالیت خود را گسترده‌تر خواهد کرد. واحد مونیخ از کوره مبارزه سربلند بیرون آمده. این واحد به حق در میان دانشجویان ایرانی و سازمان‌های مترقی و حتی لیبرال خارجی از حیثیت و اعتبار خاصی برخوردار است. این حیثیت و اعتبار در سایه فعالیت‌های پی‌گیر کسب شده. ماهی نمی‌گذرد که چندین آکسیون یا تحت برنامه ریزی مستقیم این واحد یا تحت برنامه ریزی سازمان‌های مترقی و همکاری ما انجام بگیرد. در شش ماهه گذشته این واحد بیش از ۵۳ آکسیون برگزار کرد. هیئت دبیران موقت درست زمانی انجمن مونیخ را معلق اعلام کردند که این واحد در تدارک و اجرای آکسیون ماه زندانیان سیاسی و آکسیون افشای تبلیغات رژیم تحت عنوان "هفته ایران" بود. هیئت دبیران موقت کنفدراسیون به خوبی آگاهند بعثت فشاری که به این واحد از طرف دولت آلمان وارد می‌شود از نظر حقوقی و قضائی در آنچنان شرائطی نیستیم که حتی یک اعلامیه معمولی را به نام خود امضاء کرده و انتشار دهیم. هنوز دادگاه‌هایی که به این مناسبت برای کارداران دو دوره انجمن گذاشته‌اند مدت زیادی نمی‌گذرد. به همین علت ما پس از این دادگاه‌ها همیشه مجبور بودیم تمام اعلامیه‌های خود را با امضای CISNU انتشار دهیم. دبیران با معلق کردن مونیخ و قطع رابطه تشکیلاتی سنگ بزرگی در جلوی آکسیون‌های اخیر دفاعی ما انداختند. به این ترتیب ما حتی یک اعلامیه هم نمی‌توانیم منتشر کنیم چه اینکه نه می‌توانیم با امضای واحد مونیخ چنین کاری کنیم و نه حق داریم با قطع رابطه تشکیلاتی که دبیران با ما کرده‌اند نام CISNU را در زیر اعلامیه‌های خود بگذاریم. وقتی این نکته از طرف یکی از کارداران به دبیران موقت تذکر داده شد آنها در نهایت بی‌اعتنائی از خود سلب مسئولیت کردند. برخورد غیرمستول هیئت دبیران موقت در واقع بیانگر بی‌اعتنائی و شاید هم مخالفت آنها با آکسیون‌های دفاعی است که اکنون در این واحد در جریان است. برخورد اخیر هیئت دبیران موقت به واحد مونیخ در واقع حلقه‌ایست از آن سلسله زنجیری که آنها بدور سیاست خود کشیده‌اند. آنچه آنها در قبال واحد مونیخ انجام داده‌اند گوشه‌ای از مجموعه سیاست نادرست آنهاست. بر کسی پوشیده نیست که هیئت دبیران موقت لبه تیز مبارزات ضدامپریالیستی و ضدارتجاعی کنفدراسیون را روبه کنده برده‌اند و هر روز هم بر کنده آن می‌افزایند. بجای آن حمله به درون را در مد نظر قرار داده‌اند. هیئت دبیران موقت در افشای سیاست ضدخلقی شوروی و روشن نمودن اذهان توده دانشجویی در سیاست توسعه‌طلبانه و غارتگرانه حکومت شوروی، کوچک‌ترین اقدامی نکردند. در افشای سیاست ضدخلقی و حملات زهرآگین "کمیته مرکزی" نسبت به کنفدراسیون حتی یک مقاله منتشر نکردند. "پیکار" این ارگان ضدکنفدراسیونی حملات بی‌شرمانه‌ای به کنفدراسیون کرد ولی دبیران موقت صلاح ندیدند که کوچک‌ترین پاسخی به آنها بدهند. اما همینکه خبر مرگ حکمت جو منتشر شد هیئت دبیران زمینه‌ای یافتند که از "کمیته مرکزی" این دستگاه ارتجاعی دفاع کنند. در حمله به مخالفین سیاست ضدخلقی "کمیته مرکزی" و حکومت شوروی به همان شیوه‌ای توسل جستند که شیوه چندین ساله "کمیته مرکزی" است. در افترا نامه خود (اطلاعیه ۱۱ آگوست) به سبک "کمیته مرکزی" مخالفین خود را صاحب بینش ارتجاعی دانستند و آنها را توطئه‌گر خواندند. وقتی واحد ما از آنها سؤال کرد که چه کسانی تضاد خلق با شوروی را عمده کرده‌اند (چیزی که در اطلاعیه ۱۱ آگوست ادعا شده بود) از جواب خودداری کردند. "کمیته مرکزی" در آستانه ماه دفاع از زندانیان سیاسی پلاکاتی با عکس حکمت‌جو انتشار داد. هیئت دبیران هم به همین مناسبت در پلاکات خود عکس حکمت‌جو را در کنار عکس شهدای خلق قرار دادند. "کمیته مرکزی" مخالفین خود را مائوئیست‌های مرتجع، "عناصر بیگانگان" و "توجیه گران جنایات شاه" می‌نامند. طرفداران ساسیت هیئت دبیران موقت هم در واحدها به همین سبک و سیاق به فحاشی می‌پردازند. گوئی در این مورد مسابقه‌ای با "کمیته مرکزی" در جریان است. هیئت دبیران موقت با اقدامات خود در این زمینه در واقع صدای کمیته مرکزی را انعکاس داده‌اند. دبیران موقت کنفدراسیون با مسئولیت قریب به یکسال خود و با اعمال شیوه‌ی نابجای تشکیلاتی و تفرقه‌افکنانه با تعویق مبارزه ضد رژیم و ضد سازمان امنیت و با فراموش کردن و کنار گذاشتن مبارزه به حق علیه سیاست ضدخلقی شوروی و با آرایش این سیاست و کرشمه با آن نشان داده‌اند که متأسفانه در راهی گام نهاده‌اند که ادامه آن بدون تردید راهی جدا از نهضت خلق ایران خواهد بود. واحد ما شاهد انعکاس سیاست نادرست هیئت دبیران موقت بوده. طرفداران این سیاست قبل از هر چیز اغتشاش و برهم زدن آتمسفر سالم انجمن را وظیفه خود قرار داده‌اند. به مخالفین خود انواع نسبت‌ها را مثل "مه‌ره امپریالیسم"، "ملهم از میزگرد سازمان امنیت در تلویزیون"، (منظورشان میزگردی است که چندی قبل در تلویزیون ایران تشکیل می‌شود و لاشائی و نیکخواه در باره ابرقدرت صحبت می‌کنند)، "توجیه کنندگان جنایات شاه" دادند و "حتی شرف کیهان و ثابتی" مامور سازمان امنیت را بیش از مخالفین خود دانستند. کار جنجال را به جایی بردند که در پرخاش خود به مخالفین از کلمات بی‌ادبانه‌ای استفاده کردند که در خور یک مبارز ضدامپریالیست واقعی نیست. هیئت دبیران موقت به

جای آنکه با وجود درخواست مکرری که کرده بودیم به واحد مونیخ بیایند و در رفع این اشکالات بکوشند و بر پایه نامه مغرضانه همین افراد نامه حمله آمیزی به واحد مونیخ نوشتند. با وجودی که این نامه برای هیئت کارداران بود خواستار قرائت آن در مجمع عمومی شدند نتیجه آن شد که این افراد در کار خود جری تر شدند. بطور مکرر از "دیکتاتوری فاشیستی" در واحد مونیخ صحبت کردند، انجمن مونیخ را "ارتجاعی" خواندند، مخالفین خود را مدافع "سیاست مستقل و ملی شاه" دانستند.

بالاخره آخرین کلام خود را مبنی بر اینکه مبارزه با رژیم شاه را جدا از مبارزه با مخالفین خود نمی دانند ابراز کردند. حتی در این مورد نام دوتن از رفقای انجمن را بر زبان آوردند تا مرز مخالفین خود را که بنا بر عقیده شان در جریان مبارزه هم ردیف با رژیم شاهاند مشخص کنند. اینها ثمرات تلخی است که سیاست تفرقه افکنانه هیئت دبیران موقت به بار آورد که نه تنها به مونیخ خلاصه نمی شود، بلکه تمام کنفدراسیون را در بر می گیرد. هیئت دبیران موقت واحد ما را از آنجهت معلق اعلام کرده اند که ما در پلاکارت کنفدراسیون بجای عکس حکمت جو عکس مبارزی چون خسرو روزبه را چسبانده و پخش کرده ایم. هیئت دبیران موقت بنا بر استدلال خود این اقدام ما را ضدتشکیلاتی دانسته و با ما قطع رابطه کرده اند. هرکس کمی با الفبای مبارزه آشنا باشد می داند که بر اساس موازین سیاسی است که موازین تشکیلاتی تدوین می شود و نه برعکس. هیئت دبیران موقت که پا بر مصوبات کنگره که "کمیته مرکزی" را ضدخلقی ارزیابی می کند گذاشته و عکس شخصی که عضو "کمیته مرکزی" این دستگاه ارتجاعی است در پلاکارت خود چاپ کرده اند. حال به جای آنکه از عمل خود انتقاد کنند واحد ما را که پایداری خود در قبال این مصوبه نشان داد آماج حمله قرار داده اند. هیئت دبیران ضمناً در نامه خود اشاره به انشعاب و انشعابگری کرده اند و خواسته اند گوشه ای به واحد مونیخ زده باشند. جای شگفتی است دبیرانی که پا بر مصوبات نهاده و بطور آشکار آب تطهیر بر "کمیته مرکزی" می ریزند، دبیرانی که مبارزه کنفدراسیون را علیه رژیم عملاً به دست فراموشی سپرده اند به جای آن حمله به بخش وسیعی از کنفدراسیون را وظیفه خود قرار داده اند. دبیرانی که از تدارک آکسیون های دفاعی خودداری کرده و برای همین آکسیون ماه زندانیان سیاسی هم تمام فعالیت خود را فقط منحصر به پخش یک پلاکارت تحریک آمیز با عکس حکمت جو می کنند، دبیرانی که مبارزه علیه سیاست ضدخلقی شوروی و "کمیته مرکزی" را به فراموشی سپرده و حتی در جهت عکس حرکت می کنند و با این اقدامات خود مصوباتی را که مبین مشی جنبش دانشجویی است زیر پا گذاشته اند و عملاً از نظر سیاسی با مواضع توده دانشجویی فاصله گرفته اند قصد دارند انشعابگری را گوشه وار به واحد مونیخ و در واقع به کلیه کسانی که بر سر این مواضع اصولی ایستاده اند نسبت دهند تا زمینه حمله مدافعین سیاست خود را علیه مخالفین هر چه بیش تر فراهم سازند. ما معلق کردن واحد مونیخ را توسط دبیران موقت کنفدراسیون ضدکنفدراسیونی ارزیابی کرده و در واقع خواست نهائی "کمیته مرکزی" را در آن نهفته می دانیم. برای راه گشایی به سوی وحدت و زدودن تفرقه در کنفدراسیون و بالمال وسعت و رشد مبارزات ضدامپریالیستی و ضدارتجاعی چاره ای نمی بینیم جز آنکه هیئت دبیران موقت به این اقداماتی که شمرده می شود دست زنند:

۱ - پس گرفتن اطلاعیه های اول و دوم (۱۱ اوت و ۲۴ سپتامبر) که به بخش وسیعی افترا زده و آنها را صاحب بینش ارتجاعی دانسته اند.

۲ - پس گرفتن پلاکاتی که در آن عکس یک فرد ضدخلق را در کنار شهدای خلق قرار داده اند.

۳ - برخورد قاطع و انتقاد از کلیه کسانی که بطور مستمر فحاشی کرده و انواع نسبت های زشت را به مخالفین خود داده و آنها را در ردیف رژیم شاه و ارتجاع می گذارند.

۴ - اجراء قاطع مصوبات کنفدراسیون و دامن زدن به مبارزات ما علیه رژیم شاه و اربابان امپریالیستش.

۵ - برخورد قاطع به سیاست ضدخلقی و توسعه طلبانه شوروی و افشای سیاست ضدخلقی و ضدکنفدراسیونی "کمیته مرکزی" و انتقاد از مسامحه خود در این زمینه.

۶ - پس گرفتن تصمیم ضدکنفدراسیونی خود مبنی بر معلق کردن واحد مونیخ. این اظهار نظر در جلسه انجمن روز

۷۴/۱۱/۲۹ باتفاق آراء (بدون مخالف و ممتنع) به تصویب رسید."

سند شماره ۲۰ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم

مندرج در فصل شانزدهم بخش: (اختلافات و انشعاب رسمی در کنگره ۱۶ بر سر مواضع ارتجاعی "هیأت دبیران موقت")

موضع دبیران کنفدراسیون در مورد انجمن مونیخ پس از شرکت در جلسه عمومی ۷ و ۸ دسامبر ۱۹۷۴

موضع دبیران کنفدراسیون در مورد انجمن مونیخ

پس از شرکت در جلسه عمومی ۷ و ۸ دسامبر ۱۹۷۴

دبیران موقت کنفدراسیون جهانی پس از شرکت در جلسه ۷ و ۸ دسامبر برای رفع اختلافات و حفظ وحدت واحدهای کنفدراسیون جهانی در انجمن مونیخ لازم میدانند نظریات و مواضع خود را در قبال این انجمن کتباً ابراز دارد.

۱- انجمن مونیخ قبل از سرکشی دبیران نامه‌ای تحت عنوان "اظهارنظر انجمن مونیخ در مورد معلق کردن این واحد توسط هیأت دبیران موقت کنفدراسیون به شورای عالی کنفدراسیون و فدراسیون آلمان و..." تنظیم و پخش کرده است که در آن عمل دبیران کنفدراسیون جهانی در مورد معلق کردن انجمن مونیخ تا سرکشی دبیران بعنوان عملی در خدمت فشارهای سازمان امنیت و برآوردن آرزوی "کمیته مرکزی" قلمداد شده است. در این نامه انواع تهمتها و فحاشیها به دبیران کنفدراسیون بار دیگر تکرار گشته است. رسیدگی به چگونگی این عمل و محتوی این نامه و اعلام موضع نهائی در مورد آنرا ما به شورایعالی کنفدراسیون جهانی و رونوشت و گزارش کامل "مونیخ" را به همه واحدهای کنفدراسیونی ارسال خواهیم داشت تا در کنگره کنفدراسیون اظهارنظر قطعی راجع باین نامه شود.

۲- در جلسات عمومی انجمن مونیخ "۷ و ۸ دسامبر" دبیران کنفدراسیون جهانی با این جریان مستقیماً روبرو شده‌اند که اکثریت واحد مونیخ تحت عنوان اینکه مسائل درونی کنفدراسیون مسائل سیاسی است و نه تشکیلاتی مشخصاً به نفی موازین تشکیلاتی و اساسنامه‌ای صحنه می‌گذارند و بخود اجازه میدهند بعنوان تشخیص دهنده اشتباهات و با عدم اجرای مصوبات کنفدراسیون جهانی توسط دبیران هر موضعی را که خود بر اساس مصوبات درست بدانند انتخاب کنند. سخنگویان در جلسه ابراز داشتند که نه تنها عمل انجمن مونیخ در مورد پلاکارت کنفدراسیون جهانی درست بوده است بلکه بخاطر

وجود اختلافات سیاسی و اصولی از این پس دستوراتی را که خود خلاف مصوبات تشخیص دهند انجام نخواهند داد. دبیران کنفدراسیون جهانی بر این اعتقادند که تشخیص درست یا نادرست بودن تصمیمات دبیران بر اساس موازین کنفدراسیونی در هر زمان و حتی در زمانی که اختلافات سیاسی درون کنفدراسیون اوج پذیرفته است نه با اکثریت واحد مونیخ بلکه بر عهده شورایعالی و کنگره کنفدراسیون است. بالاخص در زمانی که اختلافات داخل کنفدراسیون شدت دارد حفظ و اجراء موازین تشکیلاتی اهمیتی خاص مییابد و بآن صورت قراردادهای تشکیلاتی خشک و غیر سیاسی نمیتوان نگریست. انجمن مونیخ در عمل و سپس با توضیحات و توجیحات خود در جلسات (۷ و ۸ دسامبر) به نفی مرکزیت کنفدراسیون پرداخته اصل سانترالیسم دموکراتیک را در کنفدراسیون زیر پا گذاشته و مستقیماً به اختلافات درون کنفدراسیون دامن زده و در واقع برای اولین بار کل تشکل و مرکزیت کنفدراسیون را مورد سؤال قرار داده است.

۳- در مورد فحاشی به دبیران کنفدراسیون و مدارک کنفدراسیونی مانند "شیادنامه خواندن اطلاعاتی دبیران" "دبیران در ارتجاع مطلق فرو رفته‌اند" "ما دبیران را مدتهاست معلق میدانیم" "سیاست دبیران با سیاست کمیته مرکزی یکسان است" و.... دبیران کنفدراسیون بر این عقیده‌اند برای حفظ سلامت کنفدراسیون و امکان کار مرکزیت این افراد میبایست در جلسه عمومی نادرست بودن حرف خود را بیان داشته و این تهمتها را پس بگیرند.

۴- یک سازمان محلی تحت هیچ توجیهی اجازه ندارد در اسناد و پلاکتهای کنفدراسیون دست برده و تحت عنوان مخالفت سیاسی با دبیران هر عملی را که صلاح میدانند انجام دهد. اگر این روش در کنفدراسیون جهانی بدون برخورد اصولی شدید بآن متداول شود در آینده اساساً دبیران کنفدراسیون امکان رهبری واحدها را نخواهند داشت و هرج و مرج کامل تحت لوای اختلافات سیاسی بر کنفدراسیون جهانی حاکم شده و در واقع به پاشیدگی و از بین رفتن کنفدراسیون منجر خواهد شد. واحد مونیخ در مورد این مسئله باید از خود انتقاد شدید کند و اعتراضات خود را از طریق مبارزه اصولی سیاسی و مراجع سازمانی منعکس سازد.

۵- در انجمن مونیخ محیط ناسالمی وجود دارد که برخورد درست سیاسی به مسائل را مشکل و حتی غیرممکن میکند. از این پس هیأت کارداران وظیفه دارند به برخوردهائی نظیر فحاشی به مراجع کنفدراسیون و نسبت دادن افراد کنفدراسیون به ساواک و رژیم به

امپریالیسم و غیره برخورد شدید کرده و گوینده را برای مدتی از واحد مونیخ اخراج کند تا امکان بحث خلاق در واحد ممکن گردد.

۶- حذف نام انقلابیون معاضد و میثمی از اعلامیه‌های واحد مونیخ بهیچوجه نظر دبیران کنفدراسیون نبوده و بالاخص در زمان ماه دفاعی و درست در زمانیکه این انقلابیون در زیر شکنجه هستند عملی نادرست است.

۷- دفاع از شهید حکمت جو بهیچ وجه تصدیق سیاست ضد خلقی شوروی و یا سیاست ضد انقلابی و سازشکارانه کمیته مرکزی حزب توده نبوده و نظری که سعی میکند باینطریق مواضع دبیران کنفدراسیون را که موظف با اجرای مصوبات کنگره ۱۵ کنفدراسیون هستند بغلط و در طرفداری از آن سیاستهای سازشکارانه و ضد انقلابی قلمداد کند مردود میدانیم.

در مورد این نکات لازم است انجمن مونیخ نظر کتبی خود را تا یکشنبه ۱۵ دسامبر به دبیران کنفدراسیون ابلاغ کنند. در صورت عدم قبول واحد مونیخ و پافشاری بر روی مواضع نادرست و ضد تشکیلاتی و ادامه فحاشی و تهمت به مرکزیت کنفدراسیون و هیئت دبیران امکان همکاری سازنده با واحد مزبور را نداشته و مراتب را به واحدها و شورای عالی ابلاغ کرده و در کنگره کنفدراسیون جهانی به نمایندگان سازمان مونیخ اعتراض کرده و همه امکانات کنفدراسیونی را به کمک می‌گیرد تا کنگره با برخوردی راسخ و روشن جلوی این گونه عملکردها را گرفته و راه حل اساسی برای مبارزه با رفتار غیر اصولی ضد تشکیلاتی را که به تضعیف کنفدراسیون جهانی و نفی دستاوردها و موازین آن منجر می‌شود اتخاذ کند. ما با آنچه که گذشت قادر نیستیم قبل از قبول نکات ذکر شده با واحد مونیخ روابط تشکیلاتی سالمی داشته باشیم و واحد مونیخ در صورت رد نکات فوق عملاً و عیناً خود را خارج از موازین و اصول کنفدراسیون قرار داده است. دبیران کنفدراسیون در این صورت برای ادامه مبارزه در سطح مونیخ و بر اساس ضرورت بخش نشریات و اطلاعیه‌های کنفدراسیون پس از یکشنبه ۱۵ دسامبر تصمیمات لازم را اتخاذ خواهند کرد.

سند شماره ۲۰ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم

مندرج در فصل شانزدهم بخش: (اختلافات و انشعاب رسمی در کنگره ۱۶ بر سر مواضع ارتجاعی "هیأت دبیران موقت")

"موضع دبیران کنفدراسیون در مورد انجمن مونیخ"

پس از شرکت در جلسه عمومی ۷ و ۸ دسامبر ۱۹۷۴

دبیران موقت کنفدراسیون جهانی پس از شرکت در جلسه ۷ و ۸ دسامبر برای رفع اختلافات و حفظ وحدت واحدهای کنفدراسیون جهانی در انجمن مونیخ لازم می‌داند نظریات و مواضع خود را در قبال این انجمن کتباً ابراز دارد.

۱ - انجمن مونیخ قبل از سرکشی دبیران نامه‌ای تحت عنوان "اظهار نظر انجمن مونیخ در مورد معلق کردن این واحد توسط هیئت دبیران موقت کنفدراسیون به شورای عالی کنفدراسیون و فدراسیون آلمان و..." تنظیم و بخش کرده است که در آن عمل دبیران کنفدراسیون جهانی در مورد معلق کردن انجمن مونیخ تا سرکشی دبیران به عنوان عملی در خدمت فشارهای سازمان امنیت و برآوردن آرزوی "کمیته مرکزی" قلمداد شده است. در این نامه انواع تهمتها و فحاشی‌ها به دبیران کنفدراسیون بار دیگر تکرار گشته است. رسیدگی به چگونگی این عمل و محتوی این نامه و اعلام موضع نهائی در مورد آنرا ما به شوراییالی کنفدراسیون و رونوشت گزارش کامل "مونیخ" را به همه واحدهای کنفدراسیونی ارسال خواهیم داشت تا در کنگره کنفدراسیون اظهار نظر قطعی راجع به این نامه شود.

۲ - در جلسات عمومی انجمن مونیخ "۷ و ۸ دسامبر" دبیران کنفدراسیون جهانی با این جریان مستقیماً روبرو شده‌اند که اکثریت واحد مونیخ تحت عنوان اینکه مسائل درونی کنفدراسیون مسائل سیاسی است و نه تشکیلاتی مشخصاً به نفی موازین تشکیلاتی و اساسنامه‌ای صحنه می‌گذارند و به خود اجازه می‌دهند به عنوان تشخیص دهنده اشتباهات و با عدم اجرای مصوبات کنفدراسیون جهانی توسط دبیران هر موضعی را که خود بر اساس مصوبات درست بدانند انتخاب کنند. سخنگویان در جلسه ابراز داشتند که نه تنها عمل انجمن مونیخ در مورد پلاکارت کنفدراسیون جهانی درست بوده است، بلکه به خاطر وجود اختلافات سیاسی و اصولی از این پس دستوراتی را که خود خلاف مصوبات تشخیص دهند انجام نخواهند داد. دبیران کنفدراسیون جهانی بر این اعتقادند که تشخیص درست یا نادرست بودن تصمیمات دبیران بر اساس موازین کنفدراسیونی در هر زمان و حتی در زمانی که اختلافات سیاسی درون کنفدراسیون اوج پذیرفته است نه با اکثریت واحد مونیخ، بلکه بر عهده شوراییالی و کنگره کنفدراسیون است. بالاخص در زمانی که اختلافات داخل کنفدراسیون شدت دارد حفظ و اجراء موازین تشکیلاتی اهمیتی خاص می‌یابد و به آن صورت قراردادهای تشکیلاتی خشک و غیر سیاسی نمی‌توان نگریست. انجمن مونیخ در عمل و سپس با توضیحات و توجیهات خود در جلسات (۷ و ۸ دسامبر) به نفی مرکزیت کنفدراسیون پرداخته اصل سانترالیسم دموکراتیک را در کنفدراسیون زیر پا گذاشته و مستقیماً به اختلافات درون کنفدراسیون دامن زده و در واقع برای اولین بار کل تشکل و مرکزیت کنفدراسیون را مورد سؤال قرار داده است.

۳ - در مورد فحاشی به دبیران کنفدراسیون و مدارک کنفدراسیونی مانند "شیاد نامه خواندن اطلاعیه‌های دبیران"، "دبیران در ارتجاع مطلق فرو رفته‌اند"، "ما دبیران را مدت‌هاست معلق می‌دانیم"، "سیاست دبیران با سیاست کمیته مرکزی یکسان است" و...

دبیران کنفدراسیون بر این عقیده‌اند برای حفظ سلامت کنفدراسیون و امکان کار مرکزیت این افراد می‌بایست در جلسه عمومی نادرست بودن حرف خود را بیان داشته و این تهمتها را پس بگیرند.

۴ - یک سازمان محلی تحت هیچ توجیهی اجازه ندارد در اسناد و پلاکات‌های کنفدراسیون دست برده و تحت عنوان مخالفت سیاسی با دبیران هر عملی را که صلاح می‌داند انجام دهد. اگر این روش در کنفدراسیون جهانی بدون برخورد اصولی شدید به آن متداول شود در آینده اساً دبیران کنفدراسیون امکان رهبری واحدها را نخواهند داشت و هر ج و مرج کامل تحت لوای اختلافات سیاسی بر کنفدراسیون جهانی حاکم شده و در واقع به پاشیدگی و از بین رفتن کنفدراسیون منجر خواهد شد. واحد مونیخ در مورد این مسئله باید از خود انتقاد شدید کند و اعتراضات خود را از طریق مبارزه اصولی سیاسی و مراجع سازمانی منعکس سازد.

۵ - در انجمن مونیخ محیط ناسالمی وجود دارد که برخورد درست سیاسی به مسایل را مشکل و حتی غیرممکن می‌کند. از این پس هیئت کارداران وظیفه دارند به برخوردهائی نظیر فحاشی به مراجع کنفدراسیون و نسبت دادن افراد کنفدراسیون به ساواک و رژیم به امپریالیسم و غیره برخورد شدید کرده و گوینده را برای مدتی از واحد مونیخ اخراج کند تا امکان بحث خلاق در واحد ممکن گردد.

۶ - حذف نام انقلابیون معاضد و میثمی از اعلامیه‌های واحد مونیخ بهیچوجه نظر دبیران کنفدراسیون نبوده و بالاخص در زمان ماه دفاعی و درست در زمانی که این انقلابیون در زیر شکنجه هستند عملی نادرست است.

۷ - دفاع از شهید حکمت‌جو به هیچ وجه تصدیق سیاست ضدخلقی شوروی و یا سیاست ضدانقلابی و سازشکارانه کمیته مرکزی حزب توده نبوده و نظری که سعی می‌کند به این طریق مواضع دبیران کنفدراسیون را که موظف به اجرای مصوبات کنگره ۱۵ کنفدراسیون هستند به غلط و در طرفداری از آن سیاست‌های سازشکارانه و ضدانقلابی قلمداد کند مردود می‌دانیم.

در مورد این نکات لازم است انجمن مونیخ نظر کتبی خود را تا یکشنبه ۱۵ دسامبر به دبیران کنفدراسیون ابلاغ کنند. در صورت عدم قبول واحد مونیخ و پافشاری بر روی مواضع نادرست و ضدتشکیلاتی و ادامه فحاشی و تهمت به مرکزیت کنفدراسیون و هیئت دبیران امکان همکاری سازنده با واحد مزبور را نداشته و مراتب را به واحدها و شورای عالی ابلاغ کرده و در کنگره کنفدراسیون جهانی به نمایندگان سازمان مونیخ اعتراض کرده و همه امکانات کنفدراسیونی را به کمک می‌گیرد تا کنگره با برخوردی راسخ و روشن جلوی این گونه عملکردها را گرفته و راه حل اساسی برای مبارزه با رفتار غیراصولی ضدتشکیلاتی را که به تضعیف کنفدراسیون جهانی و نفی دستاوردها و موازین آن منجر می‌شود اتخاذ کند. ما با آنچه که گذشت قادر نیستیم قبل از قبول نکات ذکر شده با واحد مونیخ روابط تشکیلاتی سالمی داشته باشیم و واحد مونیخ در صورت رد نکات فوق عملاً و عیناً خود را خارج از موازین و اصول کنفدراسیون قرار داده است. دبیران کنفدراسیون در این صورت برای ادامه مبارزه در سطح مونیخ و بر اساس ضرورت پخش نشریات و اطلاعیه‌های کنفدراسیون پس از یکشنبه ۱۵ دسامبر تصمیمات لازم را اتخاذ خواهند کرد."

سند شماره ۲۱ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم

مندرج در فصل شانزدهم بخش: (اختلافات و انشعاب رسمی در کنگره ۱۶ بر سر مواضع ارتجاعی "هیأت دبیران موقت")

بخشنامه به همه واحدها برای بحث در جلسه ۱۵ دسامبر ۱۹۷۴

۱۵ دسامبر ۱۹۷۴ بخشنامه به همه واحدها برای بحث در جلسه

بخشنامه به همه واحدها برای بحث در جلسه
۱۵ دسامبر ۱۹۷۴

رفقای عزیز

هیئت دبیران کنفدراسیون جهانی در روزهای ۷ و ۸ دسامبر برای سرکشی بواحد مونیخ و مسئله معلق کردن مشروط این واحد تا سرکشی دبیران بآن واحد مسافرت کردند. لازم میبینیم که در اینجا گزارش مختصری از چگونگی جریانات واحد مونیخ برای شما ارسال داریم تا همه واحدهای کنفدراسیون قبل از شرکت در کنگره راجع باین مسائل مهم اظهار نظر کرده و نمایندگان شرکت کننده در کنگره با موضع واحد خود در این زمینه در کنگره شرکت کنند. پس از اطلاعیه دبیران کنفدراسیون جهانی مورخ ۱۱ آگوست در مورد موضع گیری چند تن در بحث آزاد کنگره فدراسیون آلمان بحثهایی در واحدها جریان یافت. این بحثها که بطور اخص در زمینه دفاعی کنفدراسیون و برخورد به جنایات رژیم شاه و طرفداران (و سپس اعضای کمیته مرکزی) حزب توده جریان داشت در واقع بر اساس اختلافات سیاسی درون کنفدراسیون جهانی به چگونگی موضع دبیران راجع به شوروی و کمیته مرکزی کشانده شد. در واحدهای مختلف اتهاماتی راجع به همکاری یا نزدیکی دبیران کنفدراسیون با شوروی و حزب توده ابراز شد. در جلسه عمومی سازمان مونیخ سخنگویان پس از دریافت اطلاعیه مورخ ۲۴ سپتامبر دبیران کنفدراسیون ابراز داشتند که اطلاعیه دبیران شیادنامه است، دبیران با کمیته مرکزی همخوابه شده اند و سیاست دبیران با سیاست کمیته مرکزی یکی است و ابرازات موهن و اتهامات مختلفی از این قبیل: اقلیت سازمان مونیخ در یک نامه مفصل این نکات را به دبیران کنفدراسیون اطلاع داد. دبیران کنفدراسیون بر اساس موازین سیاسی - تشکیلاتی کنفدراسیون و از آنجا که اینگونه برخورد به مرکزیت سوابقی در سال اخیر در واحدهای دیگری نیز داشته است نامه ای بتاريخ ۲۲ اکتبر بواحد مونیخ نوشته و در مورد این اتهامات سؤال میکند. واحد مذکور بجای جواب صریح باین نامه مسائل دیگری را در مورد برخورد اقلیت و اکثریت مطرح میسازد. مقارن این زمان واحد مونیخ پس از دریافت پلاکارت کنفدراسیون جهانی در مورد ماه دفاع از جنبش خلق پیشنهادی را در مجمع عمومی تصویب میکند. متن این پیشنهاد چنین است. "از آنجائی که در پلاکارت ماه دفاع از زندانیان سیاسی عکس حکمت جو آمده است و چون حکمت جو عضو کمیته مرکزی حزب توده میباشد و کمیته مرکزی حزب توده از طرف کنفدراسیون جهانی ضد خلقی

ارزیابی شده است لذا از پخش این پلاکات با عکس حکمت جو خودداری شود و این پلاکات با عکس نیک داوودی یا یکی از انقلابیون دیگر بجای حکمت جو پخش شود" دبیران کنفدراسیون فوراً تلفنی با واحد مونیخ تماس میگیرند و ضد تشکیلاتی بودن دست بردن در مدارک کنفدراسیونی را بواحد مذبور گوشزد میکنند سپس از آنجائی که واحد مونیخ بکار خود ادامه میدهد و تحت لوای اینکه اختلافات سیاسی است بگوشزدهای ما توجه نمیکند. دبیران کنفدراسیون جهانی نامه‌ای بتاريخ ۷ نوامبر برای واحد مذبور ارسال داشته و نکات ضد کنفدراسیونی عمل واحد را توضیح میدهد (ضمیمه). دبیران کنفدراسیون پس از دریافت نامه ۱۱ نوامبر واحد مونیخ و تماسهای تلفنی با هیئت کارداران باین نتیجه میرسد که واحد مونیخ بعنوان پیش کسوت یک جریان علیه مرکزیت کنفدراسیون و در واقع در جهت تفرقه بنوعی اعلام استقلال کرده و هیچ استدلال و تحلیلی را نمیپذیرد. در ۱۴ نوامبر دبیران نامه‌ای بسازمان مونیخ ارسال داشته و این سازمان را تا سرکشی مجدد دبیران معلق اعلام داشتند. در ۷ و ۸ دسامبر دبیران کنفدراسیون برای سرکشی بواحد مونیخ باین واحد مسافرت کردند. قبل از شرکت دبیران واحد مونیخ نامه‌ای با تیتیر "اظهارنظر انجمن مونیخ در مورد معلق کردن این واحد توسط هیئت دبیران موقت کنفدراسیون. (به شورای عالی کنفدراسیون و....)" انتشار داده بود. در این نامه واقعیت اعمال سازمان مونیخ شرح داده شده و دبیران کنفدراسیون را غیر مستقیم اجراکننده امیال رژیم و مستقیم اجراکننده خواست کمیته مرکزی حزب توده راجع به واحد مونیخ دانسته‌اند. (ضمیمه)

دبیران کنفدراسیون در جلسه عمومی مواضع خود را بیان داشته و ابراز داشته‌اند که چگونگی برخورد مونیخ به مرکزیت کنفدراسیون و اعلام استقلال این واحد در واقع زنگ خطری در کنفدراسیون جهانی است و واحد مونیخ میبایست ابرازات خود را در مورد اطلاعیه دبیران درباره کمیته مرکزی و دیگر اتهامات، پس گرفته تا ارتباط سالم با حفظ موازین کنفدراسیون ممکن شود. اکثریت واحد مونیخ در بحث، پس از اینکه کوشش شد شرح و تحلیل دبیران کنفدراسیون را تشکیلاتی و عمل خود را سیاسی جلوه دهند بروشنی ابراز داشتند که بر اساس اختلافات موجود سیاسی از این پس هر تصمیم مرکزیت را مورد بررسی قرار داده و اگر خود آنرا موافق مصوبات یافتند اجرا خواهند کرد و در غیراینصورت باجاء آن دست نمیزنند. بعبارت دیگر این برخورد نفی مرکزیت و اصول و موازین تشکیلاتی کنفدراسیون را که خود در ارتباط و تبلور سیاسی مضمون

کنفدراسیون است صحنه گذاشته و تفرقه و انشعاب را تصدیق کرده است. گویندگان بجای دیدن ضعف اقدامات و ابرازات ضد کنفدراسیونی خود از دبیران موقت کنفدراسیون خواستند که اطلاعیه‌های ۱۱ آگوست و ۲۴ سپتامبر را پس گرفته و از خود انتقاد کنند و سیاست خود را در قبال کمیته مرکزی روشن سازد، انگار که این سیاست روشن نبوده است. در نتیجه برای ما هیچ راهی باقی نماند جز اینکه نفی مرکزیت مونیخ را تأیید کنیم و بر آن اساس اقدام نمائیم. گرچه دبیران کنفدراسیون هیچ قدرتی سوای قدرت مصوبات و اساسنامه و موازین کنفدراسیون ندارند و اگر واحدی این مصوبات و موازین را قبول نداشته باشد و اعلام استقلال از مرکزیت بکند کاری جز قطع رابطه ارگانیک موجود نیست. با این همه دبیران موقت کنفدراسیون تحت تصمیم کتبی (ضمیمه) بواحد مونیخ یک هفته فرصت داد تا بتواند در مورد انحرافات و اعمال ضد کنفدراسیونی خود تصمیم بگیرد. پس از قرائت تصمیم دبیران کنفدراسیون چند نفر از اعضای مونیخ و دبیران فدراسیون آلمان سخن گفتند که بالاخص دبیران فدراسیون آلمان با حمله به دبیران کنفدراسیون و تشویق واحد مونیخ بادامه اعمال خود هر گونه امکان جلوگیری مثبت را در آینده سلب نمودند.

مسائلی که امروزه در واحد مونیخ جریان دارد بنظر ما یک جریان شهری نیست. پس از بحث آزاد فدراسیون آلمان و روشن شدن تحلیل‌ها و دیدها در مورد ماهیت و عمل کنفدراسیون در واقع میبایست یک چنین جریانی نظیر آنچه که در مونیخ گذشت را منتظر بود. بحث امروز واحدها و کنگره کنفدراسیون بحث در مورد وظائف اساسی کنفدراسیون جهانی و چگونگی مبارزه علیه رژیم دست نشانده پهلوی و امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و برخورد به سیاست جهانی شوروی از دیدگاههای مختلف است. بنظر دبیران موقت کوششی در کنفدراسیون برای تبدیل کنفدراسیون به سازمانی در ظاهر ضد شوروی و در واقع "بی خطر" کردن آن در مبارزه ضد ارتجاعی صورت میگیرد. اقدامات واحد مونیخ تبلور تشکیلاتی این کوشش نادرست و انحرافی است. همه واحدها و افرادی که حاضرند با زیر پا نهادن موازین کنفدراسیونی تحت ادعای مسائل سیاسی، مسئله شوروی و حزب توده را در رأس مبارزات و فعالیت‌های خود قرار دهند در واقع به آنطرف روانند. دبیران کنفدراسیون جهانی در کنگره کنفدراسیون با همه قدرت مقابل این جریان انحرافی خواهد ایستاد. گزارش مونیخ بواحدها برای اطلاع توده دانشجو میبایست در خدمت آماده کردن

واحدها برای این بحث مهم سیاسی در کنگره باشد. تهمت زنی و لجن پراکنی علیه دبیران کنفدراسیون در واقع شیوه عمل کسانی است که از نظر سیاسی و پرنسیب‌های تشکیلاتی با دبیران کنفدراسیون دچار چنان اختلافی هستند که حتی قبل از کنگره خود را قاضی اعمال دبیران دانسته و اصل دمکراتیک را تا سرحد هرج و مرج تعریف کرده و برای بکرسی نشاندن نظریات خود از تفرقه افکنی و اتهام زنی باکی ندارند. این شیوه بنظر دبیران با مضمون سیاسی خواست اینان در ارتباط مستقیم است. گزارش کوتاه فوق نمیتواند همه زوایای مطلب مورد طرح را روشن کند و تنها در خدمت آشنائی مختصر واحدها بجریانهای داخل کنفدراسیون در آئینه مونیخ میباشد.

هیئت دبیران موقت کنفدراسیون جهانی

سند شماره ۲۱ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم

مندرج در فصل شانزدهم بخش: (اختلافات و انشعاب رسمی در کنگره ۱۶ بر سر مواضع ارتجاعی "هیئت دبیران موقت")

"بخشنامه به همه واحدها برای بحث در جلسه

۱۵ دسامبر ۱۹۷۴

رفقای عزیز

هیئت دبیران کنفدراسیون جهانی در روزهای ۷ و ۸ دسامبر برای سرکشی به واحد مونیخ و مسئله معلق کردن مشروط این واحد تا سرکشی دبیران به آن واحد مسافرت کردند. لازم می‌بینیم که در اینجا گزارش مختصری از چگونگی جریانات واحد مونیخ برای شما ارسال داریم تا همه واحدهای کنفدراسیون قبل از شرکت در کنگره راجع به این مسائل مهم اظهار نظر کرده و نمایندگان شرکت کننده در کنگره با موضع واحد خود در این زمینه در کنگره شرکت کنند. پس از اطلاعیه دبیران کنفدراسیون جهانی مورخ ۱۱ آگوست در مورد موضع‌گیری چند تن در بحث آزاد کنگره فدراسیون آلمان بحث‌هایی در واحدها جریان یافت. این بحث‌ها که بطور اخص در زمینه دفاعی کنفدراسیون و برخورد به جنایات رژیم شاه و طرفداران (و سپس اعضای کمیته مرکزی) حزب توده جریان داشت در واقع بر اساس اختلافات سیاسی درون کنفدراسیون جهانی به چگونگی موضع دبیران راجع به شوروی و کمیته مرکزی کشانده شد. در واحدهای مختلف اتهاماتی راجع به همکاری یا نزدیکی دبیران کنفدراسیون با شوروی و حزب توده ابراز شد. در جلسه عمومی سازمان مونیخ سخن‌گویان پس از دریافت اطلاعیه مورخ ۲۴ سپتامبر دبیران کنفدراسیون ابراز داشتند که اطلاعیه دبیران شیاننامه است، دبیران با کمیته مرکزی هم‌خواه شده‌اند و سیاست دبیران با سیاست کمیته مرکزی یکی است و ابرازات موهن و اتهامات مختلفی از این قبیل: اقلیت سازمان مونیخ در یک نامه مفصل این نکات را به دبیران کنفدراسیون اطلاع داد. دبیران کنفدراسیون بر اساس موازین سیاسی-تشکیلاتی کنفدراسیون و از آنجا که اینگونه برخورد به مرکزیت سوابقی در سال اخیر در واحدهای دیگری نیز داشته است نامه ای بتاريخ ۲۲ اکتبر به واحد مونیخ نوشته و در مورد این اتهامات سؤال می‌کند. واحد مذکور بجای جواب صریح به این نامه مسائل دیگری را در مورد برخورد اقلیت و اکثریت مطرح می‌سازد. مقارن این زمان واحد مونیخ پس از دریافت پلاکارت کنفدراسیون جهانی در مورد ماه دفاع از جنبش خلق پیشنهادی را در مجمع عمومی تصویب می‌کند. متن این پیشنهاد چنین است. "از آنجائی که در پلاکات ماه دفاع از زندانیان سیاسی عکس حکمت‌جو آمده است و چون حکمت‌جو عضو کمیته مرکزی حزب توده می‌باشد و کمیته مرکزی حزب توده از طرف کنفدراسیون جهانی ضد خلقی ارزیابی شده است لذا از پخش این پلاکات با عکس حکمت‌جو خودداری شود و این پلاکات با عکس نیک داوودی یا یکی از انقلابیون دیگر به جای حکمت‌جو پخش شود". دبیران کنفدراسیون فوراً تلفنی با واحد مونیخ تماس می‌گیرند و ضدتشکیلاتی بودن دست بردن در مدارک کنفدراسیونی را به واحد مذکور گوشزد می‌کنند سپس از آنجائی که واحد مونیخ به کار خود ادامه می‌دهد و تحت لوای اینکه اختلاف سیاسی است به گوشزدهای ما توجه نمی‌کند. دبیران کنفدراسیون جهانی نامه‌ای بتاريخ ۷ نوامبر برای واحد مذکور ارسال داشته و نکات ضد کنفدراسیونی عمل واحد را توضیح می‌دهد (ضمیمه). دبیران کنفدراسیون پس از دریافت نامه ۱۱ نوامبر واحد مونیخ و تماس‌های تلفنی با هیئت کارداران به این نتیجه می‌رسد که واحد مونیخ به عنوان پیش‌کسوت یک جریان علیه مرکزیت کنفدراسیون و در واقع در جهت تفرقه به نوعی اعلام استقلال کرده و هیچ استدلال و تحلیلی را نمی‌پذیرد. در ۱۴ نوامبر دبیران نامه‌ای به سازمان مونیخ ارسال داشته و این سازمان را تا سرکشی مجدد دبیران معلق اعلام داشتند. در ۷ و ۸ دسامبر دبیران کنفدراسیون برای سرکشی به واحد مونیخ به این واحد مسافرت کردند. قبل از شرکت دبیران واحد مونیخ نامه‌ای با تیتیر "اظهار نظر انجمن مونیخ در مورد معلق کردن این واحد توسط هیئت دبیران موقت کنفدراسیون (به شورایعالی کنفدراسیون و...) انتشار داده بود. در این نامه واقعیت اعمال سازمان مونیخ شرح داده شده و دبیران کنفدراسیون را غیرمستقیم اجرا کننده امپال رژیم و مستقیم اجرا کننده خواست کمیته مرکزی حزب توده راجع به واحد مونیخ دانسته‌اند. (ضمیمه)

دبیران کنفدراسیون در جلسه عمومی مواضع خود را بیان داشته و ابراز داشته‌اند که چگونگی برخورد مونیخ به مرکزیت کنفدراسیون و اعلام استقلال این واحد در واقع زنگ خطری در کنفدراسیون جهانی است و واحد مونیخ می‌بایست ابرازات خود را در مورد اطلاعیه دبیران در باره کمیته مرکزی و دیگر اتهامات، پس گرفته تا ارتباط سالم با حفظ موازین کنفدراسیون ممکن شود. اکثریت واحد مونیخ در بحث، پس از اینکه کوشش شد شرح و تحلیل دبیران کنفدراسیون را تشکیلاتی و عمل خود را

سیاسی جلوه دهند به روشنی ابراز داشتند که بر اساس اختلافات موجود سیاسی از این پس هر تصمیم مرکزیت را مورد بررسی قرار داده و اگر خود آنرا موافق مصوبات یافتند اجرا خواهند کرد و در غیر این صورت به اجراء آن دست نمی‌زنند. بعبارت دیگر این برخورد نفی مرکزیت و اصول و موازین تشکیلاتی کنفدراسیون را که خود در ارتباط و تبلور سیاسی مضمون کنفدراسیون است صحنه گذاشته و تفرقه و انشعاب را تصدیق کرده است.

گویندگان به جای دیدن ضعف اقدامات و ابرازات ضدکنفدراسیونی خود از دبیران موقت کنفدراسیون خواستند که اطلاعیه‌های ۱۱ آگوست و ۲۴ سپتامبر را پس گرفته و از خود انتقاد کنند و سیاست خود را در قبال کمیته مرکزی روشن سازد. انگار که این سیاست روشن نبوده است. در نتیجه برای ما هیچ راهی باقی نمی‌ماند جز اینکه نفی مرکزیت مونیخ را تأیید کنیم و بر آن اساس اقدام نمائیم. گرچه دبیران کنفدراسیون هیچ قدرتی سوای قدرت مصوبات و اساسنامه و موازین کنفدراسیون ندارند و اگر واحدی این مصوبات و موازین را قبول نداشته باشد و اعلام استقلال از مرکزیت بکند کاری جز قطع رابطه ارگانیک موجود نیست. با این همه دبیران موقت کنفدراسیون تحت تصمیم کتبی (ضمیمه) به واحد مونیخ یک هفته فرصت داد تا بتواند در مورد انحرافات و اعمال ضدکنفدراسیونی خود تصمیم بگیرد. پس از قرائت تصمیم دبیران کنفدراسیون چند نفر از اعضای مونیخ و دبیران فدراسیون آلمان سخن گفتند که بالاخص دبیران فدراسیون آلمان با حمله به دبیران کنفدراسیون و تشویق واحد مونیخ به ادامه اعمال خود هرگونه امکان جلوگیری مثبت را در آینده سلب نمودند.

مسائلی که امروزه در واحد مونیخ جریان دارد به نظر ما یک جریان شهری نیست. پس از بحث آزاد فدراسیون آلمان و روشن شدن تحلیل‌ها و دیدها در مورد ماهیت و عمل کنفدراسیون در واقع می‌بایست یک چنین جریانی نظیر آنچه که در مونیخ گذشت را منتظر بود. بحث امروز واحدها و کنگره کنفدراسیون بحث در مورد وظائف اساسی کنفدراسیون جهانی و چگونگی مبارزه علیه رژیم دست‌نشانده پهلوی و امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و برخورد به سیاست جهانی شوروی از دیدگاه‌های مختلف است. به نظر دبیران موقت کوششی در کنفدراسیون برای تبدیل کنفدراسیون به سازمانی در ظاهر ضدشوروی و در واقع "بی خطر" کردن آن در مبارزه ضداثرجاعی صورت می‌گیرد. اقدامات واحد مونیخ تبلور تشکیلاتی این کوشش نادرست و انحرافی است. همه واحدها و افرادی که حاضرند با زیر پا نهادن موازین کنفدراسیونی تحت ادعای مسائل سیاسی، مسئله شوروی و حزب توده را در راس مبارزات و فعالیت‌های خود قرار دهند در واقع به آنطرف روانند. دبیران کنفدراسیون جهانی در کنگره کنفدراسیون با همه قدرت مقابل این جریان انحرافی خواهد ایستاد. گزارش مونیخ به واحدها برای اطلاع توده دانشجوی می‌بایست در خدمت آماده کردن واحدها برای بحث مهم سیاسی در کنگره باشد. تهمت زنی و لجن پراکنی علیه دبیران کنفدراسیون در واقع شیوه عمل کسانی است که از نظر سیاسی و پرنسپ‌های تشکیلاتی با دبیران کنفدراسیون دچار چنان اختلافی هستند که حتی قبل از کنگره خود را قاضی اعمال دبیران دانسته و اصل دموکراتیک را تا سر حد هرج و مرج تعریف کرده و برای به کرسی نشاندن نظریات خود از تفرقه‌افکنی و اتهام‌زنی باکی ندارند. این شیوه بنظر دبیران با مضمون سیاسی خواست اینان درارتباط مستقیم است. گزارش کوتاه فوق نمی‌تواند همه زوایای مطلب مورد طرح را روشن کند و تنها در خدمت آشنائی مختصر واحدها بجرایان‌های داخل کنفدراسیون در آئینه مونیخ می‌باشد.

هیئت دبیران موقت کنفدراسیون جهانی"

سند شماره ۲۲ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم

مندرج در فصل شانزدهم بخش: (اختلافات و انشعاب رسمی در کنگره ۱۶ بر سر مواضع ارتجاعی "هیات دبیران موقت")

مونیک به تاریخ ۷۴/۱۲/۲۰ رفقای هیات دبیران فدراسیون آلمان

مونیک بتاریخ ۷۴/۱۲/۲۰

رفقای هیات دبیران فدراسیون آلمان

همانطور که اطلاع دارید انجمن مونیک پس از دریافت اطلاعیه ۱۱ آگوست هیات دبیران موقت فدراسیون مونیک خود را در هال آن کتابخانه اعلام نموده / از هیئت دبیران موقت تقاضای چاپ آنرا در بولتن فدراسیون نمود . بجای جواب هیئت دبیران موقت اعلام نمودند که انجمن مونیک را مطلقاً میدانند .

انجمن مونیک در این باره نیز اظهار نظری تهیه کرد . اکنون از شما تقاضا می‌کنیم که این موضوع و اظهار نظر افراد انجمن مونیک را بهر ترتیب که صحیح می‌دانید با اطلاع اعضا و هواداران فدراسیون برسانید .

گذشته از این با اطلاع شما می‌رسانیم که جلسه قبل انجمن مونیک عده‌ای از این واحد انشعاب کرده با شماره‌های - تا شما موضوع خود را پرنگیرید ما به این انجمن نخواهیم آمد " ما انجمن مونیک و دارداران آنرا قبول نداریم . " و " ما ... ندانیم راقهی خود را انتخاب کرده به کنگره خواهیم فرستاد " و امثالهم جلسه را ترک نمودند .

سه نفر از این عده دارای مسئولیت انجمنی بودند . یک نفر مسئول کتابخانه و دو نفر مسئول صندوق . با وجود اینکه نشست شورایمالی صندوق بود و با اینکه در همان هنگام ترک سالن تذکر داده شد که اینها اموال افراد عضو انجمن ... اند . با این همه این عده حاضر بماندن در سالن نبودند .

پس از این عمل این عده شورایمالی صندوق مسئولین جدید را انتخاب نمود . هنگامیکه مسئولین جدید صندوق بیکدیگر مسئولین سابق را جمعه کرده خواستار یک نشست مشترک می‌شد وی می‌گوید . " تا وضع شما روشن نشود صندوق نزد ما ماند . و آنرا تحویل نخواهیم داد . "

در همین جلسه شورایمالی از مسئول سابق خواسته شد تا حدی که در توانائی شخصها و می‌باشد گزارش دهد ولیکن وی از آنجا که نه دفتر و نه صندوق پول را در اختیار داشت نتوانست گزارش دقیق بدهد و چون نمی‌دانست موجودی صندوق و بانک چقدر است شورایمالی از او خواست که باتفاق مسئولین جدید به بانک رفته موجودی دقیق را سؤال نماید . ولی وقتی به بانک رفتند اطلاع پیدا کردند که یک ساعت قبل تمام موجودی صندوق از بانک گرفته شده است .

رفقای هیات دبیران

ما از شما خواستاریم که تا حد امکان مسائل مونیک را در سطح فدراسیون با اطلاع همه اعضا و همه هواداران فدراسیون برسانید چون از دبیران موقت فدراسیون نمی‌توانیم چنین تقاضایی را بنمائیم و این باین خاطر است که ایشان روابط تشکیلاتی خود را با ما قطع نموده‌اند . در ضمن هر نظری یا رهنمودی که در این رابطه مفید میدانید بما ابلاغ نمائید

با سلامهای گرم
هیئت اجراییه سازبان

گزارش دفاعی بزودی داده خواهد شد .

سند شماره ۲۲ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم

"مونیک به تاریخ ۷۴/۱۲/۲۰

رفقای هیات دبیران کنفدراسیون آلمان

همان طور که اطلاع دارید انجمن مونیک پس از دریافت اطلاعیه ۱۱ آگوست هیات دبیران موقت کنفدراسیون موضع خود را در قبال آن کتبا اعلام نموده/ از هیئت دبیران موقت تقاضای چاپ آنرا در بولتن کنفدراسیون نمود. به جای جواب هیئت دبیران موقت اعلام نمودند که انجمن مونیک را معلق می‌دانند. انجمن مونیک در این باره نیز اظهار نظری تهیه کرد. اکنون از شما تقاضا می‌کنیم که این موضع و اظهار نظر افراد انجمن مونیک را به هر ترتیب که صحیح می‌دانید به اطلاع اعضاء و هواداران کنفدراسیون برسانید. گذشته از این به اطلاع شما می‌رسانیم که جلسه قبل انجمن مونیک عده‌ای از این واحد انشعاب کرده با شعارهای تا شما موضع خود را پس نگیرید ما به انجمن نخواهیم آمد، "ما انجمن مونیک و کارداران آنرا قبول نداریم"، و "ما نمایندگان واقعی خود را انتخاب کرده به کنگره خواهیم فرستاد" و امثالهم جلسه را ترک نمودند. سه نفر از این عده دارای مسئولیت انجمنی بودند. یک نفر مسئول کتابخانه و دو نفر مسئول صندوق. با وجود اینکه نشست شورای عالی صندوق بود و با اینکه در همان هنگام ترک سالن تذکر داده شد که اینها اموال افراد عضو انجمن هستند با این همه این عده حاضر به ماندن در سالن نبودند. پس از این عمل این عده شورای عالی صندوق مسئولین جدید را انتخاب نمود. هنگامی که مسئولین جدید صندوق به یکی از مسئولین سابق مراجعه کرده خواستار یک نشست مشترک می‌شود وی می‌گوید: "تا وضع شما روشن نشود صندوق نزد ما خواهد ماند. و آنرا تحویل نخواهیم داد". در همین جلسه شورای عالی از مسئول سابق خواسته شد تا حدی که در توانائی شخص او می‌باشد گزارش دهد و لیکن وی از آنجا که نه دفاتر و نه صندوق پول را در اختیار داشت نتوانست گزارش دقیقی بدهد و چون نمی‌دانست موجودی صندوق و بانک چقدر است شورای عالی از او خواست که به اتفاق مسئولین جدید به بانک رفته موجودی دقیق را سؤال نماید. ولی وقتی که به بانک رفتند اطلاع پیدا کردند که یکساعت قبل موجودی صندوق از بانک گرفته شده است. رفقای هیات دبیران ما از شما خواستاریم که تا حد امکان مسائل مونیک را در سطح کنفدراسیون به اطلاع همه اعضاء و همه هواداران کنفدراسیون برسانید چون از دبیران موقت کنفدراسیون نمی‌توانیم چنین تقاضائی را بنمائیم و این به این خاطر است که ایشان روابط تشکیلاتی خود را با ما قطع نموده‌اند. در ضمن هر نظری یا رهنمودی که در این رابطه مفید می‌دانید به ما ابلاغ نمائید گزارش دفاعی بزودی داده خواهد شد.

با سلامهای گرم

هیئت اجرایی سازمان"

سند شماره ۲۳ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم

مندرج در فصل شانزدهم بخش: (اختلافات و انشعاب رسمی در کنگره ۱۶ بر سر مواضع ارتجاعی "هیأت دبیران موقت")

آخرین تلاش‌های رسوای گردانندگان انشعاب را به طور نهائی درهم شکنیم

Member Organizations

Organization of Tehran University Students
Federation of Iranian Students in W. Germany and Berlin
Iranian Students Association in United States
Federation of Iranian Students in Austria
Iranian Students Society in Great Britain
Federation of Iranian Students in Italy
Iranian Students Union in France
Iranian Students Society in Lamsanne (Switzerland)
Federation of Iranian Students in Turkey
Iranian Students Union in Belgium

کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی

6 Frankfurt 16
Postfach 16247
West Germany

Konto:
Postcheck Karlsruhe 1274 44
West Germany



CONFEDERATION OF IRANIAN STUDENTS (NATIONAL UNION)
Conföderation der Iranischen Studenten/Confédération des Etudiants Iraniens

۱۹۷۵ اوت ۱۵

اطلاعیه به کلیه واحدها

برای قرائت در مجمع عمومی

آخرین تلاش‌های رسوای گردانندگان انشعاب را بطور نهائی درهم شکنیم

رفقای مبارز: در تاریخ ۳۰ ژوئیه ۷۵ اطلاعیه‌ای به اعضای دو تن از مسئولان موقت انتشار یافته که از یکسو نمایشگر انفرادیت بی‌پایان و از سوی دیگر گواه بارز این واقعیت است که انشعابگران در دست و پا زدن‌های آخرین خود به‌همه چیز حتی به اخلاقی و کارشناسی آشکار در مبارزات کنفدراسیون جهانی علیه رژیم شاه متوسل می‌شوند. انشعابگران که ماهیست کلیه موازین کنفدراسیون را زیر پا گذاشته به مبارزات و سنن افتخارآمیز جنبش دانشجویی پشت کرده و به جدائی سیاسی و سازمانی از کنفدراسیون جهانی دست زده‌اند. در ابتدا تصور می‌کردند که به صرف داشتن یک اکثریت در هیئت مسئولین موقت (آنهم اکثریتی که در نتیجه شرایط بحرانی کنگره شانزدهم و بشکرتانه هم‌خورد سطحی و سیاست اشتباه‌آمیز اکثریت هیئت نمایندگی آمریکا نصب آنان شده است) قادر خواهند بود بنام کنفدراسیون جهانی و مرکزیت آن، برنامه انشعاب و تلاش کنفدراسیون را به عمل درآورند و سازمان ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی جنبش دانشجویی ما را بیک وسیله اجرای سیاستهای روزمره گروهی خود، به محل تجمع عناصر مغرور و حاشیه نشین و به لانه نفوذ و رخنه در دست ضد خلقی "کمیته مرکزی حزب نوده" تبدیل نمایند. مسرور مبارزه و مقاومت علیه انشعابگران و در عین حال ادامه مبارزه کنفدراسیون جهانی علیه رژیم دست نشانده شاه و بر اساس پلانم، مواضع و مصوبات کنگره شانزدهم کنفدراسیون، برخلاف پندار پند کردندگان انشعاب نشان داد که چنین اکثریتی زمانی که بجای انجام وظائف مبارزاتی، علیه مصالح جنبش اقدام میکند در همان گامهای نخستین و مدتها قبل از تحقق برنامه خود، از صفوف سازمان و جنبش دانشجویی طرد میگردد. گردانندگان انشعاب پس از روبرو شدن با این واقعیت، بجای کوشش برای بازگشت به صفوف جنبش با سراسیمگی خاصی، کوشیدند شکست مقتضای خود را از طریق مد کردن موج مبارزه و مقاومت علیه انشعاب، جبران کنند. در نتیجه در این تکیه‌بازی ارتجاعی، از یکسو به سرکوب این مقاومت و از سوی دیگر به اقدام آشکار علیه مبارزات و اکتیوهای کنفدراسیون جهانی که بطور موهبیت آمیزی در واحدها و در کشورهای مختلف همچنان ادامه دارد متوسل شدند. بطوریکه امروز دو تن از مسئولین موقت در تنگنای انفرادیت با صراحت از واحدهای کنفدراسیون (که از نظر این اکثریت مدتهاست دیگر وجود ندارند) دعوت میکنند از شرکت در فعالیتهای کنفدراسیون خودداری ورزند. و عجیب اینکه درست در زمانی که دو تن مسئولین موقت از واحدهای کنفدراسیون سخن میگویند، درست در همان زمان نمایندگان واحدهای کنفدراسیون و مسئولین کنفدراسیونها را "عده‌ای افراد" میخوانند. (بخشنامه ۲ اوت دو تن مسئولین موقت)

گرچه اقدامات گردانندگان انشعاب و دو تن مسئولین موقت علیه کنفدراسیون جهانی و موازین آن از نظر هیچ یک از اعضای کنفدراسیون پوشیده نیست و بارها واحدها و اعضای کنفدراسیون از طریق قلمنامه‌ها، موضع‌گیری‌ها و صحبت‌های سمینارها بطور همه جانبه‌ای افشا شده است. معینا اشاره به این اقدامات و همچنین به مبارزهای که علیه آن انجام

گرفته برای روشن تر کردن مقاصد و برنامه انشعابگران و درهم شکستن قطعی آخرین تلاشهای آنان ضروریست :
 آغاز يك حرکت جدید انشعابگرانه پس از كنگره شانزدهم :

در آستانه كنگره شانزدهم كنفدراسیون، مبارزه درونی سازمان بیش از پیش حدت یافته و تانگی موازین سازمانی و اقدام خطرناک به فعالیتهای انشعابگرانه گشاده شده بود، بطوریکه در كنگره هیچگونه زمینه هدایت مشترك فعالیت سازمان بر روی يك پلا تفرم روشن مبارزه قاطع علیه رژیم محمد رضا شاه نمیتوانست وجود داشته باشد. این حدت مبارزه درونی در عین تاثیر موقت بر روی فعالیت كنفدراسیون و محدود ساختن قابل ملاحظه امکان پیشبرد وظائف مبارزاتی آن، با افشای وسیع خطر راست و انفراد بیش از پیش آن همراه بود و تاثیر مبارزه چند ساله علیه خطر راست و نتایج مهم آنرا به صورت ایجاد شرایط قبول يك پلا تفرم رزمنده به نحو ملموس نشان میداد. كنگره شانزدهم با افشای همه جانبه خطر راست و طرد اقدامات انشعابگران، با تاکید بر روی مبارزه قاطع علیه امپریالیسم و رژیم دست نشانده شاه و پشتیبانی همه جانبه از مبارزات خلق با مرزبندی روشن در برابر گلیه دشمنان خلق (و از آنجمله دار و دسته خائن "کمیته مرکزی" دولت ضد خلقی شوروی) و بالاخره با تصویب منشور و مصوبات بر این اساس، گام بزرگی در راه انفراد خطر راست، طرد انواع انحرافات و تحکیم رزمندگی سازمان برداشت. در كنگره به موازات کسب این موفقیت، کوششهای ارزنده با جهت تثبیت پیروزیهای بدست آمده، خروج سازمان از بحران، گشادن جمعیت كنفدراسیون به مبارزه قاطع علیه رژیم دست نشانده شاه، ادامه مبارزه اصولی علیه خطر راست و طرد هرگونه تزلزل در صفوف كنفدراسیون بعمل آمد. در ارتباط با همین کوشش، پیشنهادی مبنی بر انتخاب يك هیئت مقولین موقت (بدون شرکت خطر راست) جهت نمایندگی كنفدراسیون در خارج پیشبرد يك برنامه حد اقل دفاعی و تشکیل کمیسیونی با شرکت کلیه نظرات درون سازمان بمنظور بررسی چگونگی خروج از وضعیت موجود و تدارک سیاسی - سازمانی كنگره هفدهم به كنگره ارائه شد. این پیشنهاد با توجه به شرایط كنگره - که در آن بدلیل تشدید تصادمات درونی و تضعیف موازین سیاسی و تشکیلاتی بوسیله خطر راست نه سرهم بندی و ناریده گرفتن اهمیت و عمق اختلافات اصولی ممکن بود و نه پیشبرد مبارزه موثر و یکپارچه كنفدراسیون علیه رژیم دست نشانده شاه - بدون تردید نمیتوانست كنگره را به خروج از این شرایط موفقیت کوششهای فوق نزدیک سازد. اما این پیشنهاد قبل از هرچیز بعلت برخورد سطحی اکثریت هیئت نمایندگی آمریکا که آلترناتیو هیئت دیران مشترك را (در شرایط ادامه اقدامات انشعابگرانه خطر راست و عدم توافق بر روی يك پلا تفرم رزمنده) و به عبارت دیگر آلترناتیو سرهم بندی اختلافات اصولی را در برابر آن قرار میداد به تصویب نرسید. عدم تصویب پیشنهاد فوق زمینه لازم را برای انشعابگران کثونی که در آنزمان علیرغم عدم موافقت با مضمون پیشنهاد ناگزیر از قبول آن بودند فراهم ساخت. اینان پس از كنگره شانزدهم از یکسو با برخورداری از يك اکثریت در هیئت مسئولین موقت و از سوی دیگر با استفاده از فرصتی که عدم شرکت خطر راست در کمیسیون مشترك و ادامه اقدامات انشعابگرانه آن بوجود آورده بود، بسوی تنظیم و اجرای يك برنامه وسیع انشعاب و تلاشی كنفدراسیون گام برداشتند. برنامه انشعابگران که با طرح و تبلیغ صریح "باید خطر راست را از كنفدراسیون بیرون ریخت" اعلام گردید، در زمانی کوتاه بصورت انجام اقدامات و فعالیتهای خرابکارانه در سطوح مختلف به اجرا درآمد و بسرعت گسترش یافت.

این حرکت انشعابگرانه که با منافع گروهی گردانندگان انشعاب انطباق داشت انعکاسی است از تکامل سیاسی آنان و تاثیر مسایل متعددی که در تحولات سریع شرایط ملی و بین المللی و اوضاع خاص جنبش دموکراتیک خارج از کشور ریشه دارد. این تحولات سریع اوضاع ملی و بین المللی در شرایط فقدان رهبری واحد انقلابی در ایران که بتواند بخشهای مختلف جنبش را بر اساس دید استراتژی صحیح به گرد يك محور اساسی متحد سازد، در صفوف جبهه ضد امپریالیستی ضد ارتجاعی بعلت کثرت و تنوع منافع و بینشهای سیاسی و ایدئولوژیک، در زمانهای مختلف نوسانات و انحرافات مختلف ایجاد میکند و حتی در مواردی به تزلزل، سازش و تسلیم منتهی میگردد. همانطور که خطر راست تظاهراتی از تاثیر این تحولات ملی بین المللی و جنبش خارج از کشور است، انحراف جدید در میان صفوف انشعابگران نیز نوعی دیگری از آن را نشان میدهد. انشعابگران کثونی که بعلت پایه های سست ایدئولوژیک و بینش التقاطی خود در دورانهای مختلف بارها دستخوش نوسان و چرخشهای سریعی گشته اند و از مبارزه برای استقرار حکومت قانونی یکبار به دنبال شرایط رشد اندیشه های مترقی و گسترش مبارزات مسلحانه سازمانهای انقلابی بصورت "پشتیبان" جنبش مسلحانه رزمندگان چریک در میابند، اینبار در مدت کوتاهی تحت تاثیر حوادث جهانی و رشد تضادها در ایران و جهان و مشاهده راه حل های رفرمیستی که به کمک سوسیال دموکراسی اروپا و یا ابرقدرت شوروی در برخی کشورهای جهان انجام میگردد، ناگهان به

سوی این جبهه ارتجاع و آزادی انجام این تغییرات "سرخ الوصل" در ایران، گرایش می یابد. به همین جهت گردانندگان انشعاب که در ابتدا اقدامات انشعابگرانه خود را در زمینه متمرکز کردن فعالیت کنفدراسیون به دفاع از جنبش چریکی آغاز کردند، در مدتی کوتاه در نتیجه این گرایش جدید به ایجاد ائتلاف جدید با اتحاد با عناصر راست و طرح مسأله ضرورت تغییر در مواضع کنفدراسیون در قبال دولت ضد خلقی شوروی و همکاری با احزاب و سازمانهای وابسته به آن دست میزنند و در واقع بطور عمیق در جهت تبلیغ سازش با ارتجاع حرکت میکنند. (ما در فرصتهای بعدی بطور مفصل به این تکامل گردانندگان انشعاب و به "نظری" تجزیه خورده پرروازی آنان و تاثیر آن در تحکیم فعالیتهای انشعابگرانه خواهیم پرداخت)

مقاومت و مبارزه علیه حرکت انشعابگرانه :

گردانندگان انشعاب قبل از اعلام آشکار این برنامه سعی داشتند مقاصد خود را حتی المقدور با ظاهر "روشنه" و "بسته" انگاه اکثریت مسئولین وقت آغاز کنند و سپس با رفع تدریجی موانع آنرا در سطوح مختلف تخمین دهند. اساس سیاست فرق که از همان ابتدا در هم شکسته شد - عبارت بود از ادامه حالت انشعاب و کنفدراسیون (که قبل از کنکره شانزدهم در نتیجه اقدامات خطرناک ایجاد شده بود)، پیشبرد صوری و نمایشی برخی فعالیتها در عین ایجاد شرایط جلوگیری از شرکت خطرناک در آن و تحریک علیه خطرناک (بجای ادامه مبارزه سیاسی اصولی و جدی) .

انجام و پیشبرد "فعالیتها" بدون شرکت خطرناک میبایستی به این هدف خدمت کند که نشان داده شود "برای پیشبرد فعالیتهای کنفدراسیون نیازی به هواداران خطرناک نیست". به نظر گردانندگان انشعاب نشان دادن این امر همراه با تحریک و تبلیغ مستقیم و غیر مستقیم مشروط بودن خطرناک اگر نتواند به خارج شدن خطرناک از کنفدراسیون منتهی گردد خد اشل خواهد توانست زمینه "بیرون ریختن" آنرا فراهم آورد .

پس از آگاهی از مقاصد انشعابگران که در ابتدا به طور ضمنی و پوشیده مطرح میکردید، کوشش کردیم با توضیح عواقب این برنامه و سیاست زیان بخش آنان را از اجرای آن و حرکت در این سمت بازداریم. اما این کوشش در برابر تصمیم متخمس بر مافق و محاسبه ساده انشعابگران هر روز با نتایج کمتری مواجه میگردد. در نیمه مارس ۷۵ بدنبال بحثهای طولانی در این زمینه و بعنوان یک هشدار جدی طی نامهای (نامه ضمیمه) ضمن توضیح مواضع و نظرات خود و اشاره به تناقض میان یک مبارزه اصولی علیه خطرناکستیا دامن زدن انشعاب و جدائی سازمانی با صراحت کامل اعلام کردیم که نه تنها در هیچ اقدامی که به انشعاب و تلاشی سازمان منتهی گردد شرکت نخواهیم کرد بلکه علیه هرگونه فعالیت انشعابگرانه نیز قاطعانه مبارزه میکنیم .

در زمینه پیشبرد فعالیتهای کنفدراسیون نیز در برابر نظر انشعابگرانه "ایجاد شرایط جلوگیری از شرکت خطرناکست" پیشنهاد کردیم که تنظیم و اجرای فعالیتهای دفاعی با شرکت همه نظرات و برپایه با اطلاع و همکاری کلیه کنفدراسیونها انجام گیرد (آوری که ضامن بسیج وسیع توده دانشجوی و رفیقان کمیسونها و یکی از خواستههای جدی کنکره شانزدهم کنفدراسیون است) .

به موازات عدم توجه انشعابگران به این هشدار و پیشنهاد، مسأله ضرورت حفظ کنفدراسیون و نشان دادن عواقب انشعاب را به میان توده دانشجویان و کوشش کردیم از این طریق و برپایه یک بحث وسیعتر و مقاومت موثرتر گردانندگان انشعاب را از ادامه سیاست زیان بخش خود بازداریم. اما گردانندگان انشعاب علیهم الفوه، برنامه انشعاب و تلاشی کنفدراسیون را در انطباق با شرایط هر روز گاه ترک کرده و در سطوح مختلف به اجرای آن پرداختند. پاسخ گردانندگان انشعاب و دوتین مسئولین وقت به ناسیها به هشدارها و پیشنهادات صمیمانه فوق توصل به شانتاز بمنظور در هم شکستن مقاومت ما بود. در مدتی کوتاه یک کارزار وسیع تحریک شایع میراکی و دروفیرازی علیه مایسرت گسترش یافت. مخالفت ما با برنامه انشعاب و پیشنهاد ما برای پیشبرد فعالیتهای دفاعی بعنوان مخالفت با فعالیتهای دفاعی و "استحقاق نیمه رسمی" معزل وقت تبلیغ کردید. انشعابگران در این تلاش ننگین خود، بازیر یا گذاردن همه ارزشها و موازین سیاسی از رواج نیست و افترا نیز ابا نکردند. و آنگاه زمانی که نتوانستند حتی با دامن زدن این کارزار تحریک آمیز مقاومت ما را در هم شکنند و از مبارزه ما علیه انشعاب و ایجاد یک موج وسیع علیه برنامه تلاشی کنفدراسیون جلوگیری کنند، در صدر برآمدند که جبهه خود را از طریق یک اتحاد نامیون تحکیم و تقویت کنند. انشعابگران برای مقابله با موج فزاینده مبارزه با انشعاب، بجای بازگشت به صفوف کنفدراسیون و سن جنبش دانشجویی و خودداری از ادامه فعالیت زیان بخش خورده با بی احتیایی به همه اصول مبارزاتی در بر دهنده ان جدیدی شناختند و باتفاق عدهای افراد خارج از سازمان - مشفق عناصر

مطلوب و حاشیه نمدین و جسمی از کسانی که در چند سال اخیر با مواضع راست روانه خود همواره به خط راست یاری رسانده و آنرا تقویت کرده اند - صفت جدیدی بوجود آورده و فعالیت های انشعابخانه را در این اتحاد تا میمون سازمانده و دنبال کردند . انشعابخانه با کسستن از متحدین رزمده و قرار گرفتن در صف جدید ، ناگزیر هر روز بیشتر بحوں مضارب و مسوی جدائی از جنبش بر غلطیدند . اتحاد با ناصری که از آغاز جنبش چریکی تا اکنون پیاد دلاورانه رزمندگان چریک را " نیرنگل دیاتورها " میخوانند و نقش موثر این عناصر در جنبه انشعابخانه و وجود افراد متعدد دی از این نوع در عین حال که نمایشگر سقوط عبرت انگیز در اندکان انشعاب است . نشان میدهد که نظریه پیشین آنان در مورد منحصر شدن فعالیت دفاعی کفدراسیون به دفاع از مبارزات چریکی نیز ناشی از یک اعتقاد و خواست ضمیمانه نبوده ، بلکه ناشی از یک سیاست اپورتونیستی و بنا بر ملا خطرات ناشی از عناصر گروهی بوده است .

بدین ترتیب در اندکان انشعاب و دوتن مسئولین موقت کفدراسیون پرازداد و گردن فرمان انشعاب در کفدراسیون ، پس از عقد اتحاد تنگین با حاشیه نشینان و بسیج عناصر غیر مسئول و خارج از کفدراسیون علیه کفدراسیون ، واحد ها و شخصی آن ، بدور مستقیم و غیر مستقیم به کار شکنی و خرابکاری در مبارزات کفدراسیون ، به علم کردن " سازمان دانشجویی " در برابر واحد ها دست زدند و برای این منظور و جلوگیری از فعالیت واحد های کفدراسیون از توسل به نیروهای ارتجاعی (نظیر سازمان دانشجویان د مگرات مسیحی و سازمان دانشجویان حزب " کمونیست " آلمان پارها دشمنی آشکار خود را با مبارزات کفدراسیون نشان دادند) نیز خود داری نکردند .

انشعابخانه در نتیجه ضایع و سمت گیری جدید خود و بحکم منطق تضاد ناگزیر ائتلاف نوین و ماهیت آن نمیتوانستند در جهت به کمک طلبیدن عناصر وابسته به " کمیته مرکزی " حزب توده نام بردارند . اثر رفته و نفوذ عوامل وابسته به کمیته مرکزی در برخی از " سازمان " های علم شده بوسیله انشعابخانه بدین سر و صدا و در عمل انجام گرفت در پاریس با دعوت رسمی اقلیت نامیز انشعابخانه از اینان همراه بود . اقلیت نامیز انشعابخانه در پاریس هم از اعلام و تحقیق جدایی با همه نظرات و دانشجویان درون کفدراسیون ، دعوت از فارودین جنبش و عناصر وابسته به " کمیته مرکزی " و همکاری با آنان را اعلامیه ای بعنوان دعوت از " همه گرایشهای گوناگون سیاسی " ؟ ! برای شرکت در " سازمان " جدید انشعابخانه آواز و به اجرا در آورد .

سقوط انشعابخانه و پشت پا زدن آنان به همه اصول ، دستاوردها و سنن جنبش را بدینجا کشیده شد که برای جلوگیری از ادامه فعالیت واحد های کفدراسیون و تحلیل آنها به دستاورد های قضایی امپریالیسم نیز مقومل شدند (به اطلاعیه های سازمان کارلسروه در اینباره مراجعه شود) .

حال گرد اندکان انشعاب و دوتن مسئولین موقت که با این کارنامه تنگین خود را نه تنها از مرکزیت کفدراسیون خارج کرده اند بلکه کلیه پیوندهای سیاسی و سازمانی را با کفدراسیون جهانی قطع نموده اند ، گمانیکه ادوار به کشتار رژیم شاه و مبارزه را در دفاع از رزمندگان انقلابی وسیله هدف های سودجویانه و تمهید حسابهای تنگ نظرانه گروهی خود قرار میدهند و در سازمان با صراحت فرمان بایکوت فعالیتها و اسیرهای واحد های آلمان را صادر میکنند ، گمانیکه برای تخطئه فعالیت های درخشان کفدراسیون فرانسه (در دفاع از رزمندگان انقلابی ، در دفاع از انقلاب عمان ، در فعالیت های علیه مسافرت شاه به فرانسه) به توطئه سکوت مقومل میدهند ، گمانیکه با تمام نیرو به تخریب فعالیت ارزنده سازمان امریکا دست میزنند و برهان جلوگیری از ادامه و گسترش این فعالیت را برای اعزام یک هیئت بین المللی جهت بازدید از جنایات رژیم شاه را صادر می نمایند ، تصور میکنند که صرف داشتن ۲ رأی در هیئت مسئولین موقت میتواند دانشجویان آگاه و مبارز را به سکوت و حتی به انجیسترای " دستورات " آنان بعنوان مرکزیت کفدراسیون وادار سازد !!

گرد اندکان انشعاب و دوتن مسئولین موقت خود را بطور کامل از جنبش دانشجویی و کفدراسیون جهانی خارج کرده اند ، بنابراین بازگشت مجدد آنان به صفوف جنبش نمیتواند بدون پس دادن حساب و بدون رسیدگی به اقدامات ضد کفدراسیونی آنها انجام پذیرد . گرد اندکان انشعاب و دوتن مسئولین موقت برای بازگشت مجدد به صفوف جنبش علاوه بر قبول تلیه موازین ، مواضع و مشی سازمان که در مصیبات گذره شانزد هم در همه زمینه ها بطور روشن ، دقیق و تکثیر بیان شده و محصول پانزده سال مبارزه خستگی ناپذیر دانشجویان آگاه و مبارز علیه رژیم شاه و سالها مبارزه علیه اندراعات گوناگون و به خصوص علیه خط است راست است (امری که به همین اندازه در مورد همه نظرات درون کفدراسیون صادق است) باید همچنین ۱ - به طور صریح و علنی در برابر توده دانشجویی نسبت به تمام اقدامات ضد کفدراسیونی بچند ماهه پس از گذره شانزد هم از خود انتقاد کنند . ۲ - انحلال کامل کلیه صفاقلی را که بنام " سازمان دانشجویی " در برابر واحد های کفدراسیون در اروپا و آمریکا

علم کرده اند • اعلام دارند • ۳- جدائی نظری و عملی خود را از کلیه عناصر حاشیه نشین • غیر مسئول و خارج از سازمان که
 باتکاء آنها علیه سازمانهای دانشجویی به کودتا دست زده اند • نشان دهند •
 طبیعی است که همه اینها گرچه شرط ادامه فعالیت در کنفدراسیون است ، اما هنوز برای اعاده مجدد اعتماد توده دانشجوی
 نسبت به آنان کافی نخواهد بود • کسب مجدد چنین اعتمادی ویاك کردن این کارنامه سیاه تنها میتواند در جریان يك
 پراتیک مبارزاتی میسر گردد • هرچه گردانندگان ائتلاف بیشتر در ادامه سیاست خود پافشاری کنند ، بهمان اندازه راه باز
 گشت مجدد به صفوف جنبش را دشوارتر و دورنمای آنرا تیره تر میسازند • گردانندگان ائتلاف ، همچنان که در سبای ماههای
 گذشته نشان داده است ، با هر کدام ویا هر اقداس در ادامه سیاست خود بطور اجتناب ناپذیر بیشتر در منجلا ب فرو رفته ،
 کارنامه و بار خود را سیاه تر و سنگین تر میسازند • برای رضایی از این سرنوشت و خروج از این منجلا ب • جز وفاداری بـه
 آرمانها و ستن جنبش هیچ راهی وجود ندارد •

مسئول موقت کنفدراسیون جهانی - کاظم کردوانی

سند شماره ۲۳ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم

"برای قرائت در مجمع عمومی اطلاعیه به کلیه واحدها ۱۵ اوت ۱۹۷۵"

آخرین تلاش‌های رسوای گردانندگان انشعاب را بطور نهائی درهم شکنیم

رفقای مبارز: در تاریخ ۳۰ ژوئیه ۷۵ اطلاعیه‌ای به امضای دو تن از مسئولان موقت انتشار یافته که از یکسو نمایشگر انفراد بیش از پیش آنان و از سوی دیگر گواه بارز این واقعیت است که انشعابگران در دست و پا زدن‌های آخرین خود بهمه چیز حتی به اخلال و کارشکنی آشکار در مبارزات کنفدراسیون جهانی علیه رژیم شاه متوسل می‌شوند. انشعابگران که ماه‌هاست کلیه موازین کنفدراسیون را زیر پا گذارده، به مبارزات و سنن افتخارآمیز جنبش دانشجویی پشت کرده و به جدائی سیاسی و سازمانی از کنفدراسیون جهانی دست زده‌اند، در ابتدا تصور می‌کردند که به صرف داشتن یک اکثریت در تعیین مسئولین موقت (آنهم اکثریتی که در نتیجه شرایط بحرانی کنگره شانزدهم و به شکرانه برخورد سطحی و سیاست اشتباه‌آمیز اکثریت هیئت نمایندگی آمریکا نصیب آنان شده است) قادر خواهند بود به نام کنفدراسیون جهانی و مرکزیت آن، برنامه انشعاب و تلاشی کنفدراسیون را به عمل درآورند و سازمان ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی جنبش دانشجویی ما را به یک وسیله اجرای سیاست‌های روزمره گروهی خود، به محل تجمع عناصر مطرود و حاشیه‌نشین و به لانه نفوذ و رخنه دارودسته ضد خلقی "کمیته مرکزی حزب توده" تبدیل نمایند. موج مبارزه و مقاومت علیه انشعابگران و درعین حال ادامه مبارزه کنفدراسیون جهانی علیه رژیم دست نشانده شاه و بر اساس پلاتفرم، مواضع و مصوبات کنگره شانزدهم کنفدراسیون، برخلاف پندار عبث گردانندگان انشعاب نشان داد که چنین اکثریتی زمانی که بجای انجام وظائف مبارزاتی، علیه مصالح جنبش اقدام می‌کند در همان گام‌های نخستین و مدت‌ها قبل از تحقق برنامه خود، از صفوف سازمان و جنبش دانشجویی طرد می‌گردد. گردانندگان انشعاب پس از روبروشدن با این واقعیت، بجای کوشش برای بازگشت به صفوف جنبش با سراسیمگی خاصی، کوشیدند شکست مقتضاحانه خود را از طریق سد کردن موج مبارزه و مقاومت علیه انشعاب، جبران کنند. در نتیجه دراین تکاپوی ارتجاعی، از یکسو به سرکوب این مقاومت و از سوی دیگر به اقدام آشکار علیه مبارزات و آکسیون‌های کنفدراسیون جهانی که بطور موفقیت‌آمیزی در واحدها و در کشورهای مختلف همچنان ادامه دارد متوسل شدند. بطوری که امروز دوتن از مسئولین موقت در تنگنای انفراد، با صراحت از واحدهای کنفدراسیون (که از نظر این اکثریت مدت‌هاست دیگر وجود ندارند) دعوت می‌کند از شرکت در فعالیت‌های کنفدراسیون خودداری ورزند. و عجیب اینکه درست در زمانی که دوتن مسئولین موقت از واحدهای کنفدراسیون سخن می‌گویند، درست در همان زمان نمایندگان واحدهای کنفدراسیون و مسئولین فدراسیون‌ها را "عده‌ای افراد" می‌خوانند. (بخشنامه ۲ اوت دو تن مسئولین موقت) گرچه اقدامات گردانندگان انشعاب و دو تن مسئولین موقت علیه کنفدراسیون جهانی و موازین آن از نظر هیچ یک از اعضای کنفدراسیون پوشیده نیست و بارها واحدها و اعضای کنفدراسیون از طریق قطعنامه‌ها، موضع‌گیری‌ها و بحث‌های سمینارها بطور همه‌جانبه‌ای افشاء شده است معهذا اشاره به این اقدامات و همچنین به مبارزه‌ای که علیه آن انجام گرفته، برای روشن‌تر کردن مقاصد و برنامه انشعابگران و درهم شکستن قطعی آخرین تلاش‌های آنان ضروریست:

آغاز یک حرکت جدید انشعابگرانه پس از کنگره شانزدهم:

در آستانه کنگره شانزدهم کنفدراسیون، مبارزه درونی سازمان بیش از پیش حدت یافته و تا نفی موازین سازمانی و اقدام خط راست به فعالیت‌های انشعابگرانه کشانده شده بود، بطوری که در کنگره هیچ‌گونه زمینه هدایت مشترک فعالیت سازمان بر روی یک پلاتفرم روشن مبارزه قاطع علیه رژیم محمدرضا شاه نمی‌توانست وجود داشته باشد. این حدت مبارزه درونی در عین تاثیر موقت بر روی فعالیت کنفدراسیون و محدود ساختن قابل ملاحظه امکان پیش‌برد وظائف مبارزاتی آن، با افشای وسیع خط راست و انفراد بیش از پیش آن همراه بود و تاثیر مبارزه چند ساله علیه خط راست و نتایج مهم آنرا به صورت ایجاد شرایط قبول یک پلاتفرم رزمنده به نحو ملموسی نشان می‌داد. کنگره شانزدهم با افشای همه‌جانبه خط راست و طرد اقدامات انشعابگرانه آن، با تاکید بر روی مبارزه قاطع علیه امپریالیسم و رژیم دست نشانده شاه و پشتیبانی همه‌جانبه از مبارزات خلق، با مرزبندی روشن در برابر کلیه دشمنان خلق (و از آن جمله دارودسته خائن "کمیته مرکزی" و دولت ضد خلقی شوروی) و بالاخره با تصویب منشور و مصوبات بر این اساس، گام بزرگی در راه انفراد خط راست، طرد انواع انحرافات و تحکیم رزمندگی سازمان برداشت. در کنگره به موازات کسب این موفقیت، کوشش‌های ارزنده‌ای در جهت تثبیت پیروزی‌های به دست آمده، خروج سازمان از بحران، کشاندن

مجموع کنفدراسیون به مبارزه قاطع علیه رژیم دست نشانده شاه، ادامه مبارزه اصولی علیه خط راست و طرد هرگونه تزلزل در صفوف کنفدراسیون به عمل آمد. در ارتباط با همین کوشش، پیشنهادی مبنی بر انتخاب یک هیئت مسئولین موقت (بدون شرکت خط راست) جهت نمایندگی کنفدراسیون در خارج پیش‌برد یک برنامه حداقل دفاعی و تشکیل کمیسیونی با شرکت کلیه نظرات درون سازمان به منظور بررسی چگونگی خروج از وضعیت موجود و تدارک سیاسی-سازمانی کنگره هفدهم به کنگره ارائه شد. این پیشنهاد با توجه به شرایط کنگره - که در آن به دلیل تشدید تصادمات درونی و تضعیف موازین سیاسی و تشکیلاتی به وسیله خط راست نه سرهم بندی و نادیده گرفتن اهمیت و عمق اختلافات اصولی ممکن بود و نه پیش‌برد مبارزه موثر و یک‌پارچه کنفدراسیون علیه رژیم دست نشانده شاه - بدون تردید می‌توانست کنگره را به خروج از این شرایط و موفقیت کوشش‌های فوق نزدیک سازد. اما این پیشنهاد قبل از هر چیز به علت برخورد سطحی اکثریت هیئت نمایندگی آمریکا که آلترناتیو هیئت دبیران مشترک را (در شرایط ادامه اقدامات انشعابگرانه خط راست و عدم توافق برروی یک پلاتفرم رزمنده) و به عبارت دیگر آلترناتیو سرهم بندی اختلافات اصولی را در برابر آن قرار می‌داد به تصویب نرسید. عدم تصویب پیشنهاد فوق زمینه لازم را برای انشعابگران کنونی که در آن زمان علی‌رغم عدم موافقت با مضمون پیشنهاد ناگزیر از قبول آن بودند فراهم ساخت. اینان پس از کنگره شانزدهم از یکسو با برخورداری از یک اکثریت در هیئت مسئولین موقت و از سوی دیگر با استفاده از فرصتی که عدم شرکت خط راست در کمیسیون مشترک و ادامه اقدامات انشعابگرانه آن به وجود آورده بود، به سوی تنظیم و اجرای یک برنامه وسیع انشعاب و تلاشی کنفدراسیون گام برداشتند. برنامه انشعابگران که با طرح و تبلیغ صریح "باید خط راست را از کنفدراسیون بیرون ریخت" اعلام گردیده، در زمانی کوتاه به صورت انجام اقدامات و فعالیت‌های خرابکارانه در سطوح مختلف به اجرا در آمد و سرعت گسترش یافت.

این حرکت انشعابگرانه که با منافع گروهی گردانندگان انشعاب انطباق داشت انعکاسی است از تکامل سیاسی آنان و تاثیر مسائل متعددی که در تحولات سریع شرایط ملی و بین‌المللی و اوضاع خاص جنبش دموکراتیک خارج از کشور ریشه دارد. این تحولات سریع اوضاع ملی و بین‌المللی در شرایط فقدان رهبری واحد انقلابی در ایران که بتواند بخش‌های مختلف جنبش را براساس دید استراتژی صحیح به گرد یک محور واحد اساسی متحد سازد، در صفوف جبهه ضدامپریالیستی-ضدارتجاعی به علت کثرت و تنوع منافع و بینش‌های سیاسی و ایدئولوژیک، در زمان‌های مختلف نوسانات و انحرافات مختلف ایجاد می‌کند و حتی در مواردی به تزلزل، سازش و تسلیم منتهی می‌گردد. همانطور که خط راست تظاهری از تاثیر این تحولات ملی، بین‌المللی و جنبش خارج از کشور است، انحراف جدید در میان صفوف انشعابگران نیز نوعی دیگری از آن را نشان می‌دهد. انشعابگران کنونی که بعلاوه پایه‌های سست ایدئولوژیک و بینش التقاطی خود در دوران‌های مختلف بارها دستخوش نوسان و چرخش‌های سریعی گشته‌اند و از مبارزه برای استقرار حکومت قانونی یکباره بدنبال شرایط رشد اندیشه‌های مترقی و گسترش مبارزات مسلحانه سازمان‌های انقلابی بصورت "پشتیبان" جنبش مسلحانه رزمندگان چریک در می‌آیند، اینبار در مدتی کوتاه تحت تاثیر حوادث جهانی و رشد تضادها در ایران و جهان و مشاهده راه حل‌های رفرمیستی که به کمک سوسیال دموکراسی اروپا و یا ابرقدرت شوروی در برخی کشورهای جهان انجام می‌گیرد، ناگهان به سوی این جبهه ارتجاع و آرزوی انجام این تغییرات "سریع الوصول" در ایران گرایش می‌یابند. به همین جهت گردانندگان انشعاب که در ابتداء اقدامات انشعابگرانه خود را در زیر پرچم منحصر کردن فعالیت کنفدراسیون به دفاع از جنبش چریکی آغاز کردند، در مدتی کوتاه در نتیجه این گرایش جدید، به ایجاد ائتلاف جدید، اتحاد با عناصر راست و طرح مساله ضرورت تغییر در مواضع کنفدراسیون در قبال دولت ضدحلقی شوروی و همکاری با احزاب و سازمان‌های وابسته به آن، دست می‌زنند و در واقع بطور عینی در جهت تبلیغ سازش با ارتجاع حرکت می‌کنند. (ما در فرصت‌های بعدی بطور مفصل به این تکامل گردانندگان انشعاب و به "تئوری" تجزیه خرده بورژوازی آنان و تاثیر آن در تحکیم فعالیت‌های انشعابگرانه خواهیم پرداخت). (تکیه از توفان)

مقاومت و مبارزه علیه حرکت انشعابگرانه:

گردانندگان انشعاب قبل از اعلام آشکار این برنامه، سعی داشتند مقاصد خود را حتی‌المقدور با ظاهر "رزمنده" و به اتکاء اکثریت مسئولین موقت آغاز کنند و سپس با رفع تدریجی موانع آنرا در سطوح مختلف تعمیم دهند. اساس سیاست فوق - که از همان ابتدا درهم شکسته شد - عبارت بود از ادامه حالت انشعاب در کنفدراسیون (که قبل از کنگره شانزدهم در نتیجه اقدامات خط راست ایجاد شده بود)، پیش‌برد صوری و نمایشی برخی فعالیت‌ها در عین ایجاد شرایط جلوگیری از شرکت خط راست در آن

و تحریک علیه خط راست (به جای ادامه‌ی مبارزه سیاسی و اصولی و جدی)، انجام و پیش‌برد "فعالیت‌ها" بدون شرکت خط راست می‌بایستی به این هدف خدمت کند که نشان داده شود "برای پیش‌برد فعالیت‌های کنفدراسیون نیازی به هواداران خط راست نیست". به نظر گردانندگان انشعاب نشان دادن این امر همراه با تحریک و تبلیغ مستقیم و غیرمستقیم مشکوک بودن خط راست اگر نتواند به خارج شدن از کنفدراسیون منتهی گردد حداقل خواهد توانست زمینه "بیرون ریختن" آنرا فراهم آورد.

پس از آگاهی از مقاصد انشعابگران که در ابتداء به طور ضمنی و پوشیده مطرح می‌گردید، کوشش کردیم با توضیح عواقب این برنامه و سیاست زیان‌بخش آنان را از اجرای آن و حرکت در این سمت باز داریم. اما این کوشش در برابر تصمیم مبتنی بر منافع و محاسبه ساده انشعابگران هر روز با نتایج کم‌تری مواجه می‌گردد. در نیمه مارس ۷۵ بدنبال بحث‌های طولانی در این زمینه و به عنوان یک هشدار جدی طی نامه‌ای (نامه ضمیمه) ضمن توضیح مواضع و نظرات خود و اشاره به تفاوت میان یک مبارزه اصولی علیه خط راست با دامن زدن انشعاب و جدائی سازمانی با صراحت کامل اعلام کردیم که نه تنها در هیچ اقدامی که به انشعاب و تلاشی سازمان منتهی گردد شرکت نخواهیم کرد، بلکه علیه هرگونه فعالیت انشعابگرانه نیز قاطعانه مبارزه می‌کنیم. در زمینه پیش‌برد فعالیت‌های کنفدراسیون نیز در برابر نظر انشعابگرانه "ایجاد جلوگیری از شرکت خط راست" پیشنهاد کردیم که تنظیم و اجرای فعالیت‌های دفاعی با شرکت همه نظرات و بویژه با اطلاع و همکاری کلیه فدراسیون‌ها انجام گیرد (امری که ضامن، بسیج وسیع توده دانشجوی و موفقیت آکسیون‌ها و یکی از خواست‌های جدی کنگره شانزدهم کنفدراسیون است).

به موازات عدم توجه انشعابگران به این هشدار و پیشنهاد، مسئله ضرورت حفظ کنفدراسیون و نشان دادن عواقب انشعاب را به میان توده دانشجوی برده و کوشش کردیم از اینطریق و بر پایه یک بحث وسیع‌تر و مقاومت موثرتر، گردانندگان انشعاب را از ادامه سیاست زیان‌بخش خود باز داریم. اما گردانندگان انشعاب علی‌رغم تلاش‌های فوق، برنامه انشعاب و تلاشی کنفدراسیون را در انطباق با شرایط، هر روز کامل‌تر کرده و در سطوح مختلف به اجرا در آوردند. پاسخ گردانندگان انشعاب و دو تن مسئولین موقت به تلاش‌ها، به هشدارها و پیشنهادات صمیمانه فوق توسل به شانتاژ به منظور درهم شکستن مقاومت ما بود. در مدتی کوتاه یک کارزار وسیع تحریک، شایعه‌پراکنی و دروغ‌پردازی علیه ما سرعت گسترش یافت. مخالفت ما با برنامه انشعاب و پیشنهاد ما برای پیش‌برد فعالیت‌های دفاعی به عنوان مخالفت با فعالیت‌های دفاعی و "استعقای نیمه‌رسمی" مسئول موقت تبلیغ گردید. انشعابگران در این تلاش ننگین خود، با زیر پا گذاشتن همه ارزش‌ها و موازین سیاسی از رواج تهمت و افترا نیز ابا نکردند. و آنگاه زمانی که نتوانستند حتی با دامن زدن این کارزار تحریک‌آمیز مقاومت ما را درهم شکنند و از مبارزه ما علیه انشعاب و ایجاد یک موج وسیع علیه برنامه تلاشی کنفدراسیون جلوگیری کنند، در صدد برآمدند که جبهه خود را از طریق یک اتحاد نامیوم تحکیم و تقویت کنند. انشعابگران برای مقابله با موج فزاینده مبارزه با انشعاب، بجای بازگشت به صفوف کنفدراسیون و سنن جنبش دانشجویی و خودداری از ادامه فعالیت زیان‌بخش خود، با بی‌اعتنائی به همه اصول مبارزاتی در پی متحدان جدیدی شتافتند و باتفاق عده‌ای افراد خارج از سازمان - مشتی عناصر مطرود و حاشیه‌نشین و جمعی از کسانی که در چند سال اخیر با مواضع راست روانه خود همواره به خط راست یاری رسانده و آنرا تقویت کرده‌اند - حساب جدیدی بوجود آورده و فعالیت‌های انشعابگرانه خود را در این چارچوب این اتحاد نامیوم سازماندهی و دنبال کردند. انشعابگران با گسستن از متحدین رزمنده و قرار گرفتن در صف جدید، ناگزیر هر روز بیش‌تر به سوی منجلاب و به سوی جدائی از جنبش در غلطیدند. اتحاد با عناصری که از آغاز جنبش چریکی تاکنون پیکار دلاورانه رزمندگان چریک را "نبرد گلاادیاتورها" می‌خوانند و نقش موثر این عناصر در جبهه انشعابگران و وجود افراد متعددی از این نوع، در عین حال که نمایشگر سقوط عبرت‌انگیز گردانندگان انشعاب است. نشان می‌دهد که نظریه پیشین آنان در مورد منحصر شدن فعالیت دفاعی کنفدراسیون به دفاع از مبارزات چریکی نیز ناشی از یک اعتقاد و خواست صمیمانه نبوده، بلکه ناشی از یک سیاست اپورتونیستی و بنا بر ملاحظات ناشی از منافع گروهی بوده است.

بدین ترتیب گردانندگان انشعاب و دوتن مسئولین موقت کنفدراسیون پس از صادر کردن فرمان انشعاب در کنفدراسیون، پس از عقد ننگین اتحاد با حاشیه‌نشینان و بسیج عناصر غیرمسئول و خارج از کنفدراسیون علیه کنفدراسیون، واحدها و مشی آن، بطور مستقیم و غیرمستقیم به کارشکنی و خرابکاری در مبارزات کنفدراسیون، به علم کردن "سازمان دانشجویی" در برابر واحدها دست زدند و برای این منظور و جلوگیری از فعالیت واحدهای کنفدراسیون از توسل به نیروهای ارتجاعی (نظیرسازمان

سند شماره ۲۴ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم

مندرج در بخش: (نظریه خط میانه، "کادر"ها و جبهه ملی ایران در سمینار ادوی تابستانی ۱۹۷۴ ایتالیا در برخورد به اطلاعاتی ارتجاعی دبیران موقت کنفدراسیون جهانی)

سمینار اردوی کنفدراسیون جهانی - ۱۹۷۴ جمعبندی شماره ۱

نظریه خط میانه

سمینار اردوی کنفدراسیون جهانی - ۱۹۷۴

جمعبندی شماره ۱

۱ - رژیم شاه نماینده طبقات و اشار ارتجاعی حاکم در ایران است. این رژیم بورژوا امپریالیستها، بوروکرات تشوکرانها و پس ماندنهای مناسبات گذشته بوده و از نقطه نظر اقتصادی، سیاسی و نظامی وابسته بامپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم آمریکا است. تضاد عمده خلق ما با رژیم شاه و امپریالیسم آمریکا است، بالاخص در سطح مبارزات دموکراتیک و ضد امپریالیستی، هدف این مبارزات محو این رژیم مایهنا وابسته بامپریالیسم است. همه قدرت ارتجاع داخلی و امپریالیسم در جهت سرکوب و حشیانه هر حرکت انقلابی، حتی هر حرکت لیبرال و محافظه کارانه ضد دیکتاتوری در ایران است. همه حرکت رژیم ارتجاعی و امپریالیسم جهانی در جهت سرکوب جنبشهای آزادی بختر منطقه و بوجود آوردن ارتجاعیترین نیروهای منطقه که در رأس آنها شاه، حسین، قیصل، حکومت اسرائیل و... است پس در چنین شرایطی با چنین آرایش نیرو هیچ حدی در سطح انقلابی نمیتواند وجود داشته باشد که هدف عمده خود را در ایران مبارزه قاطع علیه رژیم شاه و امپریالیستها بسرگردگی امپریالیسم آمریکا نداند. هیچ جبهه متحد شرقی نمیتواند وجود داشته باشد که دشمن عمده خود را رژیم و امپریالیستها بسرگردگی امپریالیسم آمریکا مشخص نکند و این نه از نیل و اراده افراد و گروههاییکه از شرایط مشخص مین ما برمیخیزد.

دولت شوروی با اعمال سیاست مایهنا ضد انقلابی و ضد خلقی در سطح جهان به غارتخلفهای جهان پرداخته، در انحوات این جنبشهای انقلابی از طریق کوشش برای نفوذ در جنبشهایندای و در عین حال در رقابت با امپریالیسم آمریکا برای در دست گرفتن هژمونی سیاست جهانی کوشاست ولی سازش با او در آنجا که منافعتراقتضا میشود فروگذار نمی نماید.

کمیته مرکزی حزب توده نیز با مئی مایهنا ضد انقلابی و ارتجاعی خود به سببه این سیاست پرداخته و تلاش میوزد مئی سازشکارانه و رفیسمتی را در جنبش انقلابی مین ما حاکم گردد. ما معتقدیم جنبش توده ای - دموکراتیک و ضد امپریالیستی ما و سازمان آن کنفدراسیون جهانی با این سیاست ضد خلقی و توجیه کنندگان آن همچنان بمبارزه خود ادامه داده و آنرا افشا نماید و قاطعانه در مقابل هرگونه بازگشت مئی ضد انقلابی حزب توده ایستاده و اجازه ندهد که چنین مئی مجددا بداخل کنفدراسیون و جنبش مردم راه یابد. ولی این مبارزه قاطع و بی امان نباید جایگزین مبارزه عمده بر علیه رژیم شاه و امپریالیسم جهانی گشته و نا بآنجا پیش برود که به توجیه امپریالیسم آمریکا تجاوز و غارت این دشمنان عمده انسانیت، به توجیه رژیم ارتجاعی و دیکتاتوری محمد رضا شاه منجر شود.

در سالهای اخیر مبارزات مسلحانه سازمانهای رزمنده چریکی، مبارزات مطالباتی و اعتراضی کارگران از یکسو و شورش های پراکنده دهقانی، مبارزات دانشجویان، مبارزه گروههای مذهبی و بازاریان و دیگر اقشار خرده بورژوازی از سوی دیگر تداوم و محتوای سیاسی خاصی یافته اند. هرروز که میگرد این مبارزات تشدید میگردد. سازمانهای رزمنده بخاطر ایجاد جو سیاسی ایجاد تماس و ارتباط بانوده طبقه و توده مردم که شرط اساسی پیشرفت و پیروزی است قدمهای موثری برداشته و امروزه پا به مرحله ناپودی رژیم گذاشته اند.

دانشجویان دانشگاه تهران در آخرین تظاهرات با شکوه خود فریاد "سرنگون باد رژیم ارتجاعی"، "ما خواهان آزادیهای دموکراتیک هستیم" را بگوش هزاران مردم کوچه و بازار رسانیدند. گروههای مبارز مذهبی با موضعگیری روشن علیه رژیم دست نشانده پهلوی و با خواست سرنگونی رژیم شاه موضع قاطع ضد رژیم خود را تاکید میکنند. دستگیری اعضای سلولهای صفی سیاسی کارگران شرکت خاصر پرولتر در انقلابیترین و رادیکالترین بخش مبارزات امروز توده بخش فردای پیروزی زحمتکشان است، جنبش ضد امپریالیستی و دموکراتیک خلق با هر حرکت خود خواست سرنگونی رژیم وابسته بامپریالیسم را عنوان ساخته و پروپنشی آنرا تبلیغ مینماید. در چنین شرایطی است که کنفدراسیون جهانی بعنوان بخشی از جنبش دموکراتیک و ضد امپریالیستی خلق میبایست به روشن کردن، دقیقتر کردن و رزمنده کردن مئی خود بپردازد و مبارزه خود را در حول محور شعار سرنگونی رژیم دست نشانده پهلوی و سیما گسترش دهد.

خط راست درون کنفدراسیون که با اختیار مواضع اخیرین آغاز نشده است و تبلیغاتین خط خود را در زمینه های گوناگون (اختیار مئی اتونومیتی در برخورد به مبارزات مطالباتی کارگران در ایران، نفی نقش انقلابی سازمانهای رزمنده

(۲)

سلاح درون کشور، عمده کردن خواسته‌های صنفی در مبارزات کفدراسیون، جلب "عقب افتاده‌ترین توده‌ها به کفدراسیون" (۱۰) در گذشته نشان داده است، درست در زمانینه بنا بر مقتضیات مادی ورشد مبارزه انقلابی داخل کشور تائید بر روی اصل سرنگونی رژیم شاه اهمیت یافته است، با توجه به اینکه روزانه تغییر میکند (تبدیل کفدراسیون به سازمان مهاجرین - جنبش خواست سرنگونی ندارد، این شعار بورژوازی است) از یافشاری بر روی این خواست جنبش دموکراتیک، ضد امپریالیستی خلق در این مرحله از مبارزه خودداری کرده آنرا به بیراهه تسلیم طلبی می‌شاند.

همین خط یا "کوشش در مبارزه" بر علیه سیاست ضد خلقی شوروی، چنان تائیدی بر آن می‌دهد که در عمل آن سیاست را عمده می‌سازد و امپریالیسم آمریکا را از اینکه سرنگونی امپریالیسم جهانی فرو می‌گذارد تا آنرا هم سطح شوروی قرار دهد.

جنبش کوشش از جانب حامین این خط تضاد خلق با شوروی را در عرصه ساخته و نتایج آن مبارزات ضد امپریالیستی را تیره می‌کند. خطر است حتی پارا از این حد هم فراتر نهاده کشتار مبارزینی که سالها در زندانهای رژیم با حرکت از اصل شرقی مقاومت در مقابل رژیم محمد رضا شاه ایستادگی کرده و شهادت می‌بخشند را بحرم طرفداری از شوروی بی اشتغال میداند، به عبارت دیگر در جنبش ضد ارتجاعی و ضد امپریالیستی ایشان با اینکه می‌خواهند در بیان هر دو طرف یعنی رژیم شاه و اعضای حزب توده - را مساوی قلمداد کنند در واقع به نفع رژیم شاه که عین می‌کند، همیشه، سرکوب میشد مستقیماً موضع گرفته‌اند.

این خط علاوه بر این در امر دفاع از جنبشهای انقلابی بخصوص جنبش انقلابی خلق در طاق از طریق مخالفت با امر دفاع بی قید و شرط از جنبشهای انقلابی می‌کوشد به این بخش از فعالیتهای افشاگران کفدراسیون خدشه وارد آورد، بنا بر آنچه که در بالا رفت ما چنین خطی را خطر است و جنبش بیشتر دفاعی را که در فعالیتهای کفدراسیون و در مواضع نامبرده در بالاتر اشاره کرد می‌کند بیشتر ارتجاعی ارزیابی می‌کنیم و مبارزه بی امان - مقابله در تمام سطوح با چنین "سی" را تا افراد داخل آن جزو وظایف کفدراسیون جهانی دانسته و معتقدیم که بدون این مبارزه امر دفاع قاطع از مبارزات خلق و مبارزین در آن وقفه خواهد شد. در زمانیکه کفدراسیون از طرف خطر است و این بیشتر ارتجاعی زبان خشن برای مبارزات دفاعی خود تبدیل قرار دارد، کسانی که شریعت موافقت خود با این تحلیل که خطر است فوئ الذکر بعنوان یک سیستم فکری انحراست سیاسی در درون کفدراسیون را تشکیل می‌دهد و در مواردی موضعگیری ارتجاعی باید، نمیتوانند با توجه خود دایره بر وحدت با حامین خط و بیشتر فوئ که بنظر ما فقط شرکت مشترک در سطح رهبری میتواند تعبیر شود به تحکیم کفدراسیون سر برسانند. برعکس توصیه چنین وحدتی در سطح رهبری با حامین خط راست سیستماتیزه شده فوئ الذکر با تحلیل این رفتار در تضاد بوده زیرا یک خط فکری سیستماتیزه را نمیتوان از طریق پند و اندرز اصلاح کرد و در عمل به وقفه در امر مبارزه قاطع بر علیه خطر است خواهد انجامید.

ما اطلاعیه هیئت دبیران کفدراسیون جهانی را در لحظاتی که این خطر است سعی دارد در امر مبارزات دفاعی کفدراسیون "ساقی" عنصر جدیدی را وارد نماید که در تحلیل، توجه یک جنایت یا جنایات رژیم شاه در شرایط مشخص ایران و کسوف میانجامد ناملا درست ارزیابی کرده و معتقدیم که هیئت دبیران کفدراسیون در ماههای آینده باید بیش از پیش این خطیاست و بیشتر ارتجاعی دفاعی را شگافه و یا ایجاد بحث خلقی در پایه‌های کفدراسیون در جهت منفرد کردن این خط کام بردارند.

نظریه خط میانه

سند شماره ۲۴ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم

مندرج در بخش: (نظریه خط میانه، "کادر" ها و جبهه ملی ایران در سمینار ادوی تابستانی ۱۹۷۴ ایتالیا در برخورد به اطلاعاتی ارتجاعی دبیران موقت کنفدراسیون جهانی)

"سمینار اردوی کنفدراسیون جهانی - ۱۹۷۴"

جمع‌بندی شماره ۱

۱ - رژیم شاه نماینده طبقات و اقشار ارتجاعی حاکم در ایران است. این رژیم بورژوا کمپرادورها، بوروکرات تکنوکرات‌ها و پس‌مانده مناسبات کهنه گذشته بوده و از نقطه نظر اقتصادی، سیاسی و نظامی وابسته به امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکاست. تضاد عمده خلق ما با رژیم شاه و امپریالیسم آمریکاست، بالاخص در سطح مبارزات دموکراتیک و ضدامپریالیستی، هدف این مبارزات محو این رژیم ماهیتاً وابسته به امپریالیسم است. همه قدرت ارتجاع داخلی و امپریالیسم در جهت سرکوب وحشیانه هر حرکت انقلابی، حتی هر حرکت لیبرال و محافظه‌کارانه ضد دیکتاتوری در ایران است. همه حرکت رژیم ارتجاعی و امپریالیسم جهانی در جهت سرکوب جنبش‌های آزادی‌بخش منطقه و به وجود آوردن اتحاد ارتجاعی‌ترین نیروهای منطقه که در راس آنها شاه، حسین، فیصل، حکومت اسرائیل و ... است. پس در چنین شرائطی با چنین آرایش نیرو هیچ حرکتی در سطح انقلابی نمی‌تواند وجود داشته باشد که هدف عمده خود را در ایران مبارزه قاطع علیه رژیم شاه و امپریالیست‌ها بسرکردگی آمریکا نداند. هیچ جبهه متحد متری نمی‌تواند وجود داشته باشد که دشمن عمده خود را رژیم و امپریالیست‌ها بسرکردگی امپریالیسم آمریکا مشخص نکند و این نه از نیل و اراده افراد و گروه‌ها بلکه از شرائط مشخص میهن ما برمی‌خیزد. دولت شوروی با اعمال سیاست ماهیتاً ضدانقلابی و ضدخلق در سطح جهان به غارت خلق‌های جهان پرداخته، [ناخوانا] انحراف این جنبش‌های انقلابی از طریق کوشش برای نفوذ در جنبش‌ها می‌نماید، و در عین حال در رقابت با امپریالیسم آمریکا برای در دست گرفتن هژمونی سیاست جهانی کوشاست، ولی از سازش با او در آنجا که منافعتش اقتضا می‌کند فروگذار نمی‌نماید. کمیته مرکزی حزب توده نیز با مشی ماهیتاً ضدانقلابی و ارتجاعی خود به توجیه این سیاست پرداخته و تلاش می‌ورزد مشی سازشکارانه و رفرمیستی را در جنبش انقلابی میهن ما حاکم گردد. ما معتقدیم جنبش توده‌ای - دموکراتیک و ضدامپریالیستی ما و سازمان آن کنفدراسیون جهانی با این سیاست ضدخلق و توجیه کنندگان آن همچنان به مبارزه خود ادامه داده و آنرا افشاء نماید و قاطعانه در مقابل هرگونه بازگشت مشی ضدخلق حزب توده ایستاده و اجازه ندهد که چنین مشی مجدداً به داخل کنفدراسیون و جنبش مردم راه یابد. ولی این مبارزه قاطع بی‌امان نباید جایگزین مبارزه عمده بر علیه شاه و امپریالیسم جهانی گشته و تا بدانجا پیش برود که با توجیه امپریالیسم آمریکا تجاوز و غارت این دشمنان عمده انسانیت، به توجیه رژیم ارتجاعی و دیکتاتوری محمد رضا شاه منجر شود.

در سال‌های اخیر مبارزات مسلحانه سازمان‌های رزمنده چریکی، مبارزات مطالباتی و اعتراضی کارگران از یکسو و شورش‌های پراکنده دهقانی، مبارزات دانشجویان، مبارزه گروه‌های مذهبی و بازاریان و دیگر اقشار خرده بورژوازی از سوی دیگر تداوم و محتوای سیاسی خاصی یافتند. هر روز که می‌گذرد این مبارزات تشدید می‌گردد. سازمان‌های رزمنده بخاطر ایجاد جو سیاسی، ایجاد تماس و ارتباط با توده و طبقه و توده مردم که شرط اساسی پیشرفت و پیروزی است قدم‌های موثری برداشته و امروزه پا به مرحله نابودی رژیم گذاشته‌اند.

دانشجویان دانشگاه تهران در آخرین تظاهرات با شکوه خود فریاد "سرنگون باد رژیم ارتجاعی"، "ما خواهان آزادی‌های دموکراتیک هستیم" را بگوش هزاران مردم کوچه و بازار رسانیدند. گروه‌های مبارز مذهبی با موضع‌گیری روشن علیه رژیم دست نشانده پهلوی با خواست سرنگونی رژیم شاه موضع قاطع ضد رژیمی خود را تاکید می‌کنند. دستگیری اعضای سلول‌های مخفی سیاسی کارگران، شرکت عناصر پرولتر در انقلابی‌ترین و رادیکال‌ترین بخش مبارزات، امروز، نویدبخش فردای پیروزی

زحمتکشان است. جنبش ضدامپریالیستی و دمکراتیک خلق با هر حرکت خود خواست سرنگونی رژیم وابسته به امپریالیسم را عنوان ساخته و به روشنی آنرا تبلیغ می‌نماید. در چنین شرائطی است که کنفدراسیون جهانی به عنوان بخشی از جنبش دموکراتیک و ضدامپریالیستی خلق می‌بایست به روشن کردن، دقیق‌تر کردن و رزمنده کردن مشی خود بپردازد و مبارزه خود را در حول محور شعار سرنگونی رژیم دست نشانده پهلوی وسیعاً گسترش دهد.

خط راست درون کنفدراسیون که با اختیار مواضع اخیرش آغاز نشده است و تبلورات این خط خود را در زمینه‌های گوناگون (اختیار مشی اکونومیستی در برخورد به مبارزات مطالباتی کارگران در ایران، نفی نقش انقلابی سازمان‌های رزمنده مسلح درون کشور، عمده کردن خواست‌های صنفی در مبارزات کنفدراسیون، جلب "عقب‌افتاده‌ترین توده‌ها به کنفدراسیون...") در گذشته نشان داده است. درست زمانی که بنا بر مقتضیات مادی و رشد مبارزه انقلابی داخل کشور تاکید برروی اصل سرنگونی رژیم شاه اهمیت یافته است، با توجیهاتی که روزانه تغییر می‌کند (تبدیل کنفدراسیون به سازمان مهاجرین - جنبش خواست سرنگونی ندارد. این شعار بورژوازی است) از پافشاری برروی این خواست جنبش دموکراتیک و ضدامپریالیستی خلق در این مرحله از مبارزه خودداری کرده آنرا به بیراهه تسلیم طلبی می‌کشاند.

همین خط با "کوشش در مبارزه" بر علیه سیاست ضدخلقی شوروی چنان تأکیدی برآن می‌نهد که در عمل آن سیاست را عمده می‌سازد و امپریالیسم آمریکا را از اریکه سرکردگی امپریالیسم جهانی فرو می‌کشد، تا آنرا هم‌سطح شوروی قرار دهد. چنین کوششی از جانب حاملین این خط تضاد خلق با شوروی را در عمل عمده ساخته و نتیجتاً افق مبارزات ضد امپریالیستی را تیره می‌کند. خط راست حتی پا را از این حد هم فراتر نهاده کشتار مبارزینی که سال‌ها در زندان‌های رژیم با حرکت از اصل مترقی مقاومت در مقابل رژیم محمد رضا شاه ایستادگی کرده و شهید می‌شوند را بجرم طرفداری از شوروی بی‌اشکال می‌داند، به عبارت دیگر در جنبش ضدارتجاعی و ضدامپریالیستی اینان با اینکه می‌خواهند در بیان هر دو طرف - یعنی رژیم شاه و اعضای حزب توده - را مساوی قلمداد کنند، در واقع به نفع رژیم شاه که عمل می‌کند، می‌کشد، سرکوب می‌کند مستقیماً موضع گرفته‌اند.

این خط علاوه براین در امر دفاع از جنبش‌های انقلابی به خصوص جنبش انقلابی خلق در ظفار از طریق مخالفت با امر دفاع بی قید و شرط از جنبش‌های انقلابی می‌کوشد به این بخش از فعالیت‌های افشاگرانه کنفدراسیون خدشه وارد آورد. بنا بر آنچه که در بالا رفت ما چنین خطی را خط راست و چنین بینش دفاعی را که در فعالیت‌های کنفدراسیون و در مواضع نامبرده در بالا تظاهر می‌کند بینشی ارتجاعی ارزیابی می‌کنیم و مبارزه بی‌امان - مقابله در تمام سطوح با چنین خطی را تا افراد کامل آن جزء وظائف کنفدراسیون جهانی دانسته و معتقدیم که بدون این مبارزه امر دفاع قاطع از مبارزات خلق و مبارزین دچار وقفه خواهد شد. در زمانی که کنفدراسیون از طرف خط راست و این بینش ارتجاعی زیان‌بخش برای مبارزات دفاعی مورد تهدید قرار دارد، کسانی که علی‌رغم موافقت خود با این تحلیل که خط راست فوق‌الذکر به عنوان یک سیستم فکری انحراف سیاسی در درون کنفدراسیون را تشکیل می‌دهد و در مواردی موضع‌گیری ارتجاعی می‌نماید نمی‌توانند با توجیه خود دایره وحدت با حاملین خط و بینش فوق که بنظر ما فقط شرکت مشترک در سطح رهبری می‌تواند تعبیر شود به تحکیم کنفدراسیون سود برسانند. برعکس توصیه چنین وحدتی در سطح رهبری با حاملین خط راست سیستماتیزه شده فوق‌الذکر با تحلیل این رفقا در تضاد بوده زیرا یک خط فکری سیستماتیزه را نمی‌توان از طریق پند و اندرز اصلاح کرد و در عمل به وقفه در امر مبارزه قاطع بر علیه خط راست خواهد انجامید.

ما اطلاعیه هیئت دبیران کنفدراسیون جهانی را در لحظاتی که این خط راست سعی دارد در امر مبارزات دفاعی کنفدراسیون جهانی، عنصر جدیدی را وارد نماید که در تحلیل به توجیه یک جنایت یا جنایات رژیم شاه در شرائط مشخص ایران و منطقه می‌انجامد کاملاً درست ارزیابی کرده و معتقدیم که هیئت دبیران کنفدراسیون در ماه‌های آینده باید بیش از پیش این خط راست و بینش ارتجاعی دفاعی را شکافته و با ایجاد بحثی خلاق در پایه‌های کنفدراسیون در جهت منفرد کردن این خط گام بردارند."

سند شماره ۲۵ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم

مندرج در بخش: (نظریه خط میانه، "کادر"ها و جبهه ملی ایران در سمینار ادوی تابستانی ۱۹۷۴ ایتالیا در برخورد به اطلاعاتی ارتجاعی دبیران موقت کنفدراسیون جهانی)

سمینار اردوی کنفدراسیون جهانی - ۱۹۷۴ جمعبندی شماره ۲

"نظریه گروه "کادر"ها"

جمعبندی شماره ۲

مبارزه سازمانهای رزمنده چریک، رزم دلیرانه دیگر سازمانهای انقلابی، رشد اعتصابات ناوگری عسائهای پراکنده دهقانان، فعالیتهای محظلهای مختلف، مبارزات روحانیون مرفی، روشنگریهای روشنفکران مرفی و موزکرات، تشدید نارضایتی مردم، افشا شدن هر چه بیشتر رژیم محمد رضا شاه و منفرد شدن بیش از پیش آن از یکسو، دست انداز، عارت و چپاول منافع ثروتهای ملی ما بوسیله ارتجاع بین المللی (بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و دولت ضد خلقی شوروی) و گسترش هر چه بیشتر ماشین نظامی سلطنتی حکومت دست نشانده محمد رضا شاه و اگذاری نقش واداری منطقه به شاه، تشدید هر چه بیشتر بحرانهای اقتصادی سیاسی رژیم تلاشهای مذبحخانه کمیته مرکزی حزب توده برای انحراف جنبش در جهت سازش آن با طبقات ارتجاعی ایران و برقراری منافع توسعه طلبانه و استیلاجویانه دولت ضد خلقی شوروی در تشویق از دیگر سو، واقعیت امروز جامعه ما را تشکیل میدهد.

اوج رشد یافته مبارزات مردم و شرکتبیش از پیش طبقات و اقشار مختلف خلق در مبارزه علیه رژیم دست نشانده امپریالیسم اوضاع جامعه ما را هر چه بیشتر روز بروز بنفع خلق و علیه ضد خلق تغییر میدهد. امروز جنبش ضد امپریالیستی خلق ما، طبع وسیع خود با مبارزه بود روهی و قاطع با رژیم وابسته محمد رضا شاه، با فیر انقلابی و علام جنبش با آن، سرنگونی آن را در سر لوطه مبارزه مرحلهای خود قرار داده است.

بخش خان جنبش دانشجوی ایران، به مثابه بخش تفکیک ناپذیر جنبش ضد امپریالیستی خلق، نه تنها نمیتواند خارج از چارچوب کمر مبارزات مردم و قانونمندیهای آن عمل نماید بلکه باید همگام با آن مواضع خود را د قیتر نموده و در رابطه با مرحله انقلاب ایران و پیوند فشرده با توده های زحمتکش (بوی کارگران و دهقانان) سمت حرکت خود را تعیین نماید. فعالیتهای سیاسی و افشاگریهای آن بطور اساسی بر محور تضاد عده و آشتی ناپذیر این مرحله از حرکت جامعه ما، یعنی بر محور سرنگونی رژیم وابسته به امپریالیسم شاه باید انجام پذیرد. ولی خطر راست و انحرافی که قبل از ککزه دوازدهم کفدراسیون اولین تظاهرات خود را آشکار نمود، امروز پس از گذشت بیش از سه سال در تمامی سطوح و زمینه ها خود را متبلور ساخته و با یک مجموعه سیستم یافته مشی، سیاست و عملکرد مقابل خط و مبارزه جویانه کفدراسیون قرار گرفته است و به عبت کوشش دارد که در مبارزه قاطع و خدشه ناپذیر ما علیه رژیم شاه تزلزل بوجود آورد و جنبش را به انحراف بکشانند.

مخالفت با قبول سرنگونی رژیم وابسته به امپریالیسم شاه در کفدراسیون عدم خواست در پرورش توده ها برای محور برخورد اکتونمیستی به جنبش کارگری، صنفی گری در جنبش دانشجویی، دنباله روی و شتم کردن توده ها به عقب ماندگی تحت عنوان مشی توده های مجید کردن مبارزات توده های جنبش سیاسی بعنوان د آلترناتیو مقابل یکدیگر، برخورد نادرست به جنبش انقلابی میهن ما و کوشش برای تزلزل در دفاعی قید و شرط از تمام مبارزات و مبارزین خلق و بالاخره قرار دادن ساله دولت ضد خلقی شوروی و دایره بسته ضد خلقی کمیته مرکزی حزب توده بعنوان ی آلترناتیو مقابل سرنگونی رژیم و ندیدن ارتباط مبارزه علیه رژیم شاه و خورد کردن ماشین دولتی با مبارزه علیه دولت ضد انقلابی شوروی و عامل سرسپرده اش "کمیته مرکزی" بخوبی نشانده هنده یک مجموعه سیستم یافته ایست که در تمام سطوح با مشی، سیاست و عملکرد خود مقابل خط مبارزه جویانه کفدراسیون ایستادگی میکند و بطور گوناگون سعی در زردن محتوی رزمنده سازمان ما، تبدیل آن به یک سازمان بی آزار را دارد.

در رابطه با آخرین عملکرد خطر راست و در ارتباط با مسائل مطروحه در بحث آزاد شکره هجدهم کفدراسیون آلمان در نائید اعلامیه هیئت دبیران کفدراسیون و با توجه به اهمیت و حساسیت مساله مورد نظر اعلام مینمائیم که:

۱- نظراتی را که از جا: قب دوسه نذر از حاملین خطر راست در رابطه با شهادت تیروز حاکمیت جودر بحث آزاد شکره مطرح شده است با قاطعیت محکوم میکنیم و معتقدیم که این مواضع ارتجاعی عملا چیزی بجز توجیه استبداد و اختنای رژیم محمد رضا شاه نیست.

۲- از آنجا که مواضع بیان شده در بحث آزاد شکره کفدراسیون بطور عینی به مثابه نفی اساس مبارزه و علت وجودی کفدراسیون یعنی نفی مبارزه علیه رژیم دست نشانده امپریالیسم و ارتجاع جهانی است، لذا باید با قاطعیت تمام این مواضع ارتجاعی را افشا و طرد نمود. بدون افشا و طرد این مواضع ارتجاعی دفاع از دست آوردهای کفدراسیون، تحکیم صفی، درونی سازمان

(۴)

در حفظ رژیم‌دکی آن مشن نیست.

۳- مواضع ارتجاعی ۱- چهار شده ترچه خود را بایستش مبارزه علیه مشن ضد انقلاب و ضد خلقی "کمیته مرکزی حزب توده" و سیاست ضد خلقی و توسعه طلبانه شوروی توجیه میکند. اما روشن است که این نظر خود بهترین عامل اخلال در این مبارزه است بهین جهت افشا و طرد این موضوع در عین حال بخشی است از مبارزه قاطع و موثر علیه مشن ضد انقلابی و ضد خلقی "کمیته مرکزی حزب توده" و سیاست ضد خلقی و سیاست طلبانه شوروی.

علاوه بر خط راست در این سمینار، یعنی، شایعه پراکنی، برچسب زنی، تغییر موضع بنور دائم و انکار مواضع اتخاذ شده در گذشته، تفرقه افکنی و وارونه نشان دادن واقعیات و قلب حقایق، تقویت تشکیلاتی در فریاد های وحدت طلبی، ایجاد مسائل ناذر برای فرار از بحث مشخص و عمده کردن مسائل غیر عمده برای سردرگمی جنبش و پاسخ ننگتن به مسائل روز جنبش، تبلور روشنی از شیوه چگونگی فعالیت های آن در کفدراسیون بود.

اگر چه بحث های مطلوبه در سمینار توانست مسائل گری جنبش دانشجویی را بشکافد و نشان بدهد که اختلاف خط مبارزه جوانها خط راست بر سریت کلمه "سرنوشتی" در متشور نبوده بلکه این اختلاف در تمام سطوح پنجگانه فعالیت های کفدراسیون تبلور مشخص خود را در راست و جهت اصلی بر سر این است که آیا کفدراسیون بمثابة وسیله ای در خدمت جنبش ضد امپریالیستی خلق می خواهد به وظیفه ملو، و بین المللی خود عمل کند یا خیر؟ و آیا کفدراسیون سنگری از مبارزات خلق هست یا خیر؟ ولی علاوه بر حاطین خطر اسازید و شرح سمینار، برای منحرف کردن بحث اصلی و تیرد اخش به تفرقه افکنی و طعنه زدن و طعنه زدن در قبال جنبش خلق باعث گشت که این سمینار نتواند آنطوریکه باید به این امر مهم بپردازد.

حاطین خطر راست از بدو شروع سمینار، با انکار کامل آنچه را که در بحث آزاد کنگره هجدهم کفدراسیون آلمان گرفته شده است، با انکار کامل اینکه آنها حکمت جورا با هلد مقامیسه کرده اند و با انکار کامل اینکه آنها سلام کرده اند از جنبش نظام بدون قید و شرط دفاع نمیکنند، سعی نمودند تمام بحث سمینار را پیرامون اعلامیه هیئت دبیران کفدراسیون و دولت ضد خلقی شوروی و عده بودن سوسیال امپریالیسم در ایران انجام دهند، اگر چه بظاهر اعلام میکردند که امپریالیسم آمریکا را در ایران عده میدانند، ولی عدم کنش اینان در برخورد قاطع به رژیم شاه و تجزیه و تحلیلها ارائه شده در همین سمینار کذب ادعاهایشان را ثابت مینماید.

از زمانیکه رهبری حزب کمونیست شوروی و دولت اتحاد شوروی بوسیله دارنده مرتد خروتنجف غصب کردید و با تغییر ماهیت دولت شوروی، این دولت به اردوگاه ضد انقلاب پیوست و در راد ر خط مشی "همزیستی مسالمت آمیز" برای جیاول و غارت خلقها، قاج فتح آزاد یخواهان بخون کشیدن جنبشها و انحراف و از بین بردن جنبشهای آزاد و خنجر به تباری و رقابت با امپریالیستها بویژه امپریالیسم آمریکا پرداخت، ماهواره معتقد بوده و هستیم که مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا از مبارزه علیه دولت ضد خلقی شوروی جدا نبوده و مبارزه علیه رژیم شاه جدا ناپذیر است از مبارزه علیه "کمیته مرکزی". ولی هرگز عقیده نداشته و نداریم که با جا بجا کردن نظر! در ذهن خود و رها کردن عده و جبهه بدین به غیر عده کفدراسیون جهانی میتواند تزلزل ناپذیر و قاطع علیه ارتجاع جهانی و رژیم ضد خلق شاه بمبارزه بپردازد.

ما همواره معتقد بوده و هستیم از آنجائیکه امپریالیسم غالب در ایران امپریالیسم آمریکاست به جهت عده مبارزه ما علیه امپریالیسم آمریکا، انضای ماهیت سیاستها و برنامه های آن، مبارزه قاطع علیه رژیم دست نشانده شاه صورت میپذیرد. و همواره این مبارزه باید به افشای دولت ضد خلقی شوروی، سیاستها و عملکردهای مشخص آن در جهان و ایران، مبارزه علیه حاطین سیاستها، یعنی "کمیته مرکزی"، مبارزه علیه ماهیت مشی و سیاست "انکار گانه" کمیته مرکزی، در عدم خواست آن برای خورد کردن ماشین دولتی و خط کشی دقیق و روشن بار فریمیم در جنبش دانشجویی پرداخت.

حاطین خطر راست که برای فرار از بحث "سرنوشتی رژیم" ساله وحدت درونی را مستمسک خود قرار داده بودند و مبارزه درونی و بیرونی را بعنوان دو مقوله جدا از هم طرح میکردند، امروز برای سرپوش گذاشتن به مواضع ارتجاعی که اتخاذ کرده اند و منحرف کردن ست جنبش درباره "علیحدت" را بلند کرده اند و فریاد "مبارزه با تفرقه افکنی و انشعاب طلبی" را برآه انداخته اند. ولی همانطور که خواست و اراد میتوان بود ما اینان را وادار کرد که پس از سه سال از بروز اعلام نمایند بحث منشور "بحثگذاری نیست و باید درباره آن صحبت شود" مسلما آینده تاپ خواهد کرد که ساله امروز خط مبارزه جوانه معطوفت رژیمنده بر علیه هرگونه تزلزل در مبارزه علیه رژیم شاه و ارتجاع بین المللی بسرگردی امپریالیسم آمریکا و دولت ضد خلقی شوروی است و برافراشته نگه داشتن پرچم بر افتخار و پیروزمندی است که با خون مد هاد انشجون میهن پرستو مبارز کلگون گردیده است.

در حقیقت مبارزه خطر راست با دولت ضد خلقی شوروی نتیجه ای بجز نفوذ و تقویت خط مشی مواضع ارتجاعی و سیاست طلبانه

و ضد انقلابی این دولت ضد خلقی در جنبش را ندارد و مبارزه اینان با "کمیته مرکزی" به افتادن نوده ها به دامان سازشکاران "کمیته مرکزی" بدل خواهد شد و فریاد های وحدت طلبی اینان چیزی بجز "تقویت وحدت طلبی در پرده فریاد های وحدت طلبی نیست".

ما معتقدیم که:

۱- کفدراسیون جهانی باید همگام با جنبش خلق با تشدید مبارزه قاطع و تزلزل ناپذیر خود علیه رژیم دست نشانده امپریالیسم آمریکا، رژیم محمد رضا شاه و ارتجاع بین المللی (بسرگردی امپریالیسم آمریکا و دولت ضد خلقی شوروی)، بعنوان بخش تفکیک ناپذیر جنبش ضد امپریالیستی خلق، انجام وظیفه نماید.

۲- امروز پس از هر رفت دیگری باید بطور مداوم و پیگیر مواضع داخل ایران را تعقیب نمود، در جریان مسائل آن قرار گرفت و حرکت از مواضع داخلی ایران و مسائل جنبش درون کشور سعی در روشن نمودن خط مشی و برنامه ها نمود.

۳- باید بدون قید و شرط از همه مبارز و مبارزات خلق دفاع کرد و به تبلیغ مواضع عامه ضد امپریالیستی جنبش پرداخت.

۴- باید بدون قید و شرط از کلیه جنبشهای آزاد و بیخرو جنبشهای انقلابی دفاع نمود و در مبارزات ضد امپریالیست و خلقهای جهان شرکت کرد.

ما امروزه در عین حال مبارزه علیه خطوط نظریات انحرافی درون جنبش را حفظ رژیمدکی کفدراسیون، باید در انعکاس این رژیمدکی در برنامه ها و سیاستهای روزمره و عملی آن گوشه

سند شماره ۲۵ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم

"نظریه گروه" کادر"هاجمع‌بندی شماره ۲

مبارزه سازمان‌های رزمنده چریک، رزم دلیرانه دیگر سازمان‌های انقلابی، رشد اعتصابات کارگری، عصیان‌های پراکنده دهقانان، فعالیت‌های محفل‌های مختلف، مبارزات روحانیون مترقی، روشنگری‌های روشن‌فکران مترقی و دموکرات، تشدید نارضایتی مردم، افشاء شدن هر چه بیش‌تر رژیم محمد رضا شاه و منفرد شدن بیش از پیش آن از یکسو، دست اندازی، غارت و چپاول منافع ثروت‌های ملی ما به وسیله ارتجاع بین‌المللی (بسر گردکی امپریالیسم آمریکا و دولت ضدخلقی شوروی)، گسترش هر چه بیش‌تر ماشین نظامی-پلیسی حکومت دست نشانده محمد رضا شاه واگذاری نقش ژاندارمی منطقه به شاه، تشدید هر چه بیش‌تر بحران‌های اقتصادی - سیاسی رژیم، تلاش‌های مذبوحانه کمیته مرکزی حزب توده ایران برای انحراف جنبش در جهت سازش آن با طبقات ارتجاعی ایران و برقراری منافع توسعه‌طلبانه و استیلاجویانه دولت ضدخلقی شوروی در کشور ما از دیگر سوء، واقعیت امروز جامعه ما را تشکیل می‌دهد.

اوج رشد یابنده مبارزات مردم و شرکت بیش از پیش طبقات و اقشار مختلف خلق در مبارزه علیه رژیم دست نشانده امپریالیسم اوضاع جامعه ما را هر چه بیش‌تر روز بروز بنفع خلق و علیه ضدخلق تغییر می‌دهد. امروز جنبش ضدامپریالیستی خلق ما، طیف وسیع خود با مبارزه رو در روئی و قاطع با رژیم وابسته محمدرضا شاه، با قهر انقلابی و اعلام جنگ علنی با آن، سرنگونی آن را در سر لوحه مبارزه مرحله‌ای خود قرار داده است.

بخش خارج جنبش دانشجویی ایران، به مثابه بخش تفکیک ناپذیر جنبش ضدامپریالیستی خلق، نه تنها نمی‌تواند خارج از چارچوب کلی مبارزات مردم و قانونمندی‌های آن عمل نماید، بلکه باید همگام با آن مواضع خود را دقیق‌تر نموده و در رابطه با مرحله انقلاب ایران و پیوند فشرده با توده‌های زحمتکش (به ویژه کارگران و دهقانان) سمت حرکت خود را تعیین نماید. فعالیت‌های سیاسی و افشاگری‌های آن به طور اساسی بر محور تضاد عمده و آشتی ناپذیر این مرحله از حرکت جامعه ما، یعنی بر محور سرنگونی رژیم وابسته به امپریالیسم شاه باید انجام پذیرد. ولی خط راست و انحرافی که قبل از کنگره دوازدهم کنفدراسیون اولین تظاهرات خود را آشکار نمود، امروز پس از گذشت بیش از سه سال در تمامی سطوح و زمینه‌ها خود را متبلور ساخته و با یک مجموعه سیستم یافته مشی، سیاست و عملکرد مقابل خط درست و مبارزه‌جویانه کنفدراسیون قرار گرفته است و به عبث کوشش دارد که در مبارزه قاطع و خدشه‌ناپذیر ما علیه رژیم شاه تزلزل به وجود آورد و جنبش را به انحراف بکشاند.

مخالفت با قبول سرنگونی رژیم وابسته به امپریالیسم شاه در کنفدراسیون عدم خواست در پرورش توده‌ها برای محور برخورد اکونومیستی به جنبش کارگری، صنفی‌گری در جنبش دانشجویی، دنباله روی و متهم کردن توده‌ها به عقب‌ماندگی تحت عنوان خط مشی توده‌ای، جدا کردن مبارزات توده‌ای و جنبش سیاسی به عنوان دو آلترناتیو مقابل یکدیگر، برخورد نادرست به جنبش انقلابی میهن ما و کوشش برای تزلزل در دفاع بی قید و شرط از تمام مبارزات و مبارزین خلق و بالاخره قرار دادن مساله دولت ضدخلقی شوروی و دارودسته ضدخلقی کمیته مرکزی حزب توده به عنوان یک آلترناتیو مقابل سرنگونی رژیم و ندیدن ارتباط مبارزه علیه رژیم شاه و خورد کردن ماشین دولتی با مبارزه علیه دولت ضدانقلابی شوروی و عامل سر سپرده‌اش "کمیته مرکزی" به خوبی نشاندهنده یک مجموعه سیستم یافته‌ایست که در تمام سطوح با مشی، سیاست و عملکرد خود مقابل خط مبارزه‌جویانه کنفدراسیون ایستادگی می‌کند و به طرق گوناگون سعی در زدودن محتوی رزمنده سازمان ما، تبدیل آن به یک سازمان بی‌آزار را دارد. در رابطه با آخرین عملکرد خط راست و در ارتباط با مسائل مطروحه در بحث آزاد کنگره هجدهم فدراسیون آلمان در تائید اعلامیه هیئت دبیران کنفدراسیون و با توجه به اهمیت و حساسیت مساله مورد نظر اعلام می‌نمائیم که:

۱ - نظراتی را که از جانب دو سه نفر از حاملین خط راست در رابطه با شهادت پرویز حکمت‌جو در بحث آزاد کنگره مطرح شده است با قاطعیت محکوم می‌کنیم و معتقدیم که این مواضع ارتجاعی عملاً چیزی به جز توجیه استبداد و اختناق رژیم محمدرضا شاه نیست.

۲ - از آنجا که مواضع بیان شده در بحث آزاد کنگره فدراسیون به طور عینی به مثابه نفی اساس مبارزه و علت وجودی کنفدراسیون یعنی نفی مبارزه علیه رژیم دست نشانده امپریالیسم و ارتجاع جهانی است، لذا باید با قاطعیت تمام این مواضع ارتجاعی را افشاء و طرد نمود. بدون افشاء و طرد این مواضع ارتجاعی دفاع از دست آوردهای کنفدراسیون، تحکیم صفوف درونی سازمان و حفظ رزمندگی آن ممکن نیست.

۳ - مواضع ارتجاعی اظهار شده گرچه خود را با پوشش مبارزه علیه مشی ضدانقلابی و ضدخلقی "کمیته مرکزی حزب توده" و سیاست ضدخلقی و توسعه طلبانه شوروی توجیه می‌کند، اما روشن است که این نظر خود بهترین عامل اخلال در این مبارزه است به همین جهت افشاء و طرد این موضع

در عین حال بخشی است از مبارزه قاطع و موثر علیه مشی ضدانقلابی و ضدخلقی "کمیته مرکزی حزب توده" و سیاست ضدخلقی و سیادت‌طلبانه شوروی.

عملکرد خط راست در این سمینار، یعنی، شایعه‌پراکنی، برچسب‌زنی، تغییر موضع به طور دائم و انکار مواضع اتخاذ شده در کنگره، تفرقه‌افکنی، وارونه نشان دادن واقعیات و قلب حقایق، نقش وحدت تشکیلاتی در فریادهای وحدت‌طلبی، ایجاد مسائل کاذب برای فرار از بحث مشخص، عمده کردن مسائل غیرعمده برای سردر گمی جنبش و پاسخ نگفتن به مسائل روز جنبش، تبلور روشنی از شیوه و چگونگی فعالیت‌های آن در کنفدراسیون بود.

اگر چه بحث‌های مطروحه در سمینار توانست مسائل گری جنبش دانشجویی را بشکافد و نشان بدهد که اختلاف خط مبارزه‌جویانه با خط راست بر سر یک کلمه "سرنگونی" در منشور نبوده، بلکه این اختلاف در تمام سطوح پنجگانه فعالیت‌های کنفدراسیون تبلور مشخص خود را داراست و بحث اصلی بر سر این است که آیا کنفدراسیون به مثابه وسیله‌ای در خدمت جنبش ضدامپریالیستی خلق می‌خواهد به وظیفه ملی و بین‌المللی خود عمل کند یا خیر؟ و آیا کنفدراسیون سنگری از مبارزات خلق هست یا خیر؟ ولی عملکرد حاملین خط راست از بدو شروع سمینار، برای منحرف کردن بحث اصلی و نپرداختن به دقیق‌تر شدن وظائف کنفدراسیون در قبال جنبش خلق باعث گشت که این سمینار نتواند آنطوری که باید به این امر مهم بپردازد.

حاملین خط راست از بدو شروع سمینار، با انکار کامل آنچه را که در بحث آزاد کنگره هجدهم فدراسیون آلمان گذشته است، با انکار کامل اینکه آنها حکمت‌جو را با هلمز مقایسه کرده‌اند و با انکار کامل اینکه آنها اعلام کرده‌اند از جنبش ظفار بدون قید و شرط دفاع نمی‌کنند، سعی نمودند تمام بحث سمینار را پیرامون اعلامیه هیئت دبیران کنفدراسیون و دولت ضدخلقی شوروی و عمده بودن سوسیال‌امپریالیسم در ایران انجام دهند، اگر چه به ظاهر اعلام می‌کردند که امپریالیسم آمریکا را در ایران عمده می‌دانند، ولی عدم کوشش اینان در برخورد قاطع به رژیم و تجزیه و تحلیل‌های ارائه شده در همین سمینار کذب ادعاهایشان را ثابت می‌نماید.

از زمانی که رهبری حزب کمونیست شوروی و دولت اتحاد شوروی به وسیله دارودسته مرتد خروشچف غصب گردید و با تغییر ماهیت دولت شوروی، این دولت به اردوگاه ضدانقلاب پیوست و در کادر خط مشی "همزیستی مسالمت‌آمیز" برای چپاول و غارت خلق‌ها، قلع و قمع آزادی‌خواهان، به خون کشیدن جنبش‌ها و انحراف و از بین بردن جنبش‌های آزادی‌بخش به تبانی و رقابت با امپریالیست‌ها به ویژه امپریالیسم آمریکا پرداخت، ما همواره معتقد بوده و هستیم که مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا از مبارزه علیه دولت ضدخلقی شوروی جدا نبوده و مبارزه علیه رژیم شاه جدا ناپذیر است از مبارزه علیه "کمیته مرکزی". ولی هرگز عقیده نداشته و نداریم که با جا بجا کردن تضادها در ذهن خود و رها کردن عمده و چسبیدن به غیره عمده کنفدراسیون جهانی می‌تواند تزلزل ناپذیر و قاطع علیه ارتجاع جهانی و رژیم ضدخلقی شاه به مبارزه بپردازد.

ما همواره معتقد بوده و هستیم از آنجائی که امپریالیسم غالب در ایران امپریالیسم آمریکاست، جهت عمده مبارزه ما علیه امپریالیسم آمریکا، افشای ماهیت سیاست‌ها و برنامه‌های آن، مبارزه قاطع علیه رژیم دست نشانده شاه صورت می‌پذیرد. و همراه این مبارزه باید به افشای دولت ضدخلقی شوروی، سیاست‌ها و عملکردهای مشخص آن در جهان و ایران، مبارزه علیه عاملین سیاست‌هایش یعنی "کمیته مرکزی" مبارزه علیه ماهیت مشی و سیاست سازشکارانه "کمیته مرکزی" در عدم خواست آن برای خورد کردن ماشین دولتی، خط کشی دقیق و روشن با رفرمیسم در جنبش دانشجویی پرداخت.

حاملین خط راست که برای فرار از بحث "سرنگونی رژیم" مساله وحدت درونی را مستمسک خود قرار داده بودند و مبارزه درونی و بیرونی را به عنوان دو مقوله جدا از هم طرح می‌کردند. امروز برای سرپوش گذاشتن به مواضع ارتجاعی که اتخاذ کرده‌اند و منحرف کردن سمت جنبش دوباره "علم وحدت" را بلند کرده‌اند و فریاد "مبارزه با تفرقه افکنی و انشعاب طلبی" را براه انداخته‌اند. ولی همانطور که خواست و اراده پرتوان توده‌ها اینان را وادار کرد که پس از سه سال امروز اعلام نمایند بحث منشور "بحث کاذبی نیست و باید در باره آن صحبت شود" مسلماً آینده ثابت خواهد کرد که مساله امروز خط مبارزه‌جویانه، حفظ وحدت رزمنده بر علیه هر گونه تزلزل در مبارزه علیه رژیم شاه و ارتجاع بین‌المللی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و دولت ضدخلقی شوروی است و برافراشته نگهداشتن پرچم پر افتخار و پیروزمندی است که با خون صدها دانشجوی میهن‌پرست و مبارز گلگون گردیده است. در حقیقت مبارزه خط راست با دولت ضدخلقی شوروی نتیجه‌ای به جز نفوذ و تقویت خط‌مشی مواضع ارتجاعی و سیادت‌طلبانه و ضدانقلابی این دولت ضدخلقی در جنبش ما را ندارد، مبارزه اینان با "کمیته مرکزی" به افتادن توده‌ها به دامان سازشکاران "کمیته مرکزی" بدل خواهد شد و فریادهای وحدت‌طلبی اینان چیزی به جز "نقش وحدت‌طلبی در پرده فریادهای وحدت‌طلبی نیست".

ما معتقدیم که:

۱ - کنفدراسیون جهانی باید همگام با جنبش خلق با تشدید مبارزه قاطع و تزلزل ناپذیر خود علیه رژیم دست نشانده امپریالیسم آمریکا رژیم محمدرضا شاه و ارتجاع بین‌المللی (به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و دولت ضدخلقی شوروی)، به عنوان بخش تفکیک ناپذیر جنبش ضدامپریالیستی خلق، انجام وظیفه نماید.

- ۲ - امروز پس از هر وقت دیگری باید به طور متداوم و پی‌گیر اوضاع داخلی ایران را تعقیب نمود، در جریان مسائل آن قرار گرفت و با حرکت از اوضاع داخلی ایران و مسائل جنبش درون کشور سعی در روشن نمودن خطامشی و برنامه‌ها نمود.
- ۳ - باید بدون قید و شرط از کلیه مبارزین و مبارزات خلق دفاع کرد و به تبلیغ مواضع عام و ضدامپریالیستی جنبش پرداخت.
- ۴ - باید بدون قید و شرط از کلیه جنبش‌های آزادی‌بخش و جنبش‌های انقلابی دفاع نمود و در مبارزات ضدامپریالیستی خلق‌های جهان شرکت کرد.
- ۵ - امروزه در عین حال مبارزه علیه خطوط و نظریات انحرافی درون جنبش برای حفظ رزمندگی کنفدراسیون، باید در انعکاس این رزمندگی در برنامه‌ها و سیاست‌های روزمره و عملی آن کوشید."

سند شماره ۲۶ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم

مندرج در بخش (نظریه خط میانه، "کادر"ها و جبهه ملی ایران در سمینار ادوی تابستانی ۱۹۷۴ ایتالیا در برخورد به اطلاعیه ارتجاعی دبیران موقت کنفدراسیون جهانی)

سمینار اردوی کنفدراسیون جهانی - ۱۹۷۴ جمعبندی شماره ۳

۴ - با توجه به شرایط ویژه کنفدراسیون و بخصوص با وظائف بسیاری که اشون در مقابل آن قرار گرفته است، معتقدیم که کوشش تمامی اعضای کنفدراسیون میبایست در جهت ادامه و تحکیم وحدت رزمنده کنفدراسیون بمنظور مبارزه قاطع آشتی ناپذیر با رژیم ارتجاعی پهلوی و امپریالیسم توحه گردد. بنابراین طرد کلیه شیوههای غیراصولی در مبارزه سیاسی راه فضای ناسالی در کنفدراسیون ایجاد نماید لازم میدانیم استفاده از شیوههای غیراصولی در مبارزه سیاسی بر علیه نظریات مخالف خود نظیر ادعای اینکه عدای از اعضای مبارز کنفدراسیون میخواهد راه را برای نفوذ حزب توده باز کنند و یا در مقابل،^۱ اینگونه یک مجموعه نظری ارتجاعی در درون کنفدراسیون موجود است نادرست میدانیم.

جمعبندی شماره ۳

- ۱ - سرنوشت رژیم پهلوی بحثناپذیر نماینده سرمایه داران وابسته و مالکان ارضی و قطع کامل نفوذ امپریالیسم جهانی از ایران و ایجاد جامعه ای مستقل و دموکراتیک هدف نهائی جنبش دموکراتیک و ملی مردم ایران میباشد که تحقق آن تنها بدست توده های مردم بویژه کارگران و دهقانان میسر است. برخورد قاطع به قدرت حاکمه سیاسی و پذیرش و تبلیغ لزوم و ابرام واژگونی رژیم ارتجاعی و وابسته به امپریالیسم نخستین معیار تمیز مشی انقلابی از مشی غیرانقلابی است. شرط اساسی اعتقاد به انقلاب ایران و مجاهدت بخاطر تحقق آن پیروش توده مردم در پرتوی سیاست قاطع ضد امپریالیستی و ضد رژیمی یعنی پیروش آنان با ایده سرنوشت رژیم طبقات حاکمه ارتجاعی و وابسته به امپریالیسم.
- ۲ - واضح و نظریات راست روانه ای که قبل از کنگره ۱۶ در کنفدراسیون تظاهر یافته و در کنگره ۱۲ کنفدراسیون بصورت دفاع از کار در چارچوب قانون اساسی و سپس مخالفت با انعکاس سیاست قاطع ضد رژیمی و ضد امپریالیستی در منشور کنگونی کنفدراسیون تجلی یافته، با شتاب روز افزونی با مواضع راست روانه دیگری تخیل شده و بالاخره با کوششهایی که بخاطر توجیه تئوریک این نظرات، مواضع صورت گرفتند، با ایجاد یک ارتباط منطقی میان مجموعه این نظریات و مواضع، بصورت یک مشی سیستماتیزه شده راست در آمدند. رشته منطقی مرتبط کننده این مواضع و نظریات که امروزه در تمامی زمینه های فعالیت کنفدراسیون تجلیات آشکار خود را نشان داده اند، چیزی جز زدودن قاطعیت سیاسی از مبارزات ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی کنفدراسیون و وارد نمودن تود و سستی در این مبارزات، چیزی جز تنزل سطح سیاسی کنفدراسیون و مبارزات آن به یک سطح نازل صنفی نیست این مشی انتحرافی راست آشکارا پیروش و تشکیک توده دانشجوی بدور مسائل عقب افتاده و روزمره را جانشین پیروش و تشکیک بدور سیاست قاطع ضد رژیمی و ضد امپریالیستی سینماید. تمام استدلالاتی که در مخالفت با انعکاس سیاست سرنوشت رژیم و قطع کامل نفوذ امپریالیسم در منشور کنفدراسیون ارائه شده اند، از وجود اختنای در ایران و ترس از ریمیده شدن توده ها نفی مطلق قابلیت تمامی سازمانهای توده ای و از جمله کنفدراسیون به اتخاذ یک سیاست قاطع ضد رژیمی - ضد امپریالیستی آشکارا نشان میدهد که نتیجه منطقی این جز زدوده شدن این سیاست از تمامی زمینه های فعالیت کنفدراسیون و در نهایت، زدوده شدن این سیاست از ذهن توده دانشجویان داشته نظریاتی راست روانه و (ناشی) شده از یک بینش سیستماتیزه شده راست است.
- ۳ - ما با داده های کنگونی پیرویز حکمت جو را عضو حزب توده ایران و طبعاً دارای مشی ارتجاعی میدانیم و با این حال به اعمال جنایتکارانه رژیم ارتجاعی شاه را در حبس، اعمال ستم و شکنجه تا بعد مرک حکمت جو را قویا محکوم نموده و بر آنیم که علیرغم مشی ارتجاعی حزب توده هرگونه تعدی و اعمال ستم به اعضا آن از جانب رژیم پهلوی باید مورد اعتراض شدید کنفدراسیون قرار گیرد. این امر کوچک ترین مغایرتی با افشای همه جانبه و نا باخترشی و ماهیت ارتجاعی کیمته مرکزی این لائمه جاسوسی دولت ضد خلقی شوروی ندارد. از این رو موضع اتخاذ شده توسط چند نفر از اعضا کنفدراسیون را مبنی بر اینکه بعیت عضویت حکمت جو در حزب توده نمیبایستی به شکجه و قتل او اعتراض نمود توجیه استبداد حاکم بر ایران ارزیابی نمود و موضعی ارتجاعی میدانیم. در عین حال معتقدیم که فقدان افشاگری مشی ارتجاعی حزب توده در ریسمان ۵۶ بهنگام طرح مساله حکمت جو نادرست بوده است.

۳- مساله امپریالیسم شوروی بمثابة يك امپریالیسم نواخته دارای اهمیت ویژه‌ای برای جنبش مردم ماست. حکومت شوروی در رقابت و تنبلی با امپریالیسم آمریکا، بغارت منابع طبیعی کشورهای جهان و تلاش مذبحخانه جهت نفوذ، سوءاستفاده و منحرف ساختن جنبشهای آزادیبخش و بالاخره کوشش برای کسب هژمونی در سطح جهان دست زده نه تجلی مشخص این سیاست در ایران در تلاش جهت اسارت مردم ایران بزیور خود میباشد. ما مواضع کثونی این امپریالیسم نواخته و حزب توده در قبال رژیم شاه و طرح مزبورانه شطرنجی رژیم از طرف حزب توده در چارچوب تضاد میان دو ابرقدرت دانسته و آنرا خطری عظیم برای جنبش مردم ایران میدانیم. بدین خاطر معتقدیم که کنفدراسیون باید مبارزه قاطع بر علیه دولت ضد خلقی شوروی و عامل بومی آن، حزب توده را تشدید نماید.

۴- با توجه به شرایط ویژه کنفدراسیون و بخصوص با وظائف بسیاری که اشون در مقابل آن قرار گرفته است، معتقدیم که کوشش تمامی اعضای کنفدراسیون میباشد در جهت ادامه و تحکیم وحدت رزمنده کنفدراسیون بمنظور مبارزه قاطع و آشتی ناپذیر با رژیم ارتجاعی پهلوی و امپریالیسم متوجه گردد. بنابراین طرف کلیه شیوه‌های غیر اصولی در مبارزه سیاسی راه فضای ناسالمی در کنفدراسیون ایجاد نماید لازم میدانیم استفاده از شیوه‌های غیر اصولی در مبارزه سیاسی بر علیه نظریات مخالف خود نظیر ادعای اینکه عده‌ای از اعضای مبارز کنفدراسیون میخواهند راه را برای نفوذ حزب توده باز کنند و یا در مقابل «^۱» بدانکه يك مجموعه نظری ارتجاعی در درون کنفدراسیون موجود است نادرست میدانیم.

۵- نظر به اهمیت مسائل و نظریات طرح شده در بحث آزاد کنگره کنفدراسیون آلمان معتقدیم که هیئت دبیران کنفدراسیون وظیفه داشته است که این مسائل و مواضع اتخاذ شده را با اطلاع مجموعه کنفدراسیون برساند. اما اطلاعیه منتشره توسط هیئت دبیران کنفدراسیون مورد تأیید ما نمیشاند.

سند شماره ۲۶ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم

مندرج در بخش (تغییر ماهیت "خط رزمنده" به "خط راست")

سمینار اردوی کنفدراسیون جهانی - ۱۹۷۴ جمع‌بندی شماره ۳

"جمع‌بندی شماره ۳"

۱ - سرنگونی رژیم پهلوی به مثابه نماینده سرمایه‌داران وابسته و مالکان ارضی و قطع کامل نفوذ امپریالیسم جهانی از ایران و ایجاد جامعه‌ای مستقل و دموکراتیک هدف نهائی جنبش دموکراتیک و ملی مردم ایران می‌باشد که تحقق آن تنها به دست توده‌های مردم بویژه کارگران و دهقانان میسر است. برخورد قاطع به قدرت حاکمه سیاسی و پذیرش و تبلیغ لزوم و ابرام واژگونی رژیم ارتجاعی و وابسته به امپریالیسم نخستین معیار تمیز مشی انقلابی از مشی غیر انقلابی است. شرط اساسی اعتقاد به انقلاب ایران و مجاهدت به خاطر تحقق آن، پرورش توده مردم در پرتو یک سیاست قاطع ضدامپریالیستی و ضدژیمینی یعنی پرورش آنان با ایده سرنگونی رژیم طبقات حاکمه ارتجاعی و وابسته به امپریالیسم.

مواضع و نظریات راست‌روانه ای که قبل از کنگره ۱۲ در کنفدراسیون تظاهر یافته در کنگره ۱۲ کنفدراسیون به صورت دفاع از کار در چارچوب قانون اساسی و سپس مخالفت با انعکاس سیاست قاطع ضدژیمینی و ضدامپریالیستی در منشور کنونی کنفدراسیون تجلی یافتند. با شتاب روز افزونی با مواضع راست‌روانه دیگری تکمیل شده و بالاخره با کوشش‌هایی که به خاطر توجیه تئوریک این نظرات و مواضع صورت گرفتند، با ایجاد یک ارتباط منطقی میان مجموعه این نظریات و مواضع، به صورت یک مشی سیستماتیزه شده راست در آمدند. رشته منطقی مرتبط کننده این مواضع و نظریات که امروزه در تمامی زمینه‌های فعالیت کنفدراسیون تجلیات آشکار خود را نشان داده‌اند، چیزی جز زدودن قاطعیت سیاسی از مبارزات ضدامپریالیستی و ضدارتجاعی کنفدراسیون و وارد نمودن تردد و سستی در این مبارزات، چیزی جز تنزل سطح سیاسی کنفدراسیون و مبارزات آن به یک سطح نازل صنفی نیست این مشی انحرافی راست آشکارا پرورش و تشکل توده دانشجوی به دور مسائل عقب‌افتاده و روزمره را جانشین پرورش و تشکل به دور سیاست قاطع ضدژیمینی و ضدامپریالیستی می‌نماید. تمام استدلالاتی که در مخالفت با انعکاس سیاست سرنگونی رژیم و قطع کامل نفوذ امپریالیسم در منشور کنفدراسیون ارائه شده‌اند از وجود اختناق در ایران و ترس از ریمیده شدن توده‌ها نفی مطلق قابلیت تمامی سازمان‌های توده‌ای و از جمله کنفدراسیون به اتخاذ یک سیاست قاطع ضدژیمینی - ضدامپریالیستی آشکارا نشان می‌دهد که نتیجه منطقی این جز زدوده شدن این سیاست از تمامی زمینه‌های فعالیت کنفدراسیون و در نهایت، زدوده شدن این سیاست از ذهن توده دانشجوی نداشته نظریاتی راست‌روانه و (ناشی) شده از یک بینش سیستماتیزه شده راست است.

۲ - ما با داده‌های کنونی پرویز حکمت‌جو را عضو حزب توده ایران و طبعاً دارای مشی ارتجاعی می‌دانیم و با این حال به اعمال جنایتکارانه رژیم ارتجاعی شاه را در حبس، اعمال ستم و شکنجه تا به حد مرگ حکمت‌جو را قویاً محکوم نموده و بر آنیم که علی‌رغم مشی ارتجاعی حزب توده هرگونه تعدی و اعمال ستم به اعضاء آن از جانب رژیم پهلوی باید مورد اعتراض شدید کنفدراسیون قرار گیرد. این امر کوچک‌ترین مغایرتی با افشای همه‌جانبه و تا به آخر مشی و ماهیت ارتجاعی کمیته مرکزی این لانه جاسوسی دولت ضدخلقی شوروی ندارد. از این رو موضع اتخاذ شده توسط چند نفر از اعضاء کنفدراسیون را مبنی بر اینکه به علت عضویت حکمت‌جو در حزب توده نمی‌بایستی به شکنجه و قتل او اعتراض نمود توجیه استبداد حاکم بر ایران ارزیابی نموده و موضعی ارتجاعی می‌دانیم. در عین حال معتقدیم که فقدان افشاءگری مشی ارتجاعی حزب توده در پیمان ۵۶ به هنگام طرح مساله حکمت‌جو نادرست بوده است.

۳ - مساله امپریالیسم شوروی به مثابه یک امپریالیسم نواخته دارای اهمیت ویژه‌ای برای جنبش مردم ماست. حکومت شوروی در رقابت و تبانی با امپریالیسم آمریکا، به غارت منابع طبیعی کشورهای جهان و تلاش مذبوحانه جهت نفوذ، سوءاستفاده و منحرف ساختن جنبش‌های آزادی‌بخش بالاخره کوشش برای کسب هژمونی در سطح جهان دست زده که تجلی مشخص این سیاست در ایران در تلاش جهت اسارت مردم ایران به زیر یوغ خود می‌باشد. ما مواضع کنونی این امپریالیسم نواخته و حزب توده در قبال رژیم شاه و طرح مزورانه شعار سرنگونی از طرف حزب توده در چارچوب تضاد میان دو ابرقدرت دانسته و آنرا خطری عظیم برای جنبش مردم ایران می‌دانیم. بدین خاطر معتقدیم که کنفدراسیون باید مبارزه قاطع بر علیه دولت ضدخلقی شوروی و عامل بومی آن، حزب توده را تشدید نماید.

۴ - با توجه به شرائط ویژه کنفدراسیون و به خصوص وظائف بسیاری که اکنون در مقابل آن قرار گرفته است، معتقدیم که کوشش تمامی اعضای کنفدراسیون می‌بایست در جهت ادامه و تحکیم وحدت رزمنده کنفدراسیون به منظور مبارزه قاطع آستی‌ناپذیر با رژیم ارتجاعی پهلوی و امپریالیسم متوجه گردد. بنابراین طرد کلیه شیوه‌های غیراصولی در مبارزه سیاسی را که فضای ناسالمی در کنفدراسیون ایجاد نماید لازم می‌دانیم. استفاده از شیوه‌های غیراصولی در مبارزه سیاسی بر علیه نظریات مخالف خود، نظیر ادعای اینکه عده‌ای از اعضای مبارز کنفدراسیون می‌خواهند راه را برای نفوذ حزب توده باز کنند و یا در مقابل اظهار این که یک مجموعه نظری ارتجاعی در درون کنفدراسیون موجود است نادرست می‌دانیم.

۵ - نظر به اهمیت مسائل و نظریات طرح شده در بحث آزاد کنگره فدراسیون آلمان معتقدیم که هیئت دبیران کنفدراسیون وظیفه داشته است که این مسائل و مواضع اتخاذ شده را با اطلاع مجموعه کنفدراسیون برساند. اما اطلاعیه منتشره توسط هیئت دبیران کنفدراسیون مورد تأیید ما نمی‌باشد."

سند شماره ۲۷ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم

مندرج در بخش: (نظر مشترک سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان و "سازمان انقلابی" حزب توده ایران در برخورد به اطلاعاتی ارتجاعی دبیران موقت کنفدراسیون)

جمع‌بندی سمینار کنفدراسیون در اردوی تابستانی ۱۹۷۴

جمع‌بندی سمینار کنفدراسیون در اردوی تابستانی ۱۹۷۴

- ۱- در اوضاع کنونی جهان امپریالیسم آمریکا و سوسیال امپریالیسم شوروی در عین رقابت شدید بمنظور کسب مناطق نفوذ، تقسیم مجدد جهان، استثمار و غارت خلقهای در بند ستم، بتبانی برای سرکوب جنبشهای آزادی بخش پرده افشانند. ولی علیرغم این تلاشهای مذبحخانه مبارزه خلقهای جهان برای آزادی از قید امپریالیسم و ارتجاع ادامه داشته و هرروز رشد و گسترش بیشتری می‌یابد.
- در کشور ما که بیش از پیش به صحنه غارت امپریالیستها تبدیل شده است، امپریالیسم آمریکا به مثابه امپریالیسم متفوق عمل میکند. از اینرو در شرایط کنونی در برخورد به امپریالیستهای مختلف تضاد عمده را تضاد میان خلق و امپریالیسم آمریکا تشکیل میدهد. رژیم خائن محمد رضا شاه بنیادینگی طبقات ارتجاعی حاکم، عامل مستقیم امپریالیسم متفوق آمریکا و مدافع منافع امپریالیسم جهانی است. رژیم ضد خلقی و دست نشانده شاه از طریق اعمال وحشیانه ترور فاشیستی بصیحت می‌کشد. میهن ما را تبدیل به "جزیره ثبات" برای غارتگری سرمایه داران بین‌المللی نمود و به خاطر حفظ تأمین منافع امپریالیست‌ها و طبقات حاکم از هیچگونه ستم و جنایتی در برابر اقشار و طبقات مختلف خلق میهن ما روگردان نیست و دانه سیاست جنایتکارانه و خیانتکارانه او تا بحدی پیش‌رفته که با از مرزهای کشور ما فراتر رفته و به خاطر حفظ منافع امپریالیسم بعنوان ژاندارم منطقه سعی در سرکوب وحشیانه جنبش آزادی بخش عمان می‌نماید. در برابر ستم و استثمار منابع طبیعی کشور، اقشار و طبقات مختلف خلق بیزه - زحمتکشان در طول سالها مبارزه در غسان و رزمند خود علیه ارتجاع و امپریالیسم شایستگی فراوانی نشان داده و علیرغم تمام شرایط ترور و اختناق حاکم و تشبثات رژیم، مبارزاتش هرروز رشد و گسترش بیشتر یافته و در راه انجام انقلاب اجتماعی قربانیان انسانی داده است. رشد و توسعه مبارزات مردم ما بخصوص در سالهای اخیر - اعتصابات متعدد در کارگری، مبارزات دهقانان، مبارزات مسلحانه روشنفکران انقلابی، مبارزات اعتراضی روحانیون مرفعی، اعتصابات و تظاهرات وسیع دانش‌آموزان و دانشجویان مدارس و دانشگاههای ایران گواه بر این است که علیرغم تلاشهای مذبحخانه رژیم، مبارزات بحق خلق ما ادامه داشته و شعله‌های خشم توده‌های خلق در قبال ارتجاع و امپریالیسم خاموش‌شدنی نیست و این مبارزات تا سرنگونی کامل طبقات حاکم به سرکردگی رژیم محمد رضا شاه و قطع کامل نفوذ امپریالیسم و برقراری جمهوری دموکراتیک خلق ادامه دارد.
- سوسیال امپریالیسم اکنون به‌مثابه امپریالیسم نو خاسته تلاش میکند زیر نقاب سوسیالیسم در جنبش‌های آزادی بخش و همچنین در جنبش آزادی بخش ما، توسط عاملین سیاست خود و از جمله در اردو ستم ضد خلقی کمیته مرکزی حزب توده نفوذ نموده و مبارزه خلق ما را منحرف کرده و از این طریق کشور ما را به منطقه نفوذ خود مبدل سازد.
- خلق ما بدون غرضی، دقیق و روشن با اردو ستم ضد خلقی کمیته مرکزی و طرف کامل سیاست آن از جنبش ما و بدون - مبارزه علیه نفوذ سوسیال امپریالیسم شوروی قادر نیست مبارزات خود را بران سرنگونی رژیم طبقات حاکم و قطع کامل نفوذ امپریالیسم و استقرار جمهوری دموکراتیک خلق با قاطعیت به پیش برده و به پیروزی کامل برساند.
- ۲- کنفدراسیون جهانی باتکیه بر ستمهای مبارزه جویانه خود باید بدون معیار قراردادن مشی سیاسی، ایدئولوژیک و شکل‌های اقلی عناصر، گروهها و سازمانهای خلقی از مبارزه و مقاومت آنها بدون قید و شرط دفاع نموده و ترور و اختناق رژیم ضد خلقی شاه را در قبال خلق بطور رسمی و همه جانبه افشا نماید.
- کمیته مرکزی حزب توده ایران که کنفدراسیون جهانی بدستی با آن بعنوان یک اردو ستم ضد خلقی و ضد انقلابی در بند می‌نماید، عامل اجرای منافع سوسیال امپریالیسم شوروی بوده و سیاست آن بر معنی تبانی و رقابت سوسیال امپریالیسم شوروی با امپریالیسم آمریکا تعیین میگردد.
- در مورد سرکوب این اردو ستم از جانب رژیم ارتجاعی و جنایت پیشه شاه، کنفدراسیون نمیتواند از "مبارزه آنان که - آگاهانه هدفش حاکمیت سوسیال امپریالیسم شوروی بر سرنوشته خلق ماست و میخواهد نفوذ امپریالیستی را بجای نفوذ امپریالیسم دیگر بگذارد، دفاع نماید. در چنین مواردی کنفدراسیون باید با گذاردن لیه نیز مبارزه علیه ارتجاع حاکم به افشا، همه جانبه مانیت، احجانات، سنگسرها و جنایات وحشیانه رژیم دست نشانده امپریالیسم پرده افشانده، در عین حال از سیاست ضد خلقی و عوامفریبانه این اردو ستم که سعی در اغفال توده‌های خلق و ایجاد انحراف در جنبش مردم میکند، پرده بردارد.
- در رابطه با کلیه عناصری که فریب این سیاست ضد خلقی را خورده و از این اردو ستم پیروی میکنند در سرنوشت خود حلقه سرکوب رژیم قرار گیرند، کنفدراسیون باید در هر مورد با ارزیابی مشخص بدفاع از مقاومت آنها در برابر رژیم پرده افشانده، باغیت مانیت رژیم سناک محمد رضا شاه و دستگاههای اعتراضی او، ترور وحشیانه فاشیستی اش بپردازد. بمنظور جلوگیری از عرگونه سوءاستفاده از جانب اردو ستم ضد خلقی کمیته مرکزی باید در عین حال مانیت ارتجاعی سیاست آنها را نیز روشن نمود.
- ۳- هیئت دبیران موقت کنفدراسیون بدون تمسک با برخورد خویش در میان ۵۶ با اتخاذ مواضع نادرست، بحثی بصورت

- ۲ -

کنونی را بگفت راسیون تحمیل نموده ، بحثی که در صورت طرح صحیح آن میتوانست بحثی اصولی برای روشن شدن بخشی از مسائل پهنج دفاع باشد . پس از باز شدن این بحث تحمیلی هیئت دبیران موقت کنفدراسیون بجای کمک به حل این معضل جدید با اطلاعیه خود ، این بحث را به مجرای ناسالم و نادرست کشانید .

اساساً تکیه گاه سیاسی اطلاعیه هیئت دبیران موقت کنفدراسیون بر فرسویی پایای استوار است . آنچه که مبنی استدلال هیئت دبیران را تشکیل میدهد ، استدلالی پوچ است که جز اقترا نام دیگری بر آن نمیتوان نهاد . هیئت دبیران موقت مدعی هستند که عدهای تضاد عمده را تضاد خلق با شوروی جلوه میدهند و با حرکت از این فرسویی پایه چنین وانمود میکنند که مبارزه علیه سوسیال امپریالیسم شوروی بمثابة دشمن خلقهای ایران مترادف با تعطیل مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و رژیم خائن محمد رضا شاه است .

علاوه بر این ، این اطلاعیه مانند پیمان ۶۵ تصویر نادرستی از مصوبات و مواضع رژیمده کنفدراسیون در قبال دارودسته کبیته مرکزی بدست داده و مرز بندی دقیق با این دارودسته ضد خلقی را مخدوش جلوه میدهد .

هیئت دبیران موقت بجای باز کردن یک بحث اصولی برای روشن شدن مسائل دفاعی با توسل به برجسب زنی با استناد به از شیوه های برخورد برون خلقی نسبت به بخشی از اعضا کنفدراسیون ، بوحدت رژیمده درونی کنفدراسیون در مبارزه علیه رژیم شاه و امپریالیسم لاله وارد آورده که در نتیجه باعث بوجود آوردن محیط ناسالم ، مسموم ، تفرقه و عدم اعتماد در واحدها گردیده است .

بر مبنی آنچه که ذکر شد معتقدیم که اطلاعیه هیئت دبیران موقت کنفدراسیون مردود بوده و باید مجموعه کنفدراسیون به آن برخوردی قاطع بنماید .

۴- بنظر ما وجود پاره ای اختلاف نظرات اصولی در درون کنفدراسیون امری است طبیعی که بهیچوجه نمیتواند مانعی در مقابل وحدت اعضای کنفدراسیون در مبارزه مشترک علیه امپریالیسم و ارتجاع باشد . از این رو برخورد به این اختلاف نظرها باید برخوردی درون خلقی بوده تا بتواند بحث در مورد آنها را به مبارزه ای اصولی و سیاسی در خدمت هرچه قاطعتر نمودن مبارزه کنفدراسیون جهانی علیه امپریالیسم و ارتجاع نماید .

متأسفانه در دو سال اخیر با چنین شیوه درستی روبرو نبودیم . بلکه برعکس عده ای با ایجاد محیط ناسالم ، شایعه پراکنی ، امکان انجام بحثهای اصولی بخاطر حل معضلات کونی جنبش دانشجویی را به حداقل خود رسانده و بر این اصل که تنها در محیطی سالم و عادی از برجسب زنی امکان بحث سالم سیاسی و نتیجه گیری درست از آن موجود است ، خط بطلان کشیده اند . لذا باتوجه به این نکته مهم برای پایان دادن به چنین محیطی در کنفدراسیون بخصوص در زمانیکه امروز تعداد بیشتری از رفقا به اهمیت لزوم آن پی میبرند ، لازم است که نمکی در جهت تحقق آن ، دوش بدوش هم گام برداریم تا زمینه را برای استفاده از شیوه اجتماع و سبک کار و مکرانیک فراهم گردانیم .

سند شماره ۲۷ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم

مندرج در بخش: (نظر مشترک سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان و "سازمان انقلابی" حزب توده ایران در برخورد به اطلاعاتی ارتجاعی دبیران موقت کنفدراسیون)

جمع‌بندی سمینار کنفدراسیون در اردوی تابستانی ۱۹۷۴

"جمع‌بندی سمینار کنفدراسیون در اردوی تابستانی ۱۹۷۴"

۱ - در اوضاع کنونی جهان امپریالیسم آمریکا و سوسیال‌امپریالیسم شوروی در عین رقابت شدید به منظور کسب مناطق نفوذ، تقسیم مجدد جهان، استثمار و غارت خلق‌های دربند ستم، به تبانی برای سرکوب جنبش‌های آزادی‌بخش پرداخته‌اند. ولی علی‌رغم این تلاش‌های مذبوحانه مبارزه خلق‌های جهان برای آزادی از قید امپریالیسم و ارتجاع ادامه داشته و هر روز رشد و گسترش بیش‌تری می‌یابد.

در کشور ما که بیش از پیش به صحنه غارت امپریالیست‌ها تبدیل شده است، امپریالیسم آمریکا به مثابه متفوق عمل می‌کند. از اینرو در شرایط کنونی در برخورد به امپریالیست‌های مختلف تضاد عمده را تضاد میان خلق و امپریالیسم آمریکا تشکیل می‌دهد. رژیم خائن محمدرضا شاه به نمایندگی طبقات ارتجاعی حاکم، عامل مستقیم امپریالیسم متفوق آمریکا و مدافع منافع امپریالیسم جهانی است. رژیم ضدخلق و دست‌نشانده شاه از طریق اعمال وحشیانه‌ترین ترور فاشیستی به عبث می‌کوشد میهن ما را تبدیل به "جزیره ثبات" برای غارتگری سرمایه‌داران بین‌المللی نموده و بخاطر حفظ تأمین منافع امپریالیست‌ها و طبقات حاکم از هیچ‌گونه ستم و جنایتی در برابر اقشار و طبقات مختلف خلق میهن ما روگردان نیست و دامنه سیاست جنایتکارانه و خیانت‌کارانه او تا به حدی پیش رفته که پا از مرزهای کشور ما فراتر گذارده و بخاطر حفاظت از منافع امپریالیسم به عنوان ژاندارم منطقه سعی در سرکوب وحشیانه جنبش آزادی‌بخش عمان می‌نماید. در برابر ستم و استثمار منابع طبیعی کشور، اقشار و طبقات مختلف خلق بویژه زحمتکش‌ان در طول سال‌ها مبارزه درخشان و رزمنده خود علیه ارتجاع و امپریالیسم شایستگی فراوانی نشان داده و علی‌رغم تمام شرایط ترور و اختناق حاکم و تشبیهات رژیم، مبارزاتش هر روز رشد و گسترش بیش‌تر یافته و در راه انجام انقلاب اجتماعی قربانیان فراوانی داده است. رشد و توسعه مبارزات مردم ما به خصوص در سال‌های اخیر - اعتصابات متعدد کارگری، مبارزات دهقانان، مبارزات مسلحانه روشن‌فکران انقلابی، مبارزات اعتراضی روحانیون مرفعی، اعتصابات و تظاهرات وسیع دانش‌آموزان و دانشجویان مدارس و دانشگاه‌های ایران گواه بر این است که علی‌رغم تلاش‌های مذبوحانه رژیم، مبارزات به حق خلق ما ادامه داشته و شعله‌های خشم توده‌های خلق در قبال ارتجاع و امپریالیسم خاموش‌شدنی نیست و این مبارزات تا سرنوشتی کامل طبقات حاکم به سرکردگی رژیم محمد رضا شاه و قطع کامل نفوذ امپریالیسم و برقراری جمهوری دموکراتیک خلق ادامه دارد.

سوسیال‌امپریالیسم اکنون به مثابه امپریالیسم نوحاسته تلاش می‌کند زیر نقاب سوسیالیسم در جنبش‌های آزادی‌بخش و همچنین در جنبش آزادی‌بخش ما، توسط عاملین سیاست خود و از جمله دارودسته ضدخلق کمیته مرکزی حزب توده نفوذ نموده و مبارزه خلق ما را منحرف کرده و از این طریق کشور ما را به منطقه نفوذ خود مبدل سازد.

خلق ما بدون مرزبندی دقیق و روشن با دارودسته ضدخلق کمیته مرکزی و طرد کامل سیاست آن از جنبش ما و بدون مبارزه علیه نفوذ سوسیال‌امپریالیسم شوروی قادر نیست مبارزات خود را برای سرنوشتی رژیم طبقات حاکم و قطع کامل نفوذ امپریالیسم و استقرار جمهوری دموکراتیک خلق با قاطعیت به پیش برده و به پیروزی کامل برساند.

۲ - کنفدراسیون جهانی با تکیه بر سنت‌های مبارزه‌جویانه خود باید بدون معیار قرار دادن مشی سیاسی، ایدئولوژیک و شکل مبارزاتی عناصر، گروه‌ها و سازمان‌های خلقی از مبارزه و مقاومت آنها بدون قید و شرط دفاع نموده و ترور و اختناق رژیم ضدخلق شاه را در قبال خلق بطور رسمی و همه‌جانبه افشاء نماید.

کمیته مرکزی حزب توده ایران که کنفدراسیون جهانی بدرستی با آن به عنوان یک دارودسته ضدخلق و ضدانقلابی مرزبندی نموده است، عامل اجرای منافع سوسیال‌امپریالیسم شوروی بوده و سیاست آن بر مبنی تبانی و رقابت سوسیال‌امپریالیسم شوروی با امپریالیسم آمریکا تعیین می‌گردد.

در مورد سرکوب این دارودسته از جانب رژیم ارتجاعی و جنایت پیشه شاه، کنفدراسیون نمی‌تواند از "مبارزه" آنان که آگاهانه هدفش حاکمیت سوسیال‌امپریالیسم شوروی بر سرنوشت خلق ماست و می‌خواهد نفوذ امپریالیستی را به جای نفوذ امپریالیسم دیگر بگذارد، دفاع نماید. در چنین مواردی کنفدراسیون باید با گذاردن لبه تیز مبارزه علیه ارتجاع حاکم به افشاء همه‌جانبه ماهیت، اجحافات، ستمگری‌ها و جنایات وحشیانه رژیم دست‌نشانده امپریالیسم پرداخته، در عین حال از سیاست ضدخلقی و عوام‌فریبانه این دارودسته که سعی در اغفال توده‌های خلق و ایجاد انحراف در جنبش مردم می‌کند، پرده بردارد.

در رابطه با کلیه عناصری که فریب این سیاست ضدخلقی را خورده و از این دارودسته پیروی می‌کنند در صورتی که مورد حمله و سرکوب رژیم قرار گیرند، کنفدراسیون باید در هر مورد با ارزیابی مشخص به دفاع از مقاومت آنها در برابر رژیم پرداخته، بافشاء ماهیت رژیم سفاک محمدرضا شاه و دستگاه‌های اهریمنی او، ترور وحشیانه فاشیستی‌اش بپردازد. به منظور جلوگیری از هرگونه سوء استفاده از جانب دارودسته ضدخلقی کمیته مرکزی باید در عین حال ماهیت ارتجاعی سیاست آنها را نیز روشن نمود.

۳ - هیئت دبیران موقت کنفدراسیون بدون تعمق با برخورد خویش در پیمان ۵۶ با اتخاذ مواضع نادرست، بحثی بصورت کنونی را به کنفدراسیون تحمیل نموده، بحثی که در صورت طرح صحیح آن می‌توانست بحثی اصولی برای روشن شدن بخشی از مسائل بغرنج دفاع باشد. پس از باز شدن این بحث تحمیلی هیئت دبیران موقت کنفدراسیون بجای کمک به حل این معضل جدید با اطلاعیه خود، این بحث را به مجرای ناسالم و نادرست کشانید.

اساساً تکیه‌گاه سیاسی اطلاعیه هیئت دبیران موقت کنفدراسیون بر فرض بی‌پایه‌ای استوار است. آنچه که مبنی استدلال هیئت دبیران را تشکیل می‌دهد، استدلالی پوچ است که جر افترا نام دیگری بر آن نمی‌توان نهاد. هیئت دبیران موقت هستند که عده‌ای تضاد عمده را تضاد خلق با شوروی جلوه می‌دهند و با حرکت از این فرض بی‌پایه چنین وانمود می‌کنند که مبارزه علیه سوسیال‌امپریالیسم شوروی به مثابه دشمن خلق‌های ایران مترادف با تعطیل مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و رژیم خائن محمد رضا شاه است.

علاوه بر این، این اطلاعیه مانند پیمان ۵۶ تصویر نادرستی از مصوبات و مواضع رزمنده کنفدراسیون در قبال دارودسته کمیته مرکزی بدست داده و مرزبندی دقیق با این دارودسته ضدخلقی را مخدوش جلوه می‌دهد.

هیئت دبیران موقت به جای باز کردن یک بحث اصولی برای روشن شدن مسائل دفاعی با توسل به برچسب‌زنی با استفاده از شیوه‌های برخورد برون خلقی نسبت به بخشی از اعضای کنفدراسیون، به وحدت رزمنده درونی کنفدراسیون در مبارزه علیه رژیم شاه و امپریالیسم لطمه وارد آورده که در نتیجه باعث بوجود آوردن محیط ناسالم، مسموم، تفرقه و عدم اعتماد در واحدها گردیده است.

بر مبنی آنچه که ذکر شد معتقدیم که اطلاعیه هیئت دبیران موقت کنفدراسیون مردود بوده و باید مجموعه کنفدراسیون به آن برخوردی قاطع بنماید.

۴ - به نظر ما وجود پاره‌ای اختلاف نظرات اصولی در درون کنفدراسیون امری طبیعی که بهیچوجه نمی‌تواند مانعی در مقابل وحدت اعضای کنفدراسیون در مبارزه مشترک علیه امپریالیسم و ارتجاع باشد. از این رو برخورد به این اختلاف نظرها باید برخوردی درون خلقی بوده تا بتواند بحث در مورد آنها را به مبارزه‌ای اصولی و سیاسی در خدمت هر چه قاطع‌تر نمودن مبارزه کنفدراسیون جهانی علیه امپریالیسم و ارتجاع نماید.

متأسفانه در دوسال اخیر با چنین شیوه درستی روبرو نبوده‌ایم. بلکه برعکس عده‌ای با ایجاد محیط ناسالم، شایعه‌پراکنی، امکان انجام بحث‌های اصولی به خاطر حل معضلات کنونی جنبش دانشجویی را به حداقل خود رسانده و بر این اصل که تنها در محیطی سالم و عادی از برچسب زنی امکان بحث سالم سیاسی و نتیجه‌گیری درست از آن موجود است، خط بطلان کشیده‌اند. لذا با توجه به این نکته مهم برای پایان دادن به چنین محیطی در کنفدراسیون به خصوص در زمانی که هر روز تعداد بیش‌تری از رفقا به اهمیت لزوم آن پی‌می‌برند، لازم است که همگی در جهت تحقق آن، دوش به دوش هم گام برداریم تا زمینه را برای استفاده از شیوه اقناع و سبک کار دموکراتیک فراهم گردانیم."

سند شماره ۲۸ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم

مندرج در بخش: (نظریه دبیران فدراسیون آلمان در مورد اختلافات و اتخاذ سیاست تشدید مبارزه علیه رژیم شاه در خدمت وحدت کنفدراسیون جهانی)

اظهار نظر مونیخ در مورد اقدامات کنونی انشعابگران



بنابر ۱۹۲۳ و ۱۹۲۷

اظهار نظر مونیخ در مورد اقدامات کنونی انشعابگران

هفته گذشته انشعابگران مونیخ که مدت‌ها مقاصد انشعابگرانه خود را در پشت کمیسیون فرهنگ — مشو پروزل وگ * Thco Proselweg (کمیسیون که در سال گذشته با انجمن وارگانهای رهبری — کنند و اساساً روابطی نداشته است) پنهان کرده بودند ، بالاخره دست به اعلان " انجمن شهر مونیخ " و " هیئت اجرایی " از زمین روئیده آن زدند .

این عده ، قلیل که تعدادشان کمتر از تعداد انگشتان دست است ، برنامه‌های متعددی را در اجرای نیات ضد کنگد راسیونی خود عملی نموده‌اند . تا تاریخ ۲۶/۴/۲۷ (تاریخ ترك انجمن) آنها میکوشیدند با ایجاد تشنج در جلسات انجمن مونیخ ، نامیدن انجمن بعنوان " تأمین کننده " اختناق رژیم " ، تأمین کننده دیکتاتوری رژیم شاه " ، ارتجاعی خواندن انجمن و هیئت اجرایی آن و بسیاری اراجیف دیگر ، انجمن را از درون متلاشی — سازند . پس از اینکه نقشه‌های شوم این عده نقش بر آب گشت ، آنها ترك انجمن گفتند . از آن بیعت ناگهیکسان خرابکاری در آکسیونهای انجمن و یا فدراسیون در مونیخ (تظاهرات برای دفاع از و نگر مبارز) ، تبلیغات سو علیه انجمن نیز سازمانهای مترقی آلمانی و خارجی ، شایعه پراکنی و دروغ بود . حرکت جدید این عده در مونیخ بخشی از حرکت انشعابگرانه خط راست است که به الهام از اطلاعات ۱۱ اگوست به آخرین قدمهای — تشکیلاتیش میرسد . در آمریکا خط راست با تدارک قبلی (تهیه سالن جهت برگزاری کنگره فدراسیون آمریکا بصورت مجزا) و پس از اینکه شدیداً از طرف توده وسیع شرکت کننده در کنگره افشا گشتند ، کنگره فدراسیون آمریکا را ترك گفته و به دستور و نگر غاصب نام کنگره راسیون در سطح تشکیل جلسه‌ای بنام کنگره زدند .

در ادامه خط تفرقه افکنانه خود این عده در هفته گذشته جلسه‌ای را در کین بنام جلسه تدارک کنگره — فدراسیون آلمان تشکیل دادند . آن چیزی که در این جلسه بچشم نمیخورد شرکت توده‌ها در آن بود . این — نشانه ورشکستگی این عده در سیاست ضد کنگد راسیونی خود میباشد . انشعابگران در آن عده قلیل شهرهای اروپا و آمریکا که میتوانند انجمنهای دانشجویی را دوشقه نمودند ، آنها حتی از شیوه‌های معرفی افراد به پلیس و یا مراجع ارتجاعی آلمان (گیس و کارلسروهه) ، زور و قلدری (کک زدن دبیر سابق کنگد راسیون) ، هم استفاده میکنند . راهی را که اینها دنبال میکنند جز جدائی از جنبش دموکراتیک خلق ایران نیست .

رفقا ! انجمن مونیخ از دوران پیدایش این خط انشعابگرانه با آن مبارزه نمود و مکرراً در موضع گیریهای خود آنرا افشا کرده است . در قطعنامه ۱۷/۴/۲۷ در مورد خروج این عده از انجمن چنین می‌آید :

" آنچه که اکنون در مونیخ میگذرد نه تازگی دارد و نه استثنائی است . یایه‌های این سیاست انشعابی از سال گذشته پس از گرایش عده‌ای در اعاده حیثیت برای " کمیته مرکزی حزب توده " و مخالفت بی پرده آنها با قطعنامه کنگد راسیون علیه سیاست ضد خلقی و توسعه طلبانه شوروی ریخته شد . خود داری از برخورد به سیاست ضد خلقی شوروی در مورد جنبش‌های انقلابی و از آن جمله مبارزات آزاد بیخش خلق قهرمان ظفار ، نامیدن حکمت جو عضو " کمیته مرکزی حزب توده " بعنوان فرزند خلق ، همکاری مستقیم با حامین سیاست ضد خلقی شوروی تحت عنوان آکسیونهای دفاعی همه و همه بیانگر این سیاست نامعوم بود .

سیاستی که بطور تعریف شده در اطلاعیه ۱۱ آگوست ۱۹۷۴ هیئت دپیران موقت کفدراسیون و سپس در - گزارش همین هیئت به کنگره شانزدهم، با جانشی زدن یکسری نکات انحرافی دیگر در معرض همگان قرار گرفت. عاظمین این سیاست برای اجرای قطعی سیاست انشعابی خود در کنگره ۱۶ از مدتی قبل بتدارک وسیع پرداخته بودند. ولی با تمام زدن و پندها و قول و قرارهایی که این گوشه و آن گوشه دادند با شکست رسوا کننده‌های روبرو شدند. اکنون تمام دستهای که برای تلاشی کردن کفدراسیون در حرکت بودند به هم حلقه شده‌اند تا سیاست مزبور را سریعتر به اجرا درآورند.

تمام کسانی که با تز "تجزیه خرده بورژوازی" خود خیانت و انحطاط را پروسه‌ای طبیعی برای کفدراسیون میدانند، تمام کسانی که با بانک رسا و یا زمزمه وار علیه کفدراسیون به تبلیغ سپرداختند، تمام کسانی که دشمنی با چین توده‌ای و دفاع از شوروی و "کینه مرکزی" را بی پروا دنبال میکنند و خلاصه تمام کسانی که در صدد تا کفدراسیون را به مبلغ شیوه چریکی شهری تبدیل کنند، مشترکا در تلاش خرابکاری بیشتری هستند.

اکنون در اثر مبارزه شریک‌گلی نظرات درون کفدراسیون، انشعابگران نتوانستند در امیال ضلوع کفدراسیونی خود موفقیتی بدست آورند. کوشش آنها در کشیدن کفدراسیون به همکاری و معاشات با کینه مرکزی و زیر پا گزاردن دست‌آورد چندین ساله کفدراسیون در افشا سیاست ضد خلقی و ضد انقلابی ابرقدرت شوروی تبدیل کفدراسیون به سازمان مبلغ شیوه چریکی (نه سازمانی مدافع سازین درون کشور و مبلغ مبارزات آنها در سطح دموکراتیک) و تبدیل کفدراسیون به سازمان ضد کمونیستی، همه اینها در میان توده وسیع دانشجویی افشا گشته است و نظرات آنها دیگر خریداری ندارد. برای این عده و همکاران و اخورده ضد کفدراسیونی شان آتیه‌ای جز آتیه کینه مرکزی موجود نیست.

اما آنچه در شرایط کنونی دارای اهمیت ویژه است این است که از موجودیت کفدراسیون به دفاع برخاسته و ننگ داریم که خلق ایران در افشا و مبارزه علیه رژیم این یگانه سازمان علمی، توده‌ای و دانشجویی خود را از دست بدهد. کفدراسیون در طول تاریخ ۱۵ ساله خود نشان داده است که با جلب قسمت وسیعی از توده دانشجویان ایرانی و با تکیه بر آنها رژیم دامنش پهلوی را در سطح بین‌المللی روز بروز رسانتر و بی‌آبروتر کرده است و بهر کجا که شاه قدم گذاشت با موج عظیم خشم و نفرت جهانیان روبرو گشت. برماست که تمام همت خود را در حفظ و گسترش کفدراسیون نهیم. ما معتقدیم که میتوان برپایه مثنی و مصوبات سنتی کفدراسیون که در کنگره شانزدهم نیز منعکس است، این خواست را برآورد نمود. ما برآنیم که باید عمده را از غیر عمده تمیز داد، خیالات واهی را از سر دور نمود و در مقابل عده قلیل انشعابگران وحدت رزمنده توده متشکل در کفدراسیون رانضمین کرد. طرح نظریاتی مانند اینکه امکان وحدت در برابر انشعابیون وجود ندارد و یا "کنند راسیون به چند شاخه تقسیم شود که شاید در زمانی دور مجددا بهم پیوندند" و یا هرگونه تز دیگری که فاقد موضع قاطع در برابر انشعابیون باشد، در مواقع تسلیم طلبی در مقابل انشعابیون و آب به آشیاب آنها ریختن است. ما معتقدیم با وجود اختلافات موجود، کفدراسیون میتواند به مبارزه خود همچنان ادامه دهد.

مستحکم باد وحدت رزمنده کفدراسیون

سرتگون باد رژیم فاشیستی محمد رضا شاه

موفق باد مبارزه خلق ستمدیده ایران.

انجمن محصلین و دانشجویان ایرانی مقیم مونیخ

سند شماره ۲۸ دفتر اسناد ضمیمه فصل شانزدهم

به تاریخ ۱۹۷۵/۹/۳

اظهار نظر مونیخ در مورد اقدامات کنونی انشعابگران

هفته گذشته انشعابگران مونیخ که مدت‌ها مقاصد انشعابگرانه خود را در پشت کمیسیون فرهنگی "نئوپروزل" Theo Proselweg (کمیسیونی که در سال گذشته با انجمن و ارگان‌های رهبری کننده‌اش اصولاً رابطه‌ای نداشته است) پنهان کرده بودند، بالاخره دست به اعلان "انجمن شهر مونیخ" و "هیئت اجرائیه"ی از زمین روئیده آن زدند.

این عده قلیل که تعدادشان کم‌تر از تعداد انگشتان دست است، برنامه‌های متعددی را در اجرای نیت ضدکنفدراسیونی خود عملی نموده‌اند. تا تاریخ ۷۵/۴/۲۶ (تاریخ ترک انجمن) آنها می‌کوشیدند با ایجاد تشنج در جلسات مونیخ، نامیدن انجمن به عنوان "تامین کننده"، "اختناق رژیم"، "تامین کننده دیکتاتوری رژیم شاه"، ارتجاعی خواندن انجمن و هیئت اجرائیه آن و بسیاری اراجیف دیگر، انجمن را از درون متلاشی سازند. پس از اینکه نقشه‌های شوم این عده نقش بر آب گشت، آنها ترک انجمن گفتند. از آن ببعد تاکتیکشان خرابکاری در آکسیون‌های انجمن و یا فدراسیون در مونیخ (تظاهرات برای دفاع از ۹ نفر مبارز)، تبلیغات سوء علیه انجمن نزد سازمان‌های مترقی آلمانی و خارجی، شایعه‌پراکنی و دروغ بود. حرکت جدید این عده در مونیخ بخشی از حرکت انشعابگرانه خط راست است که به الهام از اطلاعیه ۱۱ آگوست به آخرین قدم‌های تشکیلاتیش می‌رسد. در آمریکا خط راست با تدارک قبلی (تهیه سالن جهت برگزاری کنگره فدراسیون آمریکا به صورت مجزا) و پس از اینکه شدیداً از طرف توده وسیع شرکت کننده در کنگره افشاء گشتند، کنگره فدراسیون آمریکا را ترک گفته و به دستور دونفر غاصب نام کنفدراسیون، دست به تشکیل جلسه‌ای بنام کنگره زدند.

در ادامه خط تفرقه‌افکنانه خود این عده در هفته گذشته جلسه‌ای را درگینس بنام جلسه تدارک کنگره فدراسیون آلمان تشکیل دادند. آن چیزی که در این جلسه به چشم نمی‌خورد شرکت توده‌ها در آن بود. این نشانه ورشکستگی این عده در سیاست ضدکنفدراسیونی خود می‌باشد. انشعابگران، در آن عده قلیل شهرهای اروپا و آمریکا که می‌توانستند، انجمن‌های دانشجویی را دو شقه نمودند. آنها حتی از شیوه‌های معرفی افراد به پلیس و یا مراجع ارتجاعی آلمان (گینس و کارلسروهه)، زور و قلدری (کتک زدن دبیر سابق کنفدراسیون)، هم استفاده می‌کنند. راهی را که اینها دنبال می‌کنند جز جدائی از جنبش دموکراتیک خلق ایران نیست.

رفقا! انجمن مونیخ از دوران پیدایش این خط انشعابگرانه با آن مبارزه نمود و مکرراً در موضع‌گیری‌های خود آنرا افشاء کرده است. در قطعنامه ۷۵/۵/۱۷ در مورد خروج این عده از انجمن چنین می‌آید:

"آنچه که اکنون در مونیخ می‌گذرد نه تازگی دارد و نه استثنائی است. پایه‌های این سیاست انشعابی از سال گذشته پس از گرایش عده‌ای در اعاده حیثیت برای "کمیته مرکزی حزب توده" و مخالفت بی‌پرده آنها با قطعنامه کنفدراسیون علیه سیاست ضدخلقی و توسعه‌طلبانه شوروی ریخته شد. خودداری از برخورد به سیاست ضدخلقی شوروی در مورد جنبش‌های انقلابی و از آن جمله مبارزات آزادی‌بخش خلق قهرمان ظفار، نامیدن حکمت‌جو عضو "کمیته مرکزی حزب توده" به عنوان فرزند خلق، همکاری مستقیم با حامیلین سیاست ضدخلقی شوروی تحت عنوان آکسیون‌های دفاعی همه و همه بیانگر این سیاست نامیمون بود. سیاستی که بطور تدوین شده در اطلاعیه ۱۱ آگوست ۱۹۷۴ هیئت دبیران موقت کنفدراسیون و سپس در گزارش همین هیئت به کنگره شانزدهم، با چاشنی زدن یک سری نکات انحرافی دیگر در معرض همگان قرار گرفت. عاملین این سیاست برای اجرای قطعی سیاست انشعابی خود در کنگره ۱۶ از مدتی قبل بتدارک وسیع پرداختند. ولی با تمام زد و بندها و قول‌قارهایی که این گوشه و آن گوشه دادند با شکست رسوا کننده‌ای روبرو شدند. اکنون تمام دست‌هائی که برای متلاشی کردن کنفدراسیون در حرکت بودند به هم حلقه شده‌اند تا سیاست مزبور را سریع‌تر به اجرا در آورند.

تمام کسانی که با تر "تجزیه خرده‌بورژوازی" خود خیانت و انحطاط را پروسه‌ای طبیعی برای کنفدراسیون می‌دانند، تمام کسانی که با بانگ رسا و یا زمزمه‌وار علیه کنفدراسیون به تبلیغ می‌پرداختند، تمام کسانی که دشمنی با چین توده‌ای و دفاع از

شوروی و "کمیته مرکزی" را بی پروا دنبال می کنند و خلاصه تمام کسانی که در صددند تا کنفدراسیون را به مبلغ شیوه چریکی شهری تبدیل کنند، مشترکا در تلاش خرابکاری بیش تر هستند.

اکنون در اثر مبارزه ثمر بخش کلیه نظرات درون کنفدراسیون، انشعابگران نتوانستند در امیال ضدکنفدراسیونی خود موفقیتی به دست آورند. کوشش آنها در کشیدن کنفدراسیون به همکاری و مماشات با کمیته مرکزی و زیر پا گذاردن دست آورد چندین ساله کنفدراسیون در افشاء سیاست ضدخلقی و ضدانقلابی ابرقدرت شوروی تبدیل کنفدراسیون به سازمان مبلغ شیوه چریکی (نه سازمانی مدافع مبارزین درون کشور و مبلغ مبارزات آنها در سطح دموکراتیک) و تبدیل کنفدراسیون به سازمان ضدکمونیستی، همه اینها در میان توده وسیع دانشجویی افشاء گشته است و نظرات آنها دیگر خریداری ندارد. برای این عده و همکاران واخورده ضدکنفدراسیونی شان آتیه ای جز آتیه کمیته مرکزی موجود نیست.

اما آنچه در شرائط کنونی دارای اهمیت ویژه است، این است که از موجودیت کنفدراسیون به دفاع برخاسته و نگذاریم که خلق ایران در افشاء و مبارزه علیه رژیم این یگانه سازمان علنی، توده ای و دانشجویی خود را از دست بدهد. کنفدراسیون در طول تاریخ ۱۵ ساله خود نشان داده است که با جلب قسمت وسیعی از توده دانشجویان ایرانی و با تکیه بر آنها رژیم ددمنش پهلوی را در سطح بین المللی روزبروز رسواتر و بی ابروتر کرده است و به هر کجا که شاه قدم گذاشت با موج عظیم خشم و نفرت جهانیان روبرو گشت. برماست که تمام همت خود را در حفظ و گسترش کنفدراسیون نهیم. ما معتقدیم که می توان بر پایه مشی و مصوبات سنتی کنفدراسیون که در کنگره شانزدهم نیز منعکس است، این خواست را بر آورد نمود. ما برآنیم که باید عمده را از غیر عمده تمیز داد، خیالات واهی را از سر پدر نمود و در مقابل عده قلیل انشعابگران وحدت رزمنده توده متشکل در کنفدراسیون را تضمین کرد. طرح نظریاتی مانند اینکه "امکان وحدت در برابر انشعاییون وجود ندارد" و یا "کنفدراسیون به چند شاخه تقسیم شود که شاید در زمانی دور مجددا بهم بپیوندند" و یا هرگونه تز دیگری که فاقد موضع قاطع در برابر انشعاییون باشد، در واقع تسلیم طلبی در مقابل انشعاییون و آب به آسیاب آنها ریختن است. ما معتقدیم با وجود اختلافات موجود، کنفدراسیون می تواند به مبارزه خود همچنان ادامه دهد.

مستحکم باد وحدت رزمنده کنفدراسیون

سرنگون باد رژیم فاشیستی محمدرضا شاه

موفق باد مبارزه خلق ستمدیده ایران

انجمن محصلین و دانشجویان ایرانی مقیم مونیخ"

